

مثل یک شوخی
امیرحسین ثابتی

ناراضیتی زیر سوال نرود
سجاد سالک

ساختارشکنی‌های
احمدی نژاد الگو قرار گرفت
گفت‌وگو با محسن غرویان

اصلاح‌طلبان به اصولگرایان
اتهام شروع آشوب زدند
گفت‌وگو با ناصر ایمانی



دولت بزرگ دولت محافظه‌کار

بررسی ابعاد اقتصادی
آشوب‌های اخیر با این سؤال
که آیا دولت روحانی در بخش
اقتصادی ورشکسته است؟

مستخدمین حسینی: دولت متوجه
نیست در جامعه چه خبر است
اسدالله عسکراولادی: دولت
ورشکسته نیست
حشید پژویان: امیدی به دولت
روحانی نیست

آشوب اعتراض را ربود

آشوب‌گران با حمایت دشمنان ایران از اعتراض مردم به مشکلات
معیشتی و اقتصادی برای ساختارشکنی سوءاستفاده کردند

دست‌چدنی

حمایت مستقیم ترامپ و نتانياهو
از آشوب‌های ایران به چه معناست؟

عبور جامعه از اصلاح‌طلبان

آشوب‌ها چه تاثیری
در آرایش نیروهای سیاسی می‌گذارد؟

ساختارشکنی

احمدی نژاد به واسطه اغتشاش‌های اخیر
مورد انتقاد جناح‌های سیاسی قرار گرفته است

نسخه جان بولتن

برای کاخ سفید

خروج ترامپ از برجام با هدف
حمایت از آشوب‌ها طراحی شده است

هیچ گروه سیاسی

مرجع اتفاق‌های اخیر نشد

گفت‌وگو با ابراهیم فیاض

راز اعتراض‌های مشهد

گفت‌وگو با عضو جبهه
پایداری در مشهد



هوادول

www.mci.ir

بسته به مصرف

پیشنهاد بسته اینترنتی متناسب با مصرف شما

فعال سازی با شماره گیری #۲۱*۱۰۰۰*



با کوثر کارت

از تیم محبوبتون حمایت کنید



• امکان افتتاح حساب در هر یک از ۳۵۱ شعبه موسسه اعتباری کوثر در سراسر کشور
• حمایت از تیم بدون پرداخت هزینه و تنها با افزایش تراکنش های مالی با کوثر کارت



اقتصاد مقاوم



طرح حاتم: اعطای تسهیلات ارزان قیمت برای خرید

کالای با کیفیت ایرانی

تسهیلات تا سقف ۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

مدت بازپرداخت ۳۶ ماهه

فرخ سود تسهیلات ۱۵٪



بانک انصار

مرکز خدمات مشتریان ۰۹۶۳۰۰
www.ansarbank.ir

[AnsarBank](https://www.instagram.com/AnsarBank)
[@Ansar_Bank](https://www.facebook.com/Ansar_Bank)

هنر مدرن؛ بررسی و تحلیل هنر معاصر جهان

نویسنده: مرتضی گودرزی (دیباچ)

ناشر: سوره مهر

تعداد صفحات: ۸۶۸



«هنر مدرن»، یک کتاب تاریخی و تحلیلی، در زمینه شناخت مکاتب هنری معاصر است. نویسنده با تألیف این کتاب قصد داشته جریان‌ها و مکاتب هنری معاصر، اعم از مدرن و پست‌مدرن را، در ظرف زمانی خود، بررسی کند و نشان دهد که این مکاتب، هر کدام در چه اوضاع و با چه زمینه‌های فکری و اجتماعی ویژه‌ای شکل گرفته و رشد کرده‌اند. در این کتاب، اگرچه درون‌مایه تاریخی برجسته‌ای به چشم می‌خورد، اما تحلیل و تفسیر هنری نیز جایگاه مهمی دارد و بدون درک حداقلی از مبانی هنر، فهم و دریافت مفاهیم کتاب برای خواننده مشکل خواهد شد.

نویسنده در این کتاب از یک زاویه دید مشخص و با یک نگاه ثابت به تحلیل همه پدیده‌های هنری معاصر پرداخته و همه را زیر یک ذره‌بین برده است و در طول کار خود از قضاوت‌های یک‌جانبه پرهیز و کوشش کرده نگاهی واقع‌بینانه بر تحلیل‌های او حاکم باشد.

ترتیب پیشرفت کار کتاب، بر اساس ادوار تاریخی هنر است و در فصل‌های کتاب به این موضوعات می‌پردازد و به لحاظ جامعیت و شمول، چه از جهت نظری و چه از نظر تاریخی، کامل است و کوشش کرده هیچ اتفاق مهمی را از قلم نیاندازد.

مطالعه این کتاب، دید موسعی را برای پژوهشگران هنر به وجود می‌آورد تا بتوانند با مرور تاریخ و نظریه‌ها، شناخت مناسبی را از هنر معاصر جهان به دست بیاورند. مطالعه این کتاب، برای افرادی که به رشته پژوهش هنر علاقه دارند یا این حوزه مطالعاتی را دنبال می‌کنند، توصیه می‌شود.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَكَلَّمَكَ جَعَلَنِيكَ أُمَّةً وَسَطًا لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ
وَيُكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا

هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی با رویکرد خبری، تحلیلی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مصطفی آجورلو

سردبیر: سعید آجورلو

تجلیل از مقام حضرت فاطمه زهرا (س) و جایگاه زن

اگر روزی باید روز زن باشد، چه روزی والاتر و افتخارآمیزتر از روز ولادت با سعادت فاطمه زهرا - سلام الله علیهاست. زنی که افتخار خاندان وحی [است] و چون خورشیدی بر تارک اسلام عزیز می‌درخشد. زنی که فضایل او هم‌طراز فضایل بی‌نهایت پیغمبر اکرم و خاندان عصمت و طهارت بود. زنی که هر کسی با هر بینش درباره او گفتاری دارد و از عهده ستایش او بر نیامده - که احادیثی که از

خاندان وحی رسیده به اندازه فهم مستمعان بوده - و در باره در کوزه‌ای نتوان گنجاند، و دیگران هر چه گفته‌اند به مقدار فهم خود بوده، نه به اندازه مرتبت او. پس اولی آنکه از این وادی شگفت در گذریم و به فضایل زن رو آوریم که قلم‌های مسموم خطا کار و گفتار گویندگان بی فرهنگ در این نیم قرن سیاه اسارت بار عصر ننگین پهلوی، زن را به منزله کالایی خواستند در آورند و آنان را که آسیب پذیر بودند به مراکزی کشیدند که قلم را یارای ذکر آن نیست، هر کس بخواهد شمه‌ای از آن جنایات مطلع شود، به روزنامه‌ها و مجله‌ها و شعرهای اوباش و اراذل زمان رضا خان از روزگار تباه کشف حجاب الزامی به بعد مراجعه کند و از مجالس و محافل و مراکز فساد آن زمان سراغ بگیرد.

رویشان سیاه و شکسته باد قلم‌های روشنفکرانه آنان.

خبرنامه

۹-۱۱

پایان برجام؟

نیکی هیلی به دنبال چیست؟

تحریم‌های جدید آمریکا علیه ایران کلید خورد

چرا اعتراضات مردم به اغتشاش تبدیل شد؟

گفتارها

۱۲-۱۵

دموکرات‌ها در چند قدمی تسخیر کننده

صعود راست گرایان افراطی در اروپا

عربستان چاره‌ای جز تغییر رویه ندارد

اولین نشانه فروپاشی شورای همکاری خلیج فارس

سیاست

۱۹-۳۹

هیچ گروه سیاسی مرجع اتفاقی‌های اخیر نشد

ساختار شکنی‌های احمدی نژاد الگو قرار گرفت

انتقام گیری با آشوب

عیان شدن بودجه در آشوب‌ها تاثیر داشت

تحریریه:

دبیر تحریریه: مصطفی صادقی

سیاست: مصطفی صادقی (دبیر) - علی حاجی ناصری - امید کرمانی‌ها

حنیف غفاری

بین الملل: سعیده سادات فهری (دبیر)

اقتصاد: محمد مهدی صدرزاده (دبیر)

دیدار: افشین خماند (دبیر)

ورزش: مهدی ربوше (دبیر)

فکر نو: علی حاجی ناصری (دبیر)

فرهنگ: امیر خوش صحبتان (دبیر)

بازار: محمد شکراللهی (دبیر)

مشاور هنری: نیما ملک نیازی

مثلاً: هفته‌نامه‌ای خبری، تحلیلی است که سعی دارد روایتی منصفانه و عادلانه از واقعیت‌ها ارائه دهد. نامش تمثیل و اشاره‌ای است به سه ضلع استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی. مرامش تقویت گفتمان انقلاب اسلامی، چارچوبش اسلام، انقلاب، امام و رهبری، آرمانش گسترش و سیادت اسلام‌خواهی در سراسر جهان و عزت مسلمانان، توسعه و پیشرفت ایران اسلامی و رفاه مردم شریف ایران و رونق گرفتن عدالت. مرزش رواداری و تألیف قلوب اهالی انقلاب و ایستادگی در برابر مقابلان گفتمانی و عملی نظام و سیاق و مشرب‌مان نجابت قلم و روزنامه‌نگاری مومنانه و تلاش در جهت رونق گرفتن سنت گفت‌وگو میان فرهیختگان و نخبگان کشور است. امیدواریم که در روایت‌مان صادق، بر مرام‌مان مستمر و دائم، بر چارچوب‌مان مستقر، بر آرمان‌مان مومن، بر مرزهایمان مراقب و هوشیار و بر سیاق‌مان استوار بمانیم.



دیگر زنان شیردل و متعهد، همدوش مردان عزیز به ساختن ایران عزیز پرداخته؛ چنانکه به ساختن خود در علم و فرهنگ پرداخته‌اند.

اینجانب به زنان توصیه می‌کنم که رفتار زمان طاغوت را فراموش کنند و ایران عزیز را که از خودشان و فرزندان‌شان است، به طور شایسته بسازند که با همت همه قشرها از وابستگی‌ها به تمام ابعادش نجات یابیم.

من به زنان متعهد، روز بیستم جمادی الثانی را که روز مبارک زن است تبریک عرض می‌کنم، و از خداوند متعال سلامت و سعادت آنان و عظمت اسلام و مسلمین را خواستارم.

تاریخ: ۱۳۵۹/۲/۱۵
محل: تهران، شمیران، دربند

و گمان نشود که آن جنایات با اسم «آزاد زنان و آزاد مردان» بدون نقشه جهانخواران و جنایتکاران بین‌المللی بود. یکی از نقشه‌های آنان، کشیدن جوانان به مراکز فحشا بود که موفق شدند و کشور ما را از جوانانی که عضو فعال جامعه‌اند، تهی کردند و مغزهای آنان را از قوه تفکر، خلع سلاح نمودند که هر چه از این کشور آفتزده و غریزه بچاپند و به یغما ببرند، همگان بی تفاوت باشند. امروز به برکت نهضت اسلامی، زن عضو مؤثر جامعه تا حدودی مقام خود را یافته است. از یک عده معدود در رده بالا که میراث زمان سیاه رژیم منحنط سابق است و مقام زن را به خودآرایی و حضور در مجالس عیش و عشرت می‌دانند، و خود را به صورت کالایی درآورده‌اند و پیرو و عمال همان رژیم هستند و پیاده کنندگان همان نقشه اجانب می‌باشند و کمک کاران سیا و ساواک هستند که بگذریم،

سیاست خارجی

۴۰-۴۷

دولت چدنی
ابطال دوباره دوگانه «دموکرات-جمهوریخواه»
وجه مشترک کاتن، کرووز و مک کین با ترامپ
اکنون با حرکتی ضد انقلابی مواجه هستیم



اقتصاد

۴۸-۵۷

دولت بزرگ، دولت محافظه کار
تیم اقتصادی دولت متوجه نیستند در جامعه چه خبر است
دولت ورشکسته نیست
دولت روحانی اشتباه‌های دولت‌های قبل را تکرار می‌کند



بین‌الملل

۵۸-۶۹

کنش تهاجمی
استکبار کاخ سفید
تقابل دیپلماتیک
یک جانبه‌گرایی ریاض



طراح جلد: مصطفی مرادی



شماره پیامک: ۳۰۰۰۴۱۱۷۱۱

با تشکر از: دکتر دارابی - دکتر آیت‌الله ابراهیمی - دکتر عیسی رضایی
مهندس صدوقی حسین محمد پورزند - محمدابراهیم محمد پورزند
حسین مجاهدی - حاج آقا توکلی - علیرضا حسن‌زاده - هادی انباردار
و حدت دادخواه

سازمان آگهی‌ها: تلفن: ۰۹۱۲-۸۵۰۵۸۴۸
چاپ: هنر سرزمین سبز - پردازش تصویر رایان
توزیع: نشر گستر امروز
نشانی: تهران، خیابان شهید عباسپور (توانیر)، خیابان نظامی گنجوی، کوچه پناه،
پلاک ۱۹
تلفن: ۸۸۱۹۸۲۰۷

گرافیک و صفحه‌آرایی: فاطمه قناتی - علی آجورلو
افشین جم و محمد محمودی
پردازش تصاویر: هومن سلیمیان
عکس: امیر طلایی کیوان - عدنان جعفری و محمد برنو
ویرایش: ژیل شاکری - امیر عزیزی، نرگس حاجیلو و فاطمه پورمهر
مدیر مالی: محمدرضا پالیزدار
سازمان آگهی‌ها: محمد شکراللهی
بازرگانی و بازاریابی: محمد علی آجورلو
امور اداری: علیرضا اسداللهی - علی اکبر پیمانی
انفروماتیک: شهرام زحمتی
ناظر چاپ: بابک اسکندرنیا

سرنوشت یک توافق

سردرگمی مقامات آمریکایی در قبال توافق هسته‌ای و نحوه مواجهه با آن ادامه دارد. این سردرگمی پس از عدم اعلام نظر کنگره در قبال برجام تشدید شده است. هم‌اکنون دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا به خوبی می‌داند که خروج یکجانبه از توافق هسته‌ای با ایران به شدت برای ایالات متحده آمریکا هزینه‌بر است. از سوی دیگر، واشنگتن در صدد است ضمن خروج از برجام، زمینه را برای ایجاد آشوب در ایران فراهم کند؛ خیال خامی که دولت ترامپ هرگز به آن دست پیدا نخواهد کرد.

تیتریک

پایان برجام؟

تصمیم نهایی ترامپ در مورد برجام چه خواهد بود



است. توافق هسته‌ای به امنیت کل جهان چه در قبل و چه در حال حاضر کمک کرده است.

حمایت موگرینی از برجام

«فدریکا موگرینی» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا با انتشار تصویری از وقایع مهم در سال ۲۰۱۷ در گزارش پایانی سال گذشته نوشت: «سال سختی بود اما مانند دیگر سال‌ها، سال ۲۰۱۷ هم لحظات خوبی داشت. دستاوردهایی که ما با تعهد فراوان، انرژی بالا و با کار گروهی خوب به آنها رسیدیم. مانند همه سال‌های جدید، تلاش کرده‌ام که ۱۲ مورد را که برای من از سال گذشته به سال جدید منتقل شده‌ام را در فهرستی قرار دهم. وی در بخشی از این مطلب به توافق هسته‌ای با ایران اشاره کرد و افزود: «پس از اینکه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا تصمیم گرفت که توافق هسته‌ای با ایران را در کنگره تأیید نکند، زمان دشواری برای چندجانبه‌نگری ایجاد شد. در سپتامبر گذشته نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد را برگزار کردیم که من ریاست‌نشستی که در مذاکرات شرکت کرده بودم را بر عهده داشتم. در آن برنامه من بار دیگر اعلام کردم که ایران توافق هسته‌ای را اجرا کرده است و این موضوع را ۹ بار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تأیید کرده است. اتحادیه اروپا به عنوان قدرتی چندجانبه و قابل اعتماد برای اجرای توافق هسته‌ای از جانب همه طرف‌ها تلاش می‌کند.»

لازم به ذکر است که موگرینی تاکنون چندین بار رسماً از حمایت اتحادیه اروپا از برجام خبر داده است. با این حال، مقامات کاخ سفید همچنان احتمال لغو توافق هسته‌ای را در محاسبات حوزه سیاست خارجی خود مد نظر قرار می‌دهند. با همه این اوصاف، سردرگمی مقامات آمریکایی در قبال توافق هسته‌ای و نحوه مواجهه با آن ادامه دارد. این سردرگمی پس از عدم اعلام نظر کنگره در قبال برجام تشدید شده است. هم‌اکنون دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا به خوبی می‌داند که خروج یکجانبه از توافق هسته‌ای با ایران به شدت برای ایالات متحده آمریکا هزینه‌بر است. از سوی دیگر، واشنگتن در صدد است ضمن خروج از برجام، زمینه را برای ایجاد آشوب در ایران فراهم کند؛ خیال خامی که دولت ترامپ هرگز به آن دست پیدا نخواهد کرد.

ایران، مسائل را برای ترامپ و مشاورانش که گزینه‌های افزایش فشار به ایران را بررسی می‌کنند، پیچیده‌تر کرده است.

هشدار لس آنجلس تایمز به ترامپ

روزنامه آمریکایی «لس آنجلس تایمز» نیز هفته گذشته درباره اقدامات اخیر جمعی تخریب‌گر و موضع‌گیری‌های «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا نوشت: ترامپ و دیگر سیاستمداران آمریکایی باید مراقب باشند پیرامون تغییر نظام در ایران ولو غیرمستقیم هم حرفی نزنند، زیرا آمریکا قادر نیست و تمایلی هم ندارد با اقدام نظامی از تغییر حکومت ایران حمایت کند.

بر این اساس، ترامپ با پیام توثیقی در روز نخست سال نو میلادی به چین و وعده‌ای نزدیک شد و نوشت: «با وجود توافقی که دولت او با ما با ایران انجام داد، این کشور در همه عرصه‌ها در حال سقوط است.» رئیس‌جمهور آمریکا پیام خود را مشابه جمله سناتور «تام کاتن» که گفته بود باید از ایرانی‌هایی که جان خود را به خطر می‌افکنند، حمایت کنیم خاتمه داد و نوشت: «زمان تغییر فرارسیده است.»

لس آنجلس تایمز با ذکر اینکه چنین پیام‌هایی از سوی رئیس‌جمهور آمریکا با راقه‌امیدی را برای مخالفان نظام ایران ایجاد نمی‌کند و شبیه رویکردهای «جورج هربرت واکر بوش» رئیس‌جمهور پیشین آمریکا در خاتمه پایان نبرد نخست خلیج فارس بود که برای شیعیان عراق و کردهای این کشور علیه «صدام حسین» رئیس‌جمهور وقت عراق سخنانی بیان کرد اما هیچ کمکی ارا نه نکرد، نوشت: «سخنان ترامپ موجب می‌شود حکومت ایران با بیان این که ناآرامی‌ها الهام گرفته از آمریکا است، این اعتراض‌ها را رد کند.»

این روزنامه با پرداختن به موضوع برجام و زمزمه‌هایی در زمینه اینکه ترامپ از برجام خارج خواهد شد، ادامه داد: «ترامپ باید برابر و سوسه‌هایی که شلوعی‌های حال حاضر ایران برای او ایجاد می‌کند تا بدین بهانه به توافق هسته‌ای لطمه بزند، مقاومت کند.» در خاتمه این مقاله با انتقاد از توثیق‌های بی‌درپی ترامپ درباره توافق هسته‌ای با ایران و اتخاذ گام‌های افراطی او به واسطه ناآرامی‌ها در ایران نوشت: «به یقین چنین کاری، واکنشی غیرمسئولانه

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا به پیشنهاد برخی مشاوران خود برای لغو برجام و عدم تعلیق دوباره تحریم‌های یکجانبه کشورش خیز برداشته است. برخی رسانه‌های آمریکایی معتقدند که رئیس‌جمهور ایالات متحده تا حدود یک هفته بعد، خروج رسمی این کشور از توافق هسته‌ای را اعلام می‌کند.

شبکه آمریکایی «سی‌ان‌ان» در تحلیلی در خصوص تحولات اخیر ایران نوشت که «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا از اعتراضات ضد دولتی در ایران به عنوان فرصتی برای لغو برجام در آستانه ضرب‌الاجل قانونی که این ماه فرامی‌رسد، استفاده کرده است. طبق این گزارش، اواسط ماه ژانویه، ترامپ بار دیگر درباره پابندی ایران به برجام تصمیم‌گیری می‌کند؛ فرآیندی که طبق شروط برجام هر ۹۰ روز یک‌بار باید رخ بدهد. رئیس‌جمهور آمریکا همچنین در تاریخ ۱۲ ژانویه (۲۲ دی ماه، جمعه) با یک ضرب‌الاجل مهم‌تر مواجه است و آن تصمیم‌گیری درباره تمدید لغو موقت تحریم‌های آمریکا علیه ایران است. «سارا سندرز» سخنگوی کاخ سفید گفت که ترامپ هنوز تصمیمی درباره امضای لغو تحریم‌های ایران اتخاذ نکرده است اما دولت آمریکا گزینه‌های خود را در خصوص موضوع تحریم‌های ایران همچنان باز نگه داشته است. سندرز گفت: «ما به طور قطع گزینه‌های خود را در خصوص موضوع تحریم‌ها باز نگه می‌داریم. درباره امضای لغو (تحریم‌ها) اواخر ماه ژانویه، رئیس‌جمهور هنوز تصمیم نهایی را اتخاذ نکرده است. او همه گزینه‌ها را روی میز حفظ کرده است.»

تصمیم احتمالی ترامپ به عدم تمدید لغو تحریم‌ها احتمالاً از نظر ایران و دیگر اعضای گروه ۵+۱ (انگلیس، فرانسه، روسیه، چین به علاوه آلمان) به عنوان نقض برجام توسط آمریکا تلقی می‌شود و امیدهای بیشتر برای نجات برجام را از بین می‌برد. «میکا جانسون» یکی از سخنگویان «باب کورکر» رئیس کمیته روابط خارجی سنا به شبکه سی‌ان‌ان گفت: «سناتور کورکر همچنان در بحث‌های سازنده با کاخ سفید و شمار زیادی همکارانش در سنا درباره مسیر مناسب پیش رو مشارکت دارد و هم‌پیمانان ما همچنان در جریان تحولات مربوطه قرار می‌گیرند.» سی‌ان‌ان سپس ادامه داد که اعتراضات اخیر در



نیکی هیلی به دنبال چیست؟

گرد و خاک دیپلمات شکست خورده علیه ایران

نماینده ایالات متحده آمریکا در سازمان ملل متحد طی مدت چند ماهه حضور خود در این مسند، تقابل تمام عیاری را با ملت ایران آغاز کرده است. نیکی هیلی که مورد حمایت دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا است، چندی پیش با سفر به وین و دیدار با یوکیو آمانو مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی، خواستار بازرسی آژانس از اماکن نظامی ایران شد. همچنین نیکی هیلی از اصلی ترین ترغیب کنندگان ترامپ برای عدم تأیید برجام بوده و در حال حاضر نیز طرفدار خروج از توافق هسته ای با ایران است. رویکرد ضد ایرانی نیکی هیلی به گونه ای است که برخی تحلیلگران آمریکایی به صورت مشخص از وی به عنوان دیپلمات ضد ایرانی یاد می کنند.

نیکی هیلی طی روزهای اخیر نیز سعی کرده است نقش پررنگی را در حمایت از آشوب ها و اغتشاشات در ایران ایفا کند. سفیر آمریکا در سازمان ملل در ادامه اقدامات و اظهارات مداخله جویانه مقامات این کشور خواستار تشکیل نشست اضطراری در مورد ناآرامی های ایران شد. نیکی هیلی، سفیر آمریکادر سازمان ملل خواستار تشکیل نشست فوق العاده شورای امنیت سازمان ملل در نیویورک و شورای حقوق بشر این سازمان در ژنو شد. وی گفت: «ما نباید ساکت بمانیم. مردم ایران در تلاش برای رسیدن به آزادی خود هستند! هیلی همچنین مدعی شد که اعتراضات انجام شده در ایران از سوی عوامل خارجی ترتیب داده نشده است. همچنین نیکی هیلی در اظهاراتی دیگر مدعی شده است که آمریکا در صدد است صدای معترضین ایرانی به صورتی رساتر به دنیا مخابره شود!

بدون شک، کمترین شبهه ای در حمایت نیکی هیلی و دیگر اعضای دولت ترامپ از اغتشاشات در ایران وجود ندارد. با این حال نوع بیان نیکی هیلی و حمایت وی از آزادی خواهی! و مطالبه گری ملت ایران در حالی صورت می گیرد که وی تا کنون از هیچ گونه تلاشی در راستای مواجهه تمام عیار با مردم ایران فروگذار نکرده است.

اظهارات نیکی هیلی سبب شد تا دفتر نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد نسبت به وی واکنش نشان دهد. نمایندگی دائم جمهوری اسلامی ایران

نزد سازمان ملل متحد در نیویورک، در بیانیه ای نمایش نیکی هیلی، سفیر و نماینده دائم آمریکا در سازمان ملل را «اشک تمساحی تهوع آور» خواند.

در این بیانیه آمده است: «جمهوری اسلامی ایران سخنان مداخله جویانه نماینده آمریکا و سایر مقامات آمریکایی در حمایت از خشونت و اغتشاش را به شدت محکوم می کند. این سخنان برای سرپوش گذاشتن بر سیاست های شکست خورده آمریکا و متحدانش در منطقه بیان شده تا از این طریق از مردم شجاع و شریف ایران انتقام بگیرد. مداخلات آمریکا در ایران از کودتای ۲۸ مرداد تا کنون کارنامه ای خونین و ننگین بوده است.

تهدیدات و یاوه گویی های نماینده آمریکا در سازمان ملل، حمایت از خشونت طلبی و آتش افروزی در ایران محسوب می شود. امنیت و ثبات ایران در چهار دهه گذشته متکی به مردم خودش بوده و دستاوردهای آن جوسازی های اخیر از این حقوق و دستاوردهای آن حفاظت کرده و اجازه نخواهند داد خشونت و ویرانگری، این حقوق ذاتی و دستاوردهای تاریخی را تخریب کنند، چرا که حافظه تاریخی ملت ایران هنوز خاطره جنایات و ذلت تحمیلی توسط رژیم دیکتاتوری تحت حمایت آمریکا را فراموش نکرده است.» نیکی هیلی در تازه ترین اقدام خود علیه کشورمان، خواستار تشکیل نشست شورای امنیت و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در این باره شده است. همچنین سارا سندرز، سخنگوی کاخ سفید گفت: «گزینه های متعددی برای واکنش به اعتراضات در ایران در دست داریم. تحریم و تصمیم گیری درباره (تمدید) تعلیق تحریم های یکی از آنهاست. اما رئیس جمهور هنوز در این رابطه تصمیم نگرفته است.» به عبارت بهتر، امکان دارد دولت دونالد ترامپ در نخستین ماه سال جدید میلادی (ماهی که در آن به سر می بریم) تعلیق تحریم ها علیه ایران را مطابق برجام تمدید نکند و به این وسیله به طور کامل از توافق هسته ای خارج شود. همان گونه که اشاره شد، یکی از اصلی ترین مشوقین ترامپ در این خصوص نیکی هیلی است. لازم به ذکر است که پیشنهاد مقامات آمریکایی مبنی بر تشکیل جلسه فوری شورای امنیت با هدف بررسی شرایط

داخلی ایران، با مخالفت مقامات روسی مواجه شده است. «آلکسی پوشکوف» سناتور بلند پایه روس به اظهارات «نیکی هیلی» نماینده دائم آمریکا در سازمان ملل درباره ضرورت تشکیل نشست فوری شورای امنیت در مورد ایران واکنش نشان داد. پوشکوف در صفحه «توییتر» خود به طعنه نوشت: «هیلی همیشه به فکر صلح و امنیت است. پیش از این نگران اوضاع در سوریه بود و اکنون نیز نگران «صلح، امنیت و آزادی» در ایران است. ولی اگر واقعیت را بگوییم، او در فکر تغییر رژیم سیاسی در جمهوری اسلامی ایران است.» پیش از این ماریا زاخاروا سخنگوی رسمی وزارت امور خارجه روسیه نیز در تفسیر قصد آمریکا برای برگزاری نشست فوری شورای امنیت درباره حقوق بشر در ایران، اعتراضات خیابانی گسترده در داخل خود آمریکا و واکنش مقامات به آنها را گوشزد و یادآور شد. زاخاروا در صفحه «فیس بوک» خود در این باره به طعنه نوشته است: «قطعا هیات نمایندگی آمریکا توصیه های زیادی در این رابطه دارد که با جهان در میان بگذارد. برای مثال «نیکی هیلی» می تواند تجربه نیروهای امنیتی آمریکایی در سرکوب اعتراضات مسالمت آمیز مردم آمریکا در جریان مبارزات انتخابات ریاست جمهوری، یا دستگیری های گسترده و اعمال فشار بر جنبش «اشغال وال استریت» یا برخورد پلیس آمریکا با اعتراضات ضد نژادپرستی در فرگوسن، را با بقیه در میان بگذارد.»

واقعیت امر این است که دولت دونالد ترامپ در ایالات متحده آمریکا و اعضای آن مانند نیکی هیلی، باید به سبب حمایت از نژادپرستی و تروریسم و خشونت در دنیا، مورد تعقیب بین المللی قرار گرفته و در دادگاه محاکمه شوند. بدیهی است که در چنین شرایطی اظهارات نیکی هیلی در همدردی با اغتشاشگران با ایران، بار دیگر ماهیت وی و دیگر مقامات آمریکایی را نزد ملت ایران افشا کرده است. نیکی هیلی که در مأموریت قبلی خود با هدف وادار سازی آژانس مبنی بر عدم تأیید پایبندی ایران نسبت به برجام ناکام ماند، در اقدام جدید خود علیه ملت و نظام ایران نیز ناکام خواهد ماند تا نام وی با ناکامی و شکست گره بخورد. ►



خصومت واشنگتن

تحریم‌های جدید آمریکا علیه ایران کلید خورد

۱ در میانه اغتشاشات درون ایران، آندرو پیک، معاون وزیر خارجه آمریکا در امور عراق و ایران به تلویزیون صدای آمریکا گفته است: «اعمال تحریم‌های بیشتر علیه مقامات ایران که به ادعای وی در سرکوب معترضان دست دارند محتمل است.» وی همچنین تاکید کرده است: «تلاش می‌کنیم حمایت متحده‌النمان از اعتراضات در ایران را گسترش بدهیم.» دولت آمریکا طی روزهای گذشته بارها از اغتشاشات و آشوبگران در ایران حمایت کرده است. پیک در این مصاحبه افرادی که در چند روز اخیر در برخی شهرهای ایران به اقداماتی از قبیل تخریب اموال عمومی دست زدند را «معترضان مسالمت‌آمیز» خواند. حمایت دولتمردان آمریکا از برخی آشوب‌ها و تخریب اموال

عمومی در بخش‌هایی از کشور همچنان ادامه دارد. کاخ سفید دوشنبه با صدور بیانیه‌ای از اغتشاشات در پاره‌ای از شهرهای ایران حمایت کرد. در بیانیه سارا سندرز، سخنگوی کاخ سفید آمده است: «ما از حق مردم ایران برای ابراز عقایدشان به صورت مسالمت‌آمیز حمایت می‌کنیم. شایسته است صدای آنها شنیده شود.» وی اضافه کرد: «ما از همه طرف‌ها می‌خواهیم از این حق بنیادین مبنی بر ابراز صلح‌آمیز عقاید محافظت کرده و از هر اقدامی که باعث سانسور می‌شود اجتناب کنند.» چند روز پیش نیز کاخ سفید و وزارت خارجه آمریکا بیانیه‌های جداگانه در همین باره صادر کرده بودند. ساعاتی قبل‌تر از این، «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا که فرصت اغتشاشات

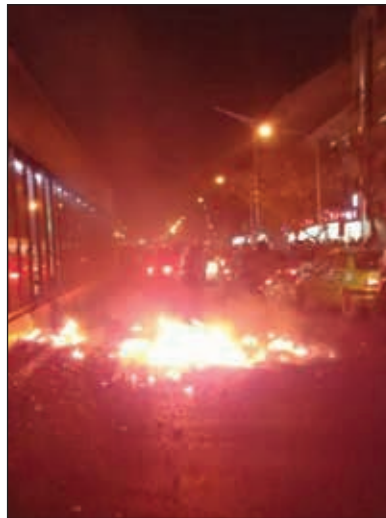
پراکنده در برخی شهرهای ایران را بهانه مناسبی برای تاکید بر سیاست‌های ایران ستیزانه خود دیده، برای چندمین بار در طی چند روز گذشته حمایت خود را از ناآرامی‌ها در ایران اعلام کرد. وی با تکرار اتهامات بی‌اساس نوشت: «ایران به عنوان کشور شماره یک در حمایت از تروریسم دولتی، با سوابق متعدد نقض حقوق بشر که در هر ساعت رخ می‌دهد حالا اینترنت را تعطیل کرده تا معترضان صلح‌جو قادر به برقراری ارتباط نباشند.» همچنین ییزرائیل کاتز، وزیر اطلاعات رژیم صهیونیستی نیز با بیان اتهامات اثبات‌نشده از اغتشاشات اخیر در ایران حمایت کرده است. به گزارش تایمز اسرائیل، این وزیر رژیم صهیونیستی به اظهاراتی خوش خیالانه همچنین پیش‌بینی کرد که حکومت ایران سقوط خواهد کرد، اما اسرائیل برای همیشه پابرجا خواهد ماند! کاتز در ادامه از اغتشاشات در برخی شهرهای ایران حمایت کرد و گفت: «من برای تظاهرات کنندگان در ایران که در حال مبارزه برای آزادی و دموکراسی هستند آرزوی موفقیت می‌کنم.» ▶

موج سواری آمریکا روی اعتراضات ایران

صابر کرامت

خبرنگار

۲ اعتراضات خیابانی که از ظهر پنجشنبه در مشهد و برخی شهرهای کشور به دلیل مشکلات اقتصادی آغاز شد، ناگهان رنگ و بوی سیاسی به خود گرفت و فتنه‌گران با سوار شدن روی موج خواسته‌های مردمی به سمت ضربه زدن به اقتصاد و معیشت مردم حرکت کردند. حضور آشوبگران، حال نامناسب اقتصاد کشور را ناخوش‌تر از پیش کرده و به عنوان نمونه بازار ارز و سکه بدترین روزهای خود را سپری می‌کند، از سوی دیگر طی مدت چند روزی که از آشوب‌ها در برخی نقاط کشور می‌گذرد بازار سرمایه نیز از تخریب اغتشاشگران در امان نبوده است. در این راستا ۲۴۰۰ واحد سقوط شاخص



بورس را می‌توان نتیجه جولان آشوبگران دانست. در حالی که اعتراضات معیشتی و اقتصادی بحق بخشی از مردم برای بهبود اوضاع بوده و فلسفه طبیعی اعتراضات نیز همین خواسته است، آمریکا ضمن حمایت منافقانه از

به گفته خود «اعتراضات» و در واقع آشوب‌های منتهی به تخریب اموال عمومی اعلام کرد تحریم‌ها را گسترش خواهد داد به خاطر داریم که درست پس از اعتراضات سال ۸۸ فاز جدید و سنگینی از تحریم‌ها علیه ایران در دستور کار غرب و به ویژه آمریکا قرار گرفت. تحریم‌هایی که ابتدا با قطع فروش بنزین به ایران شد اما در ادامه پتروشیمی، نفت و بانک مرکزی و فلزات گرانبها را نیز در بر گرفت. تا آنجا که منجر به سقوط وحشتناک ارزش ریال در برابر دلار در تابستان سال ۹۱ شد. یک سال پیش و در دی ماه ۱۳۹۵ نیز سی نفر ضد انقلاب خارج‌نشین طی نامه‌ای به ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا خواستار اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران با بهانه‌های حقوق بشری و حمایت از تروریسم شدند.

به دنبال آشوب‌های چند روز گذشته که پس از اعتراض بحق گروهی از مردم به مشکلات معیشتی صورت گرفت، عده‌ای بر موج اعتراضات مردمی سوار شده و از آن برای رسیدن به هدف اصلی خود یعنی براندازی جمهوری اسلامی سوءاستفاده کردند. آمریکا نیز پیام این دسته از آشوبگران که به تخریب اموال عمومی و آسیب‌زدن به مردم بی‌گناه دست‌زده‌اند را دریافت کرده و با حرکت به سمت تحریم‌های بیشتر معیشت مردم را هدف گرفته است. ▶

شمخانی علیه عربستان

علی شمخانی عربستان سعودی را متهم به دست داشتن در ناآرامی‌ها کرد. وی در عین حال گفت: «جای نگرانی نیست آنچه در حال وقوع است چند روز دیگر پایان می‌یابد.»

شمخانی در گفت‌وگو با شبکه تلویزیونی «المیادین» گفت: «هشتک‌های مرتبط با وضعیت ایران در آمریکا و انگلیس و عربستان سعودی و جاهای دیگر ساخته شده است. دولت «محمد بن سلمان» این هشتک‌ها را به راه می‌اندازد و عوامل اجرایی آن، اسرائیلی و غربی‌ها هستند.» شمخانی



گفت: «سعودی‌ها سازمانی را درست کرده‌اند و افرادی نیز از خارج از آن کشور برای اداره این سازمان آورده‌اند چون خودشان چنین توانایی را ندارند.»

توافق شوم



الجریده به نقل از یک منبع آگاه در بیت المقدس اعلام کرد که هر دو کشور آمریکا و اسرائیل به این توافق رسیده‌اند که قاسم سلیمانی «تهدیدی برای منافع دو کشور در منطقه است». در این گزارش آمده است که این توافق سه سال پس از آن حاصل شد که آمریکا تلاش اسرائیل برای قتل این ژنرال ایرانی را متوقف کرده بود. بنابر این گزارش، سه سال پیش اسرائیل قصد به شهادت رساندن قاسم سلیمانی در منطقه‌ای در نزدیکی دمشق را داشت اما ایالات متحده آمریکا درباره این طرح اسرائیل هشدار داده بود. این موضوع در آن زمان منجر به بروز اختلافات شدیدی میان دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی اسرائیل و آمریکا شده بود. این توافق شوم در حدیک آرزو برای دشمنان حاج قاسم خواهد ماند.

فیلترینگ دائمی تلگرام نه شدنی است و نه در دستور کار قرار دارد

دستیار وزیر ارتباطات می‌گوید: «ما اعلام می‌کنیم که سیاست فیلترینگ دائمی اصلاً وجود ندارد و کسی قائل به انجام چنین کاری نیست.»

رضا اکبری نوری ادامه می‌دهد: «ما باید ببینیم که این اقدام در واکنش به چه مسائلی انجام شده است و در قبال چه اتفاقاتی دست به چنین کاری زده‌ایم.»

تا کنون و در شرایط عادی کشور با وجود اینکه انتقادهای زیادی به وضعیت تلگرام وجود داشت اما



اعلام کردیم که به دلیل برخی مخالفت‌ها و مشکلات نمی‌توانیم مردم را از حق استفاده از فضای مجازی محروم کنیم اما در حال حاضر شرایط کشور باید مدیریت شود.»

هیچ گونه مزایا و پاداشی به مدیران اختصاص پیدا نکند



عضو «کمسیون فرهنگی» مجلس گفت: «طبق ماده ۷۱ قانون مدیریت خدمات کشوری - که تعریفی از مدیران ارائه می دهد - ما مترصد این هستیم تا در بودجه سال ۹۷ هیچ گونه مزایا و پاداشی براساس حقوق به مدیران اختصاص پیدا نکند و عواید حاصل از این منابع به بازنشستگان کشوری اختصاص یابد.» احمد سالک نماینده مردم اصفهان گفت: «بازنشستگان فرهنگی، نیروهای مسلح و فولاد شامل این پیشنهاد می شوند.» وی تأکید کرد: «اگر این پیشنهاد در مجلس تصویب شود معتمد ما انقلابی در عرصه مزایا و پاداش مسئولان در کشور خواهیم داشت که به دنبال تصویب آن هستیم.» او همچنین پیشنهاد کرده تا حقوق مدیران به اندازه سال گذشته تعیین شود و افزایش پیدا نکند.

کرباسچی: روحانی شفاف با مردم صحبت کند

غلامحسین کرباسچی، دبیرکل حزب کارگزاران در رابطه با عدم ارتباط حسن روحانی با بدنه اجتماعی گفت: «آقای روحانی مانند سایر دولت به سخترانی می پردازد و سفر استانی می رود، بنابراین ارتباط او با بدنه اجتماعی قطع نیست.» وی همچنین هشدار می دهد: «باید مواظب بود که از این معضلات اجتماعی و اقتصادی مردم سوءاستفاده صورت نگیرد، زیرا کشور و انقلاب دارای مخالفانی هستند و با توجه به وجود شرایط حساس داخل منطقه ممکن است کسانی در صدد برآیند علیه کشور و مردم از آن شرایط استفاده کنند که دستگاه های مربوطه باید مسائلی از این دست را مورد بررسی قرار دهند، بنابراین دولت و رئیس جمهور باید بسیار شفاف و جدی با مردم درباره مشکلات شان صحبت کنند.»



سعید حدادیان: احمدی نژاد دیکتاتور بود



سعید حدادیان که به تازگی از بیمارستان مرخص شده، در مورد بحث مدعیان انقلابی گری بدون اشاره به نام احمدی نژاد می گوید: «برخی هم با پز انقلابی گری قصد فریب مردم را دارند و فقط ادای انقلابی ها را درمی آورند. آنها چون نتواند از انقلابی نیستند، عده قابل توجهی از مردم به آقایان گفتند که این چند نفر را از اطرافیان حذف کن ولی توجهی نکرد. بعدها مردم گفتند که حداقل این یک نفر را حذف کن ولی باز هم نپذیرفت. مردم هرچه گفتند او گوش نکرد و این دیکتاتوری آن مسئول را می رساند.» به گفته او: «اگر جریان های انقلابی نمایی و اشرافی گری در داخل کنترل نشوند، شاهد از بین رفتن مشکلات خواهیم بود.»

آیا در ایران «بحران توقعات» وجود دارد؟

گزارش رویترز از تحولات ایران

اعانه پولی (یارانه) به ایرانیان دارای درآمد کم یا متوسط را محدود کرد. چنین ریاضتی به طور فزاینده در بین مردم، نامحبوب شد. اقتصاد نیز به رغم پایان تحریم ها به تقلائی خود ادامه داد. بسیاری از بانک ها و شرکت های خارجی - تا حدودی به دلیل موضع سرسختانه دونالد ترامپ در قبال ایران - از تجارت با ایران سر باز زدند. عمادی گفته یکی از تحقیقاتی که او نیز در آن مشارکت داشته، آشکار کرد که ایرانی ها به خاطر پنج دلیل از اقتصاد ناراضی هستند: «بیکاری، قدرت خرید ضعیف، فساد، ارزش پایین ریال و توزیع ناعادلانه ثروت میان مناطق ایران.» این پژوهش نشان داد که دیدگاه ایرانیان درباره سه ساله اول در سال جاری بدتر شده است. در برخی از مناطق جنوب شرق ایران، نرخ بیکاری میان جوانان به ۴۵ درصد رسید و بازار کار کوچکتر شد.

روند کاهش ارزش دلار در سال های اخیر خصوصا در سال ۹۱ کاهش چشمگیری داشت. اما در سال های اولیه دولت روحانی ثبات بازار ارز کاملاً حفظ شده بود. با این حال، در ماه های اخیر بازار دلار دچار تغییر شد و به سمت صعود میل کرده است. گزارش رویترز در این باره می افزاید: «ارزش ریال در برابر دلار آمریکا از ۳۶۰۰۰ برای یک دلار در سال گذشته به ۴۲۹۰۰ ریال برای هر دلار رسید. ممکن است دولت روحانی با هزینه کردن مقدار بیشتری از ذخایر ارزی خارجی ایران، از پول ملی حمایت کند، اما این امر خطر بازداشتن سرمایه گذاری خارجی را به همراه خواهد داشت.»

در ادامه گزارش آمده: «بدوی پیش بینی کرد که فراهم ساختن بهبودی سریع اقتصاد، برای دولت سخت خواهد بود. او گفته شاید دولت یک بسته تشویقی برای ایجاد شغل اعلام کند، اما بعید است که در بحث اعانه پولی (یارانه ها) عقب نشینی کند. مشکلاتی همچون تنوع بخشی به اقتصاد و سیستم بانکی بدهکار فقط در بلندمدت می توانند حل شوند.» بدوی در پایان گزارش می افزاید: «حس من این است که هیچ چیز مهمی تغییر نخواهد کرد. دولت سعی خواهد کرد تا با مردم صریح باشد و ابتکار عمل هایی پیشنهاد دهد. اما مشکلات ساختاری وجود دارد: تنوع بخشی به اقتصاد، سیستم بانکی و روابط با سایر جهان به خصوص با ترامپ.»

خبرگزاری رویترز، طی گزارشی به بهانه اتفاقات اخیر تهران، به بررسی ریشه های اقتصادی اعتراضات در تهران پرداخت و نوشت: «اعتراضات در ایران نشان می دهد که اقتصاد مشکل دارد.»

این خبرگزاری با اشاره به ناامیدی مردم از بیکاری و اوضاع معیشتی، می نویسد: «شاید حسن روحانی در مواجهه با این اعتراضات گسترده مجبور شود از برخی از سیاست های اصلی اقتصادی عقب نشینی کند.»

در این گزارش آمده: «این اعتراضات ریشه در ناامیدی مردم از این مساله است که رفع تحریم ها در ژانویه ۲۰۱۶ در ایجاد رونق اقتصادی ناکام مانده است. با توجه به بیکاری ۱۲/۵ درصدی و تورم ۱۰ درصدی، بخش غیر نفتی اقتصاد به کوشش خود ادامه داد.»

تامر بدوی، پژوهشگر انجمن الشرق در استانبول به بررسی این موضوع پرداخته و به رویترز می گوید: «در ایران یک بحران توقعات و حس عمیق ناامیدی اقتصادی وجود دارد. برای آرام کردن ناراضیاتی، شاید روحانی نیاز دارد تا پول دولتی بیشتری را صرف ایجاد شغل کند و با حمایت از نرخ تبادل ریال، تورم را محدود و برای ریشه کن کردن فساد گسترده تلاش بیشتری کند. اما همه این اقدامات، مستلزم تغییر سیاستی خواهد بود. روحانی یک سیاست بودجه ای محافظه کارانه را دنبال کرد. مبارزه با فساد ریسک واکنش افراد ذی نفع را به همراه دارد.»

مهرداد اعتمادی، اقتصاددان ایرانی و تحلیلگر شرکت مشاوره ای بناماتریکس در لندن، نیز معتقد است روحانی با «چالش بزرگی» در مبارزه با فساد مواجه بوده است. به اعتقاد او، شاید روحانی چاره ای ندارد. این اقتصاددان افزود: «مردم بیشتر و بیشتر ناامید می شوند، در این وضعیت، گهگاهی بروز ناراضیاتی وجود خواهد داشت.» در حالی که روحانی چندبار تلاش کرده بود تا بحث یارانه ها را در ایران سروسامان بدهد اما تلاش هایش موفق نبود. او در دولت یازدهم از مردمی که نیاز به دریافت یارانه نداشتند درخواست کرد که از دریافت یارانه انصراف دهند. اما تقریباً تمام مردم ایران خواهان دریافت یارانه بودند. رویترز در ادامه گزارش خود می نویسد: «روحانی پس از روی کار آمدن در سال ۲۰۱۳، به سرعت و لخرجه های مالی و سیاست های پولی احمدی نژاد را تغییر داد و سیستم

سن مصرف «گل» به دانش آموزان رسید

سختگوی ستاد مبارزه با مواد مخدر گفت: «در مجموع میانگین سن مصرف مواد مخدر تغییر نکرده است اما اطلاعاتی داریم که نشان می دهد در جمعیت دانش آموزی افراد در ۱۵، ۱۶ و ۱۷ سالگی شروع به مصرف گل می کنند و مصرف گل در سنین پایین تر شروع می شود. مصرف شیشه در کشور به شدت پایین آمده و اکنون گل دومین ماده مصرفی شده است.»



دسترس به گل راحت تر شده و برخی بذر دارای شاه دانه های بالا را سعی می کنند از خارج وارد کرده و در محیط هایی چون پاسیو و گلخانه بکارند. از سوی دیگر تبلیغات اغواکننده در سایت ها زیاد است.»

چگونگی بیان مطالبات مردمی



علیرضا رحیمی با اشاره به تجمعات اخیر گفت: «باید صدای مردم شنیده شود. مطالبات مردمی به خصوص در حوزه اقتصادی و معیشتی روشن است و مکرراً به مسئولان در رده های مختلف گفته شده است.» وی افزود: «مسئولان باید راهکارهای جدی برای معضلات اقتصادی و معیشتی داشته باشند.»

نماینده مردم تهران همچنین با اشاره به اصل ۲۷ قانون اساسی گفت: «باید این اصل که در قانون به آن تصریح و تأکید شده است، مورد توجه قرار گرفته و سازوکارهای اجرای آن تبیین شود. لازم است در این باره دولت لایحه ای به مجلس ارائه کند.» رحیمی در عین حال اظهار کرد: «باید مجوزهای لازم در آینده نیز داده شود تا مردم بتوانند مطالبات شان را بیان کنند.»

به اینستاگرام مثلث ببینید

اینستاگرام هفته نامه مثلث فعال شده است. کاربران این شبکه اجتماعی می توانند با پیوستن به اینستاگرام مثلث تصاویر مربوط به هفته نامه را مشاهده کنند.

mosalas_magazine



چرا اعتراضات مردم به اغتشاش تبدیل شد؟

روزنامه نگار در پاسخ به این سوال که «پایان آشوب ها کجاست؟» روایتش را از اغتشاش روزهای اول تهران این گونه بیان می کند: برای مواجهه با آشوبگران تهران و دیگر شهرهای بزرگ باید تحلیلی دقیق از ترکیب اجتماعی آنها داشت. بزرگترین خطا این است که اعتراضات این روزها را اقتصادی یا حتی سیاسی بدانیم.

آشوب های اخیر در شهر تهران کاملاً متفاوت از اعتراضات مردمی است و بیشتر به اوقات فراغت جوانانی شبیه است که تمایل دارند تفریح متفاوتی را تجربه کنند رفتارشان انعکاس وندالیسم محض و بدون هرگونه جهت گیری است.

نشانه این ادعا را باید در مجموعه حرف های آنها در شبکه های اجتماعی چون توییتر پیگیری کرد. یک مرور ساده در توییتر و دیگر شبکه های اجتماعی این افراد نشان می دهد که ترکیب اجتماعی این افراد دارای فقر عمیق فرهنگی و هویتی است که باعث شده این اعتراضات کور و دارای گیجی رویکردی باشد. ما با جامعه جدیدی از نسل سوم و چهارم مواجهیم که در سیطره رسانه های جدید، بدون هرگونه مطالبه روشن و تقاضای مشخصی اند و تنها نیاز به تخلیه انرژی تلنبار شده از فضای مجازی اند. تخلیه نشدن هیجانات روحی در نسل شبکه های اجتماعی هر از گاهی خودش را در یک عرصه نشان می دهد و این بار در صحنه سیاست ظهور و بروز یافته است. نمونه های دیگر این رفتارها را با مظاهر روشن می توان در سبک زندگی آنها مشاهده کرد. زندگی پررخت و سست و همراه با هوس زدگی که جلوه اش بیشتر در میهمانی های مختلط و کنسرت های هیجانی و موسیقی های رپ و روابط پرخطر فردی است. اشتباه این است که این افراد را سیاسی یا دارای مطالبات اقتصادی بدانیم. این خطای بزرگ باعث می شود متن مردم از غیر مردم قابل تفکیک نباشد. مطالبات برحق مردم از دولت، هیچ نسبتی به این صحنه های پرشرارت ندارد. البته نگران کننده این است که منافقین و تروریست ها بر این جریان سوار شوند و با استفاده از این به هم ریختگی، اقدامات جنایتکارانه و ضدانسانی را رقم زنند و اگر نه آتش این وندالیسم به زودی فروکش می کند. ▶

مهمترین اتفاق هفته گذشته بحث درگیری ایران با اغتشاشات اخیر در شهرهای مختلف بود. اغتشاشاتی که از اعتراض مردم در شهر مشهد کید خورد اما به سرنوشتی تلخ مبدل شد. تعدادی از هموطنان کشته و برخی دستگیر شدند. اما درباره چرایی این مساله که چطور اعتراضات به اغتشاش تبدیل شد، محمد عبد الهی در صفحه شخصی خود نوشت: «اجتماع روز پنجشنبه ۷ دی ماه ۱۳۹۶ مردم مشهد که آغازگر حرکت مردمی، مطالبه گرایانه و در راستای پیگیری و حل مشکلات اقتصادی - معیشتی بود با عدم پاسخگویی مناسب دولت زمینه ساز سوء استفاده بیگانگان و در نتیجه انحراف اعتراضات از مسیر صحیح خود شد. اتاق عملیات روانی به جای پاسخ مناسب به مطالبات برحق مردم به سرعت دست به کار شد تا با فرافکنی و ارائه آمارهای اقتصادی گذشته؛ از اصابت ترکش های این مطالبه مردمی به دولت جلوگیری کرده و همزمان قهراً و با موج سواری ضد انقلاب فضا به سمت امنیتی شدن مطالبات مردم و در نهایت سرکوب آنها هدایت شود! نکته مهمی که از نگاه دولت مغفل مانده این است که همراه در خصوص فقر و مشکلات معیشتی مردم؛ باید نه تنها کمیت فقر، بلکه شکاف های درآمدی، احساس محرومیت و احساس کنار گذاشته شدن یا غبن و ظلم را مدنظر داشت. نمونه این تساهل را می توان در ماجرای حقوق های نجومی مشاهده کرد.

واقعیت این است که آنچه امروز ذهن مردم را آزار می دهد؛ نبود دلیل و توجیه برای شکاف یاد شده است. جامعه از خود می پرسد که دلیل شکافی که هر روز عمیق تر می شود چیست؟! آیا محصول کار و تلاش شبانه روزی است یا مصرف مسرفانه و رانت خواری ژن های برتر؟ اینجاست که علی رغم نوسانات سطح فقر، احساس بغض و محرومیت گاه به صورتی غیر واقعی افزایش می یابد و این احساس؛ از فقر برای نارضایتی های اجتماعی مهم تر است. آشوب ها وقتی در تهران کید خورد رنگ و بوی دیگری به خود گرفت. اگرچه در تهران خشونت ها علیه اموال عمومی زیاد بود اما درگیری منجر به کشته شدن کسی نشد. ▶

آشوبگران تهرانی را بشناسیم. محسن مهدیان،

به ما پیامک بزنید:

۳۰۰۰۴۱۱۷۱۱

❌ کسی که پرچم ایران را در حالی که عبارت «الله اکبر» روی آن نقش بسته آتش می زند ایرانی نیست. (یک ایرانی وطن پرست)

❌ به عنوان یک ایرانی باید بگویم رهبر و کشورم را دوست دارم اما مقصر اصلی این ناآرامی ها بعضی از مسئولان هستند.

❌ ضمن تبریک سال نوی میلادی به هموطنان عزیز مسیحی، از اینکه با شما دوستان و دیگر هموطنان اقلیت دینی زندگی توام با احترام متقابل و آرام دارم که شهادی فقید شما نیز در آن سهیم هستند، به خود می بالم.

❌ موضع گیری برخی از مردم در برابر گرانی های اخیر در تمام دنیا مرسوم است. از آمریکا گرفته تا فرانسه و... مهم این است که مسئولان با تلاشی مضاعف جلوی گرانی ها و... را بگیرند تا شاهد تکرار چنین حوادثی نباشیم.

❌ به روحانی رای دادم و منتقدم ولی وقتی فکر می کنم باید عملی رو انجام بدم که ترامپ من و عملم رو تایید کنه کمی به فرجام کارم با دیده شک می نگرم. آخه از قدیم گفتن «ترامپ» چه می فهمه تی تاپ چیه!

❌ خرابکاری چند نفر باعث نشود مسئولان از ریشه های اصلی گرانی و ناکارآمدی قسمت هایی از دولت و نظام طفره برونند. ما باید قانون و فرآیند شفاف و کارآمدی برای جلوگیری از پارتی بازی در ادارات داشته باشیم تا شایسته سالاری مبنای قرار گیرد.

❌ اخلاق حکم می کند در شرایط سخت منطقه به دولت کمک کرد و دولت و مجلس هم بنا به تعهدی که در پیشگاه خداوند متعال در قبال مردم و کشور دارند باید تمام توان خود را در پیشرفت، عمران، توسعه و... به کار گیرند.

❌ صدا و سیما باید از عملکرد منفعلانه در حوادث اخیر دست بکشد و با پوشش خبری بدون گزینش و تحلیل آن، فضا را از دست کانال های معاند ماهواره ای و اینترنتی بگیرد.

❌ آقای وزیر بهداشت! کسی به شما نگفت دارو و درمان را مجانی کنید. می گویند چرا هزینه های درمان و دارو هر روز گران می شود. از انصاف به دور نباشیم!

توثیت سعید جلیلی



اتفاق شوم

کاهش قابل توجه تعداد پست و بازدید کانال‌های تلگرامی

فیلترینگ تلگرام که از چندی پیش کلید خورد، موجب تغییر شاخص‌های مرتبط با کانال‌های این شبکه اطلاع‌رسانی بوده است. بررسی‌ها، رصد و پردازش‌ها نشان می‌دهد که کانال‌های تلگرامی با کاهش جدی میزان پست‌های منتشر شده روبه‌رو شده‌اند.

هرچند تغییر میزان بازدید (ویو) برای کانال‌ها با رویکردهای مختلف متفاوت بوده است، نکته جالب اینکه بازدید پست‌ها در کانال‌های تلگرامی میزانی به مراتب کمتر را تجربه کرده‌اند. هر چند این کاهش به هیچ وجه متناسب با از دسترس خارج شدن تلگرام نیست.

بررسی و تحلیل آمارهای این گزارش نشان دهنده دسترسی گسترده ایرانیان به نرم‌افزارها و راهکارهای فیلترشکن است.

سرنوشت شبکه‌های اجتماعی محبوب در ایران به کجا رسید؟

میل به حضور در شبکه‌های اجتماعی و فعالیت در آن در ۱۰ سال اخیر به یکی از فعالیت‌های کاربران اینترنتی تبدیل شده است؛ کاربرانی که در سال‌های اول این دهه از پشت میز و کامپیوترشان وارد این شبکه‌ها شدند، بعدها لپ‌تاپ گرفتند و بعد از آن از طریق تلفن‌های هوشمند و اینترنت بی‌سیم و اپلیکیشن‌های مختلف پا به شبکه‌های مجازی گذاشتند. بررسی شبکه‌های اجتماعی در ایران نشان داده هرکدام از این شبکه‌ها یک عمر مفید در کشور داشته‌اند و بعد از گذر از آن کاربران تشخیص داده‌اند از آن به جای دیگری کوچ کنند و خانه دیگری برای فعالیت‌های مجازی‌شان بنا کنند. اورکات را می‌توان اولین شبکه اجتماعی دانست که میان ایرانی‌ها محبوب شد اما اورکات در سال ۲۰۰۵ یک رقیب بسیار جدی به نام «یاهو ۳۶۰» پیدا کرد که گوی رقابت را از او دزدید اما با پیدا شدن سروکله فیسبوک روز به روز کمرنگ و در نهایت منسوخ شد. بی‌شک فیسبوک محبوب‌ترین و قدرتمندترین شبکه اجتماعی تولید شده است. شبکه اجتماعی‌ای که همه چیز داشت. این شبکه اجتماعی نیز در سال ۱۳۸۸ در ایران فیلتر شد. در سال ۲۰۰۵ گوگل یک فیدخوان به نام «reader» به سرویس‌هایش اضافه کرد که اگر در تمام دنیا محبوبیت چندانی نداشت میان ایرانی‌ها بسیار محبوب شد. بعد از تعطیلی گوگل ریدر آواره‌های این شبکه اجتماعی پا در گوگل پلاس گذاشتند و فعالیت‌شان را آنجا آغاز کردند. بعد از ورود اسمارت‌فون و جا افتادن سیستم عامل‌های اندرویدی و iOS در تلفن‌های همراه، شبکه اجتماعی اینستاگرام وارد تلفن‌های همراه شد. توییتر نیز در اتفاقات سال ۸۸ فیلتر شد و تا امروز فیلتر مانده است. یکی از نکات جالب درباره این شبکه اجتماعی در ایران دو قسمت بودن موج توییتری است. پس از ورود تلفن‌های هوشمند، وی‌چت مهمترین اپلیکیشن ارتباط بود که فیلتر شد. کاربران آن به وایبر نقل مکان کردند و تعدادی از واتس‌آپ و لاین استفاده می‌کردند. از میان آنها وایبر انقدر کند شد که دیگر قابل استفاده نبود. همان‌جا بود که نطقه‌های کوچ مردم به تلگرام بسته شد و این اپلیکشین تاکنون در استفاده ایرانیان بی‌رقیب بوده است.

بررسی رسانه‌ای هفته

آتش زدن پرچم نشانه صهیونیستی است



محمد ایمانی در بخشی از سرمقاله امروز رسالت با عنوان تاملی در اتفاقات اخیر نوشت: «بدون تردید مردم، مشکلات معیشتی دارند، مطالبات اقتصادی دارند، گلازه از عدم برخورد دولت با مفاسد دارند. قاعدتا باید اگر اعتراضی در راهپیمایی هم باشد، شعارها ناظر به رفع این گرفتاری‌ها باشد. اما نوع شعارها نشان می‌دهد که اصلا ناظر به این مسائل و مشکلات نیست. همه داد و فریادها معطوف به ادامه و استمرار تئمه شعارهای ساختارشکن فتنه ۸۸ است. در فتنه ۸۸، انتخابات بهانه نشانه‌گیری اصل نظام بود. در فتنه اخیر، گرانی و بیکاری بهانه و هدف اصلی نظام است. در تمام درگیری‌های فتنه ۸۸ حتی یک مورد هم نمونه نداشتیم که پرچم ایران را آتش بزنند. مادر این فتنه شاهد بودیم این حادثه تلخ اتفاق افتاد. این یک علامت و نشانه است و در این علامت، صهیونیستی و آمریکایی بودن اغتشاش، به صورت پررنگ، مشهود است. ملت ایران و ملت‌های جهان بارها در تظاهرات خود پرچم آمریکا و اسرائیل را به آتش کشیده‌اند. پرچم سوزی در اغتشاشات اخیر عمق کینه و انتقام آمریکا و اسرائیل را نشان می‌دهد و این قطعا یک دستور بوده که اجرا شده است. غرب به ویژه آمریکا برنامه ۱۰ ساله سوم نبرد نرم علیه جمهوری اسلامی را زودتر از موعد می‌خواهد کلید بزند. آنها فکر کرده‌اند برخی نارضایتی‌های مردم می‌تواند بستر خوبی برای شروع باشد. نطفه فتنه نبرد نرم سوم آمریکا با مقاومت مردم، هوشیاری دستگاه‌های امنیتی و برخورد جدی قضایی منعقد نخواهد شد و به زودی مردم و مسئولان، خائنین به ملت را معرفی کرده و به آشد مجازات خواهند رساند. انقلاب اسلامی به زودی چهل ساله می‌شود. مردم در آستانه ورود به چهل سالگی انقلاب اسلامی، مومنانتر و هوشیارانه‌تر حضور دارند و اجازه تحرک دشمن در داخل را نمی‌دهند. انقلاب اسلامی فراز و نشیب‌ها و بالا و پایین‌های بسیاری را دیده است. انقلاب اسلامی امروز در جهان و منطقه در اوج اعتبار و درخشندگی است. ملت ایران بر سکوی اقتدار منطقه‌ای و جهانی ایستاده است و به برنامه براندازانه آمریکانی‌شکنند تمسخرآمیز می‌زند. خلاصه باید یک فورم اساسی در چارچوب قانون اساسی صورت گیرد. ایرانیانی که در خارج از کشور به صورت اجبار زندگی می‌کنند، با اطمینان به کشور بازگردند و تمام احزاب و گروه‌های سیاسی هر نوع به اصطلاح دلسوزی یا حمایت خارجی را از این جریان محکوم کنند. در یک جمله تنها راه حل این بحران‌ها ایجاد یک وحدت و همدلی ملی است.»

عباس عبدی: اعتراضات اخیر جز استهلاک بیشتر سرمایه اجتماعی نتیجه دیگری ندارد



عبدی، تحلیلگر مسائل سیاسی اصلاح طلب در یادداشتی که روزنامه اعتماد منتشر کرد درباره وقایع اخیر معتقد است: «پرسشی که مطرح می‌شود این است که سرانجام این اقدامات چه خواهد شد؟ پاسخ به این سوال خیلی مهم است. در یک جامعه توسعه یافته، اعتراضات مدنی است. یعنی مطالبه مشخص است. مثلاً تغییر یک قانون یا اعتراض به یک شخص یا رفتار معین. اعتراضات سازمان یافته است. سخنگو دارد. اگر دولت بخواهد می‌تواند با سخنگویان آن گفت‌وگو کند و به تفاهم برسند. اعتراضات به امور دیگر سرایت نمی‌کند، زیرا نیازی نیست، هر کس بخواهد می‌تواند در امور دیگر هم اعتراض کند. ولی اعتراضاتی از این نوع که نه مطالبه مشخصی دارد، نه سازماندهی رسمی دارد، نه سخنگو و برپاکننده شناخته شده‌ای دارد، یا به سرعت تمام می‌شود یا به ناچار سیاسی و فراگیر و رادیکال می‌گردد، چاره‌ای جز تخریب و درگیری ندارد. این اعتراضات ماهیتی ندارند که برخی از سیاسیون منتقد بتوانند آن را مال خود کنند. اعتراضات هدفمندتر نیز در تاریخ این کشور غیرقابل کنترل شد، چه رسد به این اعتراضاتی که فاقد هدفمندی روشن است. بنابراین اعتراضات اخیر با آنچه در آینده رخ دهد، جز استهلاک بیشتر سرمایه اجتماعی و از میان بردن نظم و آرامش نتیجه دیگری ندارد. ولی مسأله مهم این است که حکومت باید تمهیداتی ببیند که مردم بتوانند اعتراضات مدنی خود را با شعارهای مشخص، سازمان‌یافتگی لازم و حتی سخنگویان و تشکیلات شناخته شده به دست دهند. فراموش نکنیم آنچه که نقطه قوت یک حکومت محسوب می‌شود، دیری نخواهد پایید که نقطه ضعف آن خواهد شد.»

این نبرد مهم است غفلت نکنید

روزنامه کیهان در بخشی از یادداشت روز شماره چهارشنبه خود که در آن به مسأله اعتراضات اخیر پرداخته است، نوشت: «ژست روشنفکری برخی مسئولان از یک سو، بی‌خبری و نفهمیدن موقعیت خطیر این تنگه، از دیگر سو و بالاخره حضور احتمالی برخی افراد وابسته و نفوذی در مجاری تصمیم‌سازی یا تصمیم‌گیر باعث شد که این مهم سال‌ها مغفول بماند. در سایه این غفلت، دشمن موفق به بزرگ‌ترین فتح خود در حوزه افکار عمومی شد و پل‌تفرم‌های مختلف خبری و ارتباطی خود را در متن زندگی روزمره مردم و حتی تمامی دستگاه‌های کشور وارد کرد! و اینجنین شد که در کوتاه‌زمانی، بخش مهم و مؤثری از ابزارهای هدایت افکار عمومی و زیرساخت‌های مربوطه، تحت تسلط دشمن قرار گرفت. مردم عادی تقصیری ندارند، اما معلوم نیست چرا متولیان امر بدیهیات ماجرا را درک نمی‌کردند؟! آیا باید بپذیریم که آنها «متوجه نمی‌شدند» که دشمن با هزینه سرشار و هنگفت، بهترین پیام رسانه‌ای خود را دائماً به‌روز رسانی می‌کند و به رایگان در خدمت مردم ایران قرار می‌دهد؟! واقعا نمی‌فهمیدند که این همه هزینه برای سر پا نگه داشتن شبکه‌ای با ۴۰ میلیون کاربر، بی‌دلیل نیست و نمی‌تواند بی‌منظور باشد؟! تدریجاً رسانه‌ای مثل تلگرام، رسانه محوری ارتباطی جامعه شد، درحالی که حاکمیت ایران هیچ نظارت و کنترلی بر آن نداشت!«



انتخابات مهم

برخی منابع رسانه‌ای، از افرادی مانند جو بایدن، معاون سابق رئیس‌جمهور آمریکا، برنی سندرز، سناتور کهنه‌کار آمریکایی و هیلاری کلینتون، نامزد شکست خورده قبلی حزب دموکرات به عنوان افرادی یاد می‌کنند که قرار است با یکدیگر در رقابت‌های درون حزبی دموکرات‌ها رقابت کنند. در هر حال، بسیاری از تحلیلگران مسائل آمریکا، با وسواسی مثال‌زدنی در حال رصد معادلات انتخاباتی این کشور در سال ۲۰۱۸ هستند.

گفتارها



دموکرات‌ها در چند قدمی تسخیر کنگره

نظرسنجی‌ها به ضرر ترامپ است

گرفته، حزب دموکرات را نسبت به پیروزی در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره امیدوار کرده است. صورت‌بندی معادلات انتخاباتی سال ۲۰۱۸ در ایالات متحده آمریکا چندان دشوار به نظر نمی‌رسد. انتخابات کنگره آمریکا قرار است ششم نوامبر ۲۰۱۸ برگزار شود که در آن نمایندگان از ۳۹ ایالت آمریکا با یکدیگر به رقابت خواهند پرداخت. بنابراین انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره در آمریکا همه ایالات این کشور را درگیر خود خواهد کرد. در این میان، نارضایتی‌های عمومی نسبت به دونالد ترامپ، نگرانی حزب جمهوریخواه را در خصوص کسب مجدد اکثریت کنگره دوچندان کرده است. شکست نامزد موردمحمیت ترامپ در انتخابات ایالتی اخیر آلاباما و راهیابی یک سناتور دموکرات به سنا (پس از ۲۵ سال) چشم‌انداز تیره‌ای را برای جمهوریخواهان در انتخابات پیش‌رو ایجاد کرده است. لازم به ذکر است که در این انتخابات تمامی ۴۳۵ کرسی مجلس نمایندگان و ۳۳ کرسی از صد کرسی مجلس سنا برای نامزدهای انتخاباتی به رای گذارده خواهد شد. برگزاری این انتخابات درست در میانه دوران

از آنها با سیاست‌های ترامپ به شدت مشکل داشته و از مخالفان وی محسوب می‌شوند. در میان این افراد می‌توان به نام‌هایی مانند جان مک‌کین، راند پال، جف فلیک و... اشاره کرد. در سنا آمریکا، ۴۹ کرسی به جمهوریخواهان و ۵۱ کرسی به دموکرات‌ها تعلق دارد. پیروزی اخیر دموکرات‌ها در انتخابات ایالتی آلاباما، آنها را نسبت به تسخیر کنگره در انتخابات میان‌دوره‌ای و انتقام شکست در سال ۲۰۱۶ میلادی امیدوار ساخته است. انتخابات ریاست جمهوری و کنگره سال ۲۰۱۶ میلادی بدترین انتخابات ممکن برای سران حزب دموکرات بود. در آن انتخابات، دونالد ترامپ توانست ضمن غلبه بر هیلاری کلینتون در آرای الکترال، به کاخ سفید راه یابد. در انتخابات کنگره نیز دموکرات‌ها هر دو مجلس نمایندگان و سنا را از دست دادند تا در مجموع یکی از بدترین شکست‌های تاریخ سیاسی خود را در برابر جمهوریخواهان متحمل شوند. سال ۲۰۱۸ بهترین فرصت ممکن برای دموکرات‌هاست تا بتوانند معادله موجود را تغییر دهند. نظرسنجی‌هایی که در آمریکا صورت

سعید سبحانی

کارشناس مسائل بین‌الملل

اگرچه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا سعی دارد به صورتی جدی نظرسنجی‌های موجود در این کشور را به چالش کشیده و آن را ساخته و پرداخته ذهن صاحبان رسانه‌ها در کشورش قلمداد کند، اما اکثر نظرسنجی‌هایی که از سوی نهادهای مستقل صورت گرفته نیز نشان‌دهنده کاهش محبوبیت ترامپ و در مقابل، افزایش محبوبیت سران حزب دموکرات است. البته میان این دو گزاره، ارتباطی مستقیم وجود دارد؛ هر اندازه از محبوبیت ترامپ کاسته شود، به طور طبیعی بر محبوبیت سران حزب دموکرات افزوده می‌شود.

این نظرسنجی‌ها در حالی صورت می‌گیرد که امسال (سال ۲۰۱۸ میلادی) قرار است انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره در ایالات متحده برگزار شود. هم‌اکنون اکثریت کرسی‌های مجلس نمایندگان و سنا را آمریکا در دست جمهوریخواهان است؛ جمهوریخواهانی که اتفاقاً برخی

صعود راست گرایان افراطی در اروپا

چالش جدید بر سر شکل‌گیری دولت اتریش

حنیف غفاری

روزنامه‌نگار



این کشور بر اتحادیه اروپا در نیمه دوم سال ۲۰۱۸ میلادی گرفته شود. اوصافی که در این نامه برای مسئولان جدید اتریشی به کار گرفته شده است، نشان از نگرانی عمیق امضاکنندگان نامه نسبت به تحولات اروپا دارد. در این نامه از سیاست‌های کورتس، صدر اعظم اتریش و وزرای وابسته به حزب آزادی به عنوان وارثان نازیسم یاد شده است. واقعیت امر این است که بسیاری از طرفداران جریان راست افراطی در اتریش و به صورت مشخص حزب آزادی، رویکردی ملی‌گرایانه (از نوع افراطی)، نژادپرستانه و ضد مهاجرت دارند. حتی برخی از این افراد حاضر هستند وارد منازعه فیزیکی با مهاجرین شده و به مراکز اسلامی در کشورشان حمله کنند.

در هر حال، «مهار دولت ائتلافی اتریش» به دغدغه‌ای پررنگ در میان سیاستمداران اروپایی تبدیل شده است. با این حال، بر همگان مسجل است که هزینه جلوگیری از ریاست دوره‌ای اتریش بر اتحادیه اروپا (چنانچه در این نامه خواسته شده است) بسیار بالاست. در این صورت، اروپای واحد خود را در مقابل افکار عمومی اتریش قرار خواهد داد. به‌رغم این مساله، این نامه می‌تواند نقطه آغاز تقابل تمام‌عیار بسیاری از سیاستمداران اروپایی با دولت جدید اتریش باشد. در چنین شرایطی تلاش افرادی مانند «ژان کلود یونکر»، رئیس کمیسیون اروپا برای طبیعی جلوه‌دادن حضور حزب آزادی در دولت ائتلافی اتریش با این‌بست رویه‌ور شده است. بدیهی است که در میان شهروندان و بسیاری از سیاستمداران اروپایی نگرانی‌های عمیقی در خصوص حضور حزب آزادی در دولت ائتلافی اتریش وجود دارد. سکوت سیاستمداران ارشد اتحادیه اروپا در قبال تشکیل دولت ائتلافی در اتریش، منجر به نارضایتی و خشم بسیاری از شهروندان اروپایی شده است. با این وجود، سیاست‌های کورتس سعی دارد نهایت تلاش خود را برای جلوگیری از تنش‌های مزمن و بازدارنده میان وین و اروپای واحد صورت دهد. در هر حال، تقابل میان سیاستمداران اروپایی و دولت ائتلافی اتریش حداقل تا پایان سال ۲۰۱۸ میلادی به قوت خود باقی خواهد ماند. همان‌گونه که اشاره شد، این تقابل در نیمه دوم سال جدید میلادی به نقطه اوج خود رسیده و حتی ممکن است منجر به اقداماتی تند و صریح علیه دولت اتریش شود. در هر حال، حضور جریان راست افراطی در دولت ائتلافی اتریش، سنگ‌بنای اولیه حضور جریان‌های راست افراطی در دولت‌های اروپایی محسوب می‌شود. این روند می‌تواند در سال ۲۰۱۸ میلادی و با راهیابی جریان‌های راست افراطی به دولت‌های ائتلافی در اروپا تقویت شود.

از سوی دیگر، نواختن ساز ناکوک اتریش با دیگر کشورهای اروپایی در خصوص سهمیه‌بندی مهاجرین و پناهجویان، به صورت مشخص مولد بحران‌های اجتماعی ناشی از توزیع نامناسب پناهجویان در اروپا خواهد بود. از این‌رو بر سر موضوع پناهجویان نیز شاهد شکل‌گیری تقابل سختی میان دولت اتریش و دیگر دولت‌های اروپایی خواهیم بود. این تقابل در نیمه دوم سال ۲۰۱۸ میلادی، یعنی زمان حضور اتریش در مسند ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا به نقطه اوج خود خواهد رسید. بدون شک در این بازه زمانی شش‌ماهه، حزب آزادی اتریش از همه ظرفیت‌های خود برای تحمیل خواسته‌هایش علیه مهاجرین و پناهجویان (به اروپای واحد) استفاده خواهد کرد. ▶

تشکیل دولت ائتلافی اتریش به چالشی بزرگ برای دیگر احزاب و گروه‌های سیاسی در اروپا تبدیل شده است. حتی در مواردی، از حضور جریان راست افراطی و حزب موسوم به آزادی در دولت اتریش به عنوان ابرچالشی مزمن برای قاره سبز یاد می‌شود. به عبارتی بهتر، تشکیل دولت ائتلافی اتریش بدترین خبر ممکن برای احزاب چپ میانه و حتی محافظه‌کاران معتدل در اروپا محسوب می‌شود. حضور حزب افراطی آزادی (وابسته به جریان راست افراطی) در دولت ائتلافی اتریش، مولد تنش‌های جدی و دامنه‌داری در اروپای واحد خواهد بود. این مساله در نیمه دوم سال ۲۰۱۸ میلادی و همزمان با ریاست دوره‌ای اتریش بر اتحادیه اروپا تشدید خواهد شد.

طی روزهای اخیر، شاهد تشدید مخالفت شخصیت‌های سیاسی اروپا با دولت ائتلافی اتریش هستیم. همان‌گونه که پیش‌بینی می‌شد، اکثر سیاستمداران اروپایی حضور جریان راست افراطی در معادلات سیاسی و اجرایی اتریش را کابوسی برای خود و فراتر از آن، زمینه‌ساز قدرت‌گیری دیگر احزاب راست افراطی در کشورهای اروپایی می‌دانند. افزایش محبوبیت سیاستمداران وابسته به جریان راست افراطی در نظرسنجی‌ها سبب شده است تا این جریان، برای پیروزی در انتخابات پارلمانی آتی در اروپا نیز خیز بردارد. این در حالی است که در حال حاضر نیز بیش از صد نماینده پارلمان اروپا به جریان راست افراطی وابسته هستند. حضور جریان راست افراطی در دولت اتریش می‌تواند مقدمه‌ای برای رشد دیگر احزاب راست افراطی در دیگر نقاط اروپا باشد. حزب آزادی اتریش، با حضور در دولت ائتلافی اتریش، زمینه را برای حضور دیگر احزاب راست افراطی در دولت‌های اروپایی فراهم کرده است. این در حالی است که جریان‌های پوپولیست در کشورهایمانند سوئد و ایتالیا که قرار است انتخابات آنها امسال (سال ۲۰۱۸ میلادی) برگزار شود رشد مضاعفی در نظرسنجی‌ها داشته‌اند.

به عنوان مثال حزب دموکرات سوئد (وابسته به جریان راست افراطی) و جنبش پنج‌ستاره در ایتالیا (که جنبش پوپولیست و ضد اروپایی محسوب می‌شود) در نظرسنجی‌های عمومی توانسته‌اند به محبوب‌ترین احزاب در کشورشان تبدیل شوند. در چنین شرایطی، نگرانی سیاستمداران اروپایی نسبت به حضور حزب آزادی در دولت اتریش کاملاً قابل درک است. اخیراً در نامه‌ای که در روزنامه فرانسوی «لوموند» منتشر شده است، سیاستمداران اروپایی خواستار بایکوت دولت راست‌گرای اتریش و به‌ویژه سیاستمداران عضو حزب افراط‌گرای آزادی (FPÖ) شده‌اند. افرادی مانند برنارد کوشنر، وزیر امور خارجه سابق و «کمپ بل»، نخست‌وزیر سابق کانادا نیز این نامه را امضا کرده و نسبت به آثار و تبعات حضور حزب آزادی در دولت ائتلافی اتریش و تأثیر سوء آن بر اروپا هشدار داده‌اند.

در این‌نامه به صورت مشخص، سیاستمداران مطرح غربی خواستار تحریم ۶ تن از وزرای دولت ائتلافی اتریش (به دلیل وابستگی به حزب آزادی) شده‌اند. علاوه بر آن، در این نامه تأکید شده است که باتوجه به حضور جریان راست افراطی در دولت ائتلافی اتریش، باید جلوی ریاست

ریاست جمهوری دونالد ترامپ خواهد بود که در صورت پیشی گرفتن دموکرات‌ها در این انتخابات و به‌دست آوردن اکثریت کرسی‌ها در مجلس نمایندگان، کار برای دولت ترامپ که هم‌اکنون اکثریت سنا و مجلس نمایندگان را در اختیار دارد، به مراتب دشوارتر خواهد شد.

در حال حاضر از ۴۳۵ کرسی مجلس نمایندگان آمریکا، جمهوریخواهان با در اختیار داشتن ۲۴۰ کرسی در برابر ۱۹۴ کرسی حزب دموکرات، از اکثریت برخوردار هستند. در صورتی که حزب دموکرات بتواند در این انتخابات ۲۴ کرسی دیگر را از حزب جمهوریخواه پس بگیرد، آنگاه با کسب ۲۱۸ کرسی در قبال ۲۱۶ کرسی و تنها با اختلاف دو کرسی این حزب قادر خواهد بود اکثریت مجلس نمایندگان را از آن خود کند. در مجلس سنا، کار دموکرات‌ها به مراتب آسان‌تر است. اگر دموکرات‌ها تنها بتوانند دو کرسی سنا را از سناتورهای جمهوریخواه پس بگیرند، اکثریت سنا از آن حزب رقیب ترامپ خواهد شد. در این صورت، ترامپ کار بسیار سختی را در تقابل با سنا پیش‌رو خواهد داشت. نباید این نکته را فراموش کرد که در ساختار تقنینی آمریکا، نقش سنای آمریکا نسبت به مجلس نمایندگان پررنگ‌تر است. از این‌رو از بین رفتن اکثریت سنا به ضرر جمهوریخواهان، بدترین خبر ممکن برای ترامپ محسوب می‌شود.

مروری بر نظرسنجی اخیر صورت گرفته در خصوص انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا که از سوی شبکه ان بی سی نیوز و روزنامه وال استریت ژورنال انجام شده است، فضای سیاسی خوبی را برای دموکرات‌ها در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره امسال ترسیم کرده و در مقابل، رنگ خطر را برای جمهوریخواهان در این انتخابات به صدا درآورده است. به موجب یافته‌های نظرسنجی انجام شده، ۵۰ درصد از رای‌دهندگان، کنگره‌ای تحت کنترل دموکرات‌ها را بر کنگره تحت سلطه جمهوریخواهان ترجیح می‌دهند، در حالی که تنها ۳۹ درصد خواهان تسلط جمهوریخواهان در این مجلس هستند. این اختلاف ۱۱ درصدی در ماه‌های آتی و تحت تأثیر عملکرد تنش‌آمیز ترامپ در حوزه سیاست داخلی و خارجی ایالات متحده آمریکا بیشتر می‌شود.

در این صورت، دموکرات‌ها قادر خواهند بود با ائتلافی فاحش، جمهوریخواهان را در انتخابات کنگره شکست دهند. آخرین باری که دموکرات‌ها از جمهوریخواهان پیش افتادند و نظر مساعد ۵۰ درصد از رای‌دهندگان را جلب کردند، در جریان نظرسنجی ان بی سی و وال استریت ژورنال در سال ۲۰۰۸ هنگام راهپایی نماینده حزب دموکرات به کاخ سفید و احراز تعداد بالایی از کرسی‌های مجلس نمایندگان و سنا از سوی این حزب بود. نکته مهم‌تر این‌که اگر دموکرات‌ها بتوانند بر جمهوریخواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره امسال غلبه پیدا کنند، در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ میلادی نیز از شانس بیشتری نسبت به جمهوریخواهان برای فتح کاخ سفید برخوردار خواهند بود.

در این صورت، رقابت‌های درون‌حزبی دموکرات‌ها برای معرفی نامزد نهایی (برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود. برخی منابع رسانه‌ای، از افرادی مانند جو بایدن، معاون سابق رئیس‌جمهور آمریکا، برنی سندرز، سناتور کهنه کار آمریکایی و هیلاری کلینتون، نامزد شکست‌خورده قبلی حزب دموکرات به عنوان افرادی یاد می‌کنند که قرار است با یکدیگر در رقابت‌های درون‌حزبی دموکرات‌ها رقابت کنند. در هر حال، بسیاری از تحلیلگران مسائل آمریکا، با سواسی مثال‌زدنی در حال رصد معادلات انتخاباتی این کشور در سال ۲۰۱۸ هستند. ▶

روزهای سخت ریاض

عربستان چاره‌ای جز تغییر رویه ندارد

عبدالرضا خلیلی

کارشناس بین‌الملل

نقش آفرینی‌های نظامی و سیاسی جدید سعودی‌ها - با وجود حمایت آمریکا - صدمه غیر قابل جبرانی به ریاض زده است. آمریکا در دوره دولت باراک اوباما به دلیل مسائل اقتصادی، سعی کرد هزینه‌های نظامی خود را در اقصی نقاط جهان کاهش دهد. این سیاست همچنین در شعار انتخاباتی «اول آمریکا» دونالد ترامپ ادامه پیدا کرد. بنابراین از متحدان آمریکا در اروپا، آسیای غربی و شرقی و... درخواست شد آنها خود متقبل امنیت خود شوند.

در ادامه همین سیاست شاهد نقش آفرینی نظامی - مستقیم عربستان در منطقه - به ویژه در سوریه، بحرین، یمن و... بوده ایم. البته به علت بی تجربگی ریاض در این سطح نقش آفرینی‌ها طبیعی است که آمریکا به صورت مکمل، غیرمستقیم در سطوح مستشاری، اطلاعاتی و گاهی عملیاتی از ریاض حمایت کند، ولی ظاهراً بنا بر این بود که اقدامات نظامی آمریکا در منطقه در نهایت به نام متحدانش از جمله عربستان تمام شود.

این رویه علاوه بر منافع اقتصادی سود دیگری نیز برای کاخ سفید داشت و آن اینکه چهره جنگ افروز آمریکا در منطقه و جهان تعدیل می‌شود و این مطلب باتوجه به موج احساسات ضد جنگ در آمریکا که در اواخر دولت جورج بوش پسر به اوج رسید و همچنان نیز ادامه دارد بسیار حائز اهمیت است.

در عین حال این نقش آفرینی‌های جدید سعودی‌ها - با وجود حمایت آمریکا - به علت همان بی تجربگی و

کمی خودسری سران عربستان صدمه غیر قابل جبرانی به ریاض زده است.

به گزارش پایگاه اینترنتی میدل ایست‌آی ناکامی‌های پی در پی ولیعهد عربستان و سران تازه به دوران رسیده آل سعود به علت اتخاذ سیاست‌های بسیار ضعیف منطقه‌ای و خارجی، نه تنها احترامی برای رژیم باقی نگذاشته بلکه آن را در منطقه منزوی کرده است.

اما این تنها نقش آفرینی‌های نظامی عربستان در منطقه نیست که این کشور را بی اعتبار کرده است. بر اساس این گزارش پس از اعلامیه دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا مبنی بر به رسمیت شناختن اورشلیم (شهر اشغالی قدس) به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی، رجب طیب اردوغان برای تشکیل نشست اضطراری شورای همکاری اسلامی فراخوان داد اما عربستان سعودی هیأت دیپلماتیک سطح پایینی را برای شرکت در این نشست فرستاد. ریاض با شرکت نکردن در این نشست این پیام را مخابره کرد که دیدگاهش درباره مسائل منطقه‌ای به آمریکا و اسرائیل نزدیک تر است و همین موضوع ریاض را به عنوان خادمین حرمین شریفین اسلامی با بحران مشروعیت روبه‌رو ساخت.

پایگاه اینترنتی المانیتور نیز در این باره نوشته است: «عربستان سعودی باید به خاطر روابط گرم خود با دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا متأسف باشد. سیاست خارجی عربستان موضع دراز مدت این کشور را به عنوان مدافع مسلمانان و جهان اسلام زیر سوال می‌برد و تضعیف می‌کند.»

بر اساس این گزارش واکنش عربستان سعودی به بیانیه ترامپ در رابطه با شهر قدس برای بسیاری در منطقه

این تصور را تقویت کرد که این تصمیم دولت ترامپ در همکاری نزدیک با محمد بن سلمان ولیعهد عربستان صورت گرفته است. این تصور می‌تواند به طرز قابل توجهی ادعای بلندمدت سعودی‌ها را در رابطه با اینکه یکی از فعال ترین مدافعان حقوق مسلمانان هستند و همچنین سرپرستی آنها بر شهرهای مقدس مدینه و مکه را زیر سوال ببرد.

رویکرد تندروانه عربستان ضد قطر دیگر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را وحشت زده کرده و آنان مجبور شده‌اند در پی به دست آوردن پشتیبانی منطقه‌ای به سوی کشورهای دیگر متمایل شوند. غیرمسئولانه ترین اقدام سران رژیم آل سعود وادار کردن سعد الحبریی، نخست وزیر لبنان به استعفا و بازداشت او در ریاض بود. این اقدام سبب شد نخبگان سیاسی لبنان و مردم این کشور به شکلی بی سابقه در تاریخ روابط بین دو کشور ضد عربستان متحد شوند.

به گزارش میدل ایست‌آی سیاست‌های منطقه‌ای عربستان، ناکامی و شکست کامل به بار آورده و ریاض را به شدت در منطقه منزوی کرده است. اگر آل سعود همین مسیر را ادامه بدهد یقین بدانید انزوای ریاض در دنیا هم قطعی است. این مطالب حاکی از این است که متحدان غربی سعودی‌ها نیز به این نتیجه رسیده‌اند که زمانی ریاض می‌تواند منافع آنها در منطقه را تامین کند که برخی خطوط قرمز سیاسی و فرهنگی را رعایت کند. بنابراین در آینده‌ای نه چندان دور باید شاهد بازگشت رهبران تازه به دوران رسیده سعودی لااقل به سمت محافظه کاری و عقلانیت بیشتر سلف پیشین خود - عبدالله بن عبدالعزیز پادشاه پیشین عربستان - باشیم. ▶



وضعیت منحصر به فرد

الزامات حفظ و تثبیت قدرت منطقه‌ای ایران در قبال ائتلاف دشمنانش چیست؟

■ احمد کاظم زاده

کارشناس مسائل سیاسی

جمهوری اسلامی ایران مطابق دیدگاه متخصصان روابط بین الملل شاخص‌های قدرت منطقه‌ای را دارد و با پشتوانه تقویت اتحاد ملی و حفظ قدرت می‌تواند به مزیت‌های اقتصادی آن نیز نائل شود.

دستیابی به قدرت منطقه‌ای یکی از فرصت‌های نادر در عرصه روابط بین الملل است که کسب آن دهه‌ها و شاید قرن‌ها وقت می‌برد، ضمن اینکه بسیار هزینه‌بر هم هست اما در مقابل مزیت‌هایی نیز برای خود دارد و اگر کشوری بتواند از فرصت پیش آمده استفاده بهینه نکند، ضمن اینکه می‌تواند هزمونی خود را برای مدتی تضمین کند، چه بسا می‌تواند به خیلی از مشکلات و چالش‌های اقتصادی خود نیز پاسخ دهد.

بررسی‌های موجود نشان می‌دهد که خوشبختانه جمهوری اسلامی ایران بعد از نزدیک به چهار دهه خیلی از شاخص‌های قدرت منطقه‌ای را مطابق دیدگاه برخی از متخصصان سرشناس ژئوپلیتیک

و روابط بین الملل دارد. برخی شاخص‌های پیشنهادی سائول بی‌کوهن (Saul B Cohen) جغرافیدان معاصر آمریکایی در خصوص قدرت‌های درجه ۲ (شامل: ۱- تلاش می‌کند خود را به عنوان هسته و مرکز منطقه مطرح کند ۲- جهت اقتصادی و ارتباطی تلاش می‌کند

به گره مواصلاتی و مرکز منطقه تبدیل شوند ۳- تلاش می‌کند جلوی قدرت‌های جهانی در آن منطقه را بگیرند) با اندکی مسامحه درباره ایران قابل مشاهده و ردیابی است. به همین ترتیب مطابق هر چهار شاخصی که ایویند استروود (Qyvind Qsterud) برای قدرت منطقه‌ای ذکر می‌کند (که شامل قرار گرفتن در بخش معینی از جغرافیای منطقه، برخورداری از توان مقابله با ائتلاف‌سازی سایر دولت‌های منطقه، برخورداری از نفوذ بالا در منطقه و



برخورداری از ظرفیت تبدیل شدن به قدرت جهانی است) جمهوری اسلامی ایران از موقعیت مطلوبی برخوردار است و حائز شرایط قدرت منطقه‌ای است. شاخص‌های دانیل فلیمز (شامل: ۱- تدوین طرح ادعای رهبری ۲- برخورداری از منابع ضروری قدرت ۳- به کارگیری مناسب ابزارهای

سیاست خارجی ۴- پذیرش نقش رهبری توسط دولت‌های ثالث) نیز نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران تقریباً حائز بسیاری از این شاخص‌ها است.

اساساً تحركات جدید رقیب، مخالفان و دشمنان ایران (که با تشکیل ائتلاف میان آنها همراه است) با فرض قدرت منطقه‌ای ایران و لزوم مهار آن اتخاذ شده است. در چنین وضعیتی حفظ و تثبیت قدرت منطقه‌ای ایران به این بستگی خواهد داشت که تا چه میزان بتوان با این تلاش‌ها مقابله کند و ایران و موقعیت جدید آن را از مخاطرات و چالش‌های پیش رو عبور دهد. در این میان دوره گذار حاکم بر منطقه و تلاش ائتلاف مثلاً آشوب شامل آمریکا، رژیم صهیونیستی و عربستان برای تغییر موازنه این ضرورت را به وجود آورده است که در قبال هرگونه تحرک این محور مواظب و هوشیار بوده و در عین حال از هر تلاش ممکن به خصوص شیوه‌های نرم افزاری برای حفظ و تثبیت آن در چارچوب صبر استراتژیک بهره گیرد.

ظهور جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای پایدار و ایفای نقش فعال در این محیط مستلزم اتخاذ تدابیر و راهکارهایی است که به قدرت نفوذ و اعتبار همه‌جانبه ملی منطقه‌ای و بین‌المللی ایران کمک نماید. در این راستا حفظ و تقویت اتحاد ملی و تبدیل آن به پشتوانه‌ای برای صیانت از قدرت منطقه‌ای از نقشی بی‌بدیل برخوردار است چرا که این موقعیت برای همه است و فرد یا جناح خاصی را شامل نمی‌شود. ►

اولین نشانه فروپاشی

شورای همکاری خلیج فارس دچار اختلافات گسترده شده است

■ رضا محمد مراد

کارشناس بین‌الملل

یک مقام عمانی به امارات و عربستان سعودی درباره توافق‌های دوجانبه به دور از فضای شورای همکاری خلیج فارس هشدار داد و اعلام کرد که در این صورت شورای همکاری منحل خواهد شد.

موضع گیری نه‌چندان غافلگیرکننده این مقام ارشد عمان درباره عربستان و امارات نشان‌دهنده این است که بحران کشورهای عرب خلیج فارس به بن‌بست رسیده است و هیچ‌امیدی برای حل و فصل آن در آینده نزدیک وجود ندارد.

بر اساس گزارش خبرگزاری اسپوتنیک، به گفته این مسئول عمانی، اگر عربستان سعودی، امارات و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، به «سیاست‌های احمقانه بی‌ثبات‌کننده در منطقه» ادامه دهند، عمان و دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس

می‌توانند ائتلاف‌های جایگزینی ایجاد کنند. این مسئول عمانی که خواست نامش فاش نشود به پایگاه «میدل ایست آی» گفت اگر محور سعودی-اماراتی به طرح‌ها و برنامه‌هایشان برای برون‌رفت از شورای همکاری ادامه دهند، ممکن است مسقط مجبور به یافتن حامیان جایگزین باشد.

امارات پیشتر از تشکیل کمیته نظامی و اقتصادی جدید با عربستان سعودی و جدایی از شورای همکاری خبر داده و اعلام کرده بود که این کمیته وظیفه ایجاد هماهنگی بین دو کشور را در زمینه‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی، تجاری و فرهنگی برعهده خواهد داشت. رئیس‌امارات نیز این موضوع را تأیید کرد؛ امری که کارشناسان در واکنش به آن اعلام کردند که این تصمیم آینده شورای همکاری خلیج فارس را با خطر مواجه می‌سازد.

زمزمه‌های فروپاشی شورای همکاری خلیج فارس زمانی آغاز شد که در سی و هشتمین نشست این شورا در کویت که حدود یک ماه پیش برگزار شد، سران چهار کشور عضو غیبت داشتند. علاوه بر این، بحران در روابط

عربستان و امارات با قطر بر این شورا سایه افکنده و عمان و کویت در خصوص این بحران اعلام بیطرفی کرده بودند که خوشایند سعودی‌ها نبود.

از سویی سفر اخیر نخست‌وزیر ترکیه به عربستان و درگیری لفظی رئیس‌جمهور ترکیه با وزیر امور خارجه امارات نیز می‌تواند نشانه‌ای از احتمال بروز شکاف در ائتلاف سعودی-اماراتی و تلاش آنکارا برای نزدیک شدن به سعودی‌ها باشد و شاید سخنان رجب طیب اردوغان علیه بشار اسد تاکتیکی برای نزدیکی به ریاض بوده باشد که این موضوع هم در فروپاشی شورای همکاری خلیج فارس بی‌تأثیر نخواهد بود. این در حالی است که آمریکا هم با کمک ۴۰۰ میلیون دلار به کردهای سوریه سعی داشت که با کارت کردها آنکارا را به خود نزدیک سازد که در مقابل روس‌ها با فروش سامانه موشکی اس-۴۰۰ به ترکیه همچنان آنکارا را در محور خودنگه داشتند. ظاهراً تحولات منطقه سبب بروز ائتلاف‌های زلزله‌ای شده است و چه‌بسا در آینده نیز برخی ائتلاف‌ها از هم پاشیده و ائتلاف‌های دیگری به وجود آید. ►

پایان آشوب

چند روز پس از اغتشاشات در تهران و چند شهر دیگر با حضور گسترده مردم در خیابان‌ها و اعلام انزجار از رفتار اغتشاشگران، فتنه جدیدی که برپا شده بود به پایان رسید.

آشوب، اعتراض را ربود

آشوب‌گران از اعتراض مردم به مشکلات معیشتی و اقتصادی برای ساختارشکنی سوءاستفاده کردند



انتظامی نیز با وجود مجوزداشتن این تجمع با آن با سعه صدر برخورد کرد.» اما روایت خبرگزاری فارس از این تجمع، متفاوت است. فارس، آن را «اجتماع جمعی از مردم کرمانشاه هم‌زمان با فراخوان جریان ضدانقلاب، در میدان آزادی و حوالی خیابان مدرس» خواند. این خبرگزاری درباره شعارهای ساختارشکنانه این تجمع نیز نوشت: «آنها با راهپیمایی و سردادن شعارهای یا مرگ یا آزادی، اتحاد اتحاد، فکری به حال ما کن، فلسطین را رها کن، نیروی انتظامی، حمایت حمایت، ترسین ترسین ما همه با هم هستیم سر دادند و به طرف بلوار شهید بهشتی حرکت کردند. تعدادی از مردم هم بدون حضور گزارش فارس، این افراد که جمعیت آنها حدود ۳۰۰ نفر بود، به برخی اموال عمومی خسارت زدند و این تجمع در نهایت با مداخله پلیس پایان یافت. همچنین فارس روز گذشته نوشت: «علاوه بر کرمانشاه در ساری و قزوین نیز تجمعاتی برگزار شد اما فرمانداری این شهرها آنها را غیرقانونی اعلام کرد. این تجمعات در روزهای بعد به سمت خشونت و تخریب اموال عمومی رفت و اغتشاشگران، به سوءاستفاده از تجمعات مردم برای اعتراض به وضع اقتصادی پرداختند.»

❖ تلاش ناکام برای ایجاد ناآرامی در تهران

جمع‌بندی اتفاقات تهران، حکایت از کاهش قابل توجه تعداد اغتشاشگران داشته و در مناطق اعلام شده از سوی کانال‌های ضدمردمی برای پریایی تجمع، رفت‌وآمد عادی برقرار است. یکشنبه در پایتخت، هم‌زمان با تارک شدن هوا، تعداد چند صد نفر از اغتشاشگران حوالی میدان انقلاب و روبه‌روی دانشگاه تهران حضور پیدا کردند.

این تعداد، به‌طور جسته‌و‌گریخته شعارهای ساختارشکنانه‌ای سر می‌دادند. با این وجود، پلیس سعی داشت با تذکر این تعداد را متفرق کند. اغتشاشگران در حین حرکت خود از میدان انقلاب به سمت چهارراه ولی عصر (عج) به اموال عمومی مانند خودروهای انتظامی، ایستگاه‌های اتوبوس، چند بانک و مغازه‌های مستقر در میدان انقلاب آسیب وارد کردند. حرکت‌های ساختارشکنانه اغتشاشگران، تا مدتی رفت‌وآمد در طول خیابان انقلاب از میدان انقلاب تا چهارراه ولی عصر (عج) را با مشکل مواجه کرد.

نیروهای انتظامی برای برقراری نظم، در حداقل میدان انقلاب تا میدان فردوسی استقرار یافتند. علاوه بر خیابان انقلاب، تجمعات پراکنده‌ای هم در اطراف پارک لاله واقع در بلوار کشاورز تهران برگزار شد. با این حال در مجموع، تجمعات در تهران نسبت به روزهای گذشته چه به لحاظ کمیت و چه به لحاظ گستردگی افت کاملاً محسوس داشت.

عده‌ای از اغتشاشگران هم تلاش کردند تا خیابان کارگر شمالی را برای مدتی ناآرام کنند که توفیقی کسب نکردند. جمع‌بندی اتفاقات تهران، حکایت از کاهش قابل توجه گستره و تعداد اغتشاشگران داشته در عمده مناطق اعلام‌شده از سوی کانال‌های ضدمردمی برای پریایی تجمع، رفت‌وآمد عادی برقرار بوده و خبری از آشوبگران نبود.

❖ جزئیات دستگیری یک خارج‌نشین در اغتشاشات

مدیرکل روابط عمومی دادگستری استان لرستان گفت: «در جریان اغتشاشات اخیر در شهرستان بروجرد یک فرد خارج‌نشین دارای اصالت بروجردی دستگیر شد.» علی سبزواری اظهار داشت: «در جریان اغتشاشات اخیر در استان لرستان و شهرستان بروجرد یک نفر دستگیر شده

موج مردم، جمعیت اندک اغتشاشگران را با خود برد



در میادین و خیابان‌های سطح شهر غیرقانونی است و ما موظف به برخورد قاطع و مقابله با اقدامات غیرقانونی هستیم، گفت: «اینکه برخی از افراد به هر شکل و عنوانی خواستار گفت‌وگو با مقامات کشور و تجمع هستند، مراحل دستیابی به این درخواست مشخص است. ما با مشخص کردن شرایط و تعیین شروطی به این افراد مجوز می‌دهیم و اساساً رویکرد ما ندان مجوز نیست.» او افزود: «متأسفانه عمده از افرادی که در این گونه تجمعات شرکت می‌کنند، افراد ساده‌لوحی هستند که از پشت پرده این گونه فراخوان‌هایی اطلاع هستند و وقتی با فراخوان‌هایی مانند اعتراض در برابر گرانی روبه‌رو می‌شوند، با آن فراخوان همراهی می‌کنند، در حالی که نمی‌دانند جریان‌های ضدانقلاب در صدد سوءاستفاده از نیت آنها و سردادن شعارهای خلاف واقع هستند.»

نسج همدانی در پاسخ به این سوال که آیا تاکنون با تجمعی برخورد صورت گرفته است؟ عنوان کرد: «به‌اندازه حجم تبلیغاتی که برای این فراخوان غیرقانونی روبه‌رو بودیم، از آن استقبال نشده است. در برخی از میادین تعداد محدود و قلیلی از افراد حضور داشتند که با تذکر دوستانه پلیس صحنه را ترک می‌کردند. در یکی از میادین کمتر از ۵۰ نفر حضور داشتند که تعدادی از افراد پس از تذکر پلیس صحنه را ترک کردند اما تعداد اندکی نیز بودند که با وجود تذکر پلیس همچنان در میدان باقی ماندند. پس از این مساله و استعمال پلیس از ما با حکم قضائی تعداد کمی بازداشت موقت شدند.»

او افزود: «پلیس پس از ثبت اطلاعات این افراد در صدد است تا در اولین فرصت بازداشت‌شدگان را آزاد کند، چون فکر می‌کنیم تعداد زیادی از کسانی که در این گونه تجمعات حضور می‌یابند و بازداشت می‌شوند، کسانی هستند که تحت تاثیر فضای تبلیغاتی و رسانه‌ای قرار می‌گیرند و فکر می‌کنند در این فراخوان‌ها مسائل آنها دنبال می‌شود در حالی که اطلاع ندارند این فراخوان‌ها عمدتاً منشأ خارجی دارند.»

❖ تجمع در کرمانشاه

خبرگزاری تسنیم هم جمعه از تجمع در شهر کرمانشاه خبر داد. تسنیم این تجمع را اعتراض «تعدادی از مال‌باختگان برای دستیابی هرچه زودتر به اموال خود» خواند و نوشت: «این تجمع در میدان آزادی شهر کرمانشاه برگزار شد و تجمع‌کنندگان در شعارهایی خواستار مشخص شدن وضعیت سپرده‌های خود شدند و نیروی

ماجرای مشهد شروع شد؛ از یک تجمع اعتراضی، تجمعی که با عنوان «نه به گرانی» برگزار شد و در کرمانشاه، قم، رشت و برخی شهرهای دیگر ادامه یافت و به یکباره به سایر شهرها هم سرایت کرد؛ یک پدیده غیرمنتظره که همه را غافلگیر کرد. رخدادی که براساس برخی تحلیل‌ها حتی آغاز کنندگانش را نیز غافلگیر کرده است.

ایسنا درباره تجمع پنجشنبه در میدان شهدای مشهد نوشته است: «تجمع مربوط به سپرده‌گذاران برخی موسسات مالی و اعتباری و پدیده شاندیز در مشهد بود که با تحریک برخی عوامل سودجو به ناآرامی کشیده شد که در پی آن نیروی انتظامی اقدام به دستگیری سرکردگان آن کرد. برخی عناصر محل آرامش قصد سوءاستفاده از این تجمع آرام سپرده‌گذاران را داشتند که با معرفی تجمع‌کنندگان توسط نیروی انتظامی دستگیر شدند. این تجمع سرانجام پایان یافت و شرایط شهر مشهد به روال عادی بازگشت». در همان روز پنجشنبه، محمدرحیم نوروزیان، فرماندار مشهد، گفت: «این تجمع غیرقانونی بود و مجوزی برای برگزاری آن صادر نشده بود اما با این وجود نیروی انتظامی با تجمع‌کنندگان بسیار با مدارا برخورد کرد. بر این اساس تذکراتی به این افراد داده شد و آنها مدتی در میدان شهدا حضور داشتند و پس از آن متفرق شدند. همچنین تعدادی که قصد تعرض به اموال عمومی و تخریب آنها را داشتند توسط مأموران نیروی انتظامی بازداشت شدند». سرپرست دادسرای انقلاب مشهد هم با بیان اینکه این تجمع فاقد مجوز بوده، از بازداشت ۵۲ نفر در میدان شهدای مشهد خبر داده بود. حسن حیدری به فارس گفته بود: «ما اعتراض را حق مردم و شهروندان می‌دانیم ولی اگر عده‌ای بخواهند از این احساسات سوءاستفاده کرده و به اصطلاح موج‌سواری کنند، دیگر صبر را جایز نمی‌دانیم و با این افراد برخورد می‌کنیم.» فرماندار مشهد همچنین درباره واکنش اسحاق جهانگیری به تجمع روز پنجشنبه مشهد گفته بود: «آنچه آقای جهانگیری گفتند درست است. عده‌ای از مخالفان دولت به دلیل عدم فهم، درک و تشخیص صحیح که بتوانند منافع ملی را از مسائل سیاسی تفکیک کنند دچار این مشکل هستند. فکر می‌کنند که به تصور خودشان به ایجاد فضا علیه دولت دامن بزنند، برد کرده‌اند ولی همان‌طور که آقای جهانگیری گفته مسلماً دود به چشم آقایان و همه خواهد رفت. این واضح است.» نوروزیان ادامه داده بود: «تصور این است که گویا واقعه‌ای دوست دارند تحریک کنند که اقدامی علیه دولت انجام شود در حالی که دولت جدا از نظام و حاکمیت نیست. کاملاً مشخص بود آنها که در تجمع بودند کسانی هستند که مشکلاتی درباره موسسات اعتباری و صندوق‌ها دارند ولی بعداً همان افراد هم احساس می‌شد که کنار کشیدن چون دیدند تعدادی از افراد ماجراجو و کسانی که دنبال شعار خارج از چارچوب هستند، به میدان آمدند.»

او درباره وضعیت ۵۲ بازداشتی این تجمع هم گفته بود: «نیروی انتظامی با حکم قضائی افراد را بازداشت می‌کند و پیگیر کارشان است. من اطلاعی درباره آزاد شدن این افراد ندارم. این اقدام با نظر دستگاه قضائی انجام می‌شود و جای نگرانی نیست. تمام تلاش این بود که مراقبت کنند تا خشونت رخ ندهد، یک نفر هم که گفتند مجروح شده است ولی در واقع سنگی بود که پرتاب کردند و مجروحیت خاصی نداشت و صورتش زخمی و سربایی درمان شد.»

❖ تجمع در تهران

روز جمعه هم، تجمعاتی در برخی میادین تهران رخ داد که با واکنش معاون امنیتی استانداری تهران مواجه شد. محسن نسج‌همدانی با بیان اینکه هرگونه تجمع

که دارای اصالت بروجردی بوده ولی در یکی از کشورهای اروپایی ساکن و مقیم است.» وی با بیان اینکه این فرد به همراه دوربین و سایر تجهیزات در جریان این اغتشاشات دستگیر شده است، بیان کرد: «پرونده مربوط به این فرد در دست پیگیری است و به‌زودی اطلاعات تکمیلی در این رابطه اعلام می‌شود.» مدیرکل روابط عمومی دادگستری استان لرستان با اشاره به انجام پیگیری‌های مقدماتی در رابطه با این پرونده بیان کرد: «این فرد در حال تهیه عکس و فیلم از اغتشاشات و تجمع‌های بروجد دستگیر شده است.»

❖ دستگیری ۱۳۸ نفر در مشهد

معاون دادستان مشهد از دستگیری ۱۳۸ نفر در تجمع‌های غیرقانونی مشهد خبر داد. قاضی حسن حیدری بعد از ظهر سه‌شنبه در جمع خبرنگاران به تجمع‌های غیرقانونی روزهای ابتدای هفته گذشته در مشهد اشاره و اظهار کرد: «متأسفانه در تجمع روزهای اخیر در مشهد عده‌ای قصد آشوب و اغتشاش داشتند که با هوشیاری مأموران دستگیر شدند. در مجموع تاکنون در جریان تجمع‌های مشهد در شب اول ۵۲ و در دو شب بعد ۷۴ و ۱۲ نفر که قصد خرابکاری را داشتند دستگیر شدند.» حیدری بیان کرد: «در تجمع‌های مشهد هیچ کشته و مجروحی نداشتیم و تنها چند تن از مأموران جراحات‌های سطحی برداشتند.»

❖ ۲ کشته در اغتشاشات دورود

فرماندار دورود از کشته شدن دو نفر در روز دوم اغتشاشات در این شهرستان خبر داد. ماشاء الله نعمتی در سخنانی پیرامون اغتشاشات در شهرستان دورود، با بیان اینکه تعدادی از دستگاه‌های خدمات رسان دورود، اماکن مذهبی و بانک‌ها در سطح شهرستان دورود دچار آسیب جدی شده‌اند، اظهار داشت: «برخی از این اماکن متأسفانه توسط اغتشاشگران دچار حریق شده‌اند.» وی با بیان اینکه نیروهای انتظامی در راستای دعوت به آرامش کسانی که وارد این اعتراضات شده بودند عمل کردند، گفت: «نیروهای ماطی دو روز گذشته با سعه صدر و بردباری خیلی مدارا کردند و حتی تعدادی از نیروهای عمل کننده ما متأسفانه آسیب دیدند.» فرماندار دورود با بیان اینکه در روز اول دو نفر در این اغتشاشات کشته و شش نفر نیز زخمی شدند، گفت: «در روز دوم هنوز آمار دقیقی از افرادی که کشته یا زخمی شده‌اند، نداریم.» نعمتی ادامه داد: «اما بر اساس آنچه که رئیس آتش نشانی به من اعلام کرد یکی از ماشین‌های آتش نشانی که برای خاموش کردن آتش در یکی از بانک‌ها اعزام شده بود، زمان برگشت به آشیانه توسط این افراد (اغتشاشگران) از نیروهای آتش نشانی به زور گرفته می‌شود و روی پل «وحدت» آن را رها می‌کنند. این ماشین وقتی از بغل میدان رد می‌شود متأسفانه یک فرد میانسال و یک بچه ۱۲ تا ۱۵ ساله را زیر می‌گیرد که متأسفانه این دو نفر کشته شدند. برابر اطلاعات واصله و نیروهای عمل کننده در میدان و به‌خصوص فرمانده یگان ویژه و هماهنگ کننده، تعدادی از این افراد با لباس شخصی و وسایط نقلیه که در اختیارشان بوده به سمت نیروها و به‌خصوص مقر فرماندهی انتظامی تیراندازی کرده‌اند.»

❖ ۳ نفر در حوادث تویسرکان کشته شدند

معاون سیاسی - امنیتی استاندار همدان گفت: «شامگاه یکشنبه سه نفر در حوادث تویسرکان کشته شدند.» سیدسعید شاهرخی با بیان اینکه شامگاه یکشنبه عده‌ای تلاش کردند حضور مردم در خیابان‌های تویسرکان به اغتشاش کشیده شود، گفت: «متأسفانه

سه نفر در حوادث تویسرکان کشته شدند.» وی با بیان اینکه با مخلان نظم و امنیت برخورد خواهد شد، گفت: «برخی عوامل تحریکات اخیر در استان همدان شناسایی شده و دستگیر شده‌اند.» معاون سیاسی - امنیتی استاندار همدان گفت: «متأسفانه برخی اموال عمومی نیز در حوادث روزهای اخیر در استان همدان تخریب شده و از بین رفته است.»

❖ تعیین تکلیف بازداشتی‌های اغتشاشات

دادستان تهران از سرپرست دادسرای مقدس خواست با بررسی سوابق متهمان و تسریع در انجام تحقیقات مقدماتی، نسبت به تعیین تکلیف متهمان اقدام کند. جعفری دولت‌آبادی، دادستان عمومی و انقلاب تهران به مدت سه ساعت با تعدادی از متهمان آشوب‌های اخیر تهران ملاقات کرد. در این بازدید سرزده که در زندان اوین انجام شد، وضعیت افراد دستگیر شده با ملاقات چهره‌به‌چهره بررسی شد. برخی متهمان با اعلام تنبه و ندامت اظهار داشتند تحت تأثیر تبلیغات در فضای مجازی و فراخوان‌های غیرقانونی قرار گرفته بودند. دادستان تهران در مورد متهمانی که وضعیت خاص داشتند، از حیث برقراری تماس تلفنی با خانواده‌هایشان دستور لازم را صادر کرد و از سرپرست دادسرای شهید مقدس خواست با بررسی سوابق متهمان و تسریع در انجام تحقیقات مقدماتی، نسبت به تعیین تکلیف متهمان اقدام کنند. در این بازدید متهمان رضایت خود را از رفتار مأموران زندان ابراز کردند.

❖ تعداد دستگیری‌ها در اردبیل

اردبیل - دادستان عمومی و انقلاب اردبیل از دستگیری سه معاند ضدانقلاب در وقایع اخیر در این استان خبر داد. ناصر عتباتی عصر سه‌شنبه در این خصوص افزود: «در روز شنبه تجمع مختصر و محدودی در اردبیل گزارش شد که در پی حضور نیروهای پلیس ۴۰ نفر دستگیر شدند. در پی بازجویی از این افراد مشخص شد که اغلب بر اثر هیجانات در این تجمع‌ها حضور یافته‌اند که با تذکر و اخذ تعهد اغلب آنها آزاد شدند. در عین حال ۱۵ نفر عاملان اخلاف در نظم و امنیت عمومی بودند که با قرار قانونی بازداشت شدند. عتباتی با تأکید به اینکه ارتباط سه نفر از این اشخاص با کانال‌های معاند نظام و سرپل گروهبک نفاق محرز شده است، ادامه داد: «از سویی دو مورد اقدام خرابکارانه نیز شناسایی شد که ارتباط این افراد با گروه سلطنت طلب را نشان می‌دهد.» وی با بیان اینکه اغلب متهمان نادم و پشیمان هستند و با این وجود اقدام آنها که به دنبال اخلاف در نظم و امنیت عمومی و اعمال خرابکارانه بودند، پذیرفته نیست گفت: «نهادهای نظامی و انتظامی و امنیتی استان به دنبال برقراری نظم و امنیت هستند و با افرادی که به هشدارهای پلیس توجهی نداشته و رفتار و شعار ساختارشکنانه و توهین به مقدسات داشته باشند، برخورد خواهد شد.»

❖ تخریب گسترده اموال عمومی در سراسر کشور

نکته تأسف برانگیز این نآرامی و شعارهای ساختارشکنانه، هتک حرمت به مقدسات و اسلام و همچنین تخریب اموال عموم بوده است. از همه مهمتر اینکه در این میان تعدادی از هموطنان هم کشته شدند. این اتفاقات البته با حضور هوشمندان و البته خودجوش مردم در سراسر کشور به پایان رسید.

❖ راهپیمایی گسترده مردم انقلابی شهرهای مختلف

مراسم راهپیمایی پرشور مردمی علیه هنجارشکنان، اغتشاش‌گران و بی‌حرمتی‌ها و بیعت دوباره با انقلاب

و ولایت فقیه در بسیاری از نقاط کشور در روز چهارشنبه برگزار شد.

در روزهای گذشته نیز مراجع عظام تقلید و سران قوا و شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی کشور، همچنین نهادهای احزاب و تشکل‌ها با محکومیت اقدامات اغتشاشگرها مردم را به حضور گسترده در راهپیمایی‌ها فراخوانده بودند. در این بین حضور نسل‌های مختلف انقلاب از نوزادی که در آغوش مادر است تا پیرمردی که می‌گوید از ابتدای انقلاب تا امروز در همه راهپیمایی‌ها شرکت کرده است قابل توجه بود.

❖ راهپیمایی در استان کرمانشاه

راهپیمایی پرشور مردمی در محکومیت هنجارشکنان روزهای اخیر همزمان با تمام شهرستان‌های استان از چهارراه مدرس تا میدان آزادی در کرمانشاه آغاز شد. این راهپیمایی در سایر شهرستان‌های استان نیز به صورت یکپارچه و با حضور اقشار مختلف مردم برگزار شد. راهپیمایی شهرستان قصرشیرین از مقابل اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی به سمت میدان المهدی (عج)، سرپل ذهاب در مجموعه ورزشی احرار، سنقر و کلیایی در میدان سپاه پاسداران، ثلاث باباجانی در میدان معلم، جوازورد در مسجد جامع جدید، صحنه در مسجد امام حسین (ع)، دالاهو در مقابل مسجد المهدی (عج)، کنگاور از مقابل میدان آزادی به سمت میدان حضرت امام خمینی (ره)، اسلام‌آباد غرب از میدان امام خمینی (ره) به سمت مسجد جامع، هرسین از میدان آزادی به سمت مسجد آیت‌الله جنتی (ره) و گیلانغرب از میدان ۲۲ بهمن به سمت میدان توحید برگزار شد.

❖ حضور باشکوه مردم گلستان

مراسم راهپیمایی مردمی علیه هنجارشکنان، اغتشاشگران و بی‌حرمتی‌ها صبح چهارشنبه همزمان با بسیاری از نقاط کشور، با حضور اقشار مختلف مردم در شهرستان گرگان مرکز استان گلستان برگزار شد. مردم مومن و متعهد شهرستان گرگان برای دفاع از آرمان‌های انقلاب اسلامی و به منظور نمایش وحدت، اقتدار و همدلی و دادن پاسخ دندان‌شکن به اغتشاشات خیابانی چند روز گذشته به خیابان آمدند و فریاد مرگ بر فتنه‌گر سر دادند. در این راهپیمایی خودجوش مردمی، اقشار و مجموعه‌های مختلف و گروه‌های مردمی در شهرستان گرگان در میدان مازندران گرگان تجمع کرده و سپس به سمت میدان وحدت (شهرداری) گرگان حرکت کردند. شعار «مرگ بر منافق فتنه‌گر» و «این همه لشکر آمده، به عشق رهبر آمده»، «مرگ بر آمریکا»، «مرگ بر اسرائیل» و «مرگ بر آل سعود خیبت» و همچنین با دستنویس‌های «نه اختلاس نه برجام، مقاومت یک کلام» نشان دادند که پای آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی و ولایت فقیه ایستادند. مردم شهرستان گرگان کفن پوش شدند و با این حرکت نشان دادند گرچه در روزهای گذشته در برابر داعش خیبت و گروه‌های تکفیری مدافع حرم بودند، امروز مدافع حرم ولایت هستند و اجازه تخطی به هیچ فردی را نمی‌دهند.

❖ راهپیمایی مردم قم

مراسم راهپیمایی مردم انقلابی قم در محکومیت اغتشاشات اخیر کشور و در حمایت از مطالبه‌های بحق مردم همزمان با سایر نقاط کشور از مصالای قدس برگزار شد. مردم در این راهپیمایی با شعارهایی مانند «الله اکبر»، «مرگ بر آمریکا»، «مرگ بر اسرائیل»، «مرگ بر غارتگر بیت‌المال»، «مرگ بر فتنه‌گر» و... علاوه بر حمایت از مطالبه بحق مردم در موضوعات معیشتی، اشتغال و گرانی،

نظیر، «مرگ بر فتنه گر»، «مرگ بر منافق» و «مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل»، عمق کینه و نفرت خود را از اقدامات ساختارشکنانه ضدانقلاب در حوادث اخیر بروز داده و این اقدامات را محکوم کردند.

مردم دورود قیام کردند

مردم بابصیرت، هوشیار، ولایتی و همیشه در صحنه دورود با تجمع در میدان امام حسین (ع) این شهر خود را برای خلق حماسه‌ای بی نظیر در تاریخ این شهر آماده کردند.

اجتماع هزاران نفری مردم غیور شهر دورود از همان ساعت نخستین به حدی بود که میدان امام حسین (ع) این شهر گنجایش افراد حاضر برای انجام راهپیمایی را نداشت، بنابراین صفوف منسجم و متحد راهپیمایان برای آغاز راهپیمایی دقیقی زودتر به حرکت افتادند.

خشم مردم انقلابی کرج

عصر چهارشنبه ملت حزب الله و شهیدپرور کرج در پاسخ به اقدامات ساختارشکنانه اغتشاشگران در استان البرز و کشور راهپیمایی کردند. مردم انقلابی شهر کرج با حضوری حماسی در جهت پاسخ به یاهو گویی‌های دشمنان ملت ایران و اغتشاشگران داخلی در راهپیمایی حضور یافتند.

حضور حماسی مردم همدان

دارالمجاهدین همدان، صحنه دیگری از تجدید بیعت امت انقلابی با آرمان‌های امام راحل و حمایت از ولایت فقیه بود و مردم بار دیگر ثابت کردند که در حال پشتیبان نظام و انقلاب اسلامی هستند. راهپیمایی باشکوه مردم در شهرستان‌های مختلف استان برگزار شده و مردم با مشت‌های گره کرده فریاد مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل و مرگ بر فتنه گر سر دادند. جمعی از بسیجیان، طلاب و روحانیون و سایر قشرهای مردمی به صورت خودجوش، مسیر میدان امام خمینی (ره) تا آرامگاه بوعلی رازا راهپیمایی کرده و بین مسیر با سر دادن شعار اله اکبر، خامنه‌ای رهبر، ما همه سرباز توایم خامنه‌ای، اینست صدای ملت، نه اختلاس نه ذلت، رمز نجات امت، عدالت و عدالت و فتنه گر بی‌ریشه ایران دمشق نمیشه حمایت خود را از ولایت فقیه و نظام اسلامی اعلام کردند. ▶

وحدت مهر تثبیتی بر کارنامه ولایتمداری خویش حک کردند و با اعلام برائت از اهانت‌کنندگان به غرور ملی کشورمان راه خود را از بیگانگان جدا ساختند.

اهوازی‌ها کار اغتشاشگران را یکسره کردند

راهپیمایی «شکوه وحدت» ۱۳ دی ماه سال ۱۳۹۶ با حضور ده‌ها هزار نفر از مردم ولایتمدار و همیشه در صحنه کلاشهر اهواز برگزار شد. این راهپیمایی از میدان مولوی اهواز واقع در منطقه امانیه آغاز شد و همشهریان سردار سرلشکر شهید علی هاشمی، فرمانده قرارگاه سری نصرت و سپاه ششم امام جعفر صادق (ع) با حضور خود در این راهپیمایی حماسه دیگری را در تاریخ ثبت کردند. پیر و جوان و مرد و زن و کودک و نوجوان اهوازی همگام با آحاد ملت ایران به خیابان‌های شهر آمدند و مطالبات بحق خود را فریاد زدند. فقر و فساد و تبعیض حزب الله به پا خیز، نه اختلاس نه ذلت این است ندای ملت، فتنه گر بیریشه اهواز حلب نمی‌شه، فقر و فساد و تبعیض نابود باید گردد از جمله شعارهای عدالت‌محوری مردم اهواز در راهپیمایی «شکوه وحدت» امروز بود. مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل، مرگ بر منافق، مرگ بر فتنه گر و مرگ بر آل سعود نیز از دیگر شعارهایی بود که مردم غیور و متحد اهواز یکصد فریاد زدند. خانواده‌های معظم شهدای والامقام نیز با پای مردم اهواز به میدان آمدند و از دولت خواستند به وضعیت معیشت مردم رسیدگی کند.

خانواده شهدای مدافع حرم از جمله خانواده شهید محمود مراد اسکندری، خانواده شهید حمیدرضا فاطمی اطهر، خانواده شهید رضا عادل‌ی کردنگنه، خانواده شهید عبدالکریم اصل غواش نیز همگام با مردم غیور و انقلابی اهواز در راهپیمایی «شکوه وحدت» امروز حضور یافتند.

خروش انقلابی مردم خراسان شمالی

مردم انقلابی و غیرتمند خراسان شمالی با حضور در میداندین اصلی و خیابان‌های شهرهای استان، در تظاهراتی گسترده و چند هزار نفری، اقدامات اغتشاشگران در حوادث اخیر را به شدت محکوم کردند.

هزاران نفر از مردم بجنود، با حضور در راهپیمایی شکوه وحدت، از مسجد امام خمینی این شهر تا مسجد انقلاب بجنود را راهپیمایی کرده و با سردادن شعارهایی

اقدام برخی افراد در اغتشاشات اخیر، حمایت استکبار از این تجمعات و تخریب اماکن عمومی را محکوم کردند.

خروش سرزمین آفتاب

مردم مومن و متعهد شهرستان اراک از ساعت ۱۰ چهارشنبه و در دفاع از آرمان‌های انقلاب اسلامی و به منظور نمایش وحدت، اقتدار و همدلی و دادن پاسخ دندان‌شکن به اغتشاشات خیابانی چندروز گذشته به خیابان آمدند و فریاد مرگ بر فتنه گر سر دادند. در این راهپیمایی خودجوش مردمی، اقشار مختلف مردمی از پیر و جوان، زن و مرد، جوان و نوجوان در شهرستان اراک از ساعت ۱۰ صبح در میدان شهدای اراک تجمع کردند.

حضور مردم در میدان شهدای اراک به حدی بالا بود که سریر جمعیت در خیابان مخابرات، خیابان شهید رجایی، خیابان شهید بهشتی و خیابان امیرکبیر و ابتدای پل خیبر حضور یافتند و بارها از مردم درخواست شد به دلیل تراکم بالای جمعیتی قدری متراکم‌تر در میدان حضور یابند تا سایر مردمی که به خیل حاضران در این تجمع اضافه می‌شوند بتوانند در میدان مستقر شوند.

اعلام انزجار مردم نهاوند از اغتشاشگران

مردم مومن و همیشه در صحنه نهاوند با برگزاری راهپیمایی پرشور، تحرکات و اغتشاشات اخیر عده‌ای فریب‌خورده و عوامل پشت صحنه وقایع اخیر این شهرستان را محکوم و با رهبری انقلاب اسلامی و آرمان‌های امام راحل تجدید بیعت مجدد کردند.

مردم ولایتمدار نهاوند همزمان با بسیاری از شهرهای سراسر کشور از میدان ابوذر تا میدان امام (ره) را پیموده و با بیان شعارهایی مانند مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل و مرگ بر فتنه گر از دشمنان نظام اسلامی اعلام انزجار کرده و با سردادن شعارهایی مانند این همه لشکر آمده به عشق رهبر آمده، ای رهبر آزاده آمده‌ایم آمده، مهر تایید دیگری بر سند ولایتمداری و انقلابی گری خود زدند.

مردم انقلابی ملایر راهپیمایی کردند

در تجمع مردم شهرستان ملایر در اعتراض به اغتشاشگرانی که پرچم مقدس نظام جمهوری اسلامی ایران را چندروز پیش در ملایر پایین کشیده و باعث جریحه‌دار شدن احساسات، عواطف و غرور ملی ملت شریف ایران شده بودند بار دیگر پرچم مقدس کشورمان با افتخار در میدان شهید جوکار ملایر به اهتزاز در آمد.

بوشهری‌ها اعمال اغتشاشگران را محکوم کردند

مردم همیشه در صحنه و ولایتمدار بوشهر در اقدامی خودجوش در حمایت از مقام معظم رهبری، ارزش‌های انقلاب اسلامی و محکوم کردن اعمال آشوبگران به خیابان‌ها آمدند و خواستار برخورد قاطع با آشوبگران شدند. این راهپیمایی از دبیرستان حجاب تا میدان امام (ره) بوشهر با حضور نماینده ولی فقیه در استان، نماینده مردم استان بوشهر در مجلس خبرگان رهبری، استاندار، خانواده معظم شهدا، دانشجویان، دانش‌آموزان و قشرهای مختلف برگزار شد. مردم بوشهر در مسیر راهپیمایی شعارهای ملت ما بیدار است از فتنه گر بیزار است، قوه قضاییه اقدام انقلابی، راه امام و شهدا زنده است نهضت ما همیشه پاینده است، ما انقلابی هستیم پشت ولایت هستیم و مطالبات مردم هرگز نشه فراموش سر دادند.

حماسه ماندگار خوزستان

۱۳ دی ماه بار دیگر مردم شهیدپرور و غیور خوزستانی همزمان با سراسر کشور با شرکت در راهپیمایی شکوه



اعتراض آری، اغتشاش خیر

مقامات نظام مواضع قابل قبولی در مورد وقایع اخیر داشته‌اند

۲ رهبر معظم انقلاب در واکنش به اغتشاشات اخیر فرمودند: «قضایای چند روز اخیر، دشمنان ایران با ابزارهای گوناگون در اختیارشان از جمله پول، سلاح، سیاست و دستگاه امنیتی هم‌پیمان شدند تا برای نظام اسلامی مشکل ایجاد کنند.» ایشان گفتند: «من در خصوص این قضایا حرف‌هایی دارم و در وقت آن با مردم عزیزمان سخن خواهیم گفت.» ایشان در این واکنش کوتاه به رخدادهای پیش آمده در چند شهر ایران به روشی نشان دادند که سرخ این ماجراها کجاست.

◀ ملت این افراد را جمع می‌کند

اما حسن روحانی در دو سخنرانی جدا به اغتشاشات واکنش نشان داد و نخستین واکنش او یکشنبه عصر در جلسه هیات دولت مطرح شد. او گفت: «ما ملت آزادی

مردم نیز آرامش و امنیت می‌خواهند. مردم ما شرایطی می‌خواهند که بهتر بتوانند سرمایه‌گذاری کنند. آیا اگر در جامعه ناآرامی داشته باشیم، اشتغال ما بیشتر شده و وضعیت اقتصادی مردم بهتر می‌شود؟»

رئیس‌جمهور همچنین خطاب به وزرا، معاونین و همه مسئولان بخش‌های اجرایی کشور گفت: «باید به طور روزانه با مردم مشکلات را در میان بگذارید و اگر مسأله‌ای پیش می‌آید، مردم باید بدانند؛ اگر آفلونز می‌آید و مشکلاتی را برای طیور ایجاد می‌کند، همان لحظه اول مردم باید مطلع شوند؛ نه یک هفته بعد از بازار و آثار آن بفهمند؛ اگر جنسی در کشور ما به اندازه کافی نیست و باید واردات انجام بگیرد، قبل از آنکه بازار احساس کمبود کند، مسئول مربوطه باید احساس کند و آن کمبود را جبران کند؛ اگر مشکلی در موسسات اعتباری غیرقانونی وجود دارد،

روحانی ادامه داد: «من برنامه دادم و مردم به این برنامه رای دادند. به مردم قول دادم و گفتم می‌خواهم فقر مطلق را از بین ببرم. به مردم گفتم که می‌خواهم مشکل اشتغال را درست کنم. بر این مبنا مردم آمدند به من رای دادند. من باید به مردم چه بگویم؟ بگویم من برای اشتغال برنامه ندارم. باید بگویم برنامه دارم، برای اینکه برنامه داشتم و در بودجه دادم به مجلس، اما مجلس به هر دلیلی آمد گفت من رای نمی‌دهم. باید به مردم شفاف بگویم. معتقدم آنچه که این چند روز واقع شده ظاهراً یک نوع تهدید بوده که باید آن را به فرصت تبدیل کنیم و ببینیم مشکل چیست چرا که همه اینها کسانی نیستند که از خارج دستور گرفته باشند بلکه عده‌ای از آنها مردمی هستند که به خاطر احساسات و مشکلاتشان به خیابان‌ها آمدند.»

◀ کشور نیازمند انتظام است

در واکنشی دیگر به این ماجراها رئیس قوه قضائیه هم گفت: «دادستان‌ها مردم را به طرق قانونی به پیگیری مطالبات دلالت و با اغتشاشگران برخورد کنند. رئیس قوه قضائیه با بیان اینکه نباید اجازه داد اموال عمومی و اموال اشخاص توسط اغتشاشگران تخریب شود، تصریح کرد: «شکستن شیشه‌های بانک‌ها، هجوم به مساجد و حسینیه‌ها و حمله به اماکن نظیر دادگستری‌ها و فرمانداری‌ها اقداماتی نیستند که ضابطان قضایی تحمل کنند. بر همین اساس از دادستان‌های سراسر کشور اکیدا می‌خواهم که با ورود دقیق به موضوع و با در نظر گرفتن ظرافت‌های کار، افرادی را که مطالبات بر حقی دارند به سمت طرق قانونی پیگیری این مطالبات دلالت کنند و با کسانی که دست به تخریب و آتش زدن اموال عمومی می‌زنند و یا اموال اشخاص را از بین می‌برند و موجب تضییع حقوق افراد می‌شوند، با قاطعیت و جدیت برخورد کنند.» آیت‌الله آملی لاریجانی با بیان اینکه کشور نیازمند انتظام است و هیچ مطالبه‌ای با ایجاد بی‌نظمی به نتیجه نخواهد رسید، اظهار کرد: «هر مطالبه‌ای باید با متانت و آرامش مطرح شود و دادستان‌ها و نیروی انتظامی نیز موظفند جلوی از بین رفتن اموال عمومی و تضییع حقوق عمومی را بگیرند.» رئیس قوه قضائیه به وجد آمدن دشمن از اتفاقات اخیر را ناشی از عدم شناخت آنها از ملت ایران و تکرار یک اشتباه قدیمی دانست و خاطرنشان کرد: «آمریکا، انگلیس و سایر کشورها که طی این چند روز اظهار نظر یا اعلام حمایت از آشوبگران کرده‌اند، بدانند که ملت بصیر ایران با پیروی از ولایت، جایی که امنیت کشور تهدید شود با تمام وجود در صحنه حضور خواهد داشت و هر چه دشمن در این آتش بیشتر بدمد، مردم مصمم‌تر و باصلابت‌تر از ارزش‌های خود دفاع خواهند کرد.»

◀ اغتشاش با اعتراض مرزی دارد

سخنگوی دولت هم در اظهارنظری در این مورد گفت: «از نظر ما حق اعتراض در چارچوب ضوابط قانونی از سوی افرادی که نسبت به برخی مسائل اعتراض دارند، در حقوق شهروندی دیده شده است. همه احاد جامعه چه کسانی که به این دولت رای دادند یا رای ندادند؛ حق اعتراض‌شان از سوی دولت به رسمیت شناخته می‌شود. در این زمینه شاهد تجمعات و اعتراضات مختلفی در زمان‌های نه چندان دور از سوی برخی سپرده‌گذاران و بازنشستگان بوده‌ایم و آنها توانستند از این طریق صدای خود را به دولت برسانند. ما حق اعتراض را برای آنها به رسمیت شناختیم و حتی پس از این تجمعات موضوعات مورد دغدغه آنها بررسی شد. اگر موانع و مشکلاتی فرای اجرای قانون وجود داشت به اطلاع مردم رسانده شد و اگر هم کاستی‌هایی وجود داشت به سرانجام رسید. در بیشتر موارد اعتراضات با آغوش باز از سوی دولت پذیرفته



قبل از هر کس رئیس بانک مرکزی باید برای مردم توضیح دهد و اگر با تلاش فراوان اقدام مثبتی انجام دادیم باید برای مردم تبیین شود؛ اگر مشکل زیست محیطی داریم باید برای مردم توضیح دهیم. ما باید با مردم حرف بزیم و صحبت کنیم، هیچ مسئولی نمی‌تواند بدون ارتباط و استمداد و توضیح با مردم در کار خودش موفق باشد.»

در دومین واکنش، حسن روحانی روز دوشنبه هم در جلسه‌ای با روسای کمیسیون‌های تخصصی مجلس گفت: «ملت ایران با صلابت، به خوبی از این مشکلات عبور خواهد کرد. ملت ما یک اقلیت و گروه کوچک را که بیایند کاری انجام دهند، شعار خلاف قانون و خواست مردم بدهند و به مقدسات و ارزش‌های انقلاب توهین کرده و تخریب اموال عمومی بکنند، به خوبی جمع می‌کند. ملت بزرگ ما هم از چنین حوادثی زیاد دیده و هم به راحتی از اینها عبور کرده است، اینها که چیزی نیست.»

هستیم و طبق قانون اساسی و حقوق شهروندی، مردم در بیان انتقادات و حتی اعتراض‌شان کاملاً آزاد هستند؛ اما در عین حال باید توجه کنیم نحوه انتقاد و اعتراض باید به گونه‌ای باشد که پایان آن منتهی به بهتر شدن شرایط کشور و زندگی مردم شود. در عین حالی که از نقد استقبال می‌کنیم و دستگاه‌های مسئول کشور باید زمینه را برای انتقاد و اعتراض قانونی مردم، حتی راهپیمایی و اجتماع قانونمند آنها فراهم کنند و این حق مردم است؛ اما در عین حال نباید بگذاریم فضایی ایجاد شود که در آن فضا دوستان اران انقلاب و مردم نگرانی برای زندگی و امنیت‌شان، ایجاد شود.»

وی افزود: «دولت گروهی را که بخواهند اموال عمومی را تخریب کنند یا نظم اجتماعی را به هم بزنند یا در جامعه اغتشاشی ایجاد کنند، حتماً تحمل نخواهد کرد. نقد با زبان صریح گفته شود اما باید توجه داشت که



عبور جامعه از اصلاح طلبان

آشوب‌های اخیر چه تاثیری در آرایش نیروهای سیاسی دارد؟

اقتصادی باشد به ناگاه تبدیل به یک مساله امنیتی با سوءاستفاده اجانب شده است. اما به هر حال می‌توان در این مورد موارد مهمی را ذکر کرد.

اعتراض از دیدگاه نظام

از نوع رفتار نظام در چند روز اغتشاش می‌توان این برداشت را داشت که نظام اعتراض مسالمت‌آمیز را به رسمیت می‌شناسد. چه اینکه بارها در سخنان مسئولان ارشد کشور نیز در طول هفته گذشته این نکته مطرح شد و اما خط قرمز نظام هم خشونت و آتارشیسم است. باید نحوه اعتراضات در کشور ساماندهی و سالم‌سازی شود. نمونه‌هایی مثل یونان که بحران اقتصادی داشت اما اعتراضات در چارچوب قانون انجام شد.

عبور جامعه از اصلاح طلبان

یکی از نکات مهمی که در وقایع یک ماه اخیر قابل استنباط است عبور جامعه از اصلاح طلبان است. درحالی که از چند هفته پیش در فضای جامعه موجی از پشیمانی در مورد رای به روحانی شکل گرفته بود، این موج با واکنش منفی اصلاح طلبان مواجه شد چنانکه حتی رئیس دولت اصلاحات از کسانی که این موج را به راه انداخته بودند به عنوان دسیسه‌گر نام برد. اکنون نیز اگرچه که برخی چهره‌های اصلاح طلب درخواست عدم اعتراض به

اگر بنا بر آنالیز و بررسی آنچه در چند روز گذشته در برخی شهرهای ایران گذشت باشد، می‌توان فاکتورها و علل متعددی را کنار هم ردیف کرد و آنگاه درباره هر کدام از آنها به تفصیل سخن گفت؛ فاکتورها و عللی که یا در به وجود آمدن این اتفاقات موثرند یا اینکه می‌توانستند از وقوع این ناآرامی‌ها تا حدود زیادی جلوگیری کنند. نکته این است که برخی از این مولفه‌ها قطعاً مهم‌تر هستند. واقعیت اما این است که آنچه در این چند روز در شهرهای مختلف ایران دیده شده قطعاً یک پدیده تک‌عاملی نیست؛ همان‌طور که قطعاً یک پدیده خلق‌الساعه هم نیست. در تحلیل آنچه موجب پیدایش این رخدادها شده تحلیلگر و صاحب‌نظری تعدادی مولفه را پشت هم ردیف می‌کند تا در نهایت نتیجه بگیرد که چرا و چگونه به یکباره صورت شهرهای ایران تغییر کرد و این چنین ناآرامی‌هایی شکل گرفت.

شاید در تقسیم‌بندی عوامل بتوان آنها را به دو قسم کرد:

۱- پدیدآورندگان

۲- هدایت‌کننده و افزایش‌دهنده

بر مبنای همین صورت‌بندی است که تحلیل‌های مختلفی هم شکل می‌گیرد. حرف و حدیث‌ها هم زاید است. برخی می‌گویند مخالفان دولت بوده‌اند. برخی می‌گویند مردم به صورت خودجوش بوده‌اند. هرچه هست جمعیتی که بنا داشته به شکل اعتراض به وضعیت موجود

شد؛ در ابتدا نیز از آنها عذرخواهی صورت گرفت و دولت تلاش کرد پاسخگو باشد. «سخنگوی دولت با بیان اینکه اغتشاش با اعتراض مرزی دارد و در قانون این مرز مشخص شده است، تصریح کرد: «مخل امنیت عمومی و ملی نبودن مرز این دو مساله است. همه کشورها وقتی با اغتشاشگر مواجه می‌شوند حساب آن را از معترضان جدا می‌دانند. البته در این زمینه هم کسانی که می‌خواهند با اغتشاشات مقابله کنند باید در چارچوب قانون و حدود اختیارات عمل کنند.»

همزمان با این تحولات، سخنگوی سپاه، سردار شریف با تاکید بر اینکه شواهد نشان می‌دهد اغتشاش‌های چند روز اخیر اقدام و پروژه‌ای ضدانقلابی است که با حمایت پیدا و پنهان سرویس‌های جاسوسی و امنیتی دشمنان ملت ایران صورت پذیرفته است، گفت: «مقامات آمریکایی و هم‌وایان کاخ سفید و رسانه‌های وابسته به امپریالیسم رسانه‌ای غرب قادر نخواهند بود خللی به عزم و اراده ملت ایران در دفاع از انقلاب و کشور وارد سازند و به فضل الهی با برچیده شدن بساط فتنه‌گران و اغتشاش‌گران جبهه شکست‌خوردگان از ایران رسوا خواهند شد و مسئولان محترم در کمال امنیت و آرامش برنامه‌های خود را برای رفع مشکلات و پاسخ به نیازهای بحق معترضان دنبال خواهند کرد.»

ماجرای یک اتهام واهی

اما از جمله مسائل مطرح شده پیرامون اغتشاشات اخیر این بود که برخی جریان‌های سیاسی تلاش کردند این پدیده را به مخالفان سیاسی حسن روحانی ربط دهند. حمیدرضا جلالی‌پور، عضو سابق حزب اتحاد ملت بلافاصله در کانال شخصی خود سازماندهی اعتراضات را که مبدأ آن در مشهد بود به جریان رقیب دولت در انتخابات، نسبت داد، یا علی شکوری‌راد، دبیرکل حزب اتحاد ملت در توییتری ضمن تکرار ادعای هم‌حزبی خود مبنی بر طراحی آشوب‌ها توسط رقیب روحانی، ادعای جدیدی را هم به آن اضافه و اعلام کرد که این اعتراضات نتیجه ائتلاف جریان ضدنظام با رقیبان دولت است تا اوضاع را علیه اصلاح طلبی به هم بریزند. از سویی علیرضا علوی تبار دیگر چهره شاخص اصلاح طلب در گفت‌وگویی با روزنامه اعتماد با اعلام این مطلب که از حقوق قانونی مردم در اعتراض و انتقاد از طریق راهپیمایی و تظاهرات دفاع می‌کند، ادعای جدیدی را مطرح می‌کند و مدعی می‌شود که زمینه اعتراضات به دلیل این است که مردم تحقیر و مایوس شده‌اند چون کاندیداهای رقیب روحانی پس از شکست در انتخابات پست‌های مهم و تأثیرگذاری گرفته‌اند. احمد توکلی درباره برخی ادعاها که اعتراضات اخیر توسط مخالفان دولت سازماندهی شده، گفت: «من نمی‌دانم منظور آنها از مخالفان دولت چه کسانی است و نمی‌دانم کدام مخالفان احمقی هستند که می‌خواهند کشور را به سمت ناامنی ببرند.» وی افزود: «من بعضی از مخالفان دولت را می‌شناسم و خودم با بعضی از سیاست‌های دولت مخالف هستم اما آدم‌هایی به این احمقی را نمی‌شناسم که بخواهند کشور را ناامین کنند. من نصیحت می‌کنم که این مسائل را داخلی نکنند چرا که بخشی از این مشکلات به زمینه‌سازی طولانی مدت نارضایتی‌ها و بخش دیگر به نارضایتی مردم از برخورد با مالباختگان موسسات مالی مربوط می‌شود و جناحی شدن این مسائل به ضرر همه است.» وی با بیان اینکه سیاستمداران در حالی که کشور وضع خوبی ندارد، باید دست در دست بدهند تا مشکلات را حل کنند، تصریح کرد: «کسانی که این تهمت‌ها را می‌زنند طرف مقابل را هم درگیر رفع اتهام می‌کنند و دیگر وقتی رفع مشکلات مردم باقی نخواهد ماند.»

روحانی و سیاست‌های اقتصادی او را دارند، جامعه به آنها بی‌توجه است.

جریان انقلابی و اعتراضات اخیر

آنچه در این چند روز بر کشور گذشت وظیفه جریان انقلابی را سنگین‌تر کرده است. حالا و از این پس باید با همدلی نسبت به این وقایع واکنش نشان دهند. باید وحدت ملی را در کشور گسترش داد تا پس از این کشور‌های خارجی نتوانند از اختلافات داخلی ما سوءاستفاده کنند. همچنین باید گفت رسانه ملی هم باید در این زمینه نقش مهمی را ایفا کند. در این چند روز انتقادات فراوانی به صداوسیما مطرح بود که اگر تدبیر بهتری وجود داشت از ظرفیت‌های رسانه ملی بهتر استفاده می‌شد.

دولت سکوت

اما بد نیست از زاویه دیگری هم به این ماجرا نگاه کرد. وقتی برخی می‌گویند طیفی از این اغتشاشگران از

کنار آقای روحانی بودند که می‌بایست حرف می‌زدند اما نمی‌زدند. حالا در همین جا باید چند سوال مهم مطرح کرد: ۱- در اینکه محمود احمدی‌نژاد دولت در وضعیتی شاید نامناسب تحویل حسن روحانی داد هیچ شک و شبهه‌ای وجود ندارد. این را بارها هم آقای روحانی گفته‌اند و هم خیلی‌های دیگر. اما آیا منظور از حرف زدن با مردم گفتن عباراتی با محتوای چگونگی وضعیت در زمان تحویل گرفتن دولت است؟ این حتماً مساله مهمی است. متأسفانه خیلی از اعضای محترم دولت و حتی حامیان این دولت همین‌جا را اشتباه گرفته‌اند. به یک معنا آنها، منظور از حرف زدن با مردم را تشریح وضعیت دولت در زمان رئیس سابقش پنداشته‌اند. برای این تصورشان هم البته دلایل درست و نادرستی دارند.

۲- در این مدت برخی مواقع هم شده است که اعضای دولت مواجهه اشتباهی با مردم داشته‌اند. یعنی ارتباط را برقرار کرده‌اند اما نادرست. نمونه‌اش هم کم نیست. در موردش هم بحث شده و حتی برخی مواقع کار به جایی رسیده که آن فرد دولتی مجبور به عذرخواهی شده است.

و صحبت کنیم. هیچ مسئولی نمی‌تواند بدون ارتباط و استمداد و توضیح با مردم در کار خودش موفق باشد.» سوال این است که شما از ابتدای همین دولت دومتان چند بار با مردم حرف زده‌اید؟ چقدر از مشکلات گفته‌اید؟ چقدر در مورد آینده حرف زده‌اید؟ آیا برای مردم مساله‌ای مهم‌تر از معیشت وجود دارد؟ وقتی که هر روز اخبار متعددی مطرح می‌شود که یارانه طیف زیادی از مردم قطع خواهد شد یا مثلاً قیمت بنزین افزایش آنچنانی خواهد داشت، چرا حضرت عالی در صفحه تلویزیون حاضر نمی‌شوید تا به مردم بگویید این اخبار صحت دارد یا خیر؟ یکی از نقاط متمایزکننده آقای حسن روحانی از سایر رجال سیاسی ایران، فن بیان ایشان است. حتی به جرات می‌توان گفت وقتی در تمام نظرسنجی‌ها در فاصله زمانی ۱۰ روز مانده به انتخابات وضعیت او از نگاه تحلیلگران سیاسی نگران‌کننده تفسیر می‌شد، او خودش کسی بود که سرنوشتش را تغییر داد. سخنرانی‌هایی در شهرهای مختلف انجام داد و کار انتخابات را یکسره کرد. در سال ۹۲ نیز همین وضعیت برقرار شد. وقتی آمد چندان رای قابل توجهی در نظرسنجی‌ها نداشت. اما سخنان او در گفت‌وگوی ویژه خبری و نیز آن مناظره معروف قطعاً یکی از دلایل رشدی او محسوب می‌شود. سوال مهم این است که چرا ایشان که با همین توان سخنوری توانسته سهم بزرگی در جلب نظر مردم داشته باشد و خودش را دوبار نفر اول پاستور کند در تمام ماه‌های اخیر سکوت کرده‌اند. آقای روحانی شما که به وزرای خود دستور حرف زده‌اید و گفته‌اید که بیشتر این اتفاقات به خاطر حرف زدن است، سلیمان! از خودتان شروع کنید. مردم منتظرند و حوصله فراوانی هم برای گوش کردن دارند. دیروز را به حال خود بگذارید؛ هم از امروز بگویید، هم از فردا.

داستان سلبریتی‌ها

یکی از نقاط قابل توجه اتفاقات اخیر نقش سلبریتی در این ماجراهاست. نگاهی به صفحات اجتماعی برخی از این شخصیت‌ها نشان می‌دهد که آنها چگونه برای این اغتشاشگران دست می‌زدند و هورا می‌کشیدند. این ماجرا از این اغتشاشات شروع نشده آنها در زلزله کرمانشاه پررنگ‌تر از همیشه عمل کرده‌اند. هرج و مرج، بی‌نظمی و عدم تخصیص درست منابع به نیازمندان خسارت اولیه این شیوه ورود شخصی سلبریتی‌ها به حل بحران است. آسیب درازمدت این مساله اعتبارزدایی دائمی از نهادهای رسمی در نگاه مردم است و وقتی نهادهای مسئول، فارغ از تمام انتقاداتی که به عملکرد آنها وجود دارد، اعتبارشان را در نگاه مردم از دست بدهند، نه در بحران فعلی و نه در هیچ بحران دیگری در آینده امکان خدمت‌رسانی مناسب را نخواهند داشت و هیچ‌گاه امکان بسیج نیروها و استفاده از ظرفیت‌های مردم را پیدا نخواهند کرد و به یک سازمان بی‌کارکرد و دکوری تبدیل خواهند شد.

دعوض ده‌ها ستاره‌ای تبدیل به مرجع حل بحران خواهند شد که مانند مورد اخیر حتی بین خود نیز توانایی تجمیم کمک‌ها و مصرف بهینه آنها را ندارند و هرکدام بدون ارزیابی درست از نیازهای اساسی محل بحران با چند ماشین بار به محل حادثه خواهند رفت و با چندین عکس برای اینستاگرام به خانه باز خواهند گشت. این حضور، به‌خصوص در مورد سلبریتی‌های ایرانی، شاید در نگاه اول و به دلیل پایگاه مردمی این ستاره‌ها مثبت به نظر برسد، اما در درازمدت آسیب‌های فراوانی را با خود به همراه خواهد داشت و هنوز دو هفته از انتشار نگذشته بود که این موضوع به اصلی‌ترین بحث رسانه‌ها تبدیل شد. آیا واقعا این مدل حضور سلبریتی‌ها در موضوعات مختلف در درازمدت به سود کشور خواهد بود؟

۳- در این میان برای این حرف‌زدن، به میان مردم نرفتن، مواجهه با ملت نشدن برخی هم بوده‌اند که دلیل منحصر به فردی داشته‌اند. جان کلامشان این است که این نوع رفتار حکومتی، چیزی نیست جز حرکت‌های پوپولیستی.

۴- آقای روحانی گفته‌اند: «باید به‌طور روزانه با مردم مشکلات را در میان بگذارید، و اگر مساله‌ای پیش می‌آید، مردم باید بدانند؛ اگر آفلوآنز می‌آید مشکلاتی را برای طیور ایجاد می‌کند، همان لحظه اول مردم باید مطلع شوند؛ نه یک هفته بعد از بازار و آثار آن بفهمند؛ اگر جنسی در کشور ما به اندازه کافی نیست و باید واردات انجام بگیرد، قبل از آنکه بازار احساس کمبود کند، مسئول مربوطه باید احساس کند و آن کمبود را جبران کند؛ اگر مشکلی در موسسات اعتباری غیرقانونی وجود دارد، قبل از هر کس رئیس بانک مرکزی باید برای مردم توضیح دهد و اگر با تلاش فراوان اقدام مثبتی انجام دادیم باید برای مردم تبیین شود؛ اگر مشکل زیست‌محیطی داریم باید برای مردم توضیح دهیم، ما باید با مردم حرف بزنیم

روی ناآگاهی و ندانستن چنین می‌کنند، سخن‌بختی بیان کرده‌اند. حالا سوال این است که این آگاهی را چه کسی باید به جامعه تزریق می‌کرد؟

پاسخ این سوال را، شخص آقای حسن روحانی در جلسه‌ای که روز دوشنبه داشتند و متن آن در اختیار رسانه‌ها قرار گرفت به‌خوبی بیان کرده‌اند. ایشان گفته‌اند: «ما باید با مردم حرف بزنیم و صحبت کنیم. هیچ مسئولی نمی‌تواند بدون ارتباط و استمداد و توضیح با مردم در کار خودش موفق باشد.»

اهالی سیاست، روزنامه‌نگاران، صاحبان عقیده و سخن، اساتید دانشگاه و خیلی‌های دیگر بارها و بارها از همان روزی که حسن روحانی رئیس‌جمهور شد در سال ۹۲ تا به امروز بارها و بارها این خواسته را از آقای روحانی داشته‌اند که با مردم حرف بزنند.

از مشکلات بگوید و البته از راه حل‌ها. از وضع امروز تحلیل کند و از آنچه پیش‌روست سخن بر زبان آورد؛ از اینکه چه شده است و از اینکه چه خواهد شد.

البته این همه ماجرا نبود. این وسط کسانی هم در



MEHR NEWSAGENT
Photo: Majid Asgaripean

راهبرد ضد ایرانی

پیامد خشونت‌های اخیر از منظر راهبرد آمریکایی

محمد مهدی اسلامی

کارشناس مسائل سیاسی

۲ فارغ از نقطه آغاز اعتراض‌های اخیر، خشونت‌های رخ داده و نقطه پایان آن، حمایت آشکار ترامپ از این شورش‌ها، برای بسیاری غیرقابل قبول به نظر می‌رسد تا آنجا که نیویورک تایمز با تیتیر «How Can Trump Help Iran's Protesters? Be Quiet» به قلم فیلیپ گوردن دستیار پیشین وزیر امور خارجه آمریکا و هماهنگ کننده کاخ سفید در امور خاورمیانه در دوران ریاست جمهوری باراک اوباما نوشت: «من نیز مایلیم شاهد تضعیف دولت ایران، میانه‌روتر شدن آن و حتی حذف آن باشیم. بنابراین اجازه دهید یک توصیه به آقای ترامپ بدهم: ساکت باش و هیچ کاری انجام نده. اما ریشه این نوع رویکرد در آمریکا که یک سوی آن حمایت آشکار از خشونت‌ها و سوی دیگرش توصیه به سکوت برای ثمربخشی است، چیست؟ مطالعه فصل هفتم سند «Which Path to Persia» (کدام مسیر به سمت ایران؟) با عنوان «گزینه‌هایی برای یک استراتژی جدید آمریکایی درباره ایران» که از سوی موسسه مطالعاتی بروکینگز در ژوئن ۲۰۰۹ منتشر شد و عنوان «الهام بخشیدن به شورش با حمایت از اقلیت‌ها و گروه‌های اپوزیسیون متمرکز» را دارد، شاید ما را در یافتن این پاسخ کمک کند. این سند از سوی موسسه مطالعاتی بروکینگز منتشر شد که بسیار راهبردی و مهم بود؛ خاصه آنکه همه از توجه ویژه کلینتون‌ها به این موسسه آگاه بودند. طرح اولیه این سند در ۱۶۴ صفحه در ۱۰ ژوئن ۲۰۰۹ یعنی دو روز قبل از انتخابات ۲۲ خردادماه ۱۳۸۸ رونمایی شد و تاریخ انتشار نشست اول نتیجه‌گیری در ۶۳ صفحه، ۱۳ روز بعد یعنی فردای تمدید زمان رسیدگی به شکایات انتخاباتی بود. موسسه بروکینگز (Brookings Institution) یک سازمان غیرانتفاعی آمریکایی از نوع اتاق فکر است که خود را فراتر از احزاب می‌داند و در زمینه تحلیل مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی فعالیت می‌کند. این

موسسه در سال ۱۹۱۶ میلادی تاسیس شده و یکی از قدیمی‌ترین موسسات در نوع خود است و هم‌اینک یکی از سه اندیشکده برتر و تاثیرگذار آمریکایی‌ها به‌شمار می‌رود و به عنوان ابداع کننده سیاست تحریم مجازات علیه کشورهای مخالف آمریکا شناخته می‌شود. با چنین پس‌زمینه‌ای، بروکینگز مامور به انجام پروژه‌ای شد تا مستولان آمریکایی بتوانند نحوه مواجهه با ایران را برای خود ترسیم کنند و آن را به یکی از مراکز خود به نام سابان متعلق به حاییم سابان میلیاردر صهیونیسم یهودی تبار سپرد تا این مرکز که برای تحلیل تخصصی مسائل مربوط به خاورمیانه تاسیس شده است، از طریق ۶ تن از برترین استراتژیست‌های خود نوع برخورد با ایران را طرح‌ریزی کنند؛ کنت پولاک، دانپیل بایمن، مارتین ایندیک، سوزان مالونی، مایکل اهاتلون و بوروس ریدل که هر یک کارنامه‌ای سرشار از مطالعه طولانی مدت روی ایران داشته‌اند. این سند ۹ فصل داشت که هر یک، یکی از راهکارهای ممکن را بررسی و نقاط قوت و ضعف هر یک را کند و کاو کرده بود. فصل هفتم که آن روزها بسیار مورد توجه قرار گرفت، درستی این گزاره را بررسی می‌کرد که «آمریکا می‌تواند به گروه‌های اپوزیسیون خارج از ایران کمک مالی و نظامی کند تا به شورش گران حرفه‌ای تبدیل شوند. برای نمونه می‌تواند به گروه مجاهدین خلق کمک کند و آنها را از تحریم خارج کرده و علیه ایران تجهیز کند.» نخست تبیین می‌کند که - حمایت از شورش دو هدف متفاوت می‌تواند داشته باشد. «براندازی حکومت» یا «ایجاد فشار بر روی حکومت، به ویژه به عنوان اهرم فشار در هنگام مذاکره آمریکا با ایران.» در مقدمه تاکید می‌شود که یکی از نقاط قوت این رویکرد آن است که «آمریکا در طول سالیان گذشته دارای تجربه قابل توجهی از حمایت از شورشیان است و از موفقیت‌های زیادی برخوردار بوده است.» اما در ادامه یادآور می‌شود، «تنها گروه غیرقومی که سازمان یافته است، سازمان مجاهدین خلق است که حمایت مردمی ندارد.» و افزوده بود «آمریکا

می‌تواند به گروه‌های اپوزیسیون خارج از ایران کمک مالی و نظامی کند تا به شورشیان حرفه‌ای تبدیل شوند. برای نمونه می‌تواند به گروه مجاهدین خلق کمک کند و آنها را از تحریم خارج ساخته و علیه ایران تجهیز کند.» اصلی‌ترین جمع‌بندی این فصل این است که چون آمریکا احتمال براندازی را از طریق شورش قومیت‌ها و گروه‌ها اپوزیسیون ضعیف می‌داند در نتیجه هدف اصلی حمایت آن کشور، به خاطر داشتن برگ برنده هنگام استفاده از دیگر فصول - همچون تحریم، مذاکره یا استحاله از درون - است. سند بروکینگز اگرچه محصول ۸ سال پیش است؛ اما به نظر می‌رسد که در تمام سال‌های گذشته بند به بند آن مورد توجه دولت اوباما و سپس ترامپ قرار گرفته است و باتوجه به عقبه تحقیقاتی آن؛ همچنان می‌تواند معرف رویکرد واقعی دولت آمریکا باشد.

صدی بر رسانه‌های معارض نشان می‌دهد یکی از اتهام‌های چند سال اخیر آنها، عادی‌سازی و ضروری‌سازی به خیابان ریختن برای اعتراض به وضع معیشتی است. رادیو زمانه، دویچه وله، رادیو فردا، صدای آمریکا، رسانه‌های سازمان منافقین و بی‌بی‌سی کوچکترین اعتراض‌های کارگری، صنفی و... را به خوبی پوشش می‌دادند و بر آن تاکید داشتند. بدین شکل، عادی‌سازی و ضروری‌سازی استفاده از چنین ابزار پیگیری شد و وقتی مردم در مقطعی سعی به استفاده از حق طبیعی خود در نقد دولت داشتند، گروه‌های آموزش دیده ذیل فصل ۷ سند بروکینگز، برای اعمال خشونت و تغییر مطالبات وارد عمل شدند. با مطالعه این رویکرد، می‌توان دریافت اتفاقاتی همچون ترور مردم در اجتماعات، به آتش کشیدن اموال عمومی و... نه تنها در راستای پیام معترضین به وضع معیشتی نیست؛ که تنها دستاویزی برای آمریکا است تا در مصاف با ایران برگ برنده‌هایی داشته باشد؛ برگ برنده‌هایی که بر اساس اظهارات سندرز سخنگوی کاخ سفید، گویا این بار برای تشدید تحریم‌ها و افزایش دشواری معیشتی مردم مورد استفاده قرار خواهد گرفت. ▶





از این فرصت استفاده کنیم

هر زمان جلوی ضرر گرفته شود منفعت به دنبال خواهد داشت

■ مالک شریعتی نیاسر

روزنامه نگار

۳ چهار اصل راهبردی در مواجهه با اعتراض‌های خیابانی و فرصت ایجاد انسجام داخلی برای حل مشکلات طبق آمار غیررسمی مراکز ذی صلاح، در شش ماه نخست سال ۱۳۹۶ بالغ بر ۱۵۰۰ تجمع اعتراضی و صنفی توسط مالباختگان موسسات مالی، شرکت‌های هرمی، خریداران مسکن مهر، کارگران حقوق‌نگرفته معدن و صنایع مختلف، در سراسر ایران سازماندهی و در کمال آرامش برگزار شده است و تنها دو سه مورد به درجه التهاب رسید و در نهایت با تدبیر مسئولان کنترل و آرام شد. این آمار که نسبت به مدت مشابه سال قبل از آن حدود ۳۰ درصد افزایش داشته است حداقل دو پیام در بردارد: (۱) این ادعا که در ایران حق آزادی بیان و برگزاری تجمع وجود ندارد و با برپایی هرگونه تجمع اعتراضی از همان ابتدا برخورد حذفی صورت می‌گیرد، کاملاً بی‌پایه و اساس است. (۲) افزایش تعداد این تجمعات و خصوصاً تنوع موضوعات مدنظر معترضین (بیکاری، عدم دریافت حقوق، عدم تحویل مسکن، مسلود شدن سپرده‌های مالی و...) نشان از اوضاع نابسامان اقتصادی خصوصاً در اقشار مستضعف و آسیب‌پذیر یا به عبارت امروزی، دهک‌های پایین‌تر از طبقه متوسط جامعه دارد.

اولین اصل «دیدن مشکل و عدم سانسور آن» است که متأسفانه برخی از مسئولان اجرایی و بعضی از رسانه‌های کشور خصوصاً رسانه ملی آنچنان که باید تمایلی به دیدن و انعکاس مشکلات مردم از خود نشان ندادند و در نتیجه روزه‌روز مسیر اعتراضات به سمتی هدایت می‌شد که برای بدخواهان ملت قابلیت سوء استفاده و سوار شدن بر موج اعتراضی بحق طبقاتی از مردم را فراهم کرد.

اصل دوم «تلاش برای حل ریشه‌ای مشکل» و نه درمان و تسکین مقطعی آن است. به این معنا که بانک مرکزی که از مدت‌ها قبل با پدیده موسسات مالی مجاز و غیرمجاز مواجه بود نباید اجازه می‌داد کار بدینجا برسد؛ لازم بود از ابتدا پیش‌بینی تراکم مطالبات عقب افتاده مردم را کرده، قبل از فشرده شدن فقر اعتراضات، نسبت به تمهید

شرایط پرداخت اصل سرمایه مردم خصوصاً در موسساتی که مجوز بانک مرکزی را اخذ کرده بودند، به تدریج اقدام می‌کرد و در هماهنگی با قوه قضائیه تعقیب و مجازات مدیران موسسات غیرمجاز را نیز دنبال می‌کرد.

دولت نیز می‌توانست با اهتمام جدی در پیگیری مطالبات قانونی و بحق کارگران صنایع دچار مشکل با اخذ مجوز لازم از مجلس نسبت به پرداخت وام‌های کم‌بهره برای ادای حقوق کارگرانی که بعضاً تا ۲۴ ماه حقوق عقب افتاده دارند اقدام نماید و پروژه مسکن مهر را نیز با یک همت جهادی به سرانجام برساند. اما متأسفانه بی‌عملی و حرف دردمانی جزو ویژگی‌های بارز اکثر وزراء و مدیران ارشد دولت جناب آقای روحانی بوده و هست و همچون شب انتخابات تنها چیزی که دست مردم را گرفت و عده بهبود اوضاع و چند شاخص غیرملموس از رشد اقتصادی بود.

راهبرد و اصل سوم، «ناامید کردن دشمن» از امکان بهره‌گیری و سوء استفاده از فرصت این اعتراضات بحق بوده و هست. اگر متولیان امور به احزاب و تشکلاتی شناسنامه دار مجوز برگزاری تجمعات قانونی می‌دادند و آنها نیز به همراه معتمدین محلی نظیر ائمه جمعه و جماعات، خود را میداندار اعتراضات این بخش از مردم می‌کردند و تربیون‌های خود را برای پیگیری قانونی مطالبات بحق این گروه از مردم ناراضی از مسئولان مربوطه به کار می‌گرفتند، می‌توانستند در زمان لازم و لحظه طمع دشمنان اصل نظام، مردم را آگاه و سمت و سوی اعتراضات را به گونه‌ای جهت دهند که امکان سوء استفاده از دشمن فرصت طلب سلب شود؛ کما اینکه در همین چند روز در برخی شهرستان‌ها با همت ائمه جمعه چنین شد و نتیجه بخش هم بود و همچنان نیز باید این امر را رعایت جوانبش دنبال شود.

اصل راهبردی چهارم، «امیدوار کردن مردم به حل مشکل» است. این مسأله علاوه بر اینکه نیازمند رعایت کامل اصل دوم پیش گفته یعنی تلاش جدی مسئولان است، به اتمسفر کلی در فضای افکار عمومی جامعه نیز مربوط می‌شود. وقتی یک نامزد انتخاباتی با سوابق امنیتی و اجرایی فراوان، برای کسب رای طبقه‌ای از آرای خاموش و به اصطلاح سیاه جامعه هرچه عبارت

تند و ساختارشکنانه که مرضی دشمنان انقلاب است. بدون توجه به عواقب خسارت‌بار آن- بر زبان خود جاری می‌کند؛ وقتی یک مسئول ارشد سابق کشور- که هشت سال همه امکانات اجرایی کشور در اختیارش بوده است- برای تسویه حساب شخصی، یا مصونیت بخشی به حلقه محدود اطراف خود یا برای به خدمت گرفتن افکار عمومی جامعه برای اهداف قدرت طلبانه‌اش، هرچه اتهام بی‌پایه و اساس را به اسم نقد در فضای عمومی جامعه می‌پراکند و وقتی مسئولان ارشد کشور به جای حل معضلات و اختلافات فیمابین خود پشت درهای بسته، ایراد اتهام و پاسخ به آن را در مقابل دیدگان حیرت‌زده مردم دنبال می‌کنند، چگونه می‌توان مردم را امیدوار کرد که همه اینها برای حل مشکلات ریز و درشت آنهاست و هیچ نیت نفسانی پشت این فریادها وجود ندارد؟

اگر توصیه‌ها و تذکرات چندباره رهبر انقلاب به مسئولان ارشد اجرایی کشور برای پیگیری نسخه به‌روز و بومی «اقتصاد مقاومتی» و استفاده از ظرفیت‌های درونی اقتصاد ملی به جای نشستن و چشم به دست بیگانه دوختن- برای گشایش به اصطلاح راه‌های ارتباط با دنیا- جدی گرفته می‌شد، امروز پس از گذشت چهار سال و نیم از عمر دولت تدبیر و امید با شرایطی مواجه نمی‌شدیم که دولت ضمن ناتوانی از کنار زدن رکود مجبور به اتخاذ سیاست‌های تورم‌زا در لایحه بودجه باشد و مردم را نسبت به آینده نزدیک خود دچار هراس و اضطراب نماید.

گرچه زمان زیادی از دست رفته است اما هر زمان جلوی ضرر گرفته شود منفعت به دنبال خواهد داشت؛ دولت باید عزم خود را جزم کند، سیاست‌های اقتصادی دیکته شده مراکز و موسسات غربی را برای توسعه اقتصادی- که نسخه بدل تعدیل اقتصادی دولت مرحوم هاشمی در ابتدای دهه هفتاد است- کنار بگذارد یا اعتماد به نفس و با اتکا به توان مردم و ظرفیت‌های درونی و البته با به کارگیری افراد کاربلد، معتقد به توان داخلی و دارای روحیه جهادی به میدان حل مشکلات بیاید، مردم را در جریان جزئیات تصمیمات خود قرار دهد و صادقانه به آنها در قول و عمل خود نشان دهد که تغییر رویکرد به نفع مردم را در دستور کار خود قرار داده است و اطمینان داشته باشد منتقدین سیاسی دولت نیز از این تصمیم استقبال کرده و به کمک او خواهند آمد؛ از فرصت کنونی انسجام علیه دشمن و ضد انقلاب برای تلاش فعالانه استفاده کنید؛ بسم الله و یا علی مدد. ▶



ساختار شکنی های احمدی نژاد الگو قرار گرفت

محسن غرویان در گفت و گو با مثلث

طی روزهای اخیر شاهد تجمعات و ناآرامی هایی در سطح کشور بودیم. تحلیل شما از این تجمعات چیست؟ نامش را اعتراض می گذارید یا اغتشاش؟

▲ در بررسی این تجمعات باید به چند نکته توجه داشت. اول اینکه شروع این تجمعات از مشهد و برای فشار به دولت آقای روحانی بود به بهانه مسائل اقتصادی مثل گرانی. ولی پشت قضیه گروه سیاسی خاص مخالف دولت قرار داشت که با پیامک فرستادن به مردم تجمع را تشکیل داد. در واقع این گروه های خاص ضد دولت ماجرا را شروع کردند اما این وسط یک عده دیگری هم وارد شده و کم کم سر از خارج مرزها درآورد.

منظور تان حمایت های رسمی برخی مقامات خارجی است یا دست های خارجی پشت پرده؟

▲ دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا وارد قضیه شد و تشکر کرد. گفت حمایت می کنیم و اینها خواستند که به سمت براندازی نظام رفته و تجمعات را هدایت کنند. این نقشه آمریکا است. البته الان مساله مخلوط و پیچیده شده است. یک بخش مطالبات بحق مردم در حوزه مسائل اقتصادی مثل گرانی، اشتغال و... است و سوی دیگر سوءاستفاده گران. البته حق با مردم است. مثلاً پول هایشان را در بعضی از این صندوق های تعاونی پس انداز کرده و الان با مشکل مواجه شده اند. بالاخره به مردم فشار می آید. گرانی های بعضی از اجناس یا وعده گران کردن بنزین یا امثال اینها؛ به مردم فشار اقتصادی وارد می شود و جوش می آورند و به این شکل بروز می کند. اما شک نداریم که عده ای هم در پشت پرده هستند و می خواهند از آب گل آلود ماهی بگیرند.

دولت غیر از وعده دادن باید چه اقدامی انجام دهد؟

▲ به هر حال مساله زندگی و معیشت مردم، مساله مهمی است و در لایحه بودجه هم باید بخشی از بودجه ها که صرف بعضی از موسسات فرهنگی می شود را حذف

محسن غرویان، مدرس حوزه علمیه قم از جمله چهره های سیاسی است که بر ضرورت تدبیر سیاسی تاکید کرد. او با اعتقاد به اینکه تجمعات از مطالبات بحق مردم شروع شده بود، نسبت به بیراهه رفتن های احتمالی هشدار داد و خواستار به رسمیت شناخته شدن حق اعتراض شد.

کند. موسساتی که اغلب نه تنها کاری برای مردم و دولت نمی کنند، بلکه اوضاع را بدتر هم می کنند. بودجه اینها باید حذف یا تعدیل شود. مجلس هم نباید اینها را تصویب کند. چون به هر حال یک سری بی عدالتی ها دیده می شود. دولت باید در سیاست گذاری خیلی حواسش به این مسائل باشد. مساله مهم الان مساله معیشت مردم است. این مساله اول کشور است. ما الان باران نداریم، آب نداریم، دریاچه ارومیه خشک شده، کشاورزی مان واقعا در معرض خطر است و امثال اینها؛ دولت باید این موضوعات را در اولویت قرار دهد و در لایحه بودجه نیز به آن توجه داشته باشد.

اشاره کردید که به مردم فشار اقتصاد آمده و این طور بروز داده اند. به نظر شما راه بهتری برای اعلام اعتراض نیست؟ حتما باید تجمعات توام با خشونت برگزار کرد؟

▲ بعضی از حرف هایی که مردم می زنند بحق است و دولت هم البته پذیرفت که مردم حق اعتراض و انتقاد دارند، ولی راهش تخریب اموال عمومی و اغتشاش و اینها نیست. به نظر من دولت باید یک جایی قرار دهد برای اعتراضات مردم. باید هاید پارک هایی داشته باشیم که مردم بیایند حرف بزنند، اعتراض کنند، انتقاد کنند و درد دل شان را بگویند. این درست نیست که دائم بخوایم صدای مردم قطع و بریده شود. به هر حال آزادی بیان و حق انتقاد و اعتراض را باید به رسمیت شناخت.

مسائلی که شما می فرمایید زمان بر است؛ یعنی اگر دولت همین امروز تصمیم بگیرد و اگر عزم جدی هم داشته باشد که به نحوی اعتراضات مردم را شنیده و مشکلات شان را حل کند؛ به زمان نسبتاً زیادی نیاز دارد. این در حالی است که در تهران و شهرستان ها با ادامه تجمعات مواجه هستیم. دولت در شرایط فعلی و برای حل سریع ماجرا باید چگونه عمل کند؟

▲ من فکر می کنم این کار آن طور که شما می گوید زمان بر باشد. البته خیلی هم زمان بر نیست. کافی است اجازه دهند بعضی از این تجمعات برگزار و اعتراضات شنیده شود. مردم بیایند در یک جایی تجمع کنند، حرف شان را بزنند، شعارهایشان را بدهند و از خیابان ها جمع شوند. در یک محلی با مجوز وزارت کشور درد دل شان را بگویند. بالاخره مردم باید یک جایی داشته باشند که حرف بزنند و مطمئن باشند که مسئولان حرف شان را می شنوند.

مساله این است که در کشور ما فرهنگ اعتراض به شکلی که شما می فرمایید، وجود ندارد. این روزها دیده ایم که به گفته مقامات مسئول در وزارت کشور، استانداری ها و فرمانداری ها هیچ درخواستی برای مجوز ارائه نشده است. گویی مردم اصلاً باور ندارند که مجوزی برایشان صادر می شود، به همین خاطر اصلاً سراغ درخواست مجوز نمی روند. به نظر شما علت این امر چیست و برای رفع آن باید چه کنیم؟

▲ به هر حال مردم می ترسند و باید فضاسازی صورت گیرد. بعضی از انتقادات مردم را خود مسئولان باید بیان کنند، منظورم آنهایی است که مصونیت دارند و می توانند حرف بزنند.

اینکه برخی از مسئولان مثل نمایندگان مجلس زبان مردم شده و انتقادات را بگویند، مسائل را حل می کند؟ فکر می کنید این کار مانع از برگزاری تجمعات منتهی به خشونت می شود؟

▲ برای جلوگیری از خشن شدن تجمعات نیز می توان از حضور مسئولانی در سطح وزیر کشور و مانند آن استفاده کرد. حضور مقامات در تجمعی که با اخذ مجوز و در یک مکان مشخص برگزار شده است در ایجاد یک فضای آرام برای بیان اعتراضات نقش مهمی دارد.

به نظر شما برخورد دولت با رسانه ها و شبکه های مجازی چه تأثیری بر ادامه یا توقف تجمعات دارد؟ ایجاد محدودیت مثل آنچه این روزها شاهد آن بودیم نتیجه مثبتی دارد یا معترضان را بیشتر تحریک می کند؟

▲ به نظر من ایجاد محدودیت ها فقط نتیجه موقتی دارد و راه حل ریشه ای قضیه نیست. به این خاطر که الان همه از فیلتر شکن ها یا از شبکه های مجازی دیگر استفاده می کنند؛ به هر حال دنیای امروز عصر ارتباطات رسانه ای است. شاید در یک شرایط خاص اختطاری محدود کردن و فیلترینگ برخی شبکه ها مثل تلگرام و اینستاگرام اثر موقتی داشته باشد، ولی راه حل نیست.

در مورد عملکرد رسانه های مکتوب مثل روزنامه ها و مجلات سوال نمی کنم چون آنها با چارچوب مشخصی مواجه هستند و در شرایط حساس کارشان از همیشه سخت تر است اما



بعضی از انتقادات مردم را خود مسئولان باید بیان کنند، منظورم آنهایی است که مصونیت دارند و می توانند حرف بزنند

نارضایتی زیر سوال نرود

راهبرد اصلاح طلبان درباره آشوب چه بود؟

سجاد سالک

عضو حزب ندا

۳ در روزهایی که جامعه ایرانی در هراس از تحركات گسل های اعماق زمین به سر می برد به ناگاه گسل های اقتصادی و اجتماعی روی زمین فعال شد و بروز برخی ناآرامی ها برای ناظرین ششوه کننده جلوه کرد. پس لرزه های چنین اتفاقی گرچه ریشترهای پایینی داشت اما نقاط زیادی از کشور را تحت تاثیر قرار داد.

در کنار بی تدبیری معمولی که از صدا و سیما در موقع بروز بحران سراغ داریم، اتفاق خوشایند این بود که در ماجرای اخیر، اصلاح طلبان، بی لکت خشونت طلبی را محکوم کرده و خواستار برقراری نظم و آرامش در کشور شدند. باید پذیرفت در کنار سوء استفاده کنندگانی که در همه تجمعات اعتراضی حضور پیدا می کنند بخش عمده ای از ناراضیان تجمعات اخیر، مردم عادی بودند؛ مردمی که از بی توجهی به مطالبات خود عاصی شده و می خواستند صدای اعتراض شان را به گوش مسئولان برسانند. طبیعی است ما همان طور که کار جمعی بلد نیستیم، شیوه اعتراض مدنی را هم تمرین نکردیم و بی دلیل نیست تجمعات اعتراضی خیلی زود رنگ و بوی خشونت آمیز پیدا می کند و از مسیر اصلی منحرف می شود.

با این حال، خشونت و آتارشیسم برای جامعه ای که رو به سوی توسعه دارد سمی مهلک است. جامعه ای که از فقر و بیکاری دلش خون است، فردای خشونت طلبی نه تنها وضعیت بهتری پیدا نمی کند، بلکه روزه های بهبود وضع موجود را هم می بندد. خشونت و افراطی گری، توجه مسئولان را از مسائل اقتصادی معطوف مسائل امنیتی می کند. آشوبگری، کسب و کار را به حاشیه می راند، اغتشاشگری، گردشگری و سرمایه گذاری خارجی را تعطیل می کند، به هم ریختن نظم شهر، اقتصاد کشور را فلج و تجارت خارجی را محدود می کند. در نتیجه اعتراض خشونت طلبانه با هدف بهبود وضع اقتصادی در واقع نوعی نقض غرض است. چون تبعات و پیامدهای آشوبگری، بیش از هر جایی اثر خود را بر اقتصاد کشور می گذارد، کمالینکه در ماجرای اخیر نیز به افزایش قیمت دلار و افت شاخص بورس تهران منجر شد.

به هرحال اگر بپذیریم همه سرنشینان یک کشتی هستیم آن وقت قابل فهم خواهد بود که خشونت و افراطی گری، در حقیقت آسیب زدن به کشتی خودمان بوده و اگر کشتی دچار سانحه شود آن وقت دیگر فقیر و غنی نمی شناسد. همه را غرق می کند.

ایا این استدلال بدین معنا است که ردپای گروهک های وابسته یا منافقین در تجمعات به چشم نمی خورد؟ خیر، سخن این است که نیروهای بدخواه بیگانه آنقدر حقیر هستند که توانایی راه اندازی چنین غائله هایی را ندارند، بلکه منتظر فرصت هستند تا روی موج نارضایتی های اجتماعی سوار شوند. یعنی حتما باید زمینه نارضایتی و گلایه مندی در دانشگاه، بازار، جامعه یا هر محیط عمومی دیگری وجود داشته باشد تا این گروهک های منقور بتوانند خواست های شوم خود را مطرح کنند. طبیعتا وسط دعوا کسی حوا خیر نمی کند. فضا که تنش را شود هرکسی ممکن است رفتار هیجانی و خشونت گرایانه ای بروز دهد و امکان

اجازه دهد به صدا و سیما بپردازیم. عملکرد رسانه ملی را در این چند روز چطور ارزیابی می کنید؟ به نظر شما توانست همان نقشی را ایفا کند که از آن انتظار می رفت؟

▲ من خیلی راجع به صدا و سیما حرفی ندارم. به هر حال هرچه بود را گفته اند و گفته ایم. به اضافه اینکه اکنون کانال های اطلاع رسانی و اطلاع گیری مردم دیگر تنها صدا و سیما نیست. رسانه های مختلف، ماهواره و شبکه ها هستند که اخبار را رد و بدل می کنند.

در روزهای اخیر بسیاری از فعالان و چهره های سیاسی اصلاح طلب و اصولگرا اظهار نظر کرده و به نحوی مردم و معترضان را به آرامش و پیگیری مطالبات از طرق قانونی دعوت کردند. تنها فرد ساکت در این خصوص احمدی نژاد بود. همین سکوت باعث شد که برخی معتقد باشند او و اعتراضات اخیرش در این ماجراها نقش داشته است. نظر شما چیست؟

▲ بله، نظر من همین این است که به هر حال استارت کار را احمدی نژاد زد. نحوه اعتراض او به قوه قضاییه به نظر من نه تنها جالب نبود بلکه خیلی بد و ساختارشکنانه بود؛ رئیس قوه را رهبری منصوب کرده اند، آن وقت احمدی نژاد می گوید که غیرعادلی، اصلا عدالت نداری، صلاحیت نداری، غاصب هستی و... اینها تعریض به مقامات بالاتر هم بود. این صحبت های ساختارشکنانه او با همان پیام ویدئویی چند دقیقه ای شروع شد.

یعنی ساختارشکنی احمدی نژاد الگو قرار گرفت؟

▲ بله، تا حدودی.

نکته دیگری که در بررسی تجمعات اخیر باید به آن پرداخت این است که به اعتقاد برخی از تحلیلگران نارضایتی مردم صرفا به دولت محدود نمی شود و نارضایتی هایی نسبت به نهادهای دیگر وجود دارد. به نظر شما این نهادها برای بازگرداندن فضا به شرایط عالی باید چه اقداماتی انجام دهند؟

▲ من فکر می کنم باید اختلافات جناحی - سیاسی گروه ها مثل اصلاح طلبان، اصولگرایان، اعتدالیون و... را کم رنگ کرد تا مشترکات زیاد تر شود. گروه های سیاسی باید بنشینند و با هم، با مسئولان صحبت کنند، مردم در تلویزیون و... ببینند که اینها با یکدیگر گفت و گو می کنند. نباید به اختلافات دامن زد. به هر حال آن ۲۴ میلیونی که رای دادند یک سری آزادی هایی مطالبه می کنند و حق دارند. امته های جمعه خیلی باید مواظب حرف زدن هایشان باشند، تریبون های عمومی و... همه گروه های در چارچوب قانون و نظام را در مسائل اجتماعی مشارکت دهند و نگاه یک طرفه نداشته نباشند. لازم است که آزادی های سیاسی قدری بیشتر شود.

اگر گروه های سیاسی هوشمندی لازم را نداشته باشند و سعی کنند که در فضای موجود به موج سواری های خود ادامه دهند؛ نتیجه چه خواهد شد؟ کدام گروه سیاسی به اهداف خود می رسد و بازنده این ماجرا کدام گروه سیاسی است؟

▲ من فکر می کنم بازنده نهایی کل ملت خواهد بود، یعنی ملت آسیب می بیند، انقلاب، حاکمیت، نظام و همه آسیب می بینند. خدای ناخواسته کشور دچار جنگ و اختلافات داخلی می شود و آرامش خودش را از دست می دهد. مثل کشورهای دیگر همچون سوریه و امثال آن گرفتار نزاع های داخلی خواهیم شد. خیلی باید با احتیاط، عقلانیت و حکمت حرکت کرد که این اختلافات بین مردم شدید نشود. ►

مدیریت فضا هم برای نیروهای حافظ امنیت سخت و دشوار می شود.

اما اعتراضات و آشوب های اخیر با همه تلخی ها و خسارت هایی که داشت می تواند یک فایده هم داشته باشد، البته اگر مسئولان به چشم تلنگر به آن نگاه کنند. مهم نیست در تبلیغات رسمی، گاهی اوقات بعد آشوبگرانه تجمعات بر بعد معترضان اجتماعات غلبه پیدا می کرد و برخی تریبون ها می کوشیدند ناآرامی های خشونت بار را وجه غالب ماجرا توصیف کنند، بلکه مهم این است که مسئولان کشور در هر سطح و جایگاهی که هستند کمی به خودشان آمده و به فکر تغییر وضع موجود بیفتند.

حقیقت این است که امروز در سطح جامعه نارضایتی جدی است. مشکل فقر، بیکاری و احساس بی عدالتی موضوعاتی نیستند که از کنار آن بتوان ساده عبور کرد. کمالینکه در باب اهمیت مبارزه با فساد تقریبا همه مسئولان متفق القول هستند اما جامعه نشانه ای نمی بیند که باور پیدا کند حاکمیت در مبارزه با فساد جدی است.

این دغدغه ها و گلایه هم حرف امروز و دیروز نیست. سال ها است در دل جامعه گلایه مندی و نارضایتی موج می زند و در شکل گیری نارضایتی ها، هر سه قوه تاثیر دارند اما امیدی که دولت روحانی به وجود آورده بود باعث شد ظهور و بروز نارضایتی ها به تاخیر بیفتد. در نتیجه دولت روحانی گرچه مقصر اصلی نارضایتی مردم نیست و همه ارکان و نهادها باید خود را پاسخگو بدانند اما ناامیدی از بهبود اوضاع توسط دولت روحانی که خود را در قالب موج #پیشیمانم نشان داد و همچنین تحریکات تیم احمدی نژاد در دامن زدن به شکاف های اجتماعی و اقتصادی از جمله دلایلی بود که در این مقطع معترضان به حد انفجار رسیدند. به این موضوع اضافه کنید خبرهای ناراحت کننده ای که از افزایش قیمت ها، حذف پاره ها، گرانی بنزین و غیره منتشر می شد و طبقات محروم را بهت زده یا شاید شکنجه کرده بود!

در نتیجه حالا که فضا رو به آرامش گذاشته وظیفه همه ارکان، نهادها و دلسوزان نظام این است که امید به بهبود اوضاع فضا سازی و جاری کند. قوه قضاییه وظیفه دارد فکری به حال اطلاع داری کرده و شائبه ها در خصوص عملکرد برخی قضات را پاک کند. بیناها و ارکان هایی که بودجه های عجیب و غریب می گیرند و گزارش عملکردی ارائه نمی کنند، در صورتی که نتوانند عملکرد ملموس و مفیدی برجا بگذارند باید با برخورد مجلس مواجه شده و بودجه شان تعدیل شود. همچنین کارآمدی شهرداری، نیروی انتظامی، اورژانس، آتش نشانی و همه دستگاه های خدمات رسانی باید تا حد قابل ملاحظه ای افزایش پیدا کند. همه بزرگان نظام هم باید بسیج شوند و فکری به حال موضوع فساد کنند که بیشترین نارضایتی عمومی را منجر شده است.

در عین حال خیلی مهم است صاحبان تریبون چند کار هم نکنند: اصل و اساس نارضایتی ها را زیر سوال نبرند، توپ را در زمین همدیگر نیندازند و یکدیگر را متهم نکنند، ناراضیان را به انواع و اقسام انگ ها متهم نکنند، از فضای به وجود آمده برای انتقام گیری و زمین زدن همدیگر استفاده نکنند و در نهایت اینکه غائله ای که جمع شده را حل شده تلقی نکنند. چون حل شده تصور کردن موضوع به معنی چشم بستن روی واقعیت است و چشم بستن همانا و غافلگیری مجدد همانا. ►

اصلاح طلبان به اصولگرایان اتهام شروع آشوب زدند

گفت‌وگو با ناصر ایمانی

امید کرمانی‌ها

خبرنگار

۴ در روزهای اخیر شاهد یکسری تجمعاتی بودیم که از مشهد شروع شد و به شهرهای دیگر تسری پیدا کرد، به نظر شما این تجمعات جنس و ماهیت اقتصادی داشت یا اجتماعی و سیاسی؟

▲ برای این طور پدیده‌ها قاعدتا یک دلیل نمی‌توان در نظر گرفت. دلایل متعددی دارد. امروز می‌توانیم بگوییم این تجمعات سیاسی و جناحی نبود. حوادث سال ۸۸ حوادث سیاسی-جناحی بود یعنی طرفداران یک جناح فکری تصور می‌کردند حق از آنها ضایع شده است بنابراین آمدند، اعتراض کردند حالا اینکه بعدا این اعتراض‌ها توسط برخی عوامل دیگر به انحراف کشیده شد بحث دیگری است. معتمد تجمعات اخیر مبداء سیاسی-جناحی ندارد، مطالبات اقتصادی هم در آن مطرح نمی‌شود، عمدتا تجمع که کنندگان شعارهای ضدحاکمیتی و به نوعی ایران‌پرستی سر می‌دهند. البته اگر بخواهیم عوامل تحریک کننده تجمعات را بررسی کنیم، می‌گوییم گرچه تجمع کنندگان خواسته‌های اقتصادی مطرح نمی‌کنند، اما عواملی مثل فساد، فاصله طبقاتی، بیکاری و وضعیت معیشتی می‌تواند عده‌ای را تحریک کرده باشد که به صحنه بیایند.

فاکتور دوم نیز عوامل فرهنگی است یعنی تجمع کنندگان فرهنگ موجود در کشور را که مبتنی بر نگاه و ارزش‌های دینی است قبول ندارند و به آن اعتراض می‌کنند اما اینکه در عوض چه فرهنگی می‌خواهند؟ آن را هم مطرح نمی‌کنند. در مجموع سمت و سوی تجمعات و تظاهرات اخیر به سمت دولت موجود یا دولت گذشته نیست. عمدتا مطالباتی در شعارها مطرح می‌شود که اساس و هدفش ضربه‌زدن به حاکمیت است.

به نظر شما در این وضعیت دولت چه کار می‌تواند بکند؟ یا به عبارت بهتر، دولت به تنهایی می‌تواند کاری انجام دهد یا خیر؟

▲ مسلما در این طور حوادث خشونت‌آمیز نه فقط دولت، بلکه همه عوامل حاکمیت باید تجهیز شوند تا آتش بحران فروکش کند چون این افراد قانونی یا مسالمت‌آمیز تظاهرات نمی‌کنند بنابراین مجموعه حاکمیت باید وارد صحنه شوند.

اگر این افراد قانونی تقاضای تجمع می‌کردند و بعد از اخذ مجوز تجمع مسالمت‌آمیز داشتند، آن وقت باید می‌دیدیم خواسته آنها چیست و براساس ماهیت مطالبات، بخشی از حاکمیت که مورد اعتراض آنها بود مورد سوال قرار می‌گرفت. مثلا اگر این افراد با اخذ مجوز تجمع می‌کردند و خواسته‌های اقتصادی یا موضوعاتی در چارچوب اختیارات قوه مجریه داشتند، در این صورت مشخص می‌شد که دولت باید به خواسته‌های آنها پاسخگو باشد ولی الان این طور نیست و انگشت سوال را نباید به طرف دولت گرفت. چون اساسا بحث آنها خطاب به دولت نیست.

دولت می‌گوید مردم طبق قانون اساسی حق راهپیمایی و برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیز دارند اما سوال اینجاست که برگزاری تجمعات قانونی چه تاثیری خواهد داشت؟ آیا شرایط

ناصر ایمانی معتقد است: «سمت و سوی تجمعات و تظاهرات اخیر به سمت دولت موجود یا دولت گذشته نبود. عمدتا مطالباتی که در شعارها مطرح شد هدفش ضربه‌زدن به حاکمیت بود.» این تحلیلگر مسائل سیاسی می‌گوید: «اگر مجوز برای تجمعات و تظاهرات قانونی صادر شود، دیگر افراد فرصت طلب امکان اینکه بخواهند تظاهرات خشونت‌آمیز انجام دهند، نخواهند داشت چون مردم آنها را طرد می‌کنند و می‌گویند: «اگر حرفی دارید می‌توانید به راحتی بگویید و حرفتان را بزنید.» می‌توانید به راحتی مجوز بگیرید و حرفتان را بزنید.»

برای اعطای مجوز به چنین تجمعاتی مهیاست یا اساسا چه کسی یا کسانی می‌توانند درخواست کننده اخذ مجوز برای برگزاری تجمعات قانونی باشند؟

▲ این موضوعی است که مربوط به چند سال گذشته نمی‌شود. اساسا مسئولان دولتی از ۲۰ سال گذشته تا کنون عادت به صدور مجوز برای برپایی تجمعات نداشتند یا به عبارت دیگر اساسا آیین صدور مجوز برای برگزاری تجمعات را فراموش کردند. در ۲۰ سال گذشته، به جز مجوزهایی که برای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی بود، اگر مجوز دیگری صادر شده است نداشتن بوده است. به عبارت دیگر تجمعاتی که کارکنان یک اداره یا بنگاه اقتصادی یا کارگران فلان کارخانه در مقابل یک وزارتخانه یا بانک مرکزی داشتند، قریب به اتفاق آنها غیرقانونی بود. هیچ وقت هم مسئولان به این فکر نیفتادند که به افراد بگویند برای تجمعات‌شان مجوز بگیرند و قانونی تظاهرات کنند. بارها شاهد بودیم که مالباختگان موسسات مالی و اعتباری جلوی بانک مرکزی جمع شدند، همه این تجمعات غیرقانونی است. وقتی دولت‌ها نمی‌گذارند کاری به شکل رسمی انجام شود، قاعدتا به شکل غیررسمی و بدون مجوز انجام می‌شود. متأسفانه در این زمینه دولت‌های ما ضعف دارند و می‌ترسند.

از طرفی مردم هم عادت به تجمعات یا تظاهرات مسالمت‌آمیز ندارند. برای همین هر تظاهراتی که به نوعی مخالفت در آن باشد به سرعت خشونت‌آمیز می‌شود. در واقع تظاهرات کنندگان تصور می‌کنند که حتما باید خشونتی همچون ضرب و شتم یا تخریب اموال انجام دهند تا مورد توجه قرار بگیرند.

در حالی که اگر دولت به این خواسته‌ها توجه کند و به متقاضیان برگزاری تجمع هم مجوز بدهد و مجوزگیرندگان تجمع نیز مسئولیت بپذیرند، اتفاق خوبی است که متأسفانه ما رعایت این روال را بلد نیستیم. البته نمی‌خواهم بگویم تجمعاتی که در چند روز اخیر انجام شد، اگر با مجوز می‌بود مسالمت‌آمیز انجام می‌شد، خیر این اتفاق نمی‌افتاد چون بررسی شعارهایی که افراد حاضر در این تجمعات سردادند، نشان می‌دهد که بحث‌شان مجوز خواستن نیست و اساسا حاکمیت را مورد خدشه قرار می‌دهند، چه رسد به اینکه بخواهند از حاکمیت مجوز بگیرند.

معتمد وقتی تجمعات خشونت‌آمیز اخیر فروکش کند، دوباره به وضعیت قبل برمی‌گردیم یعنی دولت مجوز قانونی برای برگزاری تجمعات و تظاهرات صادر نمی‌کند و

وضعیت مانند دیگ زودپزی می‌شود که بخار در آن متراکم شده تا از یک جایی بیرون بزند. در حالی که اگر مجوز برای تجمعات و تظاهرات قانونی صادر شود، دیگر افراد فرصت طلب امکان اینکه بخواهند تظاهرات خشونت‌آمیز انجام دهند، نخواهند داشت چون مردم آنها را طرد می‌کنند و می‌گویند: «اگر حرفی دارید می‌توانید به راحتی بگویید و حرفتان را بزنید.» اما چرا الان کسی این حرف را نمی‌زند؟ چون مجوز نمی‌دهند.

رفتارهای جناح‌های سیاسی را در این مدت چطور ارزیابی می‌کنید؟

▲ تفکیکی را باید بین اصولگراها و اصلاح طلبان قائل شد. اصولگرایان به طور محدود اظهار نظر کردند و گفتند: «دولت به مطالبات اقتصادی مردم پاسخ مناسبی نمی‌دهد در حالی که باید به این موضوع بیشتر توجه کند.» البته این حرف بسیاری از چهره‌های اصلاح طلب همچون آقایان عارف و تابش هم بود که البته حرف جدیدی نیست. اما اصلاح طلبان یک برخورد بسیار زشتی در این موضوع داشتند و آن اینکه اصولگرایان را شروع کننده تظاهرات‌های اخیر معرفی کردند. همان حرفی که آقای جهانگیری گفت به این معنا که اصولگرایان این تظاهرات و تجمعات را سازماندهی کردند تا مردم به خیابان‌ها بریزند و علیه دولت شعار دهند اما بعد کنترل از دست‌شان در رفت. این اتهام بزرگی است یعنی باید اثبات شود که «اصولگرایان مردم را به کف خیابان کشیدند تا دولت را به لحاظ ضعف در حوزه اقتصادی خطاب قرار دهند و تحت فشار بگذارند». مثلا باید ثابت کنند که اصولگرایان تجمع اولیه را در میدان شهدای مشهد سازماندهی کردند. در مجموع نتیجه این اتهام بزرگ آن خواهد بود که زمینه هرگونه آشوبی و صلح بین دو جناح از بین رفت. یعنی آن حرفی را که در چند ماه گذشته اصلاح طلبان مکررا تکرار می‌کردند و تقاضای مذاکره و گفت‌وگو با اصولگرایان داشتند تا اختلافات میان دو جناح حل و صلح و آشتی برقرار شود، با اتهامی که زدن زمینه‌اش کاملا برپیده شد. چون اصولگرایان هیچ وقت تجمعی را علیه دولت‌های موجود در کف خیابان‌ها راه‌ننداختند اما امروز این اتهام به آنها زده شد.

به نظرم این اتهام‌زنی اصلاح طلبان یک اقدام زشت جناحی بود چون اصولگرایان به رغم آنکه معتقد دولت هستند، شرایط کشور را به خوبی می‌دانند و آگاه هستند که سرنوشت راه‌افتادن هر تظاهرات غیرقانونی کف خیابانی معلوم نیست به کجا ختم شود. هر انسان عاقلی می‌داند تظاهرات کف خیابانی را می‌شود شروع کرد اما نمی‌توان پایان داد. اصلاح طلبان یا این اتهام بزرگ را ثابت کنند یا بابت آن عذرخواهی کنند.

عملکرد صدوسیما را چطور ارزیابی می‌کنید؟

▲ صدوسیما ملاحظات زیاد حکومتی دارد و دستش به عنوان یک رسانه باز نیست. هرکس هم مدیریت صدوسیما را برعهده داشته باشد با این مشکل مواجه است. به فرض یک اصلاح طلب امروز رئیس سازمان صدوسیما جمهوری اسلامی ایران باشد دولت به او دستور می‌دهد که این اخبار را بگو و آن اخبار را نگو. چرا؟ چون بودجه‌اش وابسته به دولت است. شورای عالی امنیت ملی به صدوسیما ابلاغ می‌کند که این خبر را بگو و آن خبر را نگو. صدوسیما باید تبعیت کند. این موارد صرف نظر از انتقادهایی است که می‌توان به

مثل یک شوخی

این آشوب‌ها، جمهوری اسلامی را قوی‌تر خواهد کرد

امیر حسین ثابتی

روزنامه‌نگار

امنیتی با اینها در کف خیابان تعیین کننده باشد؛ هر چند سختی کار همینجاست که با ارادل و اوباشی در کف خیابان مواجه هستیم که «پرچم ایران» را آتش می‌زنند، شعار «هم اسلام هم قرآن هر دو فدای ایران» سر می‌دهند و در عین حال باید طوری با آنها برخورد کرد که هیچ پازلی تکمیل نشود.

ثانیاً برای نسلی که فتنه ۸۸ را از نزدیک دیده، اتفاقات امروز به خصوص آنچه در تهران رخ داد «شوخی» است. اینکه عده‌ای جوگیر با دیدن چند فیلم از شعار ارادل و اوباش که به اسم تجمع اقتصادی، شعار بازگشت پهلوی! سر می‌دهند، تصور می‌کنند کار جمهوری اسلامی تمام است یعنی نه درکی از سیاست دارند و نه از اجتماع. تفاوت بزرگ امسال با ۸۸ اینجاست که به مدد شبکه‌های اجتماعی موبایلی قدرت ضریب رسانه‌ای به کوچکتین حرکت ساختار شکنانه‌ای زیاد شده و همین برای پروپاگاندا و جورسانه‌ای راه انداختن کافی است. اما آنچه قطعی است؛ حساب و کتاب و کتاب و سرمایه‌گذاری‌های گسترده دشمن از مدت‌ها قبل برای ناآرام کردن کشور آن هم به بهانه مشکلات اقتصادی است اما وقتی در همان روز اول شعارها به جای اقتصاد، سمت توهین به اصلی‌ترین مقدسات می‌رود و می‌گویند «هم اسلام، هم قرآن هر دو فدای ایران» یعنی پایان چنین جسارتی حماسه‌ای از جنس ۲۳ تیر ۷۸ یا ۹ دی ۸۸ خواهد بود. حماسه‌ای که جمهوری اسلامی را قوی‌تر، مردم را متحدتر و ارادل و اوباش دلتنگ پهلوی را منزوی‌تر خواهد کرد. فقط چند روز دیگر باید صبر کرد. ▶

وقایع ناآرامی‌های اخیر از دو منظر قابل تحلیل است، نخست آنکه جرقه آن با برخی مطالبات اقتصادی و معیشتی آغاز شد اما امروز به صحنه جولان دادن «داعشی‌های وطنی» تبدیل شده است.

کسانی که نه دغدغه «اقتصاد» دارند نه «معیشت» و نه «عدالت» و اصلی‌ترین خواسته‌شان عبور از «دین» و سقوط «جمهوری اسلامی» است. احتمالاً جایگزینی‌شان هم «سلطنت» یا مدلی مانند «کمپ اشرف» است! اما روشن است که این آرزو را هم به گور خواهند برد چون وقتی با این حجم از فراخوان در شبکه‌های ماهواره‌ای و مجازی، بین هزاران خیابان تهران تنها برای ساعاتی در دو سه خیابان عرض اندام می‌کنند و بعد هم فرار، یعنی نه پشتوانه مردمی با خود دارند و نه کار بیشتری می‌توانند انجام دهند.

اما یک چیز را خوب فهمیده‌اند و برای تحقق آن همه تلاش‌شان را دارند می‌کنند و آن اینکه می‌خواهند این ایام را به یک «نقطه عطف» تبدیل کنند. دقیقاً چیزی مانند «نذا آقاسلطان» کم دارند. اتفاقی که حداقل دست‌شان را برای فشارهای حقوق بشری پرت‌تر کند یا برای سال‌های بعد در این ایام منسجم‌شان کند. این همه آن چیزی است که این چند روز دنبال به دست آوردنش هستند. شاید در این میان نوع برخورد نیروهای نظامی و

عملکردش وارد کرد. در واقع قضیه این است که دست صدا و سیما بسته است. همان روزی که تظاهرات شروع شد صدا و سیما اعلام کرد که مقامات امنیتی گفتند این خبرها را پخش نکنید، حالا آن مقامات درست یا اشتباه تشخیص دادند، تصمیم‌شان این بود که صدا و سیما خبر تظاهرات را پخش نکند. اما اگر من در صدا و سیما مسئولیت داشتم بخش‌هایی از تجمعات اخیر را بدون هیچ تفسیری پخش می‌کردم تا مردم با شعارها، رفتارها و رویکردهای خشونت‌طلب این افراد آشنا شوند. چرا صدا و سیما با تفسیری که خودش دوست دارد اخبار تجمعات را منعکس می‌کند؟ کافی است متن تصاویر تجمعات اعتراضی غیرقانونی و تخریب اموال عمومی را پخش کند، مطمئناً مردم به خوبی نتیجه‌گیری خواهند کرد و متوجه می‌شوند، این افراد چه کسانی هستند و چه می‌خواهند و چطور خواسته‌هایشان را بیان می‌کنند. به نظر صدا و سیما در این زمینه نقص دارد یک بخش دیگر البته به محدودیت‌هایی که دارد برمی‌گردد. چون صدا و سیما رسانه‌ای آزاد به آن مفهوم که در ذهن ماست، نیست. هر کس هم رئیس صدا و سیما باشد همین محدودیت‌ها را دارد و مولفه‌های جریان آزاد خبری را نمی‌تواند رعایت کند. ضمن آنکه مدیریتش در این نوع بحران‌ها اشتباهات زیادی می‌کند. صدا و سیما باید آمادگی عمل در زمان بحران را داشته باشد. در همین زلزله کرمانشاه صدا و سیما با تأخیر برای پوشش اخبار وارد عمل شد. چرا؟ چون می‌خواست اخبار را از مراجع رسمی بگیرد، حال آنکه تا مراجع رسمی بگویند، اخبار زلزله به طور گسترده در فضای مجازی پخش شده بود. در صورتی که مدیریت خبری صدا و سیما می‌تواند خیلی بهتر از اینها عمل کند. همان طور که سال ۸۸ می‌توانست عملکرد بهتری داشته باشد و جلوی بسیاری از وقایع را بگیرد که نگرفت.

به نظر شما چطور با اتفاقات اخیر برخورد شود؟

▲ این اتفاقات خیلی بی‌ریشه هستند. سر این اتفاقات خارج از کشور است، خواسته‌هایشان هم با مطالبات مردم فاصله بسیار زیادی دارد؛ در واقع فقط یک بلوا و شورش کور هستند که به سرعت تمام می‌شوند. فقط باید نیروهای امنیتی و انتظامی خیلی در نوع مواجهه دقت کنند که هیچ گونه بهانه‌ای دست اغتشاشگران داده نشود.

معتمد نوع مواجهه مأموران انتظامی فقط ممانعت و دستگیری باشد و اینکه بتوانند با حجم زیاد نیرو اوضاع را کنترل کنند. این جماعت خشونت‌طلب به ظاهر معترض الا ن به شدت نیاز به انگیزه برای تداوم اقدامات خود دارند چون از طرف مردم مورد سوال هستند که چرا دست به تخریب اموال عمومی می‌زنند و جوابی هم در پاسخ به این سوال ندارند بنابراین منتظرند تا انگیزه‌ای برای اقدامات خود پیدا کنند.

اگر نیروی انتظامی مراقبت کند که الحمدلله همین طور هم بوده تا بهانه دست خشونت‌طلب‌ها داده نشود بساط این تجمعات خیلی زود جمع خواهد شد. به طوری که حتی نیازی به آوردن مردم به صحنه نمی‌شود. ضمن آنکه این اتفاقات در کشور آزاد ایران طبیعی است، نظرات مختلفی در جامعه وجود دارد که امکان طرح بیان آن دیدگاه وجود دارد. البته در اظهارات برخی سیاسیون نوعی حالت اضطراب و نگرانی دیده می‌شود، حال آنکه هیچ اتفاقی نمی‌افتد چون اتفاقات به مراتب بزرگ‌تر از اینها برای جمهوری اسلامی در سال‌های ۶۰ و ۶۱ افتاد اما نظام و مردم ایران از آن وقایع عبور کردند. این تجمعات اخیر که عددی نیستند و زمینه‌ای هم ندارند که به تدریج مردم به آنها ببینند. ▶



عیان شدن بودجه در آشوب‌ها تاثیر داشت

گفت‌وگوی مثلث با عبدالرضا هاشم‌زایی



سید مجتبی جلال‌زاده

خبرنگار

نظر تان را در خصوص اعتراض‌های مردمی و اغتشاشات اخیر، می‌خواهم بدانم. مطالبه اصلی مردم چیست؟

▲ کمی به عقب برگردیم و این اعتراضات را ریشه‌یابی کنیم. امسال و پس از ایام انتخابات، شاهد هجمه‌هایی علیه دولت و علی‌الخصوص شخص آقای روحانی انجام بودیم. حتی از طریق تریبون‌های رسمی نیز شاهد این ماجرا بودیم. برخی دنبال بزرگ کردن مطالبات مردم هستند؛ البته نمی‌خواهم بگویم مشکلات مردم کوچک است؛ خیر، بلکه اقتصاد راه نیفتاده، رونق اقتصادی نیست و به‌رغم کنترل تورم، قدرت خرید مردم کم شده است. این امر موجب شد آماج‌گی ای به وجود آید و پس از تقدیم بودجه ۹۷ از سوی دولت به مجلس که در آن پیش‌بینی شده بود عوارض خروج از کشور چند برابر شود یا قیمت حامل‌های انرژی خصوصاً بنزین افزایش پیدا کند و مواردی از این دست و همچنین بودجه برخی از نهادهای غیردولتی، مثل حوزه‌های علمیه برجسته شد. در صورتی که این بودجه‌ها در سال‌های دور، عمدتاً توسط خود مردم تأمین می‌شده است. این شفافیت موجب شد با کمک از فضای مجازی، بر افکار عمومی تاثیر بگذارد. در نتیجه اولین حرکت اعتراضی را در مشهد شاهد بودیم که شعار علیه رئیس‌جمهور سر دادند و بیشتر مطالبات، اقتصادی بود.

در ادامه بعضی از موضع‌گیری‌ها و سخنرانی‌ها هم مردم را برای بیان این گونه مطالبات، تشویق می‌کردند. نهایتاً وقتی این اعتراضات در سطح ایران گسترش پیدا کرد و سی، چهل شهر ایران به این اعتراض‌ها پیوستند، افراد دیگری هم بر این موج سوار شدند و از شرایط سوء استفاده می‌کردند که این هم امری مسبوق به سابقه است.

چند شب پیش در یکی از تجمعات تهران در خیابان ولی عصر (عج) حضور پیدا کردم تا از نزدیک شاهد اوضاع باشم و با مردم رو در رو گفت‌وگو کنم؛ تقاضای افرادی که آنجا حضور داشتند، مطالبات رفاهی و معیشتی نبود. نوعاً هم همین‌طور است؛ وقتی جو، سیاسی می‌شود و مطالبات آزادی و برگزاری اجتماعات اعتراضی می‌شود؛ مطالبات معترضان دیگر در پی دغدغه‌های اقتصادی نخواهد بود.

▲ هفته گذشته، اعتراض‌های مردمی به وضعیت اقتصادی و معیشتی کشور ادامه داشت که در برخی از موارد به اغتشاش نیز انجامید. عبدالرضا هاشم‌زایی، عضو فراکسیون امید در مجلس شورای اسلامی معتقد است: «وقتی جو سیاسی می‌شود و مطالبات آزادی و برگزاری اجتماعات اعتراضی می‌شود؛ مطالبات معترضان دیگر در پی دغدغه‌های اقتصادی نخواهد بود. این مساله حساسی است و نه تنها دولت بلکه کل حاکمیت، قوای سه‌گانه و نیروهای امنیتی باید این حق را برای مردم قائل باشند تا آنها حرف‌شان را بزنند.»

این مساله حساسی است و نه تنها دولت بلکه کل حاکمیت، قوای سه‌گانه و نیروهای امنیتی باید این حق را برای مردم قائل باشند تا آنها حرف‌شان را بزنند. وقتی در چهل سالی که انقلاب شده است و یک مجوز برای برپایی راهپیمایی اعتراضی به مردم نداده‌ایم؛ چه انتظاری می‌توانیم داشته باشیم؟ قانون اساسی مترقی‌ای داریم که برای تدوین آن زحمات بسیاری کشیده شده است. اصل ۲۷ قانون اساسی را مرور کنیم، در آنجا می‌خوانیم که تظاهرات برای عموم مردم آزاد است به این شرط که مسلحانه نباشد و به نظام اسلامی هم خللی وارد ننماید. اما طی این همه سال، یک مجوز راهپیمایی صادر نشده است. نتیجه‌اش این می‌شود که مثلاً در مراسم ترحیم مهندس بازرگان، نیروهای امنیتی که در آنجا حضور پیدا می‌کنند، بیشتر از مردم است؛ انگار خودمان بیشتر ترس داریم.

البته که هر کشوری که بخواهد مثل ما استقلال داشته باشد، دشمنانی خواهد داشت، کسی منکر این اصل نیست. ما باید به گونه‌ای عمل کنیم که اجازه نفوذ به آنها ندهیم که بخواهند مسائل و مشکلاتی را در داخل به وجود آورند. معتقدم این ناآرامی‌ها که بر پایه مطالبات اقتصادی مردم شکل گرفت، اکنون دارد از کنترل خارج می‌شود و باید با تدبیر با این گونه اعتراضات، برخورد کنیم.

نظر تان در خصوص برخورد جناحی با این اتفاقات چیست؟

▲ موقعی که چند نفر در یک شهرستان جمع شوند و شعار علیه رئیس‌جمهور بدهند و جناح دیگری خوشحال

شود، به‌نظم برخورد جناحی تلقی می‌شود و در واقع در این حالت، منافع ملی است که به خطر می‌افتد. به هر صورت راهپیمایی‌هایی که تا کنون انجام شده، روی اقتصاد کشور تاثیر مستقیم می‌گذارد. ما در مسائل اقتصادی مشکل داریم؛ سال‌ها تحریم بودیم. تحریمی که نفت می‌فروختیم ولی پولش را نمی‌توانستیم وارد کشور کنیم و نتیجه‌اش شد بایک زنجانی و مشکلاتی از این دست. تمام این مسائل دست به دست می‌دهد و موجب ایجاد نارضایتی در جامعه می‌شود. در این حالت، نباید به خاطر کوبیدن جناح مقابل به این مسائل و مشکلات دامن بریزیم و متأسفانه از کنترل هم خارج بشود. این اعتراض‌های شبانه روی اقتصاد، بورس و بانک، خصوصاً سرمایه‌گذاری خارجی تاثیرات منفی می‌گذارد. ما جزیره ثبات بودیم؛ چرا باید طی مدت پنج شش روز، مملکت به هم بریزد؟

اشاره کردید به اصل ۲۷ قانون اساسی و به رسمیت شناختن حق راهپیمایی برای شهروندان؛ طی این روزها که اعتراض‌های مردمی در جریان بوده، پلیس و نیروهای امنیتی برخورد خشن و کوبنده‌ای با معترضان نداشته‌اند؛ به نظر شما این رفتار تا کجا ادامه پیدا خواهد کرد و تا چه زمان تحمل خواهد شد و برخورد دولت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

▲ رفتار پلیس خویشتندارانه بوده است. پلیس وظیفه‌اش همین است. باید در عین خویشتنداری، اوضاع را نیز کنترل کند. اینها اجنبی نیستند؛ این نیست که تا چهار تا جوان جمع شدند، با خشونت با آنها رفتار شود. به‌نظم برخورد‌های پلیس با معترضان خوب بوده است. من معتقدم در برخورد با مردم خط قرمز نداریم. ممکن است بعضی بخواهند سوء استفاده کنند یا ممکن است در برخی موارد از خارج از ایران سازماندهی شده باشد که این را هم قبول ندارم. من خودم نسل اول انقلاب هستم و در تظاهرات ضد شاهنشاهی هم حضور داشتم.

و اما دولت؛ دولت را طی این چند ماه پس از انتخابات، تضعیف کرده‌اند. به نطق‌ها و سخنرانی‌ها خوب گوش کنید؛ به همین خاطر است که دولت از خود ضعف نشان داده است. البته که دولت هم به آن شکل که فکر می‌کنید در خصوص مسائل امنیتی، دارای اختیار نیست و تام‌الاختیار نیست. ▶

انتقام گیری با آشوب

واکوی ابعاد پروژه بحران آفرینی در کشور

مسعود پور سیدی

خبرنگار

آشوب را به سمت جریان رقیب دولت نشانه گرفته است هرچند این خط مشترک بدون مستند از سوی نهادهای مرجع پیگیری آشوب‌ها بیان شده و ترجمان عجولانه فرار به جلوی سیاسی است. از سوی دیگر «جناحی سازی» یک آشوب متناسب با منافع ملی نیست.

۳. آشوب؛ محصول مشترک پروژه سعودی - اسرائیلی

جمهوری اسلامی ایران به عنوان راس محور مقاومت اسلامی در منطقه غرب آسیا، به پیروزی‌هایی جدی در چند ماه اخیر در برابر دشمنان عبری-عربی دست یافته است. پیروزی‌های متوالی جمهوری اسلامی در برابر پروژه‌های مشترک دشمنان منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای منجر به تصمیم کشاندن آشوب به داخل کشورمان - به روایت مسئولان سعودی- شد. پروژه مشترک سعودی- اسرائیلی که با کمک آمریکا در کشور رخ داد؛ تکرار پروژه آشوب «سوریه» است. آتش کشیدن نمادهای هویتی ملی،

سیاسی در خیابان اتفاق افتاد، حتما کسی که آن را شروع کرده اند ادامه دهنده و کنترل کننده پایان آن نخواهند بود و دیگری خواهند بود که بر آن جریان سوار خواهند شد. پس از این ادعاهدایت آشوب از سوی مخالفان سیاسی دولت، نوبت به تکرار آن با زوایه دیدهای مختلف از سمت کشتگران سیاسی اصلاحات رسید. مصطفی معین، از اعضای حزب منحل مشارکت، تحریک مخالفان سیاسی را عامل آغازگر دانست و افزود: «تحریکات مخالفان دولت در مشهد که از کنترل آنها خارج شد، جرقه‌ای برای شعله‌ور شدن اعتراضات ناشی از خشم‌های فروخته مردم و احساس تحقیر جوانان در اثر بیکاری و فقر و فساد بود.» حمیدرضا جلایی‌پور اعضای آغازگر اعتراض به گرانی را جوانان ستاد «هوالملطوب» دانست و ریشه مناقشات اخیر را این گونه ترسیم کرد: «اعتراضات امروز توسط جوانان ستادهای کاندیداهای شکست خورده انتخابات و به اصطلاح هوالملطوبی‌های حاشیه مشهد علیه گرانی و دولت برنامه‌ریزی و ساماندهی شده بود اما

۴ «حضور پرشور مردم در مقابل دشمن کمین کرده برای بلعیدن ایران را به حساب گلايه‌دنداشتن آنها از عملکرد مسئولان نگذارید چرا که مردم از مسائل مختلف از جمله تبعیض و کم کاری و بی اعتنائی به مشکلات گلايه‌مندند و احساس ناراحتی و رنج می کنند.» رهبر معظم انقلاب اسلامی چند روز پس از حضور گسترده مردم در مراسم ملی پیروزی انقلاب اسلامی سال گذشته در سخنان دقیق جامعه‌شناختی به «گلايه» مردم از «تبعیض و کم کاری و بی اعتنائی به مشکلات» در برهه زمانی «کمین» دشمن اشاره کردند. استمرار بی اعتنائی به مشکلات مردم موجب شکل گیری تجمعات اعتراضی پراکنده به خصوص در شهرهای با نرخ بیکاری بالا شد اما اولین اعتراض جدی با مطالبه‌خواهی اقتصادی با شعار «مرگ بر گرانی» در مشهد برگزار شد. اولین اعتراض جدی به وضعیت معیشتی با هدایت گری عناصر ضدانقلاب همراه شد و شعارهای ارتجاعی حمایتی از پهلوی اول بیان شد و این روند در شهرهای دیگر با شبکه‌سازی عناصر ضدانقلاب بدل به اقدامات تخریبی جدی به اموال عمومی و توهین به ساحت مقدس اماکن مذهبی و آتش کشیدن پرچم جمهوری اسلامی ایران شد. رخدادهای آشوبگرانه چند روز اخیر در کشور، از چند حیث قابل تأمل است:

۱. مطالبه عمومی مبارزه با فساد

در چند سال اخیر بی تدبیری مسئولان نسبت به رفع مشکلات معیشتی استمرار یافته است اما ضریب اعتراضی به استمرار فعالیت باند‌های «قدرت- ثروت» در بدنه اقتصادی کشور جدی تر از مشکلات اقتصادی ایرانیان است. بارها نیروهای اصیل انقلابی با آدرس دقیق فعالیت باند‌های قدرت- ثروت مفسد خواهان مبارزه با آنان شدند. اعتراض به «ژن‌های خوب» ترجمان دیگری از احساس بی عدالت در عرصه عمومی بود. از منظر جامعه‌شناختی عدم مبارزه با علت العلل مشکلات به منزله پذیرش یا همسویی با آن تعبیر شود و منجر به سلب اعتماد عمومی خواهد شد. از سوی دیگر اعلام افزایش قیمت بنزین و قطع یارانه بخشی از مردم در بودجه اعلامی دولت دوازدهم بدون درک دقیق از گسل‌های اجتماعی فعال در جامعه ایرانی بود و متأسفانه بدون پیوست رسانه‌ای در عرصه عمومی طرح شود و مهر تاییدی بر برداشت‌های عمومی پیشین بود. در شرایط فعلی مطالبه همگانی مبارزه با فساد، بهترین «فرصت» قوه قضائیه برای ریشه کنی آن است.

۲. دستور کار اصلاحات؛ جناحی سازی رخدادها

همانند زلزله کرمانشاه «سیاسی کاری» با سخنان اسحاق جهانگیری رخ داد. او عامل اعتراضات را مخالفان سیاسی دولت دوازدهم دانست و هشدار داد که پایان دهنده سیاست خیابانی، آنان نیستند. معاون اول دولت دوازدهم اظهار داشت: «مسائل اقتصادی را بهانه کرده اند که به نظر می آید پشت این قضیه مساله دیگری باشد که حتما باید شناسایی شود. کسانی که بانی این قضایا در کشور هستند دود آن به چشم خودشان خواهد رفت؛ آنها فکر می کنند که با این کار به دولت آسیب می زنند. وقتی که جریان اجتماعی راه افتاد و حرکت



توهین و تخریب مقدسات مذهبی و تمرکز آشوب سازی دشمن در مناطقی با گسل‌های فعال قومی- مذهبی نمایانگر تصمیم سازی برای تکرار صحنه میدانی سوریه است. هرچند چنین پروژه‌ای با وجود همه تلاش‌های نیروهای داخلی وابسته خارجی با سد محکم مردم مواجه است. برنامه بعدی دشمن در فاز دوم؛ ایجاد تحریم‌های اقتصادی جدید است. آمریکا با بهره گیری از فتنه ۸۸ اولین گام برای تحریم‌های سنگین را آغاز کرد. از سوی دیگر سند امنیت ملی جدید آمریکا، استراتژی تحریم فشار اقتصادی هر چه بیشتر به ایران را به بهانه‌های مختلف در دستور کار قرار داده است و همان طور معاون مدیریت ارتباطات استراتژیک ترامپ هم راستا با دولت آمریکا تلاش می کند از ناآرامی‌های اخیر برای فشار بر برنامه دفاع منطقه‌ای ایران استفاده کند و همچنین مایک پنس، معاون رئیس جمهور آمریکا ضمن حمایت از آشوب‌ها در ایران، خواستار مقابله با سپاه پاسداران شد. بنابراین نقشه راهبردی اصلی پروژه آشوب در کشور هدف نهایی ایجاد تحریم‌های اقتصادی شدیدتر برای محدود سازی قدرت منطقه جمهوری اسلامی ایران را دارد. ►



هیچ گروه سیاسی مرجع اتفاق‌های اخیر نشد

گفت‌وگو با ابراهیم فیاض

مسائل سیاسی می‌کنند و با مسائل قدرت حلقش می‌کنند. مثل کودتای نظامی و... پس ما باید مسائل اجتماعی را در سطح مسائل اجتماعی حل کنیم، با یک نوع عقلانیت و با یک نوع اصلاحات اجتماعی که الان به شدت مهم است که باید بنشینیم و روی آن بحث کنیم.

شما گفتید اعتراضات از حالت سیاسی خارج شده و به حالت اجتماعی رسیده؛ به نظر شما اینکه الان مردم اعتراض کردن را بلد نیستند و به خشونت و اغتشاش منجر می‌شود، آیا دارد مثل همان سیر سیاسی که از انقلاب به اقتدار رسیده، این پروسه اعتراضات اجتماعی هم در حال تکمیل و کامل شدن است؟ در آینده رفته‌رفته از اغتشاش‌ها کم می‌شود و به اعتراض‌ها افزوده می‌شود؟

▲ بله. دیدیم که جامعه اعتراض شدید دارد. الان یک نکته بسیار مهم است؛ یا آینده را ما شکل می‌دهیم، یا آینده ما را شکل می‌دهد. این جمله‌ای است که بسیار مهم است. مساله‌ای که ما داریم این است که متأسفانه چون دانش نداریم، دانش‌های محض هم علوم انسانی است؛ نکته‌ای که وجود دارد، این است که گفتند علوم انسانی اسلامی، هیچ کار نکردند و علوم انسانی را ضعیف کردند و الان متأسفانه پول‌هایی که برای علوم انسانی اسلامی خرج شد، در علوم انسانی نیامد؛ در نتیجه الان قدرت پیش‌بینی نداریم. الان قدرت پیش‌بینی مهمترین کار را انجام می‌دهد و الان مهمترین مشکلی که داریم، این است که علوم انسانی سر جایش نیست، البته باید آینده‌نگری کنیم. من به شما عرض می‌کنم که آینده دارد ما را شکل می‌دهد. یعنی با آدم‌هایی که الان دارند فدا می‌شوند. من نمی‌خواهم بگویم دشمن نیست؛ الان تمام منطقه خاورمیانه را آمریکا و CIA دارد شکل می‌دهد، نه پنتاگون. یعنی داعش یک امر CIA است؛ الان افغانستان، عراق و

۱ ابراهیم فیاض می‌گوید: «دیدیم که جامعه اعتراض شدید دارد. الان یک نکته بسیار مهم است؛ یا آینده ما را شکل می‌دهیم، یا آینده ما را شکل می‌دهد. این جمله‌ای است که بسیار مهم است. مساله‌ای که ما داریم این است که متأسفانه چون دانش نداریم، دانش‌های محض هم علوم انسانی است؛ نکته‌ای که وجود دارد، این است که گفتند علوم انسانی اسلامی، هیچ کار نکردند و علوم انسانی را ضعیف کردند و الان متأسفانه پول‌هایی که برای علوم انسانی اسلامی خرج شد، در علوم انسانی نیامد؛ در نتیجه الان قدرت پیش‌بینی نداریم. الان قدرت پیش‌بینی مهمترین مشکلی که داریم، این است که علوم انسانی سر جایش نیست.»

اجتماعی داشتیم. ساختار سیاسی جامعه داشت تبدیل به جامعه می‌شد، ولی متأسفانه علوم اجتماعی‌اش را نداشتیم و همین باعث شده که الان اینها نتوانند حرف بزنند، پرخاشگرانه صحبت کنند و خشونت انجام دهند. نکته بعدی هم این است که الان هیچ کدام از گروه‌های سیاسی فعلی، گروه مرجع برای این وقایع نیستند؛ حالا چه اصولگرا و چه اصلاح‌طلب. در نتیجه الان شاهد یک نوع خشونت هستیم، این خطرناک هم است. همه آقایان خودشان یک طرف شده‌اند. چه اصولگرا و چه اصلاح‌طلب قبلاً یک شعارهایی می‌دادند که آزادی بیشتر می‌خواهیم، ولی عملاً الان دیگر نمی‌توانند یک چیزی بگویند که اینها بپذیرند. روی همین اساس بحرانی الان به وجود آمده. کشورهایی که پیشرفته هستند، دیگر مسائل سیاسی‌شان را تبدیل به مسائل اجتماعی می‌کنند و در سطح اجتماعی حل می‌کنند. اما کشورهای در حال توسعه، مسائل اجتماعی‌شان را وارد

چه میزان نگاه جناحی به این اعتراضات را وارد می‌دانید و آن را متأثر از رقابت‌های سیاسی ارزیابی می‌کنید؟

▲ اصلاً جناحی نیست چون اجتماعی است و نه سیاسی؛ به این معنا که جامعه ما بعد از ۸۸ از سیاسی خارج شد و تبدیل به اجتماعی شد. من همان موقع هم این مساله را گفتم. ایران از حالت سیاسی خارج شد و بعد از این، اعتراضات اجتماعی است. انقلاب که شد، دیگر نظام سرنگون شد و یک نظام دیگر سر کار آمد. این نظام که سر کار آمد، معلوم است محورش سیاسی می‌شود و قدرت بن‌مایه اصلی آن است. در درازمدت که کارش را ادامه می‌دهد، قدرت‌ش بالاخره کم‌کم جامی افتد و می‌شود اقتدار، یعنی مشروعیت پیدا می‌کند. پس دیگر از دایره قدرت دور می‌شود، چون نظام جمهوری اسلامی دیگر تاسیس کرده، جا افتاده و ساختاری شده، آن موقع دیگر مطالبات به طرف مسائل اجتماعی می‌رود. الان اتفاقاً چیزی که رخ داده در این قضیه، این است که این نهضت‌های پراکنده و کور به اغتشاش تبدیل می‌شود، چون چارچوب ندارد.

مسائل فکری و اجتماعی ما ضعیف است، به خاطر همین هم دارد شلوغ می‌شود. چون لکنت زبان دارد؛ یعنی اینکه راه افتاده و شلوغ شده، لکنت زبان دارد، به همین دلیل پرخاشگری می‌کند و مثل بچه‌ای که لکنت زبان دارد و نمی‌تواند حالت را بیان کند، فحاشی می‌کند. الان هم به نظر من چنین شده و این اعتراضات زبان ندارد فعلاً و نمی‌داند چه می‌خواهد. تقصیر هم بر گردن علوم اجتماعی است چون علوم اجتماعی را ضعیف کرده‌اند آقایان. با این دید که علوم اجتماعی مثلاً مارکسیستی است یا غربی است و در نتیجه کاری که کردند این بود که علوم اجتماعی را ضعیف کردند. به جایش عرفان و روانشناسی گذاشتند. در نتیجه رفت طرف یک نوع بحران؛ یعنی الان علوم اجتماعی نداشتیم، مسائل

دارد به شدت می چرخد برای به جلورفتن، مطالبه زیاد است، مردم دنیا دیده اند، ببینید این آقایانی که الان در ایران هستند، این جوان های تحصیل کرده که در دانشگاه صنعتی شریف، دانشگاه تهران و... هستند، به شدت این دانشجویان دنیا را می شناسند، بیشتر از رئیس جمهور، دنیا را می شناسند. کف زمین جهان را می شناسند، یعنی کاملاً دنیا را با کفش می شناسند، نه مثل رئیس جمهور که هوایما سوار می شود، بعد هم در فاز امنیتی نشستند در روسیه. نه، این دانشجویان دارند تحرک می کنند، می روند و می آیند، دوستانشان آنجا هستند و همه با هم ارتباط دارند. آن سیاستمداری که باید کنش سیاسی معطوف به قدرت داشته باشد، دیگر ندارد. یعنی اقتدارش را از دست داده است. برای همین کسانی که در این بحران ها دارند شلوغ می کنند، خود این آقایان هستند. یعنی جهالت دارند و نمی توانند عقل شان کار کند، و هم شان کار می کند، ترس می گیرندشان، ترس که می گیرند، جیغ و داد می کنند و پروژه عجیب و غریبی تشکیل می دهند. الان نظام اجرایی کشور دچار مشکل است، یعنی شناخت واقعیت ندارد و این الان مشکل است. الان نهادی که می تواند نقش داشته باشد که من نمی دانم چقدر می تواند، مجلس است. به شکلی دیگر باید به کمک دولت بیایند. اصولاً جامعه و کف جامعه را ترسیم کنند، بعد از اینکه با گروه های محلی چگونه صحبت کنند و در نهایت علوم اجتماعی ها باید بیاورند وسط. بالاخره این همه سال با روانشناسی و عرفان جامعه را عقب بردیم. اصلاً ما هیچ اندیشه عقلانی و تفکر عقلایی نداشتیم، هیچ چیز. الان به شدت روحانیت ناراحت است و یک قشر عظیم از طلبه ها در قم، حوزه های علمیه، مشهد، اینکه الان چند تارو حانی بیشتر در تلویزیون نیستند. دقت نکردید؟ اصلاً این همه جریان در دانشگاه های کشور داریم. یعنی الان روحانیون با سواد داریم، آیت الله و تحصیل کرده. گروهی اجتماعی می شناسم که اگر این ها را کم کردیم در صدا و سیما می آورند، اصلاً این ها هیچ هستند در مقابل شان.

چرخش نخبگان فقط در بحث دانشگاه و حکومت نیست، در بحث روحانیت هم هست. یعنی الان جریان روحانی در صدر حکومت در بُعد فرهنگی، اقلیت هستند. بنابراین اقلیت روحانیون هستند، نه از کسانی که درس خوانده اند و دکتر دارند. در چند سال پیش اگر در قم نگاه می کردید، مدام این نخبگان داشتند اعتراض می کردند به صورت متفاوت. اقبالی که در قم شد نسبت به روحانی یا هاشمی رفسنجانی در دوره اخیر، همین بود. احمدی نژاد که به سر کار آمد، به شدت به حوزه حمله کرد. موقی که به آنها حمله کرد، رفت به طرف هاشمی رفسنجانی و روحانی. خود روحانیت شاید سکوت کند با مسائل اجتماعی یا حتی همراهی کند با مسائل اجتماعی؛ احتمالش خیلی بالاست. بالاخره رباخواری بانکی که سود ۳۰ درصد دارد، قصه اش چیست؟ یکی از مسائلی که الان ما داریم، همین است. بحث عدالت و ظلم است. تمام ساختار اجتماع اندیشگی ما در همه این ها، قصه ظلم و عدالت است.

جالب است که در اسلام و تشیع این عدالت و ظلم را معطوف به مردم کرده اند. یعنی باید مردم بگویند چه ظلم است، چه عدل است. این ها را حتی علما نباید بگویند، عرفی عرفی است. معنای این قصه چیست؟ فطرت. یعنی فطرت می آید و می گوید چه ظلم است و چه عدالت است. یعنی نخبگان تعیین نمی کنند. بعد در دست این فطرت است که این عدالت و ظلم را تبیین می کند، حکمت اسلامی بیرون می آید؛ نه این حکمت ملاصدرايي. اتفاقاً عرفان به شدت ضد عدالت است. فلسفه ملاصدرا به شدت ضد عدالت است. فلسفه که اصلاً نیست، ملاصدرا عرفان استدلالی شده است. ▶

تشکل اجتماعی چیست، بعد بر اساس آن بحث کند. مثال می زنم؛ الان بر اساس شبکه های اجتماعی باید آنلاین بتوانند نسبت به برنامه هایی که بخش می کند نظرسنجی کند. مثلاً سریال دارد بخش می شود، آنلاین مردم بتوانند با آن حرف بزنند. قضیه خودش نیست، خودش فقط بخش می کند. آخری اش است، اولی اش مردم هستند و رسانه های اجتماعی. مشکل این است که آن کسی که باید هماهنگ کننده این موضوع باشد، یعنی شورای فرهنگی، از لحاظ فکری تعطیل است. الان به شدت شورای انقلاب فرهنگی را رئیس جمهور تشکیل نمی دهد. برای اینکه به بن بست رسیده اند، همین قضیه در شورای فضای مجازی هم هست. یعنی رئیس جمهور تشکیل نمی دهد، برای اینکه نمی خواهد. چون به بن بست رسیده اند، یعنی از لحاظ تئوریک به بن بست رسیده اند. پس در نتیجه در ایران دچار بن بست رسانه ای شدیم. یعنی الان بزرگ ترین مشکلی که به کف خیابان کشیده شده، این است که ما نتوانستیم در موضوع تفکری و ذهنی بحث کنیم.

من دیشب ساعت ۱۲ وارد داروخانه شبانه روزی شدم. دکتري که آنجا بود من را تادید، گفت دیشب چه بحث مهمی کردید، خیلی عالی بود، حرف هایت تمام درست بود. نگاه می کردم به مردم که می گویند ما کشورمان را دوست داریم، با این نظام هم مشکل نداریم، بحث ما مشکل معیشتی و اقتصادی است. خب جالب بود برای من که در داروخانه یک میدان درست شد. یعنی این چیزی که هست، نشان بحران بلوغ است. یعنی مثل بچه هایی که دچار بحران بلوغ می شوند، جامعه ما هم دچار بحران بلوغ شده است. از آن سوء استفاده هم می خواهند بکنند، البته ما نباید کلاه سرمان برو. یعنی الان مشکل، آقایان سیاست هستند.

راهکار شما برای مدیریت این بحران بلوغ، چیست؟

▲ اولین چیزی که باید در ایران رخ دهد که گرفتاری بزرگ ما است، چرخش نخبگان است، یعنی الان این آقایان خیلی پیر هستند، این آقایان خیلی خسته اند. سال های سال از این پست به پست دیگر بوده اند. شما نگاه کنید که این وزیر دولت، در چند وزارتخانه بوده است؛ دیگر اینها خسته اند. بعد هم سوادشان به شدت نسبت به سواد عمومی جامعه پایین است. یعنی آقایانی که الان سر کار هستند، سوادشان نسبت به سواد عمومی جامعه پایین است. الان جامعه پر شده از متخصص، پر از ایده است. ولی متأسفانه اقتصاد و قدرت دست کسانی است که این درک را ندارند. حالا از رئیس جمهور بگیر و بیا پایین.

خود رئیس جمهور الان خسته خسته است. من چندین بار در سخنرانی دانشگاه تهران که تخصصی هم بود، گفتم رئیس جمهور خسته و ناامید است، برای همین داد امید می کشد. به شدت بی تدبیر شده، به همین علت به شدت دارد داد تدبیر می کشد. خسته شده است، من هم باشم، خسته می شوم در این سن و سال. فشار سنگین است، جامعه به شدت دارد می رود جلو، چرخ های جامعه

همه جا CIA است و همه می دانند که تشکیلات CIA به شدت مستقل از پنتاگون و حتی نیروهای نظامی است و این ها به شدت دارند اغتشاش می کنند. این معلوم است که بی ارتباط با آمدن آمریکا در افغانستان نیست. الان همه شان آمده اند و دارند نیرو افزایش می دهند در افغانستان. روس ها هم اعلام کردند ۱۰ هزار داعشی مسلح را وارد افغانستان کردند و الان کشت و کشتار افغانستان را شروع کنند.

اما در بُعد داخلی؛ الان درباره مسائل اجتماعی نمی دانم چه خبر است. یک معضلی که الان ما داریم، این رهاشدگی رسانه در ایران است. یعنی الان رسانه یک واقعیت اجتماعی است، ولی هرگز تئوریزه نمی شود.

شما گفتید آینده دارد ما را شکل می دهد. در این آینده ای که دارد ما را شکل می دهد، شبکه های اجتماعی چقدر نقش دارند؟

▲ گروه های اجتماعی ای که قبلاً ما داشتیم جامعه ما را شکل می دادند و آن گروه هایی که بودند مثل گروه های مرجع، گروه های هم سن و سالان. ولی از دهه ۹۰ میلادی ما وارد فازی شدیم که مسائل فرهنگی از گروه ها خارج شد، یعنی وارد تئوری های فضایی شدیم و شکل گرفتن فضاهای معنایی. این رسانه ها معلق بودند و خیلی متمرکز نبودند، نظام معنایی کم کم داشت وارد فضاهایی مثل ماهواره، رادیوهای جهانی و تلویزیون جهانی می شد تا اینکه موبایل آمد. موبایل که آمد در ایران، ارتباطات در خیابان هم برگزار می شد، یعنی خود به خود ارتباطات در خیابان هم برگزار می شد. یعنی می خواهم بگویم وارد فاز اینجوری شدیم. وارد قرن بیستم که شدیم، ارتباطات اوج گرفت. ارتباطات که اوج گرفت، هنوز خیلی شخصی نشده بود، یعنی ارتباطات مثلاً ارتباطات با رسانه های خارجی مثل ماهواره و این چیزها بود. بعد این ارتباطات در واقع اجتماع را شکل می داد، می گفتیم ارتباطات می آید و شروع می کند واقعیت را شکل می دهد، ولی وقتی پیشرفته شد و شد یک چیزی مثل موبایل و کامپیوتر، شد یک موبایل و همه چیز شد یک موبایل، رسانه ها هم سخته گیر شدند. الان رسانه ها دارند واقعیت را شکل می دهند. در عرض این ۴۰-۳۰ سال گذشته سه تا انقلاب اجتماعی داشتیم. اولی اش جامعه شناسی را بررسی می کرد، دومی اش مردم شناسی را بررسی می کرد، سومی اش ارتباطات را، الان هم چهارمی اش که رسانه شناسی را بررسی می کند که البته باید این کار را انجام دهیم که متأسفانه در سه بُعد تا امروز ما ضعیف هستیم. یعنی در علوم اجتماعی، مردم شناسی، جامعه شناسی، ارتباطات و رسانه شناسی صفر هستیم تقریباً و نمی دانیم چه چیزی دارد رخ می دهد.

کارهایی که من انجام دادم برای شورای فرهنگ عمومی کشور، از ۶۵۰ رهیافت از فرهنگ و ارتباطات شروع کردم تا رسانه های مجازی و به منطق اجتماعی - فرهنگی دیجیتال رسیدم. یعنی می خواهم بگویم مشکلی که در کف جامعه است، به خاطر شورای مجازی بوده است. دفتر ریاست جمهوری حاضر نشد آن را انجام دهد و الان هم به شدت در آن جدل است.

نقش صدا و سیما را در این اتفاقات اخیر چگونه دیدید؟ الان که مخصوصاً رسانه های شبکه های اجتماعی هم مسدود شده، صدا و سیما توانسته رسالت خودش را به خوبی انجام دهد؟

▲ از نظر ساختاری الان رسانه صدا و سیما دیگر رسانه آخری است، اولی نیست. یعنی الان رسانه صدا و سیما خودش را باید بر اساس شبکه های اجتماعی بنا کند.

یعنی باید چه کار کند؟

▲ باید صدا و سیما بیاید از خودش شروع کند و بگوید

خود رئیس جمهور الان خسته خسته است، من چندین بار در سخنرانی دانشگاه تهران که تخصصی هم بود، گفتم رئیس جمهور خسته و ناامید است، برای همین داد امید می کشد. به شدت بی تدبیر شده، به همین علت به شدت دارد داد تدبیر می کشد.



راز اعتراض‌های مشهد

گفت‌وگوی مثلث با عضو جبهه پایداری مشهد

سید مجتبی جلال‌زاده

خبرنگار

برخی از اصلاح‌طلبان معتقدند ماجرای مشهد و اعتراضات مردم، تحت تأثیر صحبت‌های آیت‌الله علم‌الهدی شروع شده است. نظراتان در این خصوص چیست؟

▲ من کلیت تحلیل را رد می‌کنم، یعنی مطلب فی‌الواقع درست نیست. دو نکته در موردش وجود دارد که بسیار مهم است. اولاً که صحبت‌ها و فرمایشات آیت‌الله علم‌الهدی بر پایه یک اصل مهم یا به عبارت بهتر بگوییم بنیادین استوار است و آن اینکه اساساً خطیب جمعه چه مسئولیتی در ابلاغ خطبه‌ها یا بیان خطبه‌ها دارد. به خصوص در خطبه دوم که می‌شود گفت خطبه سیاسی است، ارائه راهکار، ارائه تحلیل، ارائه بیان دغدغه مردم و بیان مشکلات مردم و مطالبه کردن از مسئولان برای دغدغه‌ها و مطالبات حقیقی مردم است. ضمن اینکه از یک طرف به نمایندگی از حاکمیت و حکومت، خطاب به مردم تدوین، تحلیل، راهکار، راهبرد و مطالبه اتفاق می‌افتد که مردم، مثلاً شما در راستای اقتصاد مقاومتی این کارها را بکنید؛ مردم، شما در راستای مولفه‌هایی مثل مواضع اجتماعی اینگونه رقم بزنید کارتان را، در صحنه باشید تا دشمنان و استکبار زمین بخورند. یا مثلاً مشارکت شما در عرصه اجتماعی از جمله انتخابات باعث ایجاد حماسه می‌شود. از آن طرف عکس این موضوع هم هست که خطیب نماز جمعه باید بتواند مطالبه مردم را هم به گوش مسئولان برساند، یا به عبارت دقیق‌تر حقیقت امر به معروف و نهی از منکر را رقم بزنید که وقتی به حقیقت امر به معروف و نهی از منکر بخواهیم بپردازیم، ملاحظه می‌کنیم و می‌بینیم که حضرات معصومین (ع) است که وقتی امر به معروف و نهی از منکر اصلش مطرح

می‌شود، باید مسئولان چهار ستون بدنشان بلرزد، به این حد که ببینند علم امر به معروف مطرح می‌شود، خدای ناکرده خودشان با اشکالات جدی‌ای مواجه نباشند که این امر به معروف مصداقش آنها نباشند. بنابراین کاری که در خطبه نماز جمعه توسط ایشان انجام شد، یک کار بنیادین، اساسی و درست بوده است. اما از آن طرف در بستر اساسی‌اش شاید بشود گفت مطالبات حقیقی مردم در راستای مباحث اقتصادی مطرح شد.

پرسش اینجاست که مشهد چرا این اتفاق برایش افتاد؛ یعنی اگر فرض را بر این بگذاریم که فرمایشات ایشان ایجاد این مسأله نکرده، پس چرا مشهد این اتفاق برایش افتاده؟

▲ مشهد چرا این اتفاق برایش افتاد؟ شاید جلوتر از همه کشور، یکی از پارامترهای نقض مدیریت در رویکرد ایجاد فرآیندهای اجتماعی در حوزه اقتصاد، مشهد بود. مشهد گامی در حوزه مباحث اقتصاد و به عبارتی مشارکت مردم در عرصه اقتصاد برداشته بود؛ بحثی به نام «پدیده»، همچنین در موضوعاتی که از جنس خاصی هستند، از جنس موسسات مالی و اعتباری، مثل میزان، مثل امثال اینها یا ثامن الحجج خود مشهد مبتلا به این قصه بود و این مطالبات و اینطور موارد از خیلی وقت پیش مطرح می‌شد. بعد تجمعات صنفی و اقتصادی که مردم در برابر استانداری داشتند و اینها را مطالبه می‌کردند و فریادشان را می‌زدند تا اینکه این مطالبه به نحو دیگری در یک مدلی از مدیریت شهری خودش را بیشتر نشان داد. تصمیمی که وحی منزل نبود، اما اصرار بر اجرای اتفاق افتاد و آن هم اجرای پروژه بی‌آرتی در این شهر بود. این مسأله که اقتصاد مردم را به شدت تحت تأثیر قرار می‌داد، یعنی اقتصاد حداقل کسبی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌داد و به مدل اجتماعات برای ابراز این نگرانی‌ها و مطالبه این نگرانی‌ها این را هم اضافه کرد. جمعی از

مطالبات متعددی بود که از این طرف خسارت‌دیده‌های صندوق‌های مالی - اعتباری، خسارت‌دیده‌های پدیده، خسارت‌دیده‌های ماجراهای بی‌آرتی کنار هم قرار می‌گرفتند و یک بستر گسترده را ایجاد می‌کردند.

فضای دوم این بود که به‌طور جدی تغییرات بسیار گسترده در عرصه اقتصاد، بدون پشتوانه اجرایی، صرفاً در بیان در این چند وقت اخیر اتفاق افتاده بود. بنزین ۱۵۰۰ تومانی، قطع یارانه‌ها و مولفه‌های اینچنینی. تمام این‌ها که در کنار آنها قرار بگیرد، شبکه مستضعفینی تشکیل می‌شود که درد بسیار جدی را از ماجرای اقتصاد و بی‌تدبیری‌های اقتصادی حس می‌کنند. وقتی این اتفاق کنار هم قرار می‌گیرد، یک عده‌ای این وسط احساس می‌کنند با یک کلمه درست در عرصه مطالبه می‌توانند اجتماع ایجاد کنند و بعد می‌توانند هرطور که دوست دارند این را مدیریت کنند و به هر طرف که علاقمند هستند، بکشانند. اگر شما در مشهد حضور می‌داشتید، در اجتماع پنج‌شنبه (۷ دی) دو قشر نیرو در آن وجود داشت. قشر نیرویی که احساس کرده بود عنوان این مطالبه، مطالبه گرانی است، باید برای آن وسط میدان بیاید، و بنابراین در این قشر، مردم عادی و افراد عادی حضور داشتند و مطالبه‌شان را مطرح کردند.

قشر دوم کسانی بودند که عاملین اصلی این برنامه بودند و مطالبه‌شان چیزی و رای گرانی‌ها بود و آن ایجاد یک اغتشاش و ایجاد یک فرآیند اغتشاش گونه در مشهد رضایی تعریف می‌شود که آن مشهدالرضا می‌شود گفت محور اصلی تقریباً همه مباحث انقلابی در چند سال اخیر است. یعنی مشهد اقدامات و حرکتهایی انجام می‌داد که این اقدامات و حرکتهای بعداً موج ایجاد می‌کرد در کل کشور؛ از جمله اجتماع بسیار بزرگی به نام «اجازه نمی‌دهیم» که در میدان شهدا قبل از ماجرای برجام رقم خورد و مردم آنجا آمدند، هم سناریوی نفوذ را تشخیص دادند، هم آینده و آن چیزی که ممکن بود برجام در نهایت رقم بزند را تشخیص دادند و فریادش را مطرح کردند و مطالبه کردند و گفتند که اجازه نمی‌دهیم نفوذ رقم بخورد. اجازه نمی‌دهیم که خسارت محض در مملکت تحمیل شود. بنابراین این مشهد، مشهد مهمی است. این مشهد، مشهدی است که از اینجا می‌تواند انقلاب صادر شود، این مشهد می‌تواند خیلی پارامترهای دیگری را رقم بزند. در یک سطوحی مشهد به جهت اینکه نسبت به گفتمان موجود در عرصه اجرایی، در عرصه انتخابات کاندیدا داشته، آن هم نه یکی دو تا؛ و بعد اینها نسبت به ماجرای موجود، نقد منصفانه و در عین حال کارشناسانه اجرا کردند، این مشهد باید این چهره‌اش تغییر کند. بنابراین دو تا مسأله است. یک: مطالباتی که بیان می‌شود، مطالبات میدانی و کف، مطالبات درستی است، اما نکته دوم وجود دارد. در این بستر اگر یک نقص به وجود بیاید و یک اتفاق به وجود بیاید، ممکن است سایرین علم مطالبه را بگیرند. آن هم این است که اگر جریاناتی که دغدغه انقلاب دارند، دلشان به حال انقلاب می‌سوزد، نیروها و تشکلهایی که می‌دانند باید چگونه مطالبات حقیقی را مطرح کنند، از جنس اجتماع اجازه نمی‌دهیم و امثال آنها قبح‌شنینی کنند و این اقدام و علم مطالبه را دستشان نگیرند. یعنی شما هر جا یک چیز خوبی را بردارید، نمی‌توانید انتظار داشته باشید که آنجا چیز دیگری که قرار بگیرد، حتماً خوب باشد.

ما وقتی که آمدیم جریانات انقلابی را از بستر مطالبه دستشان را کوتاه کردیم، به انواع و اقسام محدود کردیم و نگذاشتیم خط مطالبه را درست مطرح کنند و بعد به نحوی اینها را دچار سرخوردگی و یأس کردیم، اتفاقی که می‌افتد این است که در چنین حوادثی که بستر عمومی مطالبه برحق دارد، ممکن است هدایتش به انحراف کشیده شود

دشمن کاملاً شناسایی شود. این نیازمند این است که نیروهای خواص در مشهد، در کل کشور، با توجه به نقش عمارگونه‌ای که دارند، باید تبیین مساله را به طور کامل انجام دهند و بگویند این ترفند جدید دشمن از کجا نشأت گرفته است. به عبارتی غالب و رویکرد مطالبه اقتصادی قرار است به کجا ضربه بزند؟ این نکته اول است که ترفند جدید دشمن باید دقیق شناسایی شود تا اینکه ابتکار عمل، هوشمندی و طراحی برای مقابله با ترفند جدید دشمن بر آن تمرکز شود و برایش فکر شود که نمونه این مساله این است که اگر جریان‌های مهم انقلابی که بارها و بارها رهبری نسبت به آنها تذکر دادند که اینها اگر جایی اتفاقی هم بیفتد و این هاسینه‌شان سپر شود، به اینها به طور جدی بها داده شود. اگر اینها نقدی کنند، نقد اینها را به جان بپذیرند. چرا؟ چون جنسشان جنس انقلاب است. اینها هم از آن طرف بداندان اصلی‌ترین حرکتی که باید انجام دهند و تا الان همیشه سر همین خط هم بودند، حمایت و پشتیبانی محکم از جریان گفتمان انقلاب است. گفتمان انقلاب این است که شما در کنار اینکه تبیین رویکرد دشمن، ترفند دشمن و این طور موارد را انجام می‌دهید و مردم را بصیرت دهی می‌کنید، برای اینکه مقابله کنند با ترفندهای دشمن، از آن طرف دردهای مردم، مشکلات مردم و دغدغه‌های مردم را هم درست انجام دهید و به جای آنها بتوانید مطالبه‌گری کنید. یعنی عملاً تشکلهای مردمی و مومن انقلابی، اینها باید علم مطالبه‌گری را هیچ وقت زمین نگذارند و به بهترین شکل ممکن که همان کار فرهنگی و سیاسی است، این را ریان کنند تا مردم بدانند پیگیر مطالبات اینها، عده‌ای هستند.

اگر این اتفاق هم بیفتد، این می‌شود ابتکار عمل و دشمنی در برابر ترفند جدید دشمن و عملاً طراحی میدانی و نتیجه گرفتن از این موضوعات. و سومین مساله یک اقدام به موقع و به هنگام است. اگر اقدام به موقع و به هنگام اتفاق بیفتد؛ چه از طریق دستگاه‌های دولتی، چه از طریق تشکیلات‌های مختلف در سطوح دولتی که این دغدغه‌ها را زمانی که مطرح می‌شود، دقیق تشخیص دهند و به نحوی رفع و رجوع کنند، تشکلهای مومن انقلابی بتوانند اقدام به موقع و درست انجام دهند، مثل حماسه‌ای که ۹ دی و در آن اجتماع بزرگ انجام دادند. یا جنس اتفاقاتی که در شهرها که عده‌ای علاقه مند بودند که اغتشاشات را به نحو دیگری مدیریت کنند و فرآیندهای مردمی خودشان وسط میدان آمدند و ماجرا را مدیریت کردند، این طور اتفاقات، اقدام به موقع است.

این سه وجه دارد. یک؛ اقدام به موقع و هماهنگ و بهنگام تشکیلات‌های دولتی. افرادی که می‌توانند مانع از این شوند که خدای ناکرده عده‌ای سوء استفاده کنند، مطالبات را بشنوند، مطالبات را پاسخ دهند، چون مردم، مردمی هستند که بسیار به نظام اعتقاد دارند و حاضرند برای نظام هزینه بدهند و تا الان هم داده‌اند، اما گله‌مند هستند. این گله‌مندی مردم را باید بشوند و به آن پاسخ دهند. از آن طرف تشکلهای هم باید اقدام به موقع و بهنگام نسبت به پارامترهایی که درک می‌کنند، داشته باشند و مساله سوم هم که بسیار مهم است، اقدام به موقع و به هنگام مردم است که انصافاً این همیشه دقیق بوده است. جمع امور مردم یا به عبارتی جماعت مردم اقداماتش همیشه به موقع و هماهنگ بوده است. یعنی الان سریع در همان روز پنج‌شنبه وقتی شعارهای هنجارشکنانه از طرف تعدادی مطرح می‌شود، آن تعدادی از مردم که مطالبه ایرانی دارند، سریع دست خودشان را از تولید جدا می‌کنند و کنار می‌کشند و می‌گذارند اینها تنها بمانند. این یعنی همان تذکری که رهبری قبل از انتخابات دادند که شما بتوانید سریع تفکیک کنید. وقتی تفکیک شد، آن عده کم شناسایی می‌شوند. ►

مصطفی باقرزاده معتقد است که: «مشهد اقدامات و حرکت‌هایی انجام می‌داد که این اقدامات و حرکت‌ها بعداً موج ایجاد می‌کرد در کل کشور؛ از جمله اجتماع بسیار بزرگی به نام «اجازه نمی‌دهیم» که در میدان شهدا قبل از ماجرای برجام رقم خورد و مردم آنجا آمدند، هم سناریوی نفوذ را تشخیص دادند، هم آینده و آن چیزی که ممکن بود برجام در نهایت رقم بزند را تشخیص دادند و فریادش را مطرح کردند و مطالبه کردند و گفتند که اجازه نمی‌دهیم نفوذ رقم بخورد.» با او در مورد تحولات مشهد گفت و گو کرده‌ایم.

و بارها گفته شده که مدیریت کنید، آقا بیایید کمک کنید، آقا بیایید درست کنید. آن چیزی که اتفاق افتاده، بی‌تدبیری‌های متعددی است یا به عبارت دیگر احیاناً خدای ناکرده غیرسهوی برخورد کردن با بعضی از ماجراهاست که در نهایت منجر می‌شود به اینکه مشهد برایش پنج‌شنبه این اتفاق بیفتد و بعد کسی هم انعکاس نمی‌دهد. حماسه بزرگ ۱۲۰ هزار نفره راهپیمایی ۹ دی مشهد از میدان شهدا به سمت حرم که با فراخوان همین امام جمعه اتفاق می‌افتد. حضور همین امام جمعه در میدان شهدا اتفاق می‌افتد. آن چیزی که خط حضرت آیت‌الله علم‌الهدی است برای موضوعات، آن راهپیمایی شنبه ۹ دی است، نه پنج‌شنبه ۷ دی. این دو با هم متفاوت است. آن چیزی که ایشان تأیید می‌کنند، راهپیمایی شنبه ۹ دی است که جنس این مطلب و مدل بیان‌ش را هم در عده همان ۸ دی بیان می‌کند که به چه صورت باید به موضوع پرداخت.

پس با آنچه که بیان کردید، وقایع اخیر مشهد را در نتیجه حق خواهی مردم می‌دانید و نه تحلیل‌هایی که می‌گویند تحت تأثیر صحبت‌های آیت‌الله علم‌الهدی، شروع شده و ایشان نقشی در تحریک مردم داشته‌اند؟

▲ من کلیت تحلیل را قبول ندارم و به نظر می‌آید که اگر موضوع از این زاویه دیده شود، شاید به بحث‌های دیگری رسید که آن موقع عملاً مشخصاً معلوم می‌شود که چقدر حضرت آیت‌الله علم‌الهدی و چقدر مشهد و چقدر نیروهای انقلابی مشهد دقیق تشخیص داده بودند و چقدر درست فکر کرده و آینده را تبیین کرده بودند و می‌دانستند که اگر خدای ناکرده بعضی از اتفاقات درست پاسخ داده نشود، ممکن است بعضی از حوادث رخ دهد.

در شرایط پیش آمده فعلی راهکار شما، یعنی راهکار پیش‌شنه‌های شما برای خروج از بحران چیست؟

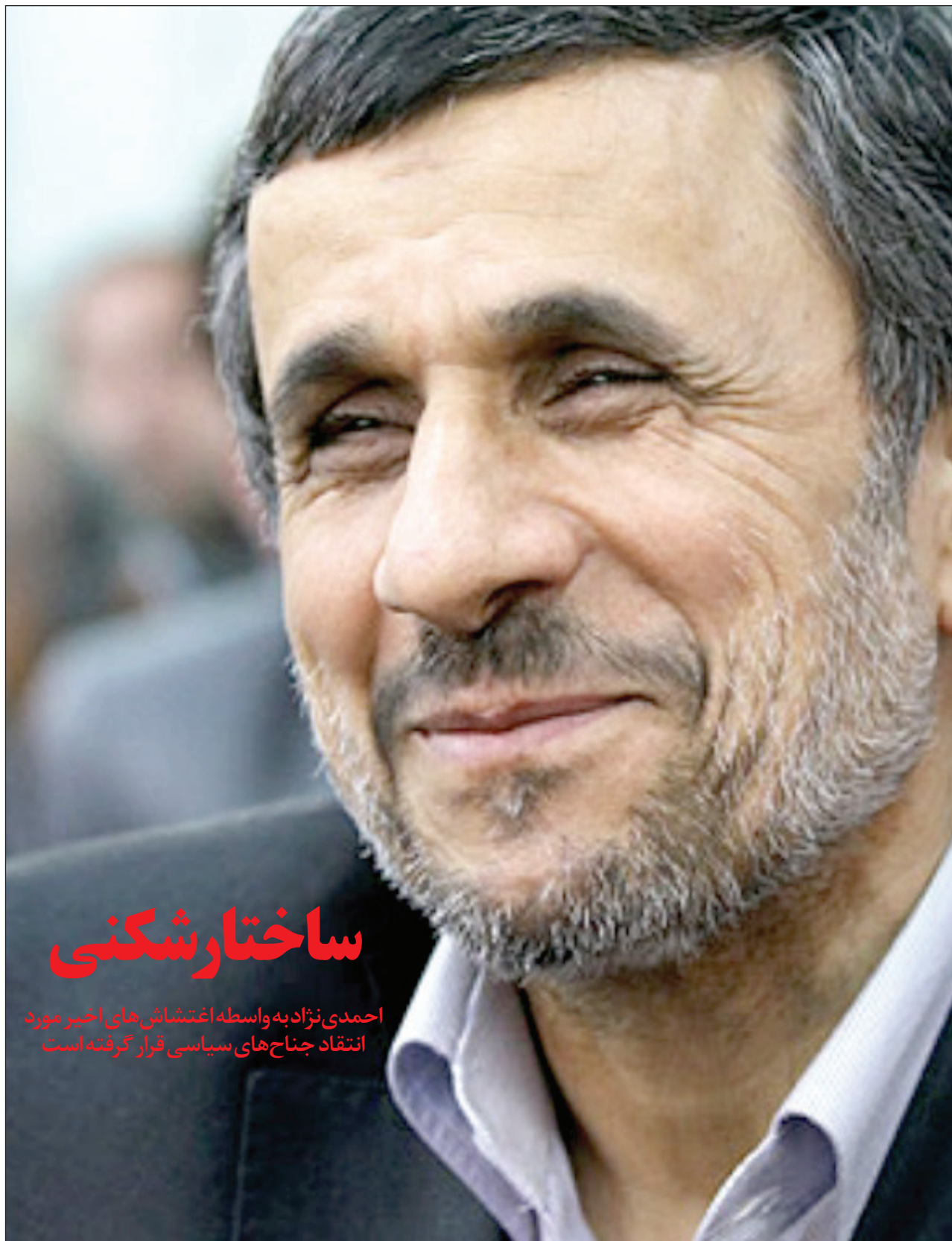
▲ اولاً از این ماجرا دو تا مساله را باید تفکیک کرد. یک؛ جریانی که می‌خواستند از مطالبات بحق مردم استفاده کنند، باید دقیق شناسایی شوند. من یادم هست که رهبری در قبل از انتخابات ریاست جمهوری یک سخنرانی داشتند که عین جملات آقا را نمی‌گویم، بلکه کلیت و مضمون را عرض می‌کنم. ایشان فرمودند که مردم باید بتوانند، یک عده‌ای امکان دارد که بخواهند کار را به ناآرامی‌های اجتماعی بکشانند. آقا آنجا فرمودند که حساب اینها را از آنهایی که مطالبه حقیقی دارند، جدا کنند تا با آن عده کوچک که باقی می‌مانند و هدف دارند از این حرکت، نظام تو دهن آنها بزند. این کد را قبل از انتخابات دادند و بعضی از تحلیل‌ها این بود که قبل از انتخابات ممکن است حوادثی رخ دهد، اما اصل ماجرا این بود که بعد از انتخابات ممکن است حوادثی رخ دهد. به نظر بنده اولین مساله‌ای که اینجا وجود دارد، این است که پشت این ماجرا قطعاً ترفند دشمن است. باید ترفند جدید

و بنابراین این یک مساله که به دلیل پارامترهای متعددی که از قبل وجود داشت و اینها بی‌تفاوت نسبت به این ماجرا، دستگاه دولتی و واکنشی نشان داد و اهمیتی نکرد و خروجی خاصی را ایجاد نکرد، خب طبعاً آمادگی باید داشته باشند که ممکن است اتفاقاتی از جنس اجتماع برای مطالبه سرحد مطرح شود و بعدش دیگر معلوم نیست چه کسی مدیریتش می‌کند، چون از یک طرف دیگر جریانات انقلابی به جهت نکاتی که عرض کردم، ملحوظ دارند آن علم مطالبه از آنها گرفته می‌شود. این اتفاق هم می‌افتد و مساله سوم این است که چرا باید اول مشهد باشد که عرض کردم. چون مشهد در چند سال اخیر در پارامترهای مختلف سردمدار و پرچمدار بوده و از طرفی در همین انتخابات اخیر، دو تا از کاندیداهای ریاست جمهوری در برابر جریان مدیریت اجرایی و به خصوص اقتصادی موجود با انواع و اقسام مصالح و بعدها که بلافاصله این می‌شود، آن می‌شود، ما یارانه را اینگونه می‌کنیم، ما این مطالب را اینگونه رقم می‌زنیم و وعده‌های بسیار گسترده‌ای که مطرح کردند، دو نفر از مشهد بوده است. این دو نفری که از مشهد بوده، این ذهنیت را ایجاد می‌کند که می‌تواند مشهد به عنوان یک جریان فعال مطرح باشد که ممکن است جریانات اجتماعی رقم بخورد. در صورتی که این تحلیل مطلب و استراتژی‌ای که پشتش است، دشمن تراشی‌ای است از جنس مدلی که در انتخابات مطرح شد که گفتند سایه جنگ از سر کشور برداشته می‌شود و اگر این‌ها بیایند، سایه جنگ برمی‌گردد. این جنس تحلیل مثل آن است، در صورتی که اصلاً در این قواره نبوده؛ مطالب، مطالب بحق و کارشناسی‌ای بوده که مطرح شده، مطالبی که بیان شده، وعده‌هایی که داده شده را کارشناسی کرده و گفته احتمالاً در انتظار باشید که اینها محقق نشود و خدای ناکرده کار برسد به اینجا می‌که الان هست.

پس مشهد می‌تواند اینگونه مطرح شود که کار از این‌جا شروع شود، چون مثلاً ظرفیت انتقاد در آن وجود دارد. خطیب نماز جمعه‌اش، خطیبی است که کارشناسانه و دقیق مورد شناسایی می‌کند و دقیق به هدف می‌زند و هدف نهایی بعضی از اقدامات را رو می‌کند. مثلاً یک فقره‌اش این است که به صراحت بیان می‌شود که با وعده اقتصاد ما رفیق سر میز مذاکره برجام نشستیم و بعد به خسارت محض رسیدیم. دوباره نرویم سر میز مذاکره‌ای بنشینیم که از توی این میز مذاکره بخواهد موشکی در موردش معامله شود، به وعده اینکه ممکن است اقتصاد تغییر کند. حدود چند وقت قبل نقطه‌زن یا به عبارت بگویم اسنایپر مشهدی ما دقیق زد و به موضوع پرداخت. سایر مولفه‌ها هم به همین صورت است؛ دقیق شناسایی می‌کنند و آن را شلیک می‌کنند، یعنی اصل اتفاق را می‌زنند و صریح می‌گویند که این خط، خط غلطی است و خط درست را هم بیان می‌کنند. خب، عملاً این مساله یک طرف است، کاندیداهای این مساله هم یک طرف است، بعضی از پارامترهای دیگر هم است که همه‌اش قابل تامل است و یک نکته بسیار مهمی هم که وجود دارد این است؛ اساساً وقتی به ساختار مدیریتی دولت به صورت ویژه نگاه می‌کنید، می‌بینید پارامتر امنیت در شخصیت‌هایی که در دستگاه‌های مختلف قرار دارند، بسیار بالا است. یعنی عملاً کابینه یک کابینه امنیتی است، نیروها، نیروهای امنیتی هستند. مثلاً استان خراسان رضوی دارند تعریف می‌شوند، اینها نیروهای امنیتی هستند. قابلیت اینکه بعضی از اتفاقات ممکن است اتفاقاتی را رقم بزند که عدم توجه به آن ممکن است یک چنین حادثه‌ای رقم بزند و به یک چنین حادثه‌ای بکشد هم کاملاً متصور است. بنابراین مدیریت کردن این قضیه اصلاً کاری ندارد و جالب این است که در تذکرات توسط امام جمعه داده شده، بارها

سرنوشت محمود

احمدی نژاد طی چند ماه اخیر با اظهارات تند و تیز و بی پایه و اساسش در مورد برخی مسئولان زمینه‌های برخی شکاف‌های اجتماعی را پدید آورده بود. از نشانه‌های پدید آمده در حوادث اخیر به نظر می‌رسد که خط نفاق به روشنی از جریان انقلابی جدا شده است. اکنون سوال مهم این است که سرنوشت محمود احمدی نژاد از این پس چگونه خواهد بود؟



ساختارشکنی

احمدی نژاد به واسطه اغتشاش‌های اخیر مورد انتقاد جناح‌های سیاسی قرار گرفته است

شد یا افزون بر شعار علیه روحانی که توسط تندروها داده می‌شود، شعارهای دیگری هم داده خواهد شد.»

بررسی نقش احمدی نژاد در وقوع اعتراضات اخیر

اما این تمام واکنش‌ها به این ماجرا نبود. وزارت کشور هم هفته گذشته با دعوت از دبیران و مسئولان احزاب عمده کشور ضمن دریافت دیدگاه‌ها و نظرات آنها درباره حوادث اخیر کشور به تبادل نظر در جهت تقویت همبستگی و اتحاد ملی پرداخت. در این نشست همچنین توجه ویژه به نقش جریان انحرافی و لیدر این جریان در اعتبارزدایی از دستگاه‌های مختلف حاکمیتی و ترویج بی‌اعتمادی مردم نسبت به عملکرد نظام که یکی از عوامل بروز این حوادث به شمار می‌رود و واکاوی و دقت در عتاب مقام معظم رهبری در روز چهارشنبه ششم دی ماه در این رابطه مورد تاکید قرار گرفت.

در واکنش دیگر به این اتفاقات سایت نامه نیوز هم نوشت: تیم عملیاتی احمدی نژادی‌ها در این چند ماه اخیر اقداماتی را سامان داده‌اند که غیر از مواردی که همپوشانی با موارد بالا دارد دارای این محورها هم هست:

۱- غیر از دولت و شخص رئیس جمهور، علی لاریجانی به عنوان رئیس مجلس فردی است که آنها اتهاماتی را به این چهره شاخص و معتبر نظام نسبت می‌دهند. برخی مسائل شبهه‌آفرین را در مورد او با تکرار برای افراد جامعه به عنوان یک واقعیت جلوه می‌دهند.

۲- نقر بعدی رئیس محترم قوه قضاییه است. آنها ایشان را نیز در چند ماه اخیر زیر بار تهمت‌های سنگین قرار داده‌اند تا آنجا که رهبری معظم انقلاب تذکر جدی در این مورد دادند.

۳- آنها شکاف‌های درون جامعه را تا سر حد امکان عمیق کرده و عنصر بی‌عدالتی در جامعه را به عنوان یک کابوس و امر مطلق در ذهن افراد جامعه تداعی کرده‌اند.

حالا باید قلععات این پازل را کنار هم قرار داد. برای خیلی‌ها سوال بود که چرا احمدی نژادی‌ها به یکباره نام علی لاریجانی را به میان کشیده‌اند؟ آنها اگر رقابتی هم داشتند باید به نقد حسن روحانی که دولت مستقر است می‌نشتند نه علی لاریجانی. یا اساسا این سوال مطرح بود که چرا به یکباره بعد

از طرح اتهامات عجیب و غریب و نادرست علیه رئیس قوه قضاییه به یکباره این طیف از خواست مردم ایران برای کناره‌گیری این شخصیت فاضل سخن گفتند؟

واقعیت این است که احمدی نژادی‌ها به خوبی می‌دانند که چقدر میلیون‌ها پرونده قضایی در کشور وجود دارد. آنها می‌دانند که تقریباً اکثر خانواده‌ها به نوعی با سیستم قضایی مملکت سرو کار دارند. پس اینجا نقطه خوبی برای ایجاد بی‌اعتمادی و جدایی از بدنه حاکمیتی است. آنها می‌دانند که علی لاریجانی یک عنصر بالقوه برای انتخابات ۱۴۰۰ است و می‌تواند فرد مورد توافقی دو جناح برای تداوم وضعیت موجود باشد که به تداوم دیده نشدن آنها می‌انجامد. ▶

دارند که به‌رغم میل شخصی و با آنکه مصرا نه می‌گفتند شخص دیگری را برگزینند و از ریاست گریز داشتند، حسب تکلیف بزرگان دین مسئولیت را پذیرفتند.»

تحركات احمدی نژاد، منشا تجمعات اخیر است

در اظهارنظری دیگر در این مورد محسن غرویان، در خصوص علت تجمعات اخیر مردم گفت: «تشخیص اینکه انگیزه این تجمعات چیست، آیا سیاسی، اقتصادی یا سازماندهی شده کمی مشکل است و باید چند روز بگذرد. اما آنچه از قرائن مشاهده می‌شود اینها سیاسی است و همان بحث‌های جناحی و سیاسی در آن مطرح است. به هر حال آقای احمدی نژاد در روزهای گذشته حرکاتی انجام داد و صحبت‌هایی مطرح کرد که منشا این شد تا یکسری تجمعات این چنینی شکل بگیرد. باید زمان بگذرد تا اهداف و ماهیت این تجمعات مشخص شود و من فکر می‌کنم همان گروه‌های رادیکال پشت این قضیه هستند. نمونه این اتفاقات نوعی موج سواری است که هر کسی به هر بهانه‌ای از فضا سوء استفاده می‌کند و به دولت فشار می‌آورد، حالا این فشارها تحت عنوان گرانی و... مطرح می‌شود و گرنه چنین چیزی عام و گسترده در میان اقشار دیده نمی‌شود. درست است که برخی از کالاها مقداری گران شده اما از این گرانی‌ها تا به حال زیاد بوده و قیمت‌ها

فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پاسخ به ادعای برخی مسئولان استان خراسان رضوی مبنی بر دخالت جریان منسوب به یکی از مسئولان سابق در آغاز این تجمع و اعتراض در مشهد و برخی مناطق دیگر که در ادامه آذسرت‌ها شد و به اغتشاش و فتنه رسید، گفت: «این موضوع با فراخوان یکی از سایت‌هایی صورت گرفت که وابسته به شخصی است که این روزها زبان به مخالفت خوانی نسبت به اصل و ارزش‌های نظام گشوده است.» سرلشکر جعفری تاکید کرد: «نیروهای امنیتی در حال بررسی این مساله هستند و اگر به دخالت این مسئول سابق برسند، قطعاً متناسب با وضعیت و درخواست ناجا با او برخورد خواهند کرد.» این صریح‌ترین واکنشی بود که از سوی یکی از مسئولان ارشد در مورد نقش محمود احمدی نژاد در اغتشاشات اخیر مطرح شد.

این اظهارات پس از آن بیان شد که احمدی نژاد طی چند ماه اخیر با اظهارات تند و تیز و بی‌پایه و اساسش در مورد برخی مسئولان زمینه‌های برخی شکاف‌های اجتماعی را پدید آورده بود.

از نشانه‌های پدید آمده در حوادث اخیر به نظر می‌رسد که خط نفاق به‌روشنی از جریان انقلابی جدا شده است. اکنون سوال مهم این است که سرنوشت محمود احمدی نژاد از این پس چگونه خواهد بود؟

اما در یک واکنش دیگر به این ماجرا معاون

فرهنگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هم با بیان اینکه فردی که پیش از این در منصب کلیدی کشور بوده امروز مدعی شده، اما جواب نمی‌دهد که خودش برای مبارزه با فساد چه کرده است، گفت: «مسائل اقتصادی کشور صد در صد در اختیار دولت است.» نقدی خطاب به مسئولان سابق که امروز مدعی شده‌اند، گفت: «اگر موضوع عدالت خواهی است چرا پیش از این ساکت بودید و هم‌اکنون که قرار است قوه قضاییه به تخلفات اطرافیان رسیدگی کند مدعی شده‌اید؟ مردم نباید این عوام‌فریبی‌ها را باور کنند. چرا هرگاه مقابله با پرونده‌های بزرگ فساد اقتصادی آغاز می‌شود اغتشاش هم آغاز می‌شود و رسانه‌های مدعی آزادی بر طبل اشکالات قوه قضاییه می‌کوبند؟ در سال ۱۳۷۸ هم وقتی رسیدگی به پرونده فساد شهرداری جدی

شد شاهد این گونه آشوب‌ها بودیم.» معاون فرهنگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با بیان اینکه در مساله مقابله با قاچاق کالا همه چیز در اختیار قوه مجریه است، گفت: «برخی در دوران مختلف بنده آرا شده‌اند و به دلایلی نظیر ریزش آرا در برخورد با قاچاقچیان کم کاری کرده و می‌کنند، این نشانه ریاست طلبی است و کسی که این گونه عمل کرده نمی‌تواند مدعی دفاع از حقوق مردم باشد.»

نقدی با بیان اینکه ماجرای مسئولانی که پس از مسئولیت دچار انحراف می‌شوند از همان روز انتخابات و زمانی که می‌گویند «من از همه بهترم» آغاز می‌شود، گفت: «در مقابل این الگوی نادرست الگوهای شایسته‌ای نظیر شهید رجایی و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) قرار



بالا و پایین می‌شود.» در اظهارنظری دیگر صادق زیبا کلام، تحلیلگر سیاسی اصلاح‌طلب در ارزیابی‌اش از اعتراضات اخیر گفت: «در ابتدا که این تظاهرات به راه افتاد جریان‌های مخالف دولت آقای روحانی یعنی جبهه پایداری‌ها و طرفداران احمدی نژاد امیدوار بودند که با شعار مرگ بر روحانی این تظاهرات گسترده شود و به زعم خودشان حرکتی را علیه دولت روحانی انجام دهند و مشکلات، مسائل، ناکامی‌ها و فشارهایی که روی مردم هست را متوجه دولت آقای روحانی کنند، اما چیزی که تندروها تصورشان را نمی‌کردند این بود که به سرعت مردم معمولی، عادی و رهگذاران هم به این اعتراضات خواهند پیوست و آن زمان دیگر شعار علیه روحانی داده نخواهد

احمدی نژاد فرار به جلومی کند

گفت و گو با عبدالله ناصری

۲ عبدالله ناصری معتقد است: «اکنون احمدی نژاد به نظرم در موقعیت خوبی با پیش بینی خوبی که داشته توانسته فرار به جلو کرده و حالا مساله اش شده اخوان لاریجانی و خانواده لاریجانی و اساسا قوه قضاییه. من تردید ندارم که در قوه مجریه دولت آقای احمدی نژاد به مراتب مشکلات بیشتر از هر جای دیگری است.»

آقای دکتر! اشاره به این کردید که آقای احمدی نژاد توانسته بین اقصایار پایین جامعه دارای پایگاهی باشد و شما گفتید در اغتشاشات اخیر مردم به تضاد طبقاتی و به این پایین آمدن سطح اقتصادی شان اعتراض داشتند. فکر می کنید این قبیل حرکات آثار شیستی چنانچه دولت هم نتواند پاسخ مثبت و دقیقی به این مطالبات بدهد ممکن است موجب ظهور یک فردی مثل احمدی نژاد در آینده بشود؟

▲ دو نکته را باید از هم جدا کنیم؛ این مسائل و مشکلاتی که جامعه امروز درگیرش شده و در غالب اعتراضات اجتماعی شکل می گیرد که بعضا هم به ساختار شکنی متاسفانه منجر می شود؛ تنها مقصر یا حلالش دولت نیست این اشتباهی است که گاهی می کنیم. دستگاه اجرایی کشور و قوه مجریه کشور که امروز آقای روحانی آن را اداره می کند وقتی در سال ۹۲ دولت آن را تحویل گرفتند ۵۰ درصد اقتصاد کشور در اختیار دولت بوده در صورتی که سال ۸۴ وقتی آقای احمدی نژاد دولت را تحویل گرفته قریب ۹۰ درصد اقتصاد ملی کشور در اختیار دولت بوده بنابراین امروز به نظر من آن مسائل، مسائلی است که خیلی جدی است. وقتی ما با بانک های ورشکسته صندوق های بانز نشستی ورشکسته و کسری بودجه سرسام آور و بهر هه هستیم و بودجه ۹۷ را هم که نگاه می کنیم متوجه می شویم آینده کشور هم از لحاظ اقتصادی بسیار بحرانی تر از سال های قبل خواهد بود. اول این را بدانیم که برای حل مشکل باید همه ارکان حکومت به کمک دولت بیایند و مساله را حل کنند و البته دولت هم می تواند راهکارهایی را برای حل این مساله اتخاذ کند و تدابیری را در پیش بگیرد. اما این را هم انکار نمی کنم که بالاخره این حرکت بر جامعه توسعه نیافته ما ممکن است. چون اقتصاد و معیشت محور آن است خود به خود هویت پوپولیستی پیدا می کند و دوباره مثلا جامعه یا بخشی از جامعه میل پیدا کند به سمت چنین افرادی. البته احمدی نژاد نه، شخص احمدی نژاد از نظر من پرونده اش از نظر افکار عمومی بسته شد و تمام شد. اما به هر صورت اگر جامعه به سمت رویکردهای پوپولیستی به صرفا بخواهد مسائل اقتصادی را مقطعی و غیر دور اندیشانه پاسخ بدهد و برای حل آن راهکاری پیدا کند؛ چنانچه آقای احمدی نژاد با پول بسیار هنگفتی که از نفت ۱۵۰ دلار در اختیار داشت خیلی از نیازهای مردم را اینچنین پاسخ گفت و امروز همان مردمی که خوشحال بودند و از این امکانات استفاده می کردند، خودشان مدعی فقری هستند که برایش تظاهرات هم می کنند. ▶

یا موقوفات چه میزان است یا نهایتا با کسری بودجه آشنا هستند و بیشتر با فضای بودجه کشور آشنا نیستند؛ اما امسال بودجه آمد در زندگی مردم و مردم قشر فرودست و مستضعف جامعه که بخش عمده آنها از مستضعفین بودند به هر صورت نشان داد که در جامعه این همه بیکاری هست یا حتی کارکنانش هم که شاغل هستند امروز در دولت، آقای روحانی مجبور شده است که بخش اعظمی از حقوق و مزایا و اضافه کاریهای شان و مسائل دیگرشان را در واقع کسر بکند برای اینکه بتواند حقوق عمومی دولت را اداره بکند یک دفعه مواجه می شوند با یک رقم های نجومی متعلق به نهادهای فرهنگی آموزشی و نهادهای سیاسی-فرهنگی غیر ضروری. حتی ممکن است که به من بگویند این برخورد، برخورد خطی است اما من فارغ از گرایش سیاسی نمی گردم، بدون اینکه اسم ببرم از آن ها یاد کنم در حالی که ممکن است در یکی از این نهادهای غیر ضروری چهره اصلاح طلب و متعلق به جریان اصلاحات بر سرکار باشد. اما واقعیت این است که امروز گرسنگی مردم و ضعیف شدن سفره مردم همه ابعاد را در بر نمی گیرد فقط معیشت و غذا نیست. در این شرایط شاید حساسیت ز باشد وقتی می بینید که چه تعداد سازمان های غیر ضروری، سال ها در دولت بودجه می گرفتند و خیلی از اینها در دولت آقای احمدی نژاد تأسیس شده و خیلی ها اگر تأسیس آنها به قبل از دوره آقای احمدی نژاد بر می گردد ولی در دوره دولت ایشان بودجه آن ها چندین برابر شده نسبت به سایر دستگاه های دیگر ضروری برای مردم.

بنابراین امروز واقعا اگر حکومت اراده بکند که بخواهد مردم را راضی نگه دارد و از حوادثی که شاید دوباره پیش آید جلوگیری کند. یکی از ضروری ترین کارهای این است که در بودجه ۹۷ یک تصمیمی برای دستگاه های موازی بگیرد. اکنون احمدی نژاد به نظرم در موقعیت خوبی با پیش بینی خوبی که داشته توانسته فرار به جلو کرده و حالا مساله اش شده اخوان لاریجانی و خانواده لاریجانی و اساسا قوه قضاییه. من تردید ندارم که در قوه مجریه دولت آقای احمدی نژاد به مراتب مشکلات بیشتر از هر جای دیگری است.

برخی معتقدند که رفتارهای اخیر دولت مردان سابق که مهمترین آن حمله به قوه قضاییه است، موجب شده نارضایتی بین مردم نمایان تر شده و اجازه اعتراض خیابانی را به خود بدهند. اساسا با این دیدگاه چه مقدار موافق هستید؟

▲ بین ماجراهای آقای احمدی نژاد در مورد قوه قضاییه و رابطه آن با مسائل اخیر نمی بینم. هر کسی می تواند فضا را به صورتی تشریح کند و فرض هایی را مطرح نماید؛ اما این پیش فرض اساسا غلط است که این حرکت آقای احمدی نژاد را به این مساله ربط دهیم. حرکت آقای احمدی نژاد را از دو منظر نگاه می کنیم یک منظر «افشایده خود» است و دوم فرار به جلو در راستای عدم پاسخ گویی به رفتار مدیریتی هشت سال خودش است. به هر صورت گلایه من از منظر یک فرد عامی نه از نظر یک کنشگر سیاسی که مایل نبود شاهد این نوع درگیری ها و تظاهرات مطالبه گرانه اخیر باشد، این است که روزگاری که به هر صورت بهتر بود خود آقای احمدی نژاد که در دل دهک های پایین جامعه و در دل مستضعفان جامعه طرفدارانی داشت، عملکرد او در سال ۱۳۹۲ کالبدشکافی شود و اینکه به نحوی جلوی این حرکت را گرفتند خود آقای احمدی نژاد هم در این زمینه مقصر بود. او با ترندهایی که به کار می برد و البته آقای روحانی هم و دولت مرد های آقای روحانی هم کوتاهی کردند از این جهت که واقعیت های هشت ساله را کالبدشکافی نکردند چون بسیاری از مفاسد اقتصادی، بسیاری از پرونده هایی که بالاخره مردم درگیرش هستند، مثل صندوق های اعتباری و مسائل دیگری که می بینید به راحتی امروز مردم مدعی بر حق آنها هستند اینها همه یادگاری های دوره آقای احمدی نژاد است؛ بنابراین من تحلیلیم از این قضیه این است که حرکت ایشان حساب شده و برای فرار از پاسخ گویی و انحراف افکار عمومی است که چیزی گریبانش را نگیرد و اگر واقعیت عملکرد او تدبیر می شد و آن ویرانه ای که دولت مردان بیان کردند که بعد از هشت سال تحویل دولت بعدی داد این خوب تشریح و تجزیه می می شد شاید ما امروز بین یک حرکت کاملا اجتماعی و درون جامعه و نه سازماندهی شده توسط خارجی ها- یعنی همین حرکت های اخیر- شاهد یک سری حرکت های ساختار شکنانه- که به هر صورت هر دو جریان سیاسی فارغ از اینکه حرکت را حق می دانند اما با شعارهای ساختار شکنانه موافقت ندارند، نبودیم، به عنوان مثال بدون تردید بزرگ ترین ساختار مفاسد اقتصادی در دولت آقای احمدی نژاد و بیشترین تعداد پرونده های مفاسد اقتصادی در دوره دولت نهم و دهم شکل گرفته ولی با اینکه بعضی از آنها به دستگیری و رسیدگی منجر شده ولی هیچ برخورد قانع کننده ای با این افکار عمومی نشده است. امروز یکی از زمینه هایی که به نظر من این حرکت اجتماعی اخیر را شکل داد و معتقد هستم رسانه های خوش فکر و منصفی مثل مثلث، الزاما خیلی نام اغتشاش بر آن نگذارند چون هر حرکت اجتماعی بالاخره وقتی طبیعتا وقتی مدیریت ندارد، سری ندارند، یا برنامه ندارد خود به خود گاهی وقت ها حرکت های ساختار شکنانه ای از آن منتج می شود ولی این مطالبه گری، به نظر من نباید از کنارش ساده گذشت چون ممکن است آتش زیر خاکستر بشود. این دفعه مردم برای اولین بار در تاریخ جمهوری اسلامی اصلا تمام جوانب و ابعاد بودجه ملی کشور را که هر سال با کلیاتی از این ها آشنا هستند که حقوق کارمند چقدر افزایش پیدا کرده یا مثلا پاداش پایان خدمت کارکنان داده شده



نیاز به اصلاحات داریم

گفت‌وگو با ابوالقاسم رئوفیان

حرکت کنند و بخواهند فقط اعتراض کنند، بدون اینکه اهانت کنند، حقوق خفه خودشان را مطالبه کنند، بدون اینکه بخواهند چهره نظام را خدشه‌دار کنند، بخواهند به نظام آسیب بزنند؛ اینها اگر فکر کنند که خودشان شروع می‌کنند، خودشان هم تمام می‌کنند و کار به اغتشاش نمی‌کشد، این اشتباه است. اصلا معلوم است که ما دشمنان کمین کرده‌ای داریم که هر لحظه منتظر هستند یک فضایی به وجود بیاید و در آن فضا نفس کنند و بتوانند این اعتراضات را به اغتشاش تبدیل کنند؛ کما اینکه همینطور شد. این اولین بار بار نبوده، ما در گذشته هم همین مسائل را داشتیم.

برخی‌ها هم من فکر می‌کنم کسانی که تریبونی دستشان است، دست به قلم هستند، بلندگویی بعضی مواقع در اختیارشان قرار می‌گیرد؛ حالا از خطبای نمازهای جمعه، ائمه جمعه گرفته، تا نویسندگان، تا دولتمردان، تا رقبای انتخاباتی در همین دوره اخیر؛ خب اینها متاسفانه بعضی مواقع صحبت‌هایی می‌کنند و بدون اینکه بخواهند این مسائل را دارد که امروز می‌بینیم کار به جایی رسیده که جمع کردنش مشکل است؛ که البته معتقدم به زودی ان شاء الله کنترل خواهد شد.

حساب اغتشاش گران از حساب مردم جدا است، مردم مشکل دارند، بالاخره مساله معیشت‌شان است، مساله بیکاری است، مساله گرانی است؛ چندنرخ بودن و هزار و یک مساله دیگر. خب این‌ها طبیعی است. دولت باید به اینها فرصت دهد، با اینها نباید برخورد کند، اما اینهایی که کمین کرده‌اند به محض اینکه یک حرکت آنچنانی بخواهد پدید بیاید، بخواهند آب را لگد آل کنند و ماهی بگیرند، خب آنها اغتشاشگر هستند، کما اینکه به اموال عمومی آسیب می‌رسانند، به اموال دولتی، به اموال مردم، تخریب‌ها صورت می‌گیرد. مگر در این چند مدت واقعا بعضی‌هایی گناه نبودند؟ آن نوجوان ۱۰-۱۱ ساله‌ای که آن‌طور تیر می‌خورد در کنار پدرش. یکی در کنار پدرش نشسته، از آن بالا ماشین آتش‌نشانی می‌آید پایین و موجب رخ دادن حادثه تلخی می‌شود؛ اینها طبیعی است که خواست مردم نیست. به‌طور قطع بیگانه‌ها و دشمنان ما هستند. من در یکی از این شهرستان‌ها دیدم که بیلورد زده بودند، بالاایش نوشته بودند گارد شاهنشاهی و از مردم دعوت کرده بودند که در فلان ساعت و فلان مکان ما باید ریشه ظلم و ظالم را بکنیم. خب معلوم است اینها چه کسانی هستند؛ اینها دلشان به حال مردم نسوخته و قطعا دشمنی دارند با نظام و قطعا هدایت هم می‌شوند، خیلی ساده‌انگاری دارد اگر فکر کنیم این حرکت‌ها، حرکت‌های خودجوش است. ▶

۳ ابوالقاسم رئوفیان معتقد است: «احمدی نژاد به نوعی رفتار کرده که امروز متهم است به اینکه او از نظر روحی هم دچار مشکل است. مردم ما که اینگونه نیستند که حالا چون یک نفر پیدا شده، چهار تا حرف زده که به مذاق آدم‌های مستضعف خوش بیاید، پس هرچی این بگویند، آنها هم دنباله‌رو باشند. نه، این را من خیلی نمی‌توانم بپذیرم.»

می‌آورند. دشمنان خارجی هم که فقط منتظر فرصت هستند که کمترین فرصتی پیش بیاید و بر این آتش بدمند و آن را شعله‌ورتر کنند.

آقای رئوفیان! باتوجه به این مسائلی که پیش آمده، یعنی بستری که از نارضایتی مردم به وجود آمده و لیدر خاصی هم ندارند، چقدر فکر می‌کنید آقای احمدی نژاد باتوجه به شعارهایی که می‌دهد و آن چهره‌های که به عنوان یک مسئول طرفدار محرومین از او در جامعه ترسیم شده، چقدر احتمال دارد که این معترضان، آقای احمدی نژاد را به عنوان لیدر خودشان در ادامه، طی روزهای آینده یادار ماه‌های آینده انتخاب کنند؟

▶ زیاد معتقد به این موضوع نیستم. مردم ما فهمیده هستند؛ حالا اگر قشر قابل توجه که ۳۰ درصد از مردم کشور ما در فقر مطلق به سر می‌برند و جزو محرومین و مستضعفین و پابرهنگان جامعه هستند؛ با این تعریف که واقعا برای تهیه نان شیشان هم معطل هستند، البته شاید نزدیک ۵۰ درصد از جامعه را هم دارای زندگی متعارف در نظر می‌گیریم، حالا بعضا زندگی‌های ما امروز به گونه‌ای شده که تقریبا یک رویکرد تجمل‌گرایانه هم کار دستان می‌دهد. من فکر می‌کنم ۵۰-۶۰ درصد هم کسانی هستند که اگر به سختی و عسرت اقتادند، نه به خاطر اینکه نتوانند مقوله معقول و متعارف زندگی را فراهم کنند، بلکه به خاطر اینکه معمولا به لحاظ چشم و هم‌چشمی‌ها زیاد خواهی می‌کنند، دچار مشکل هستند. اینطور نیست که اینها لیدر خودشان را احمدی نژاد انتخاب کنند. احمدی نژاد به نوعی رفتار کرده که امروز متهم است به اینکه او از نظر روحی هم دچار مشکل است. مردم ما که اینگونه نیستند که حالا چون یک نفر پیدا شده، چهار تا حرف زده که به مذاق آدم‌های مستضعف خوش بیاید، پس هرچی این بگویند، آنها هم دنباله‌رو باشند. نه، این را من خیلی نمی‌توانم بپذیرم.

اگر ما بخواهیم اعتراض و فرهنگ سیاسی مردم را بررسی کنیم، روزهای اول اعتراض بود؛ اعتراض به وضع موجود و وضعیت اقتصادی، اما در ادامه دیدیم که این اعتراض‌ها به اغتشاش منجر شد. این را چگونه ارزیابی می‌کنید؛ آیا طبیعی است و سیرری تکاملی را طی می‌کند یا نه، تحریکات خارجی در آن دخیل است؟

▶ این پیش‌آمد و این پدیده، یک پدیده غیرمنتظره نبود اتفاقا. یعنی برخی که فکر می‌کردند اگر به بیان توقعات و مطالبات خودشان بپردازند و در واقع به وضع معیشتی فعلی اعتراض کنند و یا اقتصاد کنونی، کار به همین جا ختم می‌شود؛ در حالی که به نظر من به سادگی می‌توانستند پیش‌بینی کنند که اگر آنها شروع کنند باشند که صرفا برای بیان مطالبات و اعتراضاتشان حرکت کنند، در نتیجه خودشان هم تمام‌کننده خواهند بود؛ نه، کاملا قابل پیش‌بینی است که اینطور مواقع اگر جمعی

ادبیات این ماه‌های اخیر آقای احمدی نژاد، ادبیات تند و ساختارشکنانه‌ای بود که بعضا ساختارهای نظام را مورد هدف قرار داده بود. به نظر شما چه میزان این پیام‌های هیجانی و بیان مطالبی که منجر به بی‌اعتمادی مردم نسبت به کارگزاران نظام می‌شود، در پدید آمدن اغتشاشات اخیر، دخیل بوده است؟

▶ البته بی‌تاثیر نبوده است، اینکه حالا بخواهیم درصد قابل توجهی را ناشی از رفتار ایشان و پیام‌ها و مواضعی که داشته‌اند بدانیم، شاید خیلی هم منصفانه نباشد. به هر حال عوامل متعددی دست به دست هم دادند تا این وضعیت پدید آمد. من فکر می‌کنم که اگر بین عوامل داخلی و عوامل خارجی بخواهیم صحبت کنیم یا عناصری که در داخل کشور با نحوه رفتار و گفتار و اقداماتی که صورت دادند و زمینه‌پدایش این وضعیت اخیر را فراهم آوردند و سهمی که خارج از کشور دارد و ارتباط این دو، در مجموع من فکر می‌کنم بخش عمده را باید متوجه عناصر داخلی بدانیم. یعنی اگر افرادی که کلامشان تاثیرگذار است و به عنوان لیدر بخشی از جامعه محسوب می‌شوند و دیگران نگاهشان به دهن آنهاست، اینها می‌بایست حساب‌شده حرکت کنند و اگر قرار است نطقی کنند و تریبونی در اختیارشان باشد، قلمی به دست بگیرند و مواردی مطرح کنند، باتوجه به جمیع جهات کار را انجام دهند، قطعا این مسائل خیلی چهره نظام را مخدوش نخواهد کرد. به نظر می‌آید بعد از صحبت‌های مقام معظم رهبری مبنی بر اینکه کسی که یک دهه اداره امور کشور را برعهده داشته و اکنون ایفاگر نقش اپوزیسیون نظام است و رفتار او به گونه‌ای است که دیگران بهره‌برداری خواهند کرد، کاملا اشاره بجایی است، اما این به این معنا نیست که تنها عامل احمدی نژاد باشد و یا بخش اعظم تقصیرها را ما متوجه ایشان بدانیم. دیگر عواملی هم بوده که من فکر می‌کنم آنها هم باید این مسئولیت را بپذیرند که وضع موجود معلوم است، نحوه گفتار و مواضع آنها هم بوده؛ باید همه توجه کنند و باتوجه به منافع ملی و مصالح کشور موضع بگیرند.

از طرف دیگر واقعا دولت مشکل دارد، قوه قضاییه مشکل دارد، اینها متاسفانه کمتر توجه کردند. سعی کرده‌اند به جای اینکه به حل مشکلات خودشان و اصلاح رفتار خودشان بپردازند، یکدیگر را محکوم کنند. اینکه ما در هر دقیقه ۴۹ نفر روانه زندان می‌شوند، این زبینه نظام جمهوری اسلامی ایران نیست و متجاوز از ۱۵ میلیون پرونده داریم که در دست رسیدگی است. نباید چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی بگذرد و وضع اینچنین باشد. در سال ۵۷، ۱۰ نفر در هر دقیقه روانه زندان می‌شدند. اینکه در زمان احمدی نژاد تنها نبوده است. غیر از این مسائل به لحاظ رفتارهایی به دور از تدبیر یا اگر تدبیری بوده، حسن تدبیر نبوده و سوء تدبیر بوده که نتیجه‌اش همین می‌شود. مگر آقا امیرمومنان فرمود «سوء التدبیر سبب التدمير» این سوء تعبیرها، این کج‌فهمی‌ها موجب فروپاشی می‌شود.

بر همین اساس من فکر می‌کنم همه باید بپذیرند که مقصر بودند. دولت باید یک بازسازی جدی انجام دهد، قوه قضاییه هم اصلاحات جدی انجام دهد. بنده وضع موجود را معول علل و عواملی می‌دانم از جمله عناصر داخلی که مدعی دلسوزی برای نظام و داشتن دغدغه نظام هستند. اما به لحاظ سوء تدبیر این مسائل را به وجود



اگر افرادی که کلامشان تاثیرگذار است و به عنوان لیدر بخشی از جامعه محسوب می‌شوند و دیگران نگاهشان به دهن آنهاست، اینها می‌بایست حساب‌شده حرکت کنند

شکستی دیگر برای آمریکا

آنچه مسلم است اینکه در برهه زمانی فعلی، شاهد رقم خوردن شکستی سنگین برای ایالات متحده آمریکا و رژیم اشغالگر قدس هستیم. بدیهی است که ملت ایران به رغم نارضایتی هایی که در خصوص مسائل اقتصادی و معیشتی وجود دارد، نسبت به نظام ورهبری پایبند و وفادار است. در چنین شرایطی اصلی ترین وظیفه قوای سه گانه، حفظ وحدت بایکدیگر و حل معضلات موجود در جامعه است.

سیاست خارجی

تیتریک

دست چدنی

حمایت مستقیم ترامپ و نتانیاهو
از آشوب های ایران به چه معناست؟

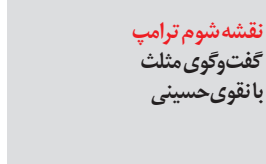
نسخه جان بولتون برای کاخ سفید
خروج ترامپ از برجام با هدف حمایت
از آشوب‌ها طراحی شده است



ذوق زدگی پرهزینه آل سعود
تأملی بر حمایت ریاض
از اغتشاشات ایران



نقشه شوم ترامپ
گفت و گوی مثلث
با نقوی حسینی



دولت دونالد ترامپ در ایالات متحده آمریکا صراحتاً حمایت خود را از آشوب و اغتشاش در ایران اعلام کرده است. این حمایت به اندازه‌ای علنی است که در مواضع روزانه رئیس‌جمهور، معاون رئیس‌جمهور و سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا ابراز می‌شود. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا از همان روز نخست، به صورتی علنی به حمایت از ناآرامی‌ها در ایران پرداخت. مقامات رژیم صهیونیستی نیز حمایت علنی خود را نسبت به ناآرامی‌ها و اغتشاشات موجود در ایران اعلام کردند. حتی بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در پیامی ویدئویی برای کسانی که در ایران دست به آشوب می‌زنند، آرزوی موفقیت کرد. مبروری بر مواضع رسمی مقامات آمریکایی و صهیونیستی در قبال حوادث اخیر در ایران، بار دیگر از چهره این دو در تقابل تمام‌عیار با ملت و نظام ایران پرده بر می‌دارد. حمایت ترامپ از رخداد های اخیر در ایران در حالی صورت می‌گیرد که رئیس‌جمهور آمریکا به تازگی مردم ایران را تروریست خوانده و حتی در اقدامی عملی، از ورود آنها به خاک ایالات متحده جلوگیری می‌کند.

اذعان ناخواسته یک رسانه انگلیسی به ارتباط آشوبگران در ایران با رژیم صهیونیستی جنجالی شد و این رسانه پس از فحش‌های اسرائیل، مجبور به عذرخواهی شد. حساب کاربری خبرگزاری رویترز در توئیتر عکس یک خبر خود که مربوط به آشوب‌های اخیر در ایران بود را تصویری از «بنیامین نتانیاهو»، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و «بیزرائیل کاتز»، وزیر اطلاعات این رژیم انتخاب کرده بود

حمایت وزارت خارجه آمریکا از اغتشاشگران

وزارت امور خارجه آمریکا اخیراً در اقدامی مداخله‌جویانه و با تکرار ادعاهای واهی مقامات این کشور، در بیانیه‌ای «از تمام کشورهای جهان خواست تا آشکارا از مردم ایران و مطالبات آنان حمایت کنند» در این بیانیه آمده است: «ما گزارش‌ها در خصوص تظاهرات مسالمت‌آمیز شهروندان ایرانی در تعدادی از شهرهای این کشور را دنبال می‌کنیم و دولت آمریکا بازداشت معترضان در ایران را به شدت محکوم می‌کند!»

در ادامه این بیانیه آمده است: «چهاردهم ژوئن ۲۰۱۷، رکس تیلرسون، وزیر خارجه آمریکا در گزارشی به کنگره تصدیق کرد که از عناصری در داخل ایران که بتوانند باعث انتقال صلح‌آمیز حکومت در این کشور شوند، حمایت خواهد کرد. امروز وزیر خارجه بار دیگر حمایت عمیق خود را از مردم ایران تکرار کرد!»

در واکنش به اقدامات وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا، سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان اظهار داشت: «مردم بزرگ ایران حمایت فرصت‌طلبانه و فریبکارانه مقامات آمریکایی از برخی تجمعات در روزهای اخیر در بعضی از شهرهای ایران را چیزی جز نیرنگ و ریاکاری دولت آمریکا نمی‌دانند.» بهرام قاسمی ضمن محکوم کردن این اظهارات سخیف، بی‌ارزش و فاقد اعتبار، گفت: «مردم ایران هیچ ارزش و

اعتباری برای ادعاهای فرصت‌طلبانه مقامات آمریکایی و شخص آقای ترامپ، قائل نیستند.» رئیس مرکز دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای وزارت امور خارجه تصریح کرد: «مردم ایران بزرگترین پشتوانه امنیت و پیشرفت کشور هستند.» وزارت امور خارجه انگلیس نیز با صدور بیانیه‌ای به اغتشاشات اخیر در ایران واکنش نشان داد. در همین راستا، «بوریس جانسون» وزیر خارجه انگلیس گفت: «انگلیس تحولات ایران را از نزدیک دنبال می‌کند. ما معتقدیم که باید یک گفتمان جدی درباره موضوعات مشروع و مهمی که معترضان مطرح کرده‌اند وجود داشته باشد و امیدواریم مقامات ایرانی اجازه این امر را بدهند!» بدون شک اظهارات بوریس جانسون دخالت علنی در امور داخلی کشورمان محسوب می‌شود. جانسون و دیگر مقامات انگلیسی بهتر است به جای دخالت در امور دیگر کشورها، بحران‌های داخلی کشورشان را که منجر به تشدید موج استقلال‌طلبی در اسکاتلند و... شده است مدیریت نمایند!

حمایت «خاص» معاون ترامپ از ناآرامی‌ها در ایران

از سوی دیگر، «مایک پنس»، معاون رئیس‌جمهور آمریکا در اظهاراتی مداخله‌جویانه، از اغتشاشگران در ایران حمایت کرد. او در توثیتی نوشت به همراه ترامپ، با اغتشاشگران در ایران همراهی می‌کند و همچنین بازداشت‌ها را محکوم کرد. معاون رئیس‌جمهور آمریکا همچنین در توثیت خود، ایران را به حمایت از تروریسم متهم کرد.

همچنین «مایک پنس» در ادامه دخالت دولت‌های پیاپی این کشور در مسائل داخلی ایران، این بار به صراحت از عزم دولت «دونالد ترامپ» برای حمایت از عوامل آشوب‌های اخیر سخن گفته است. پنس در سخنان مداخله‌جویانه خود گفته: «تا وقتی که ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا است و من معاون وی، ایالات متحده اشتباهات گذشته در بی‌توجهی به ایستادگی مردم ایران در برابر نظام ایران را تکرار نخواهد کرد.»

این اولین باری نیست که آمریکایی‌ها خواهان دست روی دست گذاشتن در مقابله با ملت ایران هستند. ایالات متحده با همین تاریخ ۲۴۱ ساله‌اش، بارها در مسائل داخلی ایران دخالت‌های فاجعه‌بار کرده است. علاوه بر حمایت از کودتا علیه دکتر «محمد مصدق» نخست‌وزیر قانونی ایرانی در کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، آمریکایی‌ها در جنگ هشت ساله با رژیم بعث عراق هم بارها به صورت مستقیم در میدان نبرد، از یعنی حمایت کردند. شلیک دو موشک هدایت‌شونده ناو وینسنس به سمت یک هواپیمای مسافربری ایرانی بر فراز آب‌های خلیج فارس در تابستان ۱۳۶۷ هم یکی دیگر از نمونه‌های غیرقابل انکار گام برداشتن آمریکایی‌ها علیه ملت ایران است. آمریکا تاکنون حاضر به عذرخواهی به خاطر کشتار ۲۹۰ سرنشین این هواپیما نشده است. دولت آمریکا همچنین در جریان فتنه سال ۱۳۸۸، ضمن حمایت آشکار از فتنه‌گران، کمک‌های متنوعی به آنان در جریان این فتنه ارائه کرد. فراتر از آن، اظهارات ترامپ و پنس در حالی مطرح می‌شود که رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا چندی پیش در سخنانی صراحتاً ملت ایران را تروریست خوانده بود!

تلاش آمریکا برای تشکیل ائتلاف بین‌المللی علیه ایران!

در یک موضع‌گیری دیگر، «آندرو پیک»، معاون دستیار وزیر خارجه آمریکا در امور ایران و عراق همچنین از قصد واشنگتن برای ایجاد یک ائتلاف بین‌المللی برای حمایت از اغتشاشگران در ایران خبر داد. «پیک» در واکنش به این سوال که آشوب‌ها در ایران چه تاثیری بر سیاست واشنگتن در قبال ایران خواهد داشت، گفت: «این تظاهرات‌ها نشان‌دهنده آن چیزی است که دولت آمریکا در تمام این مدت گفته است. بزرگترین قربانی دولت ایران، مردم این کشور هستند! ما رویدادها را کاملاً به دقت دنبال می‌کنیم.»

او اضافه کرد: «ما به گفت‌وگو با شریکان بین‌المللی مان ادامه می‌دهیم و آنها را به تمرکز بر وقایع ایران تشویق می‌کنیم. این رویکرد، بسیار با آنچه در تظاهرات سال ۲۰۰۹ افتاد، تفاوت دارد.» این مقام وزارت خارجه آمریکا در بخش دیگری از اظهارات خود تصریح کرد کس تیلرسون، وزیر خارجه آمریکا در حال رایزنی با شریکان خود در منطقه و همچنین با اتحادیه اروپا درباره حوادث ایران است. «پیک» گفت تیلرسون در حال تلاش برای ایجاد ائتلاف بین‌المللی جهت «حمایت از مردم ایران» است.

توصیه نیویورک تایمز به ترامپ

از سوی دیگر، روزنامه نیویورک تایمز در گزارشی با اشاره به حمایت رئیس‌جمهور آمریکا از اعتراضات عده‌ای از مردم کشورمان نوشت: «مشاوران سیاست خارجی ترامپ احتمالاً به این فکر می‌کنند که از این اعتراض‌ها پشتیبانی کنند اما بهتر است که رئیس‌جمهور ساکت باشد و هیچ کاری انجام ندهد.»

روزنامه نیویورک تایمز در گزارش خود به قلم فیلیپ گوردن، دستیار پیشین وزیر امور خارجه آمریکا و هماهنگ‌کننده کاخ سفید در امور خاورمیانه در دوران ریاست‌جمهوری باراک اوباما نوشت: «هم‌زمان که اعتراضات در ایران علیه دولت به وقوع پیوسته و مقامات این کشور و تحلیلگران خارجی را متعجب کرده است، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا و مشاوران سیاست خارجی‌اش احتمالاً از خود می‌پرسند که چه کاری می‌توانند برای حمایت از این اعتراض‌ها انجام دهند.»

ترامپ پیش از این گفته است که مسئولیت اغلب مشکلات خاورمیانه بر عهده ایران است و این کشور را به دامن زدن به ناآرامی‌ها در سراسر جهان متهم کرده است. رئیس‌جمهور بدون شک عاشق این است که بگوید رویکرد

سخت او در قبال ایران به این نتایج از طریق تضعیف دولت ایران منجر شده و رویکرد مسالمت‌آمیزتر رئیس‌جمهور قبلی شکست خورده است.» گوردن در ادامه نوشت: «من نیز مایلیم شاهد تضعیف دولت ایران، میانه‌روتر شدن آن و حتی حذف آن باشیم. بنا بر این اجازه دهید یک توصیه به آقای ترامپ بدهم که ساکت باش و هیچ کاری انجام نده!» این مقام پیشین آمریکا در ادامه فراهم کردن منافع اقتصادی واقعی را راهی دانست که موجب می‌شود دولت ایران دیگر نتواند آمریکا را پس از گذشت دو سال از اجرای توافق هسته‌ای به دلیل مشکلات اقتصادی‌اش سرزنش کند. اگر ترامپ توافق را نابد کند و تحریم‌های ایران را بازگرداند نه تنها به اپوزیسیون ایران کمک نمی‌کند، بلکه به ایرانی‌ها این دلیل را می‌دهد که علیه‌اش تلاش کنند. بنابراین بهترین راه برای اینکه ترامپ شانس خود برای موفقیت را بالا ببرد، این است که هیچ کاری انجام ندهد.»

عصبانیت رژیم صهیونیستی از رویترز

همچنین اذعان ناخواسته یک رسانه انگلیسی به ارتباط آشوبگران در ایران با رژیم صهیونیستی جنجالی شد و این رسانه پس از فشارهای اسرائیل، مجبور به عذرخواهی شد. حساب کاربری خبرگزاری رویترز در توییتر عکس یک خبر خود که مربوط به آشوب‌های اخیر در ایران بود را تصویری از «بنیامین نتانیاو»، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و «بیزرائیل کاتز»، وزیر اطلاعات این رژیم انتخاب کرده بود. روزنامه جروزالم پست گزارش داد دفتر کابینه رژیم صهیونیستی به دنبال این اقدام از رویترز گلایه کرد و خواستار تغییر سریع این عکس شد. رویترز متعاقباً عذرخواهی کرده و این عکس را حذف کرد.

حمایت وزیر اطلاعات رژیم صهیونیستی از اغتشاشگران

«بیزرائیل کاتز»، وزیر اطلاعات رژیم صهیونیستی نیز از اغتشاشات اخیر در ایران حمایت کرده است. این وزیر صهیونیستی در اظهاراتی خوش‌خیالانه همچنین پیش‌بینی کرد که حکومت ایران سقوط خواهد کرد، اما اسرائیل برای همیشه پابرجا خواهد ماند. او گفت: «رئیس ستاد مشترک ارتش ایران گفت که کشور اسرائیل ظرف ۲۵ سال آینده وجود نخواهد داشت، من به او می‌گویم که اسرائیل برای همیشه پابرجا می‌ماند اما شما و همکاران‌تان در حکومت‌تان از بین خواهید رفت.» کاتز در ادامه از اغتشاشات در برخی شهرهای ایران حمایت کرد و گفت: «من برای تظاهرات کنندگان در ایران که در حال مبارزه

برای آزادی و دموکراسی هستند آرزوی موفقیت می‌کنم.»

پیام ویدئویی نتانیاو به اغتشاشگران

بنیامین نتانیاو، نخست‌وزیر رژیم اشغالگر قدس نیز در یک پیام ویدئویی به حمایت از اغتشاشگران پرداخت. نتانیاو با آرزوی موفقیت برای تخریب‌گران در ایران، گفت: «امروز شنیدم که «روحانی» رئیس‌جمهور ایران ادعا کرده که اسرائیل در پشت پرده اعتراضات در ایران است. این حرف نه تنها اشتباه بلکه خنده‌دار هم هست و برخلاف روحانی، من به مردم ایران بی‌احترامی نمی‌کنم؛ ایرانی‌ها استحقاق وضعیت بهتری را دارند. ایرانیان در پی آزادی‌های اساسی هستند که در چندین دهه اخیر، از آن محروم شده‌اند. رژیم ظالم ایران، ده‌ها میلیارد دلار برای اشاعه خشونت هزینه کرده است و این پول می‌توانست صرف ساخت بیمارستان و مدرسه شود.»

نتانیاو سپس اغتشاشگران را «پدران و مادران ایرانی» خواند که به خیابان‌ها آمده‌اند و به مسدود شدن موقت دسترسی به کانال‌های ضدانقلاب مروج خشونت هم واکنش نشان داد و گفت: «شکی نیست که این پدران و مادران هستند که به خیابان‌ها آمده‌اند اما رژیم از آنها که مردم خودش هستند، ترسیده است؛ به همین خاطر است که آنها دانشجویان را زندانی و شبکه‌های اجتماعی را فیلتر می‌کنند.» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در ادامه، حمایت از اغتشاشگران را یک وظیفه شخصی برای هر انسانی دانست و بدون اشاره به سرکوب و ضرب و شتم روزانه جوانان فلسطینی، گفت: «متأسفانه بسیاری از دولت‌های اروپایی، در سکوت نظاره‌گر اوضاع هستند و این در حالی است که قهرمانان جوان ایرانی، در خیابان‌ها کتک می‌خورند؛ این درست نیست و من به سهم خود، ساکت نخواهم ماند.» بنیامین نتانیاو در بخش‌های پایانی این پیام ویدئویی، مدعی وجود رفاقت میان ملت ایران و شهرک‌نشینان غاصب شد و گفت: «این رژیم تلاش زیادی برای کاشت بذر اختلاف میان ما، به کار بسته است ولی آنها پیروز نخواهند شد؛ روزی که این رژیم ساقط شود و البته آن روز خواهد رسید، ایرانی‌ها و اسرائیلی‌ها باز هم دوستان بسیار خوب هم خواهند شد.» نخست‌وزیر صهیونیست‌ها در انتها باز هم تلاش کرد که خود را به مردم ایران نزدیک نشان دهد و ضمن آرزوی موفقیت برای اغتشاشگران گفت: «اما من مطمئنم که ترس پیروز نخواهد شد چون مردم ایران، مردمانی باهوش، پیچیده و مغرور هستند؛ امیدوارم مردمان ایران در مطالبه شرافتمندانه آزادی، موفق شوند.»

شکستی دیگر برای آمریکا و رژیم صهیونیستی

آنچه مسلم است اینکه در برهه زمانی فعلی، شاهد رقم خوردن شکستی سنگین برای ایالات متحده آمریکا و رژیم اشغالگر قدس هستیم. بدیهی است که ملت ایران به‌رغم نارضایتی‌هایی که در خصوص مسائل اقتصادی و معیشتی وجود دارد، نسبت به نظام و رهبری پایبند و وفادار است. در چنین شرایطی اصلی‌ترین وظیفه قوای سه‌گانه، حفظ وحدت با یکدیگر و حل معضلات موجود در جامعه است. تجربه ۴ دهه گذشته نشان داده است که ملت ایران هیچ‌گاه در دفاع از آرمان‌ها و اصول انقلابی خود کوتاه نخواهد آمد و بازی دشمنان این مرز و بوم را به خوبی و با دقت هر چه تمام‌تر مورد رصد و تحلیل قرار می‌دهد. حضور هوشمندانه ملت ایران در آوردگاه‌های مهم سیاسی و اجتماعی و مشارکت سیاسی بالای آنها در انتخابات‌های مختلف، نشان‌دهنده همین حقیقت است. مسلم است که مسئولان کشورمان نیز باید قدر مردم را دانسته و نهایت تلاش خود را برای رفع نیازهای آنها صورت دهند. ►



مقامات آمریکایی به صورت روشن و واضح از اغتشاش گران دفاع کرده‌اند



ابطال دوباره دوگانه «دموکرات-جمهوریخواه»

ادعای مخدوش دولت ترامپ در خصوص وقایع سال ۸۸

حسین یاری

کارشناس مسائل سیاسی

۲ درگیری‌ها و اغتشاشات اخیر در ایران، مورد حمایت هر دو حزب دموکرات و جمهوریخواه در ایالات متحده آمریکا قرار گرفته است. به عبارت بهتر، دموکرات‌ها نیز همگام با جمهوریخواهان از این تحركات خشونت‌آمیز حمایت کرده‌اند. جان کری وزیر امور خارجه دولت اوباما یکی از نخستین دموکرات‌هایی بود که در قبال وقایع اخیر در کشورمان موضع‌گیری کرد.

وزیر خارجه سابق آمریکا گفت که اطلاعات زیادی از اتفاقات داخل ایران ندارد اما از برگزاری اعتراضات حمایت می‌کند. وی در پیامی در حساب کاربری خود در توئیتر درباره ناآرامی اخیر در ایران اعلام کرد: «ما چیز زیادی از آنچه در داخل ایران می‌گذرد نمی‌دانیم». وزیر خارجه پیشین آمریکا در ادامه نوشت: «اما این موضوع روشن است که اکنون، زمان متعلق به ایرانی‌هاست نه فرد دیگر. حقوق مردم برای اعتراض مسالمت‌آمیز و اعلام خواسته‌های خود امری جهانی است و دولت‌ها در همه جا باید به آن احترام بگذارند!» این اظهارات جان کری در حالی مطرح می‌شود که مقامات آمریکایی بارها اعتراضات مسالمت‌آمیز در کشور خود از جمله تظاهرات سیاهپوستان در اعتراض به نژادپرستی در این کشور را به بدترین نحو ممکن سرکوب کرده‌اند.

معاون مشاور امنیت ملی پیشین آمریکا نیز با اعلام حمایت از معترضان در ایران، گفت: «ایرانی‌ها در حال درخواست برای خودشان هستند، نه ما». بن‌رودز، معاون مشاور امنیت ملی پیشین آمریکا در دوران ریاست‌جمهوری باراک اوباما با انتشار پیامی در صفحه توئیتر خود، نوشت: «مردم ایران به درستی خواستار شرافت، فرصت بیشتر، فساد کمتر و کنترل بیشتر بر زندگی خود هستند». وی ادامه داد: «اما با نگاهی به توثیق مقامات آمریکایی به نظر می‌آید که یک چیز به‌شدت مورد بی‌توجهی قرار گرفته است، این (اعتراض‌ها) درباره چیزی است که ایرانی‌ها برای ایران می‌خواهند، نه برای ما.»

همچنین سناتور دموکرات مشهور آمریکایی در واکنش به اغتشاشات اخیر در ایران خواستار احترام تهران به خشونت‌ها و اقدامات مخرب آنها شد! «برنی

سندرز»، نامزد مورد حمایت دموکرات‌ها در انتخابات سال گذشته ریاست‌جمهوری آمریکا در پیامی توئیتری به اغتشاشات اخیر در ایران واکنش نشان داد. این سناتور دموکرات با دخالت در امور داخلی یک کشور مستقل در این باره ادعا کرد: «این حق همه مردم است که علیه دولتشان اعتراض کنند». نامزد مورد حمایت دموکرات‌ها در انتخابات سال گذشته ریاست‌جمهوری آمریکا در ادامه بی‌آنکه به اقدامات خشونت‌بار و مشکوک اغتشاشگران اشاره‌ای داشته باشد، مدعی شد: «دولت ایران باید به این حق احترام گذاشته و ندای هزاران ایرانی را که برای ایجاد فرصت‌ها و آینده‌ای بهتر در این کشور به تظاهرات پرداخته‌اند را مورد توجه قرار دهد». واقعیت امر این است که «تقابل با جمهوری اسلامی ایران» در حوزه استراتژیک سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا تعریف شده است، نه در حوزه تاکتیکی آن. اگرچه ممکن است ابزارها و روش‌های دو حزب دموکرات و جمهوریخواه برای رسیدن به این هدف شوم با یکدیگر متفاوت باشد، اما هر دوی آنها در تقابل مطلق با نظام جمهوری اسلامی و تلاش برای نابودی آن با یکدیگر متفق‌القول هستند. مواضع اخیر دموکرات‌های آمریکا نشان داد که آنها نیز در تقابل با نظام جمهوری اسلامی ایران کمترین تفاوتی با جمهوریخواهان ندارند. این موضوع در سال ۱۳۸۸ و در جریان رخدادهای پس از انتخابات ریاست‌جمهوری آن سال نیز به اثبات رسید. در آن زمان، باراک اوباما به‌تازگی در ایالات متحده به سر کار آمده بود اما وی و همراهانش از جمله هیلاری کلinton، وزیر امور خارجه دولت وی از هیچ‌گونه اقدامی در راستای تقابل با نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران فروگذار نکردند. در نهایت اوباما شکست خفت‌باری را در مقابل ایران اسلامی پذیرفت.

هم‌اکنون مقامات دولت ترامپ و برخی مقامات رژیم صهیونیستی مدعی شده‌اند که در دوران ریاست‌جمهوری اوباما، تلاش کافی برای حمایت از اغتشاشگران در ایران صورت نگرفته است! اما یک پنس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرده است که دولت ترامپ اشتباه دولت گذشته (اوباما) را در خصوص معترضین ایرانی تکرار نمی‌کند! مقامات دولت ترامپ سعی دارند با استناد به پیش‌فرضی نادرست،

این‌گونه استدلال کنند که دولت اوباما قصد براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران را نداشته و در نتیجه از اغتشاشگران در ایران نیز در سال ۱۳۸۸ حمایتی به عمل نیاورده است! این پیش‌فرض کاملاً نادرست بوده و با حقایق موجود در آن زمان مغایرت دارد. هم‌اکنون مقامات دولت ترامپ و همچنین مقامات رژیم صهیونیستی در صددند به رسانه‌ها این‌گونه القا کنند که در جریان اعتراضات سال ۱۳۸۸، ایالات متحده آمریکا حمایتی از اغتشاشات در تهران نکرده است. سفیر سابق رژیم صهیونیستی در آمریکا در اظهاراتی مدعی شد که دلیل حمایت نکردن دولت آمریکا از اعتراضات سال ۲۰۰۹ ایران، امیدواری اوباما به رسیدن به توافق هسته‌ای با تهران بود! این مقام صهیونیستی در حالی مدعی حمایت نکردن آمریکا از اعتراضات سال ۱۳۸۸ در ایران است که اسنادی محکم در این رابطه وجود دارد. همچنین در جریان حوادث سال ۱۳۸۸، همگان به یاد دارند که هیلاری کلinton و دیگر مقامات آمریکایی چگونه حمایت تمام‌عیار خود را از براندازی نظام جمهوری اسلامی اعلام کردند. در این میان، ادعای سفر سابق رژیم صهیونیستی در ایالات متحده آمریکا کاملاً مخدوش است. مایکل اورن در این خصوص مدعی شده است: «در آن زمان اوباما اعلام کرد که از اعتراضات ایران حمایت نمی‌کند چون در سال ۱۹۵۳ سازمان سیا دولت ملی گرا محمد مصدق را سرنگون کرده و او اکنون می‌خواهد به مردم ایران نشان دهد که به حاکمیت این کشور احترام می‌گذارد. مقامات دولت اوباما در آن زمان به اسرائیل گفتند که در داخل ایران نیز معترضین خواستار حمایت آمریکا نیستند چون معتقدند حمایت آمریکا آنها را از چشم مردم ایران می‌اندازد. این موضع دولت اوباما در خصوص ایران بی‌اعتبار بود چون اوباما در اولین هفته حضورش در کاخ سفید در سال ۲۰۰۹ با امید رسیدن به توافق با ایران خواستار پرهیز از اقدامات تحریک‌آمیز علیه ایران و نادیده گرفتن اقدامات تهران شده بود.»

در نهایت اینکه دولت ترامپ نیز مانند دولت اوباما در حمایت از اغتشاشگران در ایران دچار اشتباه بزرگی شده است؛ خطایی که این بار آمریکا باید برای آن هزینه به مراتب سخت‌تری بپردازد. ►

نسخه جان بولتون برای کاخ سفید

خروج ترامپ از برجام با هدف حمایت از آشوب‌ها طراحی شده است

امیر صابریان

کارشناس مسائل سیاسی

جان بولتون، نماینده اسبق ایالات متحده آمریکا در سازمان ملل متحد از اصلی‌ترین حامیان گروهک تروریستی منافقین و از طرفداران سرسخت وضع تحریم‌های اقتصادی علیه ملت ایران بوده است. او طی روزهای اخیر در برنامه‌ها و گفت‌وگوهای مختلف خبری و تحلیلی در ایالات متحده آمریکا حضور پیدا کرده و حمایت علنی و تمام‌عیار خود را از اغتشاشگران در ایران اعلام کرده است. در این میان، وی پیشنهاداتی را نیز به

«لیندسی گراهام» سناتور جمهوریخواه ایالت کارولینای جنوبی نیز در گفت‌وگو با شبکه خبری «سی.بی.اس» درباره ناآرامی‌ها در ایران گفت ترامپ باید در حمایت از این تحولات اقداماتی فراتر از انتشار توئیت انجام دهد.

وی در این زمینه گفت: «اینکه تنها به تماشای توئیت‌های بسیار دلسوزانه ترامپ برای مردم ایران باشیم، کافی نیست. شما نباید تنها پیام توئیتی ارسال کنید. شما باید برنامه‌ای را طرح‌ریزی کنید.»

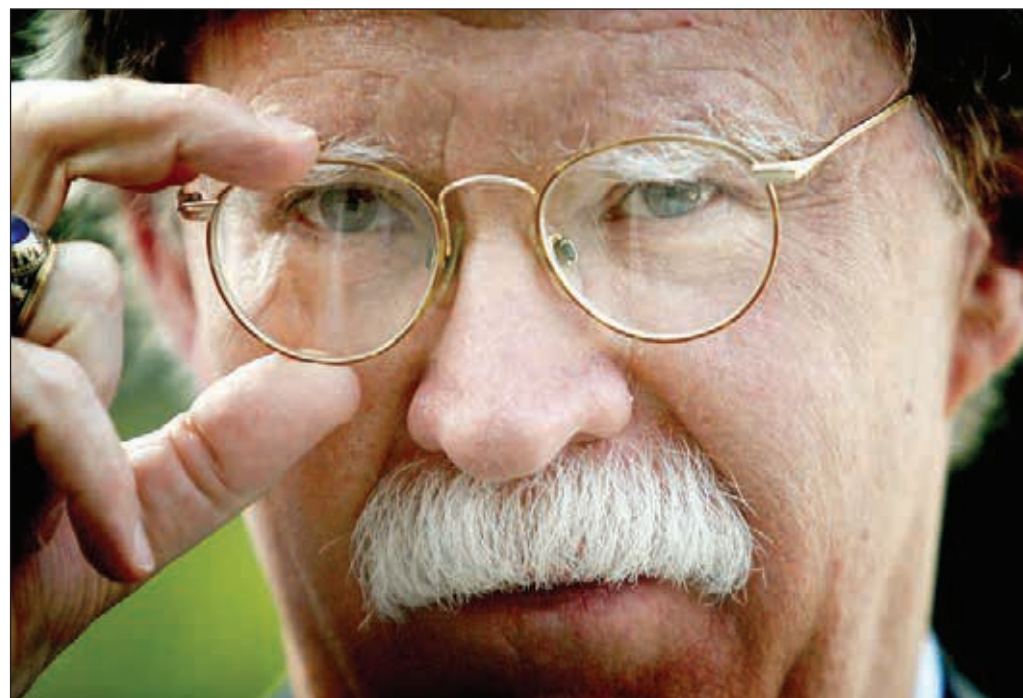
گراهام در عین حال از توئیت‌های ترامپ درباره ایران حمایت کرد و همچنین افزود که ترامپ را ترغیب کرده تا

در اظهارات و ادعاهای جان بولتون نکاتی وجود دارد که نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت:

نخست اینکه اساسا ادعای جان بولتون در خصوص عدم حمایت ایالات متحده آمریکا از اغتشاشات سال ۱۳۸۸ دروغ بوده و با واقعیات موجود در این خصوص سازگاری ندارد. اواما و هیلاری کلینتون در سال ۲۰۰۹ میلادی نهایت حمایت خود را از آشوبگران در ایران انجام داده و خواستار سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران بودند اما حضور به‌هنگام و عظیم ملت ایران در صحنه (خصوصا در نهم دی ماه سال ۱۳۸۸)، رویاهای آمریکا و رژیم صهیونیستی در ایران را نقش بر آب کرد. در چنین شرایطی ادعای عدم حمایت واشنگتن از اغتشاشات سال ۱۳۸۸ یک پیش‌فرض نادرست محسوب می‌شود که اتفاقا طی روزهای اخیر مقامات کاخ سفید و نزدیکان آنها (مانند جان بولتون) سعی دارند آن را به عنوان یک «حقیقت» جا بزنند.

نکته دیگر اینکه خروج ایالات متحده آمریکا از برجام هزینه‌های زیادی برای این کشور خواهد داشت و در این صورت با واکنش سرسختانه و هوشمندانه جمهوری اسلامی ایران روبرو خواهد شد. بدیهی است که خروج واشنگتن از توافق هسته‌ای با ایران، مولد پشیمانی سختی در آینده برای مقامات کاخ سفید و کنگره آمریکا خواهد بود. از سوی دیگر، برخلاف اظهارات سناتور لیندسی گراهام و دیگر سناتورهای آمریکایی مبنی بر لزوم اصلاح برجام (برای جلوگیری از خروج آمریکا از آن)، اساسا هیچ‌گونه امکانی در خصوص مذاکره مجدد در خصوص توافق هسته‌ای و اصلاح آن وجود ندارد. مقامات آمریکایی در این میان دو گزینه بیشتر ندارند: گزینه نخست پذیرش کامل توافق هسته‌ای و گزینه دوم، خروج از آن است. بدیهی است که انتخاب گزینه دوم از سوی آمریکا هزینه‌های سختی برای این کشور به همراه خواهد داشت.

نکته آخر اینکه ملت ایران ماهیت افرادی مانند جان بولتون را که از حامیان منافقین و دیگر گروه‌های تروریستی و تکفیری در منطقه هستند را به خوبی شناخته و اساسا اعتباری برای سخنان آنها قائل نیستند. همگان به یاد دارند که بولتون در دورانی که به عنوان یکی از مقامات دولت جورج بوش سر کار بود، از بانیان گجاندن نام ایران در لیست محور شرارت (از سوی جورج بوش) محسوب می‌شد. نماینده پیشین ایالات متحده آمریکا در سازمان ملل متحد در دوران حضور خود در سازمان ملل نیز از هیچ‌گونه تلاشی در تقابل با ملت ایران فروگذار نکرد. در کارنامه سیاه جان بولتون، مواردی مانند حمایت از منافقین و دفاع از جنایات آمریکا در عراق و افغانستان مشاهده می‌شود. حمایت چنین عنصر معلوم‌الحالی از اغتشاشگران در ایران علاوه بر اینکه ماهیت آشوبگران و تعلق خاطر آنها به ایالات متحده را نشان می‌دهد، بیانگر عمق دشمنی افرادی مانند بولتون با ملت شریف ایران است. بدیهی است که ملت ایران با آگاهی و حضور به‌موقع خود در صحنه دفاع از انقلاب و نظام و رهبری، پاسخ دندان‌شکنی به بولتون و امثال وی خواهند داد. در نهایت اینکه جان بولتون در دوران ریاست جمهوری جورج بوش، در حسرت ضرب‌بزدن به نظام جمهوری اسلامی ایران باقی ماند. بدیهی است که این بار نیز وی شکست سختی را در مقابل نظام و ملت ایران خواهد پذیرفت و بار دیگر مقهور توان ملت ایران خواهد شد. ▶



در سخنرانی به ایران هشدار دهد که اگر آمریکا به توافق بهتری با ایران نرسد، واشنگتن از برجام کنار خواهد کشید. آنچه مسلم است اینکه احتمال خروج ایالات متحده آمریکا از برجام در راستای ایجاد بستری برای ایجاد فضای اقتصادی ناامن در کشورمان بعید به نظر نمی‌رسد. در چنین شرایطی باید تدبیری اندیشیده شود که ضمن مقابله با آثار و تبعات این اقدام مقامات آمریکایی، مانع از تحقق نقشه‌های شوم آن در ایران شد. اما فراتر از این موضوع،

در کارنامه سیاه جان بولتون، مواردی مانند حمایت از منافقین و دفاع از جنایات آمریکا در عراق و افغانستان مشاهده می‌شود. حمایت چنین عنصر معلوم‌الحالی از اغتشاشگران در ایران علاوه بر اینکه ماهیت آشوبگران و تعلق خاطر آنها به ایالات متحده را نشان می‌دهد، بیانگر عمق دشمنی افرادی مانند بولتون با ملت شریف ایران است

رئیس‌جمهور آمریکا در خصوص برجام و ایجاد ارتباط میان آن و اغتشاشات اخیر در ایران ارائه داده است.

سفیر پیشین آمریکا در گفت‌وگو با شبکه خبری «فاکس نیوز» ضمن قدردانی از مواضع چند روز اخیر رئیس‌جمهور آمریکا در حمایت از اغتشاشگران مدعی شد تغییراتی در ایران رخ داده است.

بولتون در این مصاحبه گفت: «فکر می‌کنم اینک تغییراتی چشمگیر رخ داده است. شما دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور و اعضای دولت او را دارید که حامی تظاهرات کنندگان هستند و ۱۸۰ درجه مخالف آنچه هستند که باراک اوباما رئیس‌جمهور سابق در سال ۲۰۰۹ انجام داد! هدف ما باید تغییر نظام ایران باشد.»

جان بولتون به ترامپ پیشنهاد داده است که در راستای حمایت از معترضین از برجام خارج شود تا ضمن تضعیف اقتصادی ایران، زمینه را برای اعتراضات بیشتر در کشورمان فراهم آورد. این پیشنهاد به ترامپ در حالی صورت می‌گیرد که قبلا نیز وی بارها از رئیس‌جمهور آمریکا خواسته بود تا از توافق هسته‌ای با ایران کنار کشیده و بر شدت تقابل خود با ایران بیفزاید.

وجه مشترک کاتن، کروزر و مک کین با ترامپ

حمایت سناتورهای جنجالی از آشوب در ایران

مجید باقرزاده

کارشناس مسائل سیاسی

۴

سه سناتور جنجالی و شناخته شده حزب جمهوریخواه حمایت خود را از اغتشاشات در ایران اعلام کرده اند. تد کروزر در واکنشی خصمانه و مداخله جویانه نسبت به راهپیمایی و تجمعات غیرقانونی در ایران، گفت: «از همه ملت ها می خواهم تا از تظاهرات کنندگان ایرانی حمایت کنند.» وی در صفحه توئیتر خود و در واکنش به تجمعات و راهپیمایی غیرقانونی چند روز اخیر در برخی شهرهای کشور، نوشت: «از دولت ترامپ می خواهم تا هر چه در توان دارد برای حمایت از تظاهرات کنندگان ایران انجام دهد.» سناتور «تام کاتن» نیز در بیانیه خود که در توئیتر منتشر شده آورده است: «حتی با اینکه میلیاردها دلار از لغو تحریم ها دریی توافق هسته ای، عاید ایران شد اما بازهم آنها (مسنولان) نتوانستند نیازهای اساسی مردم خود را برآورده کنند.» وی در ادامه ادعاهای بی پایه و اساس خود، کمک ایران به مردم جنگ زده سوریه، عراق، یمن و همچنین حمایت از صلح و ثبات در لبنان را عامل کمبودهای اقتصادی دانست. این سناتور ضد ایرانی، در پایان علنا حمایت خود و آمریکا از این اعتراضات را اعلام کرده و می نویسد: «اعتراضات در مشهد نشان داد که حکومتی با چنین ایدئولوژی نمی تواند برای همیشه حمایت مردمی را داشته باشد و ما باید از مردم ایران که زندگی خود را برای بیان این موضع به خطر می اندازند حمایت کنیم!»

همچنین جان سناتور جمهوریخواه و جنگ طلب آمریکا در توییتهای مداخله جویانه به تحولات داخلی ایران واکنش نشان داد. وی که پیش از این نیز بارها خصومت خود را علیه مردم ایران نشان داده است این بار در توییتهای مداخله جویانه نوشت: «آمریکا در کنار معترضان شجاعی که در تلاش برای دستیابی به آزادی، صلح و پایان فساد در ایران هستند، ایستاده است!» این در حالی است که سناتور مک کین در چند ماه گذشته با سرکردگان فرقه تروریستی رجوی دیدارهای متعددی داشته است.

در خصوص حمایت سه سناتور جمهوریخواه و جنگ طلب از اغتشاشات اخیر در ایران نکاتی وجود دارد که نمی توان به سادگی از کنار آنها گذشت؛ نخست اینکه وجه مشترک هر سه سناتور آمریکایی، مخالفت محض با برجام و حمایت از ادامه تحریم های هسته ای ایران بوده و است. مک کین، تد کروزر و تام کاتن هر سه معتقدند که باید با اعمال تحریم هایی سخت و فلج کننده، اقتصاد ایران را به نابودی کشاند و از این طریق بر مردم کشورمان فشار وارد کرد. بخش اعظمی از تحریم های ظالمانه ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا علیه ایران طی سال های گذشته و اخیر، با اعمال نفوذ همین سه سناتور صورت گرفته است. در چنین شرایطی دلسوزی آنها برای ملت ایران چیزی جز نمایشی تصنعی نیست. بدیهی است که مک کین، تد کروزر و تام کاتن خواستار نابودی نظام و ملت ایران هستند. همگان به خوبی به یاد دارند که در جریان رقابت های انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ میلادی، تد کروزر که از نامزدهای حزب جمهوریخواه محسوب می شد، صراحتا از پاره کردن برجام و اعمال دوباره تحریم ها علیه ملت ایران دفاع کرد. همچنین تام کاتن نیز که لقب ضد ایرانی ترین سناتور آمریکایی را یدک می کشد، بارها از وضع تحریم های اقتصادی علیه ایران دفاع کرده و خواستار تغییر نظام شده است! جان مک کین نیز در جریان رقابت های انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۸ آمریکا (به عنوان نامزد نهایی جمهوریخواهان) سخن از برخورد سخت با کشورمان به میان آورده بود.

نکته دیگر اینکه چنانچه اشاره شد، جان مک کین به همراه دو سناتور دیگر مورد اشاره، هر سه از حامیان گروهک تروریستی منافقین محسوب می شوند. حمایت مک کین، تد کروزر و تام کاتن از اغتشاشات اخیر در ایران مورد استقبال بازماندگان نفاق و فرقه رجوی قرار گرفته است. جان مک کین هر سال در گردهمایی منافقین و البته در ازای دریافت مبلغی هنگفت که از سوی دولت های غربی تامین می شود شرکت کرده و به سخنرانی می پردازد. این در حالی است که دستان منافقین به خون هزاران انسان بی گناه در کشورمان آلوده است.

همچنین همگان به یاد دارند که هم پیمانی منافقین کوردل و صدام در جریان جنگ تحمیلی چگونه منجر به شهادت تعداد زیادی از هم وطنان ما شد. بدیهی است که در چنین شرایطی اعلام حمایت مک کین و تد کروزر و تام کاتن از اغتشاشات ایران نوعی فرار به جلوی آنها در قبال رفتارهایشان در قبال ملت همیشه در صحنه ایران است، اگر نه تفر این سه سناتور آمریکایی نسبت به ملت ایران اساسا غیر قابل انکار است.

نکته آخر اینکه در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ و طی یک سال اخیر، هر سه سناتور آمریکایی به رغم اختلافاتی که با کاخ سفید در حوزه های سیاست داخلی داشتند، از حامیان برخورد سخت و واشنگتن با ایران و ایرانیان بودند. در جریان اعلام تصمیم جنجالی ترامپ مبنی بر جلوگیری از ورود اتباع ایرانی به ایالات متحده آمریکا، مک کین و تد کروزر و تام کاتن نه تنها اقدامی صورت ندادند، بلکه از این تصمیم حمایت کردند. همچنین زمانی که ترامپ در سخنانی وقیحانه ملت ایران را تروریست خواند، هر سه سناتور آمریکایی سکوت کرده و به این وسیله حمایت خود را از رئیس جمهور آمریکا اعلام کردند. بنابراین آنچه ترامپ، جان مک کین، تد کروزر و تام کاتن را به یکدیگر پیوند می دهد، تفر آنها از ملت همیشه در صحنه و غیور ایران است. بدیهی است که در چنین شرایطی دلسوزی آنها برای اغتشاشگران سند دیگری دال بر این تفر است. ایالات متحده آمریکا به طور کلی در صدد ایجاد ناامنی در ایران است تا از این طریق بتواند معادلات و اهداف خود در منطقه را مدیریت و هدایت نماید. بدیهی است که کاخ سفید و کنگره آمریکا در راستای دستیابی به این هدف شوم و البته دست نیافتنی، روی معدود عوامل و مزدوران خود در منطقه حساب می کنند. آنچه مسلم است اینکه ملت ایران به صورتی هوشمندانه بازی دشمنان قسم خورده خود را رصد می کند و به آنها اجازه سوء استفاده و دخالت در امور داخلی کشورمان را نخواهد داد. بنابراین، این بار نیز سه سناتور آمریکایی نیز مانند دیگر مقامات این کشور در مقابل ملت و نظام جمهوری اسلامی ایران محکوم به شکست هستند. موضوعی که در طول ۴ دهه بارها به اثبات رسیده است. ▶



داخلی دیگر کشورها دخالت کرده و حالا اغتشاشات اخیر نتیجه این سیاست‌های اتخاذشده از سوی تهران است!

این اظهارات وقیحانه بدون هماهنگی با مقامات آل سعود منتشر نشده است. همان گونه که اشاره شد، عربستان سعودی پس از حدود شش سال حمایت میدانی و نظامی و مالی مستقیم از جریان تکفیری در سوریه و عراق، در این دو کشور شکست سختی خورده است. از اظهارات این شیخ قطری می‌توان عمق وحشت‌زدگی آل سعود را از شکست در سوریه و منطقه درک کرد.

اظهارات اخیر علی شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی کشورمان نیز در خصوص دخالت آل سعود در اغتشاشات اخیر و نقش مقامات عربستانی در این منازعه قابل توجه است. وی به تلاش برخی کشورها از جمله عربستان در تحریک فضای داخل ایران از طریق اینترنت پرداخت و آنچه را در فضای اینترنت درباره ایران در جریان است «جنگ نیابتی» علیه ملت ایران دانست.

شمخانی گفت: «هشتگ‌های مرتبط با وضعیت ایران در آمریکا و انگلیس و عربستان سعودی و جاهای دیگر ساخته شده است. ۲۷ درصد از هشتگ‌هایی که در اینترنت درباره ایران به راه افتاده متعلق به سعودی‌هاست. دولت «محمد بن سلمان» این هشتگ‌ها را به راه می‌اندازد و عوامل اجرایی آن، اسرائیلی و غربی هستند. سعودی‌ها سازمانی را درست کرده‌اند و افرادی نیز از خارج از آن کشور برای اداره این سازمان آورده‌اند چون خودشان چنین توانایی‌ای را ندارند.»

ارتباط میان مقامات آل سعود و منافقین، موضوع دیگری است که در این خصوص مورد توجه قرار گرفته و از سوی دبیر شورای عالی امنیت ملی کشورمان مورد تأکید قرار گرفته است. شمخانی منافقین را نیز ابزار سازمان تحت رهبری سعودی‌ها دانست و گفت: «سعودی‌ها از جایی که فکرش را هم نمی‌کنند از ایران پاسخ مناسبی خواهند گرفت و آنها به خوبی خطر پاسخ ما را می‌دانند. عربستان سعودی نمی‌تواند با دخالت در ایران و تحریک ملت آگاه ایران بر شکست‌هایش در یمن سرپوش بگذارد. حساسیت ملت ایران نسبت به دخالت سعودی در امور کشورمان بیشتر از حساسیت آنها نسبت به دخالت‌های آمریکا و ترامپ است. هدف از دخالت خارجی سازمان‌یافته در ایران این است که جلوی پیشرفت کشورمان گرفته شود. آنها می‌خواهند حرکت رو به جلوی ایران را از داخل به هم بزنند و در برابر آن مانع تراشی کنند.

در نهایت اینکه انگیزه‌ها و علل حمایت آل سعود از آشوب‌ها اخیر در ایران کاملاً محرز و مشخص است. این حمایت‌ها، انعکاسی از شکست و ناتوانی‌های منطقه‌ای ریاض است. آل سعود به عنوان رژیم منفور و در حال زوال که از کمترین احترام و اعتباری در نزد ملت خود نیز برخوردار نیست و همچنین به عنوان رژیم دیکتاتوری که حمایت آن از تروریسم زبازده خاص و عام است، هم اکنون دست به حمایت از اغتشاش و آشوب در کشورمان زده است! بدیهی است که آل سعود در این معادله محکوم به شکست و فساد است. ذوق‌زدگی پرهزینه فعلی آل سعود، در آینده‌ای بسیار نزدیک به اندوهی عمیق تبدیل خواهد شد که گریبان اعضای خاندان سلطنتی سعودی‌ها و خصوصاً محمد بن سلمان و پدرش را خواهد گرفت. ریاض در این بازی نیز در مقابل تهران بازنده‌ای تمام‌عیار خواهد بود؛ بازنده‌ای که در نهایت سرنوشتی جز سقوط و فنا نخواهد داشت. این حداقلی‌ترین سرنوشت مهره‌های ایالات متحده آمریکا و رژیم اشغالگر قدس در منطقه و جهان اسلام محسوب می‌شود... ▶



ذوق‌زدگی پرهزینه آل سعود

تاملی بر حمایت ریاض از اغتشاشات ایران

علی عالمی

کارشناس مسائل سیاسی

و فعالان خبری در عربستان سعودی که جملگی به حکومت این کشور وابسته هستند، از وقوع این اغتشاشات ابراز خرسندی کرده و خواستار حمایت از آن شدند. این حمایت‌ها در حالی صورت می‌گیرد که عربستان سعودی به عنوان کشوری عقب‌مانده (به لحاظ فرهنگی و سیاسی) مورد شناسایی و تحلیل افکار عمومی دنیا قرار گرفته است.

با این حال، عربستان سعودی همچنان جرات ابراز حمایت مستقیم از آشوب و ناامنی در ایران را ندارد. در ادامه واکنش‌های مداخله‌جویان برخی مسئولان و چهره‌های عربی و غربی در خصوص اغتشاشات اخیر در برخی شهرهای ایران، «سلطان سجیم آل ثانی» که خود را رهبر معارضان دولت قطر خطاب می‌کند در صفحه توئیتر خود نسبت به تحولات اخیر ایران واکنش نشان داده است.

این چهره نزدیک به عربستان که در کشور خود به عنوان جریان اپوزیسیون هم‌حیانی ندارد، مدعی شده است زمانی که دولت بشار اسد تحت فشار معارضان سوری قرار گرفت ایران از «مزدوران» خود خواست تا به یاری او بشتابند، حالا که ماجرا بر عکس شده است چه کسی به یاری حکومت ایران خواهد رسید؟ این شیخ قطری که از مخالفان «حمد بن خلیفه»، امیر این کشور است و به وسیله عربستان به عنوان رهبر معارضان قطر معرفی می‌شود، مدعی شده است که حزب الله، دولت قطر، جریان‌های سیاسی عراقی و دولت‌نصیری‌ها (علوی‌های سوریه) از تغییر حکومت ایران ضرر خواهند کرد. وی در توئیتر دیگری هم ادعا می‌کند ایران در امور

مقامات عربستان سعودی در کنار مقامات آمریکایی و صهیونیستی به حمایت از آشوب و ناامنی در ایران ادامه می‌دهند. چندی پیش مقامات سعودی عنوان کرده بودند که ناامنی و آشوب در منطقه را به داخل خاک ایران خواهند کشاند. از سوی دیگر، محمد بن سلمان به عنوان اصلی‌ترین حامی تروریسم تکفیری در منطقه، میلیاردها دلار در اختیار داعش و دیگر گروه‌های تروریستی قرار داده است تا از طریق آن، بحران و ناامنی را در معادلات منطقه تزییق کنند. آل سعود که از شکست در عراق، سوریه، بحرین و یمن به شدت وحشت‌زده به نظر می‌رسد، سعی دارد در یک انتقام‌گیری کور، محرک و حتی مولد آشوب در داخل کشورمان باشد. این در حالی است که ملت ایران این بار نیز مانند گذشته، پاسخ سختی به آل سعود و حامیان غربی و صهیونیستی این رژیم فاسد و تروریستی خواهند داد.

اگرچه محمد بن سلمان به دستور سازمان‌های تروریستی سیا و موساد از اظهار نظر مستقیم در خصوص وقایع اخیر در کشورمان خودداری کرده است، اما بر همگان مسلح است که ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی روی ریاض برای تشدید اغتشاشات در ایران حساب ویژه‌ای باز کرده‌اند. جلساتی که طی ماه‌های گذشته میان سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا، عربستان و رژیم صهیونیستی برگزار شده، شاهدی دال بر این ادعاست. اخیراً رسانه‌ها

نقشه شوم ترامپ

گفت‌وگوی مثلث بانقوی حسینی

به توطئه‌های مستمر دشمنان نظام و انقلاب اسلامی در طول ۴ دهه اخیر اشاره کردید. لطفاً در این خصوص بیشتر توضیح دهید.

▲ در دوران جنگ تحمیلی، تمام کشورهای اروپایی و برخی از حکام مرتجع منطقه از صدام حمایت کردند تا بتواند ریشه انقلاب اسلامی را بخشکاند. حتی وقتی خبرنگاران بعد از حمله عراق به ایران اسلامی می‌خواستند با صدام مصاحبه بگیرند گفت من با شما سه روز دیگر در تهران مصاحبه خواهم کرد. رزمندگان با دست خالی در مقابل متجاوزان بستی ایستادند و از انقلاب اسلامی دفاع کردند. تمام دنیا با عوامل منطقه‌ای پشت صدام ایستادند اما ملت ایران اسلامی با دست خالی در مقابل آنان پیروز شد. استکبار جهانی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ۱۷ هزار ترور انجام داد تا شاید بتواند انقلاب اسلامی را از بین ببرد. استکبار جهانی گروه‌های تروریستی را مجهز کرد تا با ترور شخصیت‌های برجسته و مردم بیگانه به اهداف شوم خودشان برسند.

بنابراین، ما شاهد اقدامات همه‌جانبه دشمنان برای مواجهه با ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی بوده‌ایم. این تلاش‌ها طی ۴ دهه اخیر به اشکال و عناوین مختلف وجود داشته است. در این میان، فتنه ۸۸ یکی از سخت‌ترین فتنه‌ها علیه انقلاب اسلامی بود در این خصوص ۲ هزار سند در خصوص فتنه ۸۸ در کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی وجود دارد. برخی عوامل داخلی نیز به بازیچه کشورهای غربی (و در راس آنها آمریکا) و سران مرتجع منطقه‌ای تبدیل شدند تا نظام جمهوری اسلامی ایران را ساقط کنند. به عبارت بهتر، استکبار جهانی با تمام توان خود برای از بین بردن انقلاب به صحنه آمد اما با پاسخ محکم ملت ایران مواجه شد. رهبر معظم انقلاب اسلامی با بصیرت‌افزایی و اعتماد مردم فتنه ۸۸ را خاموش کردند و همه انگشت به دهان ماندند. رئیس اسبق سازمان سیا بعد از فتنه ۸۸ گفت: «رهبر ایران بعد از همه این فراز و نشیب‌ها پیروز واقعی این ماجرا بود. این بار نیز فتنه تازه‌ای از سوی ضدانقلاب و جریان‌های معاند نظام بر پا شده است اما این فتنه نیز با واکنش ملت ایران ناکام خواهد ماند.»

▲ دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا و دیگر مقامات کاخ سفید طی روزهای اخیر به صورت مستمر از اغتشاشات در ایران حمایت کرده و خواستار ادامه آنها شده‌اند. این در حالی است که ترامپ از بدو ورود خود به کاخ سفید حتی اجازه ورود اتباع ایرانی به خاک کشورش را نداد و در سخنانی اهانت‌آمیز، مردم ایران را تروریست نامید. در چنین شرایطی حمایت واشنگتن و تل‌آویو از اغتشاشات در ایران جای بسی تأمل داشته و نشانه‌ای دال بر ماهیت متفاوت این تحرکات با اعتراض‌های مسالمت‌آمیز داخلی است. در این خصوص گفت‌وگویی با سیدحسین نقوی حسینی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی صورت داده‌ایم که از نظراتان می‌گذرد.

▲ همان‌گونه که اشاره کردم، در حال حاضر اعتراض‌ها و در حقیقت اغتشاشات، دیگر دست کسانی نیست که معضلات اقتصادی و معیشتی دارند. در حال حاضر عملاً ضد انقلاب و دشمنان ملت و نظام جمهوری اسلامی در صحنه حضور دارند. دشمنان انقلاب اسلامی ایران طی ۴ دهه اخیر از هیچ‌گونه اقدام و توطئه‌ای در این خصوص فروگذار نکردند اما در نهایت ملت ایران توانست بر همه این توطئه‌ها غلبه کند و پاسخ سختی به دشمنان دهد. در حال حاضر نیز با حرکتی از سوی جریان ضد انقلاب مواجه هستیم. بدیهی است که ملت ایران در مواجهه با این حرکت دوباره به صحنه خواهند آمد و دشمنان را مایوس خواهند کرد. ملت ایران در سال ۱۳۸۸ نیز با حضور بهنگام و آگاهانه خود، چشم فتنه را کور کرد. آنچه در ۹ دی ماه سال ۱۳۸۸ رخ داد، نماد آگاهی و هشیاری ملت ایران در برابر دشمنان نظام بود. اطمینان داریم که ملت این بار نیز حتماً وارد میدان خواهد شد و تکلیف جریان‌های معاند و ضد انقلاب را روشن خواهد کرد.

ماهیت تحرکات و اغتشاشات اخیر در کشور را چگونه تحلیل و ارزیابی می‌کنید؟ آیا می‌توان این اغتشاشات را نماد و نشانه اعتراضی مدنی و منطقی دانست؟

▲ واقعیت امر این است که هم‌اکنون ما با توطئه‌ای از سوی دشمنان قسم‌خورده انقلاب اسلامی و همچنین یک حرکت ضد انقلابی مواجه هستیم. طی روزهای اخیر، برخی مردم مطالبات اقتصادی خود را بیان کردند که این مطالبات برحق بود. اعتراضات آرام مردم در خصوص مسائل اقتصادی و خصوصاً پدیده گرانی موضوعی است که باید آن را به رسمیت شناخت. اعتقاد دارم که مردم باید بتوانند اعتراضات خود را در این خصوص بیان کنند و مسئولان نیز باید در راستای حل و فصل معضلات معیشتی مردم نهایت تلاش خود را به کار گیرند. بدیهی است که شهروندان در این خصوص انتظاراتی بحق دارند که مسئولیت برآورده ساختن آنها نیز قوای سه‌گانه هستند. به عبارت بهتر، هر سه قوه مجریه، مقننه و قضاییه باید به این مطالبات توجه کرده و در راستای برطرف ساختن این معضلات اقدام نمایند. با این حال در ادامه شاهد بودیم که این اعتراضات برحق عده‌ای از شهروندان، مورد بهره‌برداری دشمنان قرار گرفت. در چنین شرایطی دشمنان پا به میدان گذاشتند. حمایت معاندین ضد انقلاب از اعتراضات صورت گرفته در همین راستا قابل ارزیابی است. گروه تروریستی منافقین که ۱۷ هزار نفر از شهروندان ما را نیز به شهادت رسانده و ترور کرده‌است، حمایت خود را از اغتشاش در ایران اعلام کرد. حتی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکانیز حمایت خود را از این موضوع به صورتی علنی و چندباره اعلام کرده‌است. حمایت کاخ سفید از اغتشاشات در حالی صورت می‌گیرد که چندی پیش ترامپ صراحتاً ملت ایران را تروریست خوانده و به مردم ما توهین کرده بود. اما او حالا طرفدار ملت ایران شده‌است!

با توجه به نکاتی که به آن اشاره کردید، چشم‌انداز شرایط فعلی در کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ واکنش ملت ایران نسبت به اغتشاشگران چه خواهد بود؟



آیا دولت حسن روحانی در عرصه اقتصاد ورشکست شده است؟
بررسی فاکتورهای مختلف می تواند پاسخ روشنی برای این سوال باشد.
در پرونده این هفته به صورت ویژه این مساله بررسی کرده ایم.

دولت بزرگ دولت محافظه کار

بررسی ابعاد اقتصادی آشوب های اخیر
با این سؤال که آیا دولت روحانی در
بخش اقتصادی ورشکسته است؟

تیتراول



**تیم اقتصادی دولت متوجه نیستند در
جامعه چه خبر است**
حیدر مستخدمین حسینی
در گفت و گو با منتل



دولت ورشکسته نیست
گفت و گو با
اسدالله عسگر اولادی



**دولت روحانی اشتباه‌های
دولت‌های قبل را تکرار می‌کند**
گفت و گو با منتل
با محمدقلی یوسفی

بالطبع تزریق پول به بازار تشخیص می‌دهد. در واقع، عصاره یا سیاست اصلی «بسته خروج از رکود» تزریق پول به بازار است. هدف یا امید از اعمال این سیاست این است که این افزایش نقدینگی تقاضای را کدرا به حرکت درآورده و از آن طریق (یعنی به طریق القایی) تولید و عرضه را تقویت کند. گرچه این سیاست پولی به ظاهر منطقی به نظر می‌رسد، ولی در واقع اشکالات عمده‌ای دارد. اشکال اول این است که دولت تنگناهای مالی بنگاه‌های تولیدی را مترادف می‌داند با کمبود نقدینگی در کل اقتصاد. در صورتی که واقعیت غیر از این است. بدین معنی که تنگناهای مالی بنگاه‌های تولیدی بیشتر به خاطر این است که نقدینگی موجود در بازار با اقتصاد ایران، که کم هم نیست، عوض اینکه به سمت تولید برود در راه‌های غیر تولیدی قمارگونه یا انگلی سرمایه‌گذاری می‌شود. آمارهای رسمی نشان می‌دهد که ایران از نظر سرمایه‌ی نقدینگی ریالی در شرایط مناسبی قرار دارد. طبق آمار بانک مرکزی حجم نقدینگی کشور بیش از ۸۰۰ هزار میلیارد تومان است، ولی این نقدینگی در راه‌های تولیدی سرمایه‌گذاری نمی‌شود چون سود در تولید نیست، بلکه در زمین و طلا و ارز و واردات کالا و واسطه‌گری و سوداگری مالی است. مادام که مشکلات و موانع تولید برطرف نشود، از تولیدکننده و کارآفرین حمایت نشود، به‌طور جدی با قاچاق کالا برخورد نشود، از تولیدکنندگان مالیات گرفته‌ولی دلالان و سوداگران مالی و زمین‌خواران معاف باشند، دولت بزرگترین خریدار کالاهای خارجی باشد و تولیدکننده داخلی بازار فروش را به رقبای خارجی بخته باشد، سرمایه‌گذاری تولیدی به عمل نیامده و اقتصاد رونق نخواهد گرفت. به‌طور کلی، مادام که سرمایه‌مملکت با حمایت و هدایت دولت در راه‌های تولیدی و سازندگی به کار نیفتاده و بانک‌ها و شبه بانک‌ها و دیگر سرمایه‌داران می‌توانند فارغ از هر گونه قوانین و مقرراتی در هر زمینه غیر تولیدی و سوداگرانه سرمایه‌گذاری کنند، تزریق نقدینگی بیشتر به بازار به خودی خود موجب افزایش سرمایه‌گذاری تولیدی و خروج از رکود را فراهم نخواهد آورد. برعکس، افزایش نقدینگی تحت چنین شرایطی در

قیمت جهانی است. با این کار ما از قاچاق‌گندم جلوگیری کرده‌ایم، اما کسان دیگری هم هستند که نظرات خاص خود را دارند. اسماعیل حسین‌زاده، استاد ایرانی دانشگاه دیرک، معتقد است که دست‌نمائی بازار، کار دست دولت روحانی داده است. او می‌گوید: «بسته خروج از رکود» از ضعف تقاضا به عنوان علت عمده رکود یاد می‌کند. ولی واقعیت این است که ضعف تقاضا خود معلول است، نه علت. علت عمده ضعف تقاضا رکود اقتصادی را بایستی در سیاست‌های انقباضی دولت در دو سال گذشته جست‌وجو کرد. این سیاست‌ها به پیروی از این فلسفه به ظاهر زیبا ولی در واقع غلط‌انداز که: «دست‌نمائی بازار حلال مشکلات اقتصادی است» تولیدکنندگان داخلی را به دست فراموشی سپرد؛ قیمت مولفه‌های انرژی یا هزینه‌های تولید را بالا برد؛ بودجه توسعه و عمران را کاهش داد؛ از صنایع بومی و صادرکنندگان مملکت حمایت نکرد؛ بخش مسکن را به علت عدم اجرای تعهدات دولت درباره مسکن مهر مختل کرد؛ سرمایه‌گذاری‌های غیرمولد یا قمارگونه را مهار نکرد و شاید بدتر از همه، درها یا مرزهای ایران را روی واردات بی حساب و کتاب باز کرد. مبارزه موثر با رکود کم‌رشدن فعلی، شناسایی و اصلاح این سیاست‌های رکودزا را می‌طلبد. متأسفانه، به نظر می‌رسد که آقای روحانی و سیاست‌گذاران اقتصادی‌اش تمایلی به شناسایی این علل بنیانی رکود ندارند. در عوض، عمدتاً از «تنگناهای مالی» یا کمبود نقدینگی به عنوان علت اصلی ضعف تقاضا و رکود بازار اسم می‌برند و هم از این‌رو است که «بسته خروج از رکود» دولت بیشتر شباهت دارد به نسخه‌ای که بدون توجه به تشخیص بیماری صادر شده باشد. گرچه این بسته به‌طور پراکنده، مبهم و جسته و گریخته از تقویت بنگاه‌های تولیدی و حتی از اقتصاد مقاومتی اسم می‌برد، ولی به نظر می‌رسد که چنین اشاراتی بیشتر محض خالی نبودن عریضه باشد تا تعهدات اجرایی این اصول. چون «بسته خروج از رکود» علت عمده ضعف تقاضا و رکود بازار را «تنگناهای مالی» یا کمبود نقدینگی می‌داند، علاج این مشکلات را هم

آیا دولت حسن روحانی، یک دولت ورشکسته اقتصادی است؟ آیا اساساً این دولت می‌تواند اوضاع را به سمت بهبودی ببرد؟ این سوال بسیار مهمی است که البته پاسخ‌های متفاوتی هم از سوی صاحبان عقیده در این حوزه دارد. برای مثال محسن رزائی از همان دولت اول روحانی هشدارهایی در این زمینه داده بود. او قبل از انتخابات اخیر گفته بود: «امروز ما در طولانی‌ترین دوران رکود اقتصادی خود به سر می‌بریم، بخش بزرگی از اقتصاد ایران در آستانه ورشکستگی قرار دارد، هزاران بنگاه یا تعطیل هستند یا برای اعلام ورشکستگی منتظر اعلام نتایج مذاکرات هسته‌ای مانده‌اند. به این ترتیب اگر با غرب به توافق نرسیم، این پیام را به فعالان نگران اقتصادی ارسال می‌کنیم که حرکت به سوی اعلام ورشکستگی و تعدیل نیرو را آغاز کنند. در گذشته دولت اشتباهاتی در سیاستگذاری‌ها انجام داد. خطای استراتژیک دولت یازدهم این بود که ساماندهی مناقشه هسته‌ای را به برگ برنده خود تبدیل کرد، اما همین برگ برنده می‌تواند به برگ بازنده او هم بدل شود به‌رحال باید پذیرفت که توافق هسته‌ای شرط لازم برای خروج اقتصاد از روزهای بحرانی است، اما قطعاً این موضوع شرط کافی برای دستیابی به موفقیت نخواهد بود. اقتصاد ما در چرخه اقتصادی بسته‌ای گرفتار شده و تلاش می‌کنیم این مسیر بسته را با پتک باز کنیم؛ یعنی اولین قدم توافق هسته‌ای و رفع تحریم‌ها است بعد از آن نوبت به رفع موانع می‌رسد. درهای اقتصاد ما به روی جهان بسته است حتی اگر تحریم‌ها هم برداشته شود درپچه‌ها برای ورود کالا باز می‌شود نه برای صادرات محصولات ایرانی. به صورت خلاصه اینکه به علت بهره‌وری پایین نیروی کار، فقدان مزیت رقابتی و وجود بیماری‌های هندی، درپچه‌های صادرات در اقتصاد ایران بسته است. این درحالی است که به علت فقر طبقه متوسط جامعه امکان تحریک تولید هم وجود ندارد و این بخش نمی‌تواند از سایه سنگین تحریم خارج شود. در کوتاه‌مدت امیدی به باز شدن درپچه‌های صادرات نداریم. کاهش تقاضا ناشی از افت قدرت خرید مردم به دلیل تشدید رکود اقتصادی است. من به دولت توصیه کرده بودم مهار تورم را دست کم مدتی به تأخیر بیندازد و در مدار ۳۰ درصد به ثبات برساند تا رکود اقتصادی سنگین‌تر نشود.»

سعید لیلار هم در تازه‌ترین اظهارنظرش گفته است: «امروز در شبکه‌های اجتماعی واقعیت‌ها منعکس نمی‌شود. ما امروز در مرز فروپاشی نیستیم و من فروپاشی در آینده نمی‌بینم. اقتصاد ایران در حال فروپاشی نیست. اقتصاد ایران نیاز به یک جراحی عمیق دارد که اگر رسیدگی نشود، قطعاً فروپاشی صورت خواهد گرفت. ما اگر واقعیت‌ها را ببینیم اگر واقعیت‌های عینی، اعداد و ارقام و شواهد اجتماعی را مشاهده کنیم هنوز هم از شرایط موجود می‌توان دفاع کرد. اقتصاد ما وضع بدی ندارد. رشد اقتصادی ما در ۶ ماهه اول امسال ۶ درصد بوده است. طبقه کارگری امروز قدرت خرید دارند. امروز قدرت خرید بالاتر رفته است. در یک سال یک میلیون و ۶۰۰ هزار خودرو به طبقات فرودست فروخته‌ایم. ما پارسال ۱۵ هزار میلیارد تومان گندم از گندمکاران خریدیم. این اتفاق بزرگی است و پولی که برای هر کیلو گندم پرداخته می‌شود، دو برابر

جدول ۱

سال	بدهی بانک‌های تجاری	بدهی بانک‌های تخصصی	بدهی بانک‌های غیردولتی	درصد تغییر
82	1918	495	7.3	0.0
83	1695	453	4.1	0.0
84	2796	795	75.2	0.0
85	3727	1761	121.5	0.0
86	8347	5239	197.4	182.3
87	15,797	7481	42.8	691.4
88	5245	8458	13.1	3189.3
89	8866	21,622	155.6	2450.9
90	3346	36,869	67.7	2211.3
91	1731	44,210	21.9	2889.7
مرداد 92	4923	47,696	7.9	3149
92	2663	54,767	23.9	2116
93	5918	55,897	2.1	23,988
94	13,880	57,280	2.5	12,470
11 ماهه 95	14,710	60,250	+5.2	40,530
		+6		+225

حکم ریختن آب به آسیاب سوداگران یا قماربازان مالی خواهد بود.»

با این اظهارنظرهای متفاوت شاید بهترین راه برای رسیدن به تحلیل درست بررسی وضعیت اقتصادی در فاکتورهای مختلف از جمله تورم، بیکاری، نقدینگی و غیره باشد.

کدام دولت رکوددار نرخ بیکاری بود؟

نرخ بیکاری به عنوان یکی از شاخص های سنجش وضعیت بازار کار، هر چند به تنهایی نمی تواند شاخص مناسبی برای قضاوت و ارزیابی بازار کار باشد، اما شاخصی برای مقایسه روند وضعیت اشتغال کشور در سال های مختلف با یکدیگر خواهد بود که از این حیث، قابل توجه و بررسی است. از سوی دیگر «بیکاری و اشتغال» به عنوان یکی از موضوعات اساسی اقتصاد هر کشور محسوب می شود؛ به طوری که افزایش اشتغال و کاهش بیکاری به عنوان یکی از شاخص های توسعه یافتگی جوامع خواهد بود. در ۱۲ سال گذشته، سه دولت نهم، دهم و یازدهم مدیریت اجرایی کشور را در دست داشتند و این مدت، در سه بازه زمانی سال های ۸۴ تا ۸۸ (مدیریت دولت نهم)، سال های ۸۸ تا ۹۲ (مدیریت دولت دهم) و سال های ۹۲ تا ۹۶ (مدیریت دولت یازدهم) قابل تقسیم بندی است. بر این اساس، نرخ بیکاری کل کشور در دولت نهم، از ۱۱/۵ درصد در سال ۸۴ آغاز شد و در سال ۸۵، به ۱۱/۳ درصد، در سال ۸۶ به ۱۰/۵ درصد و در سال ۸۷ نیز به ۱۰/۴ درصد رسید تا اینکه نرخ بیکاری ۱۱/۵ درصدی در ابتدای دولت نهم به ۱۰/۴ درصد در سال پایانی این دولت برسد. در حالی که نرخ بیکاری در دولت نهم، روند نزولی داشت؛ اما نوک پیکان این شاخص در سال ۸۸ به عنوان نخستین سال ابتدای دولت دهم، صعودی شد و با افزایش ۱/۵ درصدی به ۱۱/۹ درصد رسید؛ اما روند افزایش نرخ بیکاری ادامه داشت تا اینکه این نرخ در سال ۸۹ به ۱۳/۵ درصد برسد و رکورد بالاترین نرخ بیکاری در ۱ سال گذشته را به خود اختصاص دهد. پس از آن، از سال ۹۰ مجدد شاخص نرخ بیکاری روند نزولی به خود گرفت تا از ۱۲/۳ درصد به ۱۲/۱ درصد در سال ۹۱ و سال پایانی دولت دهم برسد. هر چند دولت یازدهم در نخستین سال از مدیریت خود، نرخ بیکاری سال پایانی دولت دهم را از ۱۲/۱ درصد با کاهش ۱/۷ درصدی به ۱۰/۴ درصد کاهش داد، اما نمودار نرخ بیکاری در این دولت روند صعودی به خود گرفت، به طوری که نرخ بیکاری از ۱۰/۶ درصد در سال ۹۳، به ۱۱ درصد در سال ۹۴ و در سال ۹۵ نیز به ۱۲/۴ درصد افزایش یافت.

بررسی آمار نرخ بیکاری در ۱۱ سال گذشته نشان می دهد در این مدت، کمترین نرخ بیکاری مربوط به سال های ۱۳۸۷ و ۱۳۹۲ با ۱۰/۴ درصد بود؛ همچنین بیشترین نرخ بیکاری هم در سال ۱۳۸۹ با نرخ ۱۳/۵ درصد به ثبت رسید. در عین حال برآیند مقایسه نرخ بیکاری در سه دولت گذشته، حکایت از آن دارد که میانگین نرخ بیکاری در دوره مدیریت دولت نهم ۱۰/۹ درصد، در دولت دهم ۱۲/۴ درصد و در دولت یازدهم نیز ۱۱/۱ درصد بوده است.

اما نرخ مشارکت اقتصادی یا همان جمعیت فعال که «مجموع افراد شاغل و بیکار در سن کار را شامل می شود»، یکی از شاخص های موثر در کاهش یا افزایش نرخ بیکاران است. هر چه نرخ مشارکت افزایش یابد، یعنی جمعیت فعال اقتصادی کشور نیز افزایش یافته که این، یک امتیاز مثبت برای اقتصاد کشور تلقی می شود؛ اما در مواقعی ممکن است به تبع رشد نرخ مشارکت، نرخ بیکاری نیز افزایش یابد، بنابراین در کنار بررسی آمار بیکاری، باید نرخ مشارکت نیز مدنظر گرفته شود؛ به همین منظور در

جدول شماره جمعیت بیکار در کنار جمعیت مشارکت اقتصادی مورد بررسی قرار گرفت.

آمار جمعیت بیکار در کنار جمعیت فعال اقتصادی در ۱۱ سال گذشته نشان می دهد، «نرخ مشارکت» در سال های ۸۴ تا ۹۳ در بازه ۲۲/۸ میلیون نفر تا ۲۳/۸ میلیون نفر متغیر بود؛ اما در سال ۹۴ نرخ مشارکت به ۲۴/۷ میلیون نفر رسید که حدود ۹۰۰ هزار نفر بیش از سال ۹۳ بود؛ در مقابل نرخ بیکاری ۹۴ نسبت به ۹۳ حدود ۲۰۰ هزار نفر افزایش داشت.

همچنین در سال ۹۵ نیز «نرخ مشارکت» با رشد حدود یک میلیون نفری، به ۲۵/۷۹۱ هزار نفر رسید و در برابر این رشد، حدود ۵۰۰ هزار نفر به نرخ بیکاری هم اضافه شد. علاوه بر نرخ مشارکت اقتصادی به عنوان یک شاخص جمعیتی، نرخ رشد اقتصادی، جذب سرمایه گذاری و بهره وری، از جمله شاخص های مهم و تاثیرگذار در کاهش یا افزایش نرخ اشتغال هستند. بر اساس این گزارش، امسال از سوی رهبر انقلاب به عنوان سال «اقتصاد مقاومتی؛ تولید و اشتغال» نامگذاری شده است تا تمرکز روی خروج از بحران بیکاری بیش از پیش باشد و همه دستگاه ها به نوعی خود را در امر اشتغالزایی مسئول بدانند.

به هر روی بر اساس تکلیف برنامه ششم توسعه قرار است از سال جاری، سالا نه به میزان ۰/۸ درصد از نرخ بیکاری کاسته شود؛ هر چند تا کنون هیچ یک از تکالیف ۵ برنامه توسعه ای بعد از انقلاب در حوزه اشتغال عملیاتی نشده است؛ اما امید می رود در سال اقتصاد مقاومتی با محوریت تولید و اشتغال هدف گذاری های انجام شده، این اهداف هم محقق شوند.

وضعیت هشدار دهنده نظام بانکی

در ابتدای سال جاری عنوان شد که صورت های مالی بانک ها نشان می دهد که رها کردن نرخ سود بانکی در کنار دیگر مشکلات قدیمی بانک ها مانند معوقات کلان، بدهی دولت و اموال مازاد غیر قابل فروش، موجب به هم ریختگی ترازنامه بانک ها و بروز بحران نقدینگی در بانک ها شد. در همین بازه زمانی بحث بحرانی بودن یا نبودن بانک های کشور مطرح و پاسخ و واکنش هایی هم در بر داشته است. حسن روحانی رئیس جمهور در همان زمان وجود بحران بانکی در کشور را منکر شد. بانک مرکزی هم به کسانی که درباره ورشکستگی بانک ها صحبت می کنند، هشدار شدیدی داد.

برای درک بهتر در کنار اظهارات شفاهی یا کتبی مسئولان، بررسی آمارهای بانک مرکزی و صورت های مالی برخی بانک ها پاسخ دقیق تری از وضعیت فعلی سیستم بانکی ارائه می دهد. (جدول یک)

طبق جدول بالا که از آمارهای بانک مرکزی استخراج شده است، بدهی بانک های تجاری دولتی از ۲۶۶۳ میلیارد تومان در پایان سال ۹۲ به ۱۴ هزار و ۷۱۰ میلیارد تومان در پایان بهمن ماه ۹۵ رسید و بدهی بانک های تخصصی دولتی در این مدت کمتر از ۶ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است. اما بدهی بانک های

غیردولتی و خصوصی از ۲ هزار و ۱۱۶ میلیارد تومان به ۴۰ هزار و ۵۳۰ میلیارد تومان افزایش یافته است. علت رشد عجیب و وحشتناک بدهی بانک های خصوصی و غیردولتی چه می تواند باشد جز بحران نقدینگی؟ به عبارت دیگر بانک ها بیش از ۳۱ هزار میلیارد تومان در ۱۱ ماهه سال ۹۵ از بانک مرکزی پول گرفتند که فقط ۲۸ هزار میلیارد تومان آن توسط بانک های خصوصی و غیردولتی انجام شده است.

رها کردن نرخ سود بانکی در سال ۹۲ و اوایل سال ۹۳ موجب شد نرخ سود سپرده به بیش از ۲۵ درصد و در برخی بانک ها به ۲۸ درصد برسد. رشد بی محابای سود بانکی و رکود توامان اقتصاد که باعث عدم وصول درآمدهای پیش بینی شده بانک ها از محل تسهیلات اعطایی و سرمایه گذاری ها شد، ترازنامه بسیاری از بانک ها را به هم ریخت و چندین بانک را زیان ده کرد. عدم امکان فروش اموال مازاد، رشد شدید معوقات بانکی و بدهی دولت به بانک ها از دیگر عوامل و علل این بحران قلمداد می شود، اما آتش شکل گیری این بحران به هر صورتی که بررسی شود، همان رها کردن نرخ سود در یک سال اول دولت یازدهم است. آن هم در شرایطی که کارشناسان مستقل شدیداً درباره تبعات این اقدام هشدار می دادند. این شرایط باعث شده که دو بانک مشمول ماده ۱۴۱ قانون تجارت شوند و چند بانک هم در مرز ورشکستگی قرار بگیرند. اگر نبود ملاحظات امنیت اقتصادی، نام این بانک ها به همراه ترازنامه شان در همین گزارش منتشر می شد اما گزارش تفصیلی آن در اینجا قابل مشاهده است. با همه اینها بانک مرکزی اقدام تاثیرگذاری برای تغییر فضای بانک ها نکرده و همچنان بسیاری از بانک ها سپرده با نرخ های ۲۰ درصد و بیشتر پرداخت می کنند.

با وجود این همه نشانه از بحران در نظام بانکی، بانک مرکزی در واکنش به اظهارنظری مبنی بر برقراری وضعیت ورشکستگی در چند بانک، به طور کلی اصل موضوع را نفی کرد و حسن روحانی رئیس جمهور هم با رد تحلیل بحران بانک ها در نشست خبری گفت که هیچ بحرانی وجود ندارد. فارس در گزارشی در این مورد نوشته بود: «این رذیه ها در شرایطی مطرح می شود که برخی کارشناسان، شدت گرفتن بحران بانک ها در نیمه دوم امسال را پیش بینی می کنند.» باید امیدوار بود که این رد کردن ها صرفاً برای جلوگیری از نگرانی افکار عمومی است و در عمل مدیران نظام بانکی و دولت بحران بانکی را جدی گرفته و در جهت اصلاحات اساسی و ساختاری آن گام های عملی و واقعی بردارند.

نظام بانکی در دولت دوم روحانی

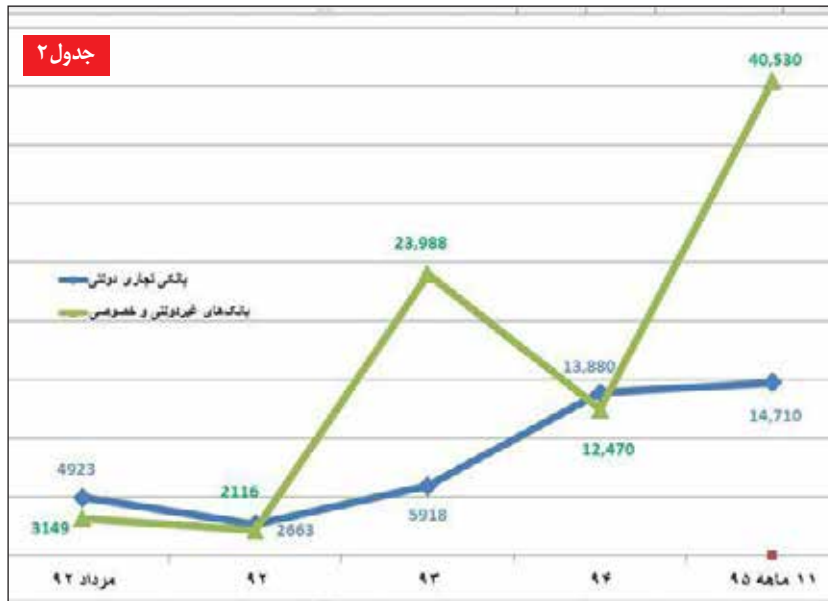
رویه ای که دولت در پیش گرفته، بیش از آنکه با هدف خروج کشور از رکود باشد بر رونق صنعت بانکداری متمرکز است.

بسیار غلط است اگر فکر کنیم رونق صنعت بانکداری بدون اصلاح روش نظارت بر بانک ها منجر به خروج کشور از رکود می شود. اعطای انواع یارانه های اقتصادی به بانک ها (دو هزار میلیارد تومان یارانه سود به بانک مسکن، ۴۰ هزار میلیارد تومان اوراق خزانه در اصلاح بودجه سالا نه ۹۵، اعطای انحصار چندجانبه در بازار ارز به بانک ها، همگی ظرف ۱۰ روز) بدون اصلاح شیوه نظارت صرفاً هبه کردن قدرت سیاسی به بانک ها و خالی کردن دست دولت قانونی است. بعید است سیاستون مستقر در دولت این را ندانند.

پیش از اصلاح نظام بانکی هر تصمیمی عکس انتظار عمل خواهد کرد. هر اصلاح اقتصادی ای پیش از اصلاح نظام بانکی کم یابی نتیجه است. بعضی طرح های دولت روحانی برای خروج از رکود یا مقابله با بیکاری با

بررسی آمار نرخ بیکاری در ۱۱ سال گذشته نشان می دهد در این مدت، کمترین نرخ بیکاری مربوط به سال های ۱۳۸۷ و ۱۳۹۲ با ۱۰/۴ درصد بود؛ همچنین بیشترین نرخ بیکاری هم در سال ۱۳۸۹ با نرخ ۱۳/۵ درصد به ثبت رسید

جدول ۲



جدول ۳



جدول ۴

1380	32 هزار و 95	28.8
1381	41 هزار و 752	30.1
1382	52 هزار و 659	26
1383	68 هزار و 569	30.2
1384	92 هزار و 101	34.3
1385	128 هزار و 419	39.4
1386	168 هزار و 29	27.7
1387	190 هزار و 136	15.9
1388	235 هزار و 585	23.9
1389	294 هزار و 887	25.2
1390	357 هزار و 72	21.1
1391	460 هزار و 693	29
شهریور 92	506 هزار و 396	-
1392	580 هزار و 12	25.9
*1392	639 هزار و *550	*38.8
1393	787 هزار و 384	22.3
1394	1017 هزار و 710	30
1395	1253 هزار و 818	23.2

وسواس و خوب طراحی شده بود، اما به دلیل عدم اصلاح نظام بانکی دستاورد آنها در سیاهچاله بحران بانکی بلعیده شد. مثلاً طرح پرداخت وام به صنایع کوچک و متوسط از جمله طرح‌هایی بود که خوب هدف گذاری شد و با توجه به رقم اختصاص یافته تاکنون یعنی حدود ۱۶ هزار میلیارد تومان، باید نتایج جدی‌ای در برمی داشت. اما متأسفانه با وجود تاکید بر آنکه منابع این طرح صرف بازپرداخت بدهی بانکی واحدهای تولیدی نشود، بانک‌های عامل، از فرط عطش نقدینگی، منابع این طرح را در موارد متعدد صرفاً به شرط بازپرداخت بدهی تولیدکننده به بانک از محل آن آزاد می کردند و این امر اثر این طرح پخته را اندک و حقیر کرد. یا مثلاً طرح تبدیل به اوراق کردن وام‌های رهنی حرکتی صحیح بود اما به دلیل آنکه نرخ سود این اوراق هرگز و با هیچ عقلی نمی توانست مستقل با نرخ بهره سپرده بسیار غیر عادی حاصل از بحران بانکی رقابت کند، عملاً از آزمایشگاه خارج نشد. یا مثلاً طرح تکاپو که توسط وزارت کار انجام شد - به رغم دور بودن وزیر محترم از مسائل حوزه کار و تعلق خاطرشان به بعضی مسائل دیگر - یک طرح قابل دفاع است، ولی مجموع تاثیر آن در جو عمومی‌ای که نرخ بهره سپرده با نرخ ۲۵ درصد هم در دسترس است و بزرگترین مشق‌ها برای در خانه نشستن به افراد اعطا می شود، طبعاً بسیار تضعیف می شود. مانند این مثال‌ها بسیار است. اگر دولت روحانی در سال ۹۲، فارغ از شد و نشد برجام اقدام به اصلاح نظام بانکی می کرد و اگر دولت بیهوده بر ایده تامین مالی هزینه‌های جاری توفنده خود، از محل وام‌گیری از بانک‌های تجاری این همه اصرار ایدئولوژیک نمی کرد، امروز کشور سرزشتی کاملاً متفاوت داشت. دولت دوم روحانی به هر صفتی وابسته باشد - از نانوایان تا دلالان - خیالی نیست، به بانکداران وابسته نباشد. متأسفانه در دولت حسن روحانی عاقدانه توان لابی بانک‌ها در نهاد ریاست جمهوری بسیار بالا رفته است و وابستگی‌های خانوادگی مقامات عالیرتبه دولت فعلی به هیأت مدیره برخی بانک‌های خصوصی موضوعی آشکار است و این خود مانع جدی اصلاح نظام بانکی کشور شده است. برای حل، تسکین یا تعویق بحران بانکی باید راهی یافت. کشور در وضعیتی ویژه قرار دارد: درآمد در دسترس ارزی مان اندک، نرخ بیکاری مان بسیار بالا، نظام بانکی مان عملاً در آستانه ورشکستگی، در دوره چندساله یا تورم بالا داریم یا نرخ بهره بالا (و این هر دو روی سکه ناکارایی است). در چنین وضعیتی دست کردن برای یافتن راه حل بهینه، به جز کور شدن گره حاصلی ندارد. راه حل ممکن ولی فوری در این شرایط از راه حل بهینه هم بهتر است! راه‌های قابل پیشنهاد برای این بحران در آن حد که طرح عمومی خدشه‌ای به اصل راه حل وارد نیابد می تواند مواردی مثل: پیمان دو و چندجانبه پولی برای تسکین مشکل اول، انتشار اوراق سلف نفتی برای حل نسبی راه حل دوم، تغییر پارادایم نسبت به افزایش پایه پولی و اجرای طرح‌های کلان مقیاس اقتصادی توسط حاکمیت برای تغییر جدی در وضعیت مشکل سوم و اصلاح عاجل نظام بانکی پیش از برون‌ریزی بحران را پیشنهاد داد.

ایران در دولت روحانی ورشکسته تر شد

اما بحث بر سر اقتصاد ایران و وضعیت آن در دوران حسن روحانی در زمان انتخابات ریاست جمهوری اخیر داغ‌تر از همیشه بوده است. رقابتی روحانی در این انتخابات مباحث زیادی را در مورد وضعیت اقتصادی در دولت حسن روحانی مطرح کردند و البته حسن روحانی و تیم انتخاباتی‌اش هم پاسخ‌هایی برای آن حرف‌ها داشته‌اند. در همین ایام بود که رئیس ستاد انتخاباتی قالیباف گفته بود: رتبه کشور در ورشکستگی دنیا از

۱۲۹ در سال ۹۲ به ۱۵۶ در سال ۹۵ رسیده است. محمد دهقان، رئیس ستاد انتخاباتی محمدباقر قالیباف، با اشاره به مسائل مطرح شده در نخستین مناظره کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری اظهار داشته بود: «آقای روحانی در مناظره جمعه گذشته اعلام کرد فضای کسب و کار بهتر شده، اما ایشان توضیح نداد کجای فضای کسب و کار بهتر شده است. رتبه ما در ورشکستگی دنیا از ۱۲۹ در سال ۹۲ به ۱۵۶ در سال ۹۵ رسیده، یعنی تعداد شرکت‌های ایرانی که ورشکسته می‌شوند بیشتر از ۱۵۵ کشور جهان است. رئیس ستاد انتخاباتی قالیباف با بیان اینکه ارقام مربوط به ورشکستگی شرکت‌ها نشان‌دهنده چگونگی افزایش فضای کسب و کار است، تصریح کرد: «طبق آمار، مشخص می‌شود در فضای کسب و کار شاهد بیکاری جمع کثیری از کارگران کشور و به هم ریختن زندگی بخش مهمی از جامعه و از بین رفتن رونق اقتصادی هستیم. ما در زمینه حمایت از سهامداران خرد طبق آمار بانک جهانی، وضعیت بدتری پیدا کردیم؛ در زمینه اخذ اعتبارات رتبه ما نزول پیدا کرده و تمامی اینها به آن معناست که تولیدکنندگان ما و کسانی که به دنبال ایجاد کار و اشتغال هستند با سختی بسیار زیادی مواجهند.»

وی با بیان اینکه در دولت آقای روحانی وضعیت کشور در دو زمینه بهتر شده، تصریح کرد: «مورد اول، صدور مجوزهاست، زیرا این دولت همان گونه که در حرف زدن پیشگام است، در صادر کردن مجوز هم رتبه اول را دارد. البته مورد دوم هم مربوط به بستن قراردادهاست که در این موضوع هم رتبه ما بالا رفته، اما گویا در هیچ کدام از این دو مورد نفع زیادی به مردم نرسیده است.» دهقان با تاکید بر اینکه در تجارت فرامرزی رتبه ما در دولت آقای روحانی کاهش پیدا کرده، تصریح کرد: «به رغم ادعای رفع تحریم‌ها ما پیشرفت مناسبی در زمینه صادرات کالا نداشته‌ایم و رتبه ما در این زمینه ۱۷۰ است، یعنی ۱۶۹ کشور جهان وضعیت بهتری نسبت به ما دارند.»

کسب و کار شاهد بیکاری جمع کثیری از کارگران کشور و به هم ریختن زندگی بخش مهمی از جامعه و از بین رفتن رونق اقتصادی هستیم. ما در زمینه حمایت از سهامداران خرد طبق آمار بانک جهانی، وضعیت بدتری پیدا کردیم؛ در زمینه اخذ اعتبارات رتبه ما نزول پیدا کرده و تمامی اینها به آن معناست که تولیدکنندگان ما و کسانی که به دنبال ایجاد کار و اشتغال هستند، با سختی بسیار زیادی مواجهند.» وی با بیان اینکه در دولت آقای روحانی وضعیت کشور در دو زمینه بهتر شده، تصریح کرد: «مورد اول، صدور مجوزهاست، زیرا این دولت همان گونه که در حرف زدن پیشگام است، در صادر کردن مجوز هم رتبه اول را دارد. البته مورد دوم هم مربوط به بستن قراردادهاست که در این موضوع هم رتبه ما بالا رفته، اما گویا در هیچ کدام از این دو مورد نفع زیادی به مردم نرسیده است.» دهقان با تاکید بر اینکه در تجارت فرامرزی رتبه ما در دولت آقای روحانی کاهش پیدا کرده، تصریح کرد: «به رغم ادعای رفع تحریم‌ها ما پیشرفت مناسبی در زمینه صادرات کالا نداشته‌ایم و رتبه ما در این زمینه ۱۷۰ است، یعنی ۱۶۹ کشور جهان وضعیت بهتری نسبت به ما دارند.»

رشد عجیب دو متغیر پولی در دولت روحانی

بررسی آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد، پس از حذف آمار افزایش سطح پوشش آماری نقدینگی، حجم نقدینگی در دولت یازدهم ۱۲۶ درصد و حجم پایه پولی ۷۱،۳ درصد افزایش یافته که بیشتر از مدت مشابه دولت دهم است. کنترل نرخ رشد نقدینگی که متاثر از سیاست‌های پولی بانک مرکزی و رفتار دولت‌ها به وجود می‌آید، همواره مورد تاکید مسئولان بانک مرکزی بوده است. رئیس جمهور و مسئولان اقتصادی بارها در نقد سیاست تامین مالی مسکن مهر، پرداخت ۴۳ هزار میلیارد تومان از طرف بانک مرکزی به بانک مسکن را مورد انتقاد قرار داده و یکی از دلایل افزایش تورم در سال ۹۱ و اوایل ۹۲ را همین مساله عنوان می‌کردند.

روحانی در یک نشست خبری خود گفته بود: «در این مدت در بانک‌ها یک نظم پیدا شد و علت اینکه تورم پایین آمد فقط نظامی بود که این دولت پیگیری کرد. ما کاری نکردیم چرا تورم آمد پایین؟ برای اینکه از بانک مرکزی مرتب پول و وام نگرقتیم. علت اینکه در آن دولت تورم ۴۵ درصدی ایجاد شد به این خاطر بود که بانک مرکزی را مجبور کردند ۴۳ هزار میلیارد تومان پول

به مسکن مهر دادند که باعث شد تورم ۴۵ درصد شود. یعنی خطایی که آنها کردند دخالت کردن در جیب مردم و برداشتن کردن از پول بانک مرکزی بود. ارقام جدول زیر به روشنی روند تغییرات نقدینگی را نشان می‌دهد. (جدول ۳)

تفاوت رقم ۵۸۰ هزار و ۱۲ میلیارد با ۶۳۹ هزار و ۵۵۰ میلیارد تومانی که در جدول بالا درج شده به دلیل افزوده شدن آمار موسسات جدید بوده است. رقم نقدینگی سال ۹۵ هم در این میان براساس اظهارات اخیر رئیس کل بانک مرکزی است. با توجه به اینکه معاون اقتصادی بانک مرکزی اعلام کرده بود ۱۱۰ هزار میلیارد تومان از کل نقدینگی مربوط به افزایش سطح پوشش آماری بوده است، از مجموع ۷۴۷ هزار و ۴۲۲ هزار میلیارد تومان نقدینگی افزوده شده در آمارها، ۶۳۷ هزار و ۴۲۲ میلیارد تومان آن به طور خالص در دولت یازدهم خلق شده است. بنابراین از شهریور ۹۲ تا پایان سال ۹۵ نقدینگی ۱۲۷ درصد افزایش یافته است.

حجم نقدینگی در دوره شهریور ۸۸ تا اسفند ۹۱ از ۲۱۵ هزار و ۲۴۷ میلیارد تومان به ۴۶۰ هزار و ۶۹۳ میلیارد تومان رسیده که رشد ۱۱۴ درصدی را نشان می‌دهد.

* همچنین پایه پولی به عنوان یک متغیر بسیار مهم قابل بررسی است. نمودار زیر روند تغییرات پایه پولی از سال ۸۰ تا دی ماه سال گذشته را نشان می‌دهد. (جدول ۴)

حجم پایه پولی در پایان شهریور ۹۲ به میزان ۹۶ هزار و ۱۲۳ میلیارد تومان بوده که با احتساب ۴ هزار و ۴۱۸ میلیارد تومان آمار جدید موسسات اعتباری، ۱۰۰ هزار و ۵۴۱ میلیارد تومان می‌شود. بنابراین از شهریور ماه ۹۲ تا دی ماه ۹۵ پایه پولی ۷۱ هزار و ۶۳۱ میلیارد تومان افزایش و به عبارت دیگر ۷۱،۳ درصد افزایش یافته است.

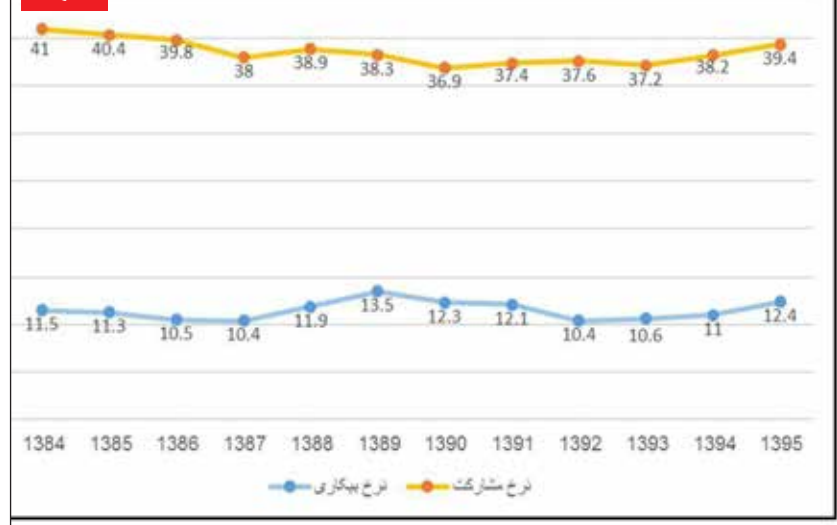
برای بررسی عملکرد مقایسه‌ای این دوره بانک مرکزی با دوره قبل، باید حجم پایه پولی از شهریور ۸۸ تا دی ماه ۹۱ مقایسه شود.

طبق آمار نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی، حجم پایه پولی در پایان شهریور ماه سال ۸۸ به میزان ۵۱ هزار و ۸۲۴ میلیارد تومان بوده که این رقم در دی ماه ۹۱ به ۸۸ هزار و ۵۵۳ میلیارد تومان رسیده است که رشد ۷۰/۹ درصدی را نشان می‌دهد. بنابراین پایه پولی در دولت یازدهم با وجود همه ندهایی که عملکرد دولت دهم مطرح کرده بود، ۰/۴ درصد بیشتر بوده است. میزان رشد دو متغیر پایه پولی و نقدینگی در دوره دولت یازدهم از مدت مشابه دولت دهم بیشتر بوده و به عبارت دیگر با وجود ندهای فراوان مسئولان اقتصادی دولت یازدهم و رئیس جمهور به عملکرد پولی دولت دهم برای تامین مالی مسکن مهر، عملکرد دولت یازدهم در این مورد نامناسب‌تر از دولت قبل از خود بوده است.

انفجار نقدینگی، ثمره کدام دولت است؟

در ادامه اظهارنظرهای مختلف در مورد وضعیت نقدینگی و اتفاقاتی که در حوزه اقتصادی رخ داده است، روزنامه کیهان در ستون اخبار ویژه خود نوشت: آیا روحانی از مسئولیت دولت خود در افزایش نقدینگی بی‌خبر است که تقصیر آن را هم به گردن مسکن مهر می‌اندازد؟ رئیس جمهور هنگام تقدیم لایحه بودجه به مجلس، کنایه‌ای هم به مسکن مهر و نحوه تامین مالی آن زد که برای کارشناسان و صاحب‌نظران حوزه پولی و بانکی بسیار سوال برانگیز است. او گفت: «مشکل مسکن مهر این نیست که پایه‌اش سست یا سفت است؛ این مساله دوم است. مسکن مهر از چه پولی درست شد، این باید جواب داده شود. استقراض از بانک مرکزی خطای بزرگ است. مسکن مهر از جیب فقرا درست شد، چرا که

جدول ۵



امیدی به دولت روحانی نیست

گفت‌وگو با جمشید پژویان



۲ جمشید پژویان

ورشکستگی دولت را در این می بیند که نقش نفت در چرخه سوخت جهانی روز به روز کم و کمتر می شود و هر آن نیز احتمال تشدید تحریم ها از جانب آمریکا و اروپا وجود دارد که به کاهش فروش نفت منتهی می شود اما دولت هیچ طرح برنامه ای برای اصلاح ساختار اقتصادی و استقلال آن از درآمدهای نفتی ندارد.

اجرا درآمد، بنابراین دولت به طور سنتی اعتباری را برای حوزه عمرانی می گذارد اما وقتی اواخر سال برای پرداخت هزینه های جاری خود به مشکل می خورد، با اخذ مجوز از مجلس اعتبارات عمرانی را به ردیف هزینه های جاری منتقل و مصرف می کند.

این انتقاد به دولت وجود دارد که چرا در وضعیت

رکود برای جبران کسری بودجه خود می خواهد

اخذ مالیات از تولیدکنندگان را افزایش دهد؟

▲ درآمدهای مالیاتی ۵۰ تا ۶۰ درصد تولید ناخالص ملی بعضی کشورها را تشکیل می دهد اما رقم متوسط درآمد جهانی از محل مالیات حدود ۳۰ درصد است. اگر دولت بتواند درآمد مالیاتی را از ۷-۶ درصد به ۱۸ درصد تولید ناخالص ملی برساند، قطعاً درآمد قابل توجهی خواهد بود. حالا اینکه گفته می شود وضعیت رکود است و چنین رقمی از محل مالیات قابل وصول نیست، پاسخ من این است که باید دانش اقتصاد داشته باشیم. معمولاً غالب درآمدهای مالیاتی دولت از طبقه متوسط کسب می شود و ثروتمندترین گروه های جامعه مالیات نمی دهند چون آنها در بازار ایران اعم از خوراکی و غیره هزینه نمی کنند. پس نظام مالیاتی کشور ما اشکال اساسی دارد که دولت نمی تواند از ثروتمندان بیشترین درآمد مالیاتی را کسب کند.

در مجموع شما معتقدید که استفاده از تعبیر

ورشکستگی برای دولت دوازدهم، درست

نیست؟

▲ درآمدهای نفتی کشور نسبت به گذشته کاهش پیدا کرده است. از طرفی دولت آمریکا فشارهای بسیار جدی به ایران می آورد. گرچه اتحادیه اروپا نیز می گوید به برجام متعهد است اما خواسته هایی را مطرح می کند که می تواند عاملی شود تا این اتحادیه نیز در اجرای برخی تحریم های دولت آمریکا علیه ایران مشارکت کند و حتی این تحریم ها را در قالب قطعنامه به شورای امنیت سازمان ملل ببرند. پس ایران تحت فشار اقتصادی قرار دارد، یعنی اینکه روی درآمدهای نفتی نمی توانیم حساب کنیم، به خصوص که نقش نفت در چرخه سوخت جهانی روز به روز کم و کمتر می شود. از آن طرف ما در طول این چندین دهه هیچ گونه سیاست های اقتصادی را که منتهی به اصلاح ساختار اقتصادمان باشد انجام ندادیم و هیچ طرح و برنامه ای نیز در این رابطه نداریم. وقتی به این مسائل نگاه کنیم و بیشتر به تجزیه و تحلیل بپردازیم، آن موقع می توانیم به این نتیجه برسیم.

دولت آقای روحانی ظرف سه سال و نیم آینده می تواند وضعیت اقتصاد کشور را بهبود

بخشد؟

▲ خیر.

آیا دولت آقای روحانی ورشکسته است؟

▲ با چه استدلالی چنین نتیجه گیری بیان می شود؟
دولت برای اتمام پروژه های نیمه تمام ۶۰۰ هزار میلیارد تومان نیاز دارد، ۵۱۰ هزار میلیارد تومان به بانک مرکزی، بیمه ها و صندوق های بانکشستگی بدهکار است و گفته می شود منابع درآمدی لایحه بودجه از محل فروش نفت و مالیات قابل وصول نیست، ضمن آنکه دولت در نظر دارد یارانه ۳۱ میلیون نفر را قطع کند و قیمت حامل های انرژی را افزایش دهد تا بخشی از هزینه های جاری اش را از این طریق جبران کند، آیا از کنار هم قرار دادن این مولفه ها چنین نتیجه ای را می شود احصا کرد که دولت ورشکسته است؟

▲ اولاً معلوم نیست کدام دستگاه یا کارشناسان رقم ۶۰۰ هزار میلیارد تومان را برای تکمیل پروژه های نیمه تمام برآورد کردند، بنابراین معلوم نیست این رقم درست باشد. ثانیاً به هیچ وجه دلیلی ندارد که دولت تمام پروژه های نیمه تمام را اجرا کند. چه بسا دلیل ناتمامی بسیاری پروژه ها این است که توجیه اقتصادی ندارند، بنابراین عدم تکمیل پروژه های شکست خورده به نفع کل جامعه و اقتصاد کشور تلقی می شود. معتقدم در بودجه نمی توان سیاستگذاری کرد. اگر دولت می خواهد پیشنهاد افزایش مالیات ها را بدهد این افزایش مالیات ها هیچ گاه نباید در بودجه بیايد، بلکه به صورت لایحه ای مجزا به مجلس ارائه شود تا ببیند این مالیات ها چه آثاری دارند، منافع و مضارشان چیست، بعد لایحه را تصویب کند. من دوره ای به عنوان مشاور برای مجلس کار می کردم. از سه دهه گذشته این ایراد به لایحه بودجه گرفته می شد. دولت مالیات های غیرمستقیم را در داخل بودجه قرار می داد و این کار غلط و اشتباهی بود چون مسائل مالیاتی بسیار مهم هستند و قرار دادن آنها در لایه لای ردیف های لایحه بودجه فرصت کافی برای بررسی کارشناسی نمی گذارد. برای این بحث که بگوییم دولت ورشکسته است، نیازمندیم توانایی های دولت در کسب درآمد و هزینه های را که اجباراً باید انجام دهد با هم مقایسه کنیم، در داخل لایحه بودجه اگر دقت شود یک سری ردیف هایی است که هزینه آنها به هیچ وجه ضرورت ندارد، یعنی هیچ دلیلی نیست به بعضی سازمان ها و تشکیلات برای تبلیغات و غیره بودجه ای تخصیص پیدا کند که مشخص هم نیست نتیجه یا نتایجش در تولید ناخالص ملی و رفاه عمومی چیست، در موضوع حذف یارانه بخشی از افراد جامعه نیز معتقدم این کار باید براساس یک برنامه و سیاستگذاری انجام شود. یعنی باید یک سیاستگذاری باشد که دولت براساس آن، افراد غیرنیازمند را با درصد صحت بالا شناسایی و یارانه شان را قطع کند، وگرنه آوردن نیت حذف یارانه ۳۰ درصد اقشار جامعه در لایحه قبلاً هم بوده اما انجام نشده است.

اینکه گفته می شود لایحه بودجه کسری

قابل توجهی دارد چرا که درآمدهای نفتی و

مالیاتی اش وصول نخواهد شد و از طرفی

هزینه های جاری نسبت به سال گذشته افزایش

پیدا کرده است، دلیلی بر ورشکستگی دولت

نمی شود؟

▲ واقعا اعتبارات عمرانی کدام لایحه بودجه به

پایه پولی بالا رفت. در مسکن مهر، راه اشتباهی انتخاب شد. ریشه مسکن مهر غلط بود. این اظهارات هر چند نسبت به اظهارات معاون اول رئیس جمهور در بحبوحه زلزله کرمانشاه مبنی بر سست بودن مسکن مهر، یک عقب نشینی آشکار محسوب می شود، اما در فرار به جلو با بازی زیرکانه با لغاتی مثل پایه پولی و استقرار از بانک مرکزی همان راه رفته جهانگیری را طی می کند. دنیای علم و تخصص زبان خاص خودش را دارد و با ادبیات و لفاظی های سیاسی تفاوت دارد. زبان کارشناسان زبان شاخص ها و اندازه گیری های علمی و مشخص است؛ شاخص هایی که مفهوم مشخصی را می رسانند و فارغ از هر جبهه و جناح سیاسی تفسیر می شوند. افزایش پایه پولی و نقدینگی شاخص هایی است که عدد و رقم آن توسط بانک مرکزی سنجش شده و اعلام می شود. روحانی معتقد است افزایش پایه پولی برای اختصاص به طرح مسکن مهر راهی اشتباه و خطایی بزرگ محسوب می شود و به گونه ای با اختصار و بدون توضیح کارشناسی همراه با لحنی عصبانی و طلبکارانه به رد این طرح می پردازد که گویا دلیل دیگری برای توضیح ادعاهای خویش در چپته نمی یابد. اگر بخواهیم با همان منطق رئیس جمهور مبنی بر استقرار از بانک مرکزی و افزایش پایه پولی با ادعای آقای رئیس مواجه شویم، باید سراغ بانک مرکزی آقای روحانی برویم. آمار منتشره نشان می دهد که در شهریورماه ۱۳۸۸ که دولت دهم سکان هدایت قوه مجریه را در اختیار گرفت، میزان نقدینگی طبق آمار بانک مرکزی ۲۱۱ هزار و ۶۶۱ میلیارد تومان بوده است. هنگامی که دولت دهم در شهریورماه ۱۳۹۲ سکان هدایت قوه مجریه را در اختیار دولت یازدهم قرار داد، نقدینگی به ۵۰۶ هزار و ۶۹۳ میلیارد تومان رسیده بود. این اعداد نشان می دهد میزان رشد نقدینگی در دولت دهم ۱۳۹/۳۸ درصد بوده است. هنگامی که دولت یازدهم در شهریورماه سال جاری به کار خود پایان داد، میزان نقدینگی به ۱۳۶۶ هزار و ۲۶۰ میلیارد تومان افزایش یافته بود؛ یعنی در دولت یازدهم میزان رشد نقدینگی ۸/۱۶۹ درصد بوده است. در شهریورماه ۸۸ پایه پولی ۵۱ هزار و ۸۲۴ میلیارد تومان بوده و این شاخص در شهریورماه ۹۲ به ۹۶ هزار و ۵۷۹ میلیارد تومان رسیده است؛ یعنی در دولت دهم پایه پولی ۸۶/۳ درصد رشد کرده است. پایه پولی با رشدی ۱۰۳ درصدی در دوران دولت یازدهم در پایان شهریورماه ۹۶ به ۱۹۶ هزار و ۴۹۰ میلیارد تومان رسیده است. به رغم تأمین مالی مسکن مهر از طریق افزایش پایه پولی و نقدینگی، حجم افزایش هر دو شاخص، هم در مقدار و هم در درصد، در چهار سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ کمتر از ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ است. حال باید از رئیس جمهور کشورمان پرسید نطق ها را خود تنظیم می کنند یا مشاورانش چنین تحلیل هایی را رقم می زنند؟ اگر بخواهیم سوال دیگری را به سبک آقای روحانی بپرسیم، باید پرسید در دولت قبل نقدینگی ایجاد شده، صرف اجرای طرح بزرگ مسکن مهر شد و علاوه بر خانه دار کردن عده کثیری از مردم که در مناطقی مانند ولنجک اقامت ندارند، اشتغال فراوانی در کشور به وجود آورد، اما نقدینگی اضافه شده در دولت یازدهم صرف چه اموری شده است؟ بله حق دارید، حتماً زیر لب می گوید مسکن اجتماعی!

هر چند برای صاحب نظران پولی و بانکی مشخص است چه اتفاقی برای نقدینگی ایجاد شده افتاده و در بلندمدت چه عواقبی در انتظار ملت خواهد بود، اما اطلاعات و استدلال های آقای رئیس موجب نگرانی دلسوزان کشور از روند تصمیم گیری در عالی ترین سطح اجرایی کشور می شود و آنها را نسبت به پیامد چنین تصمیماتی مکدر می کند. ►



تیم اقتصادی دولت متوجه نیستند در جامعه چه خبر است

حیدر مستخدمین حسینی در گفت و گو با مثلث

آنها را هم رعایت کنند. تیم اقتصادی دولت حداقل در ظاهر قضیه و در کارکردهای قبلی نشان داده که معتقد به اقتصاد آزاد و اقتصاد باز و اقتصاد رقابتی است اما اعلامی از تصمیم گیری های شان را در این رابطه نمی بینیم. در ثانی اقتصاد آزادی که اقتصاددان های دولت دوازدهم به آن باور دارند در کجای سیاست های اقتصادی کشورهای پیشرفته غربی معتقد به اقتصاد آزاد و رقابتی اجرا می شود؟ حتی کشورهای اروپایی اقتصادشان گرایشاتی به اقتصاد سوسیالیستی دارند یعنی وقتی منافع مردم زیر سوال می رود، حاضر به اجرای یک سیاست اقتصادی نیستند. من زمانی که در وزارت اقتصاد و دارایی معاون وزیر بودم، ملاقاتی با وزیر اقتصاد ایالت بایرن آلمان داشتم و از او پرسیدم برنامه های اقتصادی ای را که به اجرا درمی آورید چه مرحله ای را طی می کند. او وقتی توضیح داد دیدم همان مرحله ای است که در کشور ما اجرا می شود اما با یک تفاوت و آن تفاوت اینکه وقتی لایحه ای برای اجرای یک پروژه تدوین می شود و به هیأت وزیران می رود، اگر اجرای آن به زیان مردم باشد و رفاه و درآمد مردم را محدود کند، رد می شود.

در واقع این اتفاق در کشور ما نمی افتد. تصمیماتی در حوزه اقتصاد می گیریم که توجهی به وضعیت آحاد مردم نمی کنیم. کجای دنیا می گویند یکدفعه قیمت بنزین ۵۰ درصد افزایش پیدا کند؟ رئیس جمهور محترم می گوید این را افزایش می دهیم و درآمد حاصله را برای اشتغال می گذاریم. این همان مطلبی است که علائم مربوط به ورشکستگی دولت را به ذهن متبادر می کند. البته من باور ندارم که اسم وضعیت کنونی دولت را ورشکستگی بگذاریم. یک مقدار زود است.

۳ حیدر مستخدمین حسینی، معاون سابق وزیر اقتصاد می گوید: «گرچه دولت ورشکسته نیست اما در آستانه آن قرار دارد.» این کارشناس مسائل اقتصادی تاکید می کند: «این راه برگزیده دولت در حوزه اقتصادی ختم به خیر نخواهد شد. هنوز دیر نشده یکی از زمینه هایی که می شود جلوی آسیب را گرفت تغییر در تیم اقتصادی دولت است تا عقب ماندگی ها جبران و برای مردم کاری راهبری انجام شود.»

می کند که بروز نارسایی های برنامه های اقتصادی در دولت های مختلف انباشته شده و به یک مرحله ای رسیده که نمی خواهیم بگوییم دولت ورشکسته است اما نزدیک به چنین وضعیتی است.

حالا باید چه کرد؟

▲ مجلس الان با تدبیرهایی می تواند به کمک دولت آید تا با یک توافق ملی این نارسایی ها را معالجه کند. به هر حال سال هادام از این می زنم که اقتصاد ایران بیمار است و باید اقتصاد را در سی سی یو و بخش مراقبت های ویژه بستری کرد چون نارسایی هایی در سیستم اقتصادی وجود دارد. امروز سوالی که باید دولت پاسخ گوید این است که اقتصاد ایران چه ماهیتی دارد، آیا اقتصاد ما آزاد است؟ آیا رقابتی است؟ آیا اسلامی است؟ سوسیالیستی است؟ آیا مختلط است؟ واقعا اقتصاد ما چیست؟ وقتی دولت ها از مردم رای می گیرند و کار خود را آغاز می کنند مبنای جهت گیری اقتصادی شان در چه وضعیتی است؟ اگر اقتصاد ما آزاد است و تأسی از اقتصاد رقابتی می خواهند داشته باشند، باید آداب

هم اکنون وقتی به وضعیت اقتصادی دولت نگاه می کنیم، اوضاع نامطلوب و بعضا بحرانی آن مساله نیست که قابل کتمان باشد. ۵۱۰ هزار میلیارد تومان بدهی به بانک مرکزی، بیمه ها، پیمانکاران، صندوق های بازنشستگی و حجم انبوه پروژه های نیمه تمام به ارزش ۶۰۰ هزار میلیارد تومان تعبیری بهتر از ورشکستگی را به ذهن متبادر نمی کنند، به نظر شما آیا دولت در وضعیت امروز ورشکسته است؟

▲ اگر یک رویکرد و نگاه کارشناسی به موضوع اقتصاد ملی داشته باشیم، سردرگمی دولت های مختلف را در حوزه اقتصاد می بینیم. به رغم اینکه یک سیاست کلان در حوزه اقتصاد به تایید مجمع تشخیص مصلحت رسیده و به رغم اینکه برنامه توسعه ای در کشور جاری و حاکم است و امسال، سال نخست اجرای برنامه ششم محسوب می شود و سند چشم انداز ۲۰ ساله کشور نیز وجود دارد و قرار بود که ایران در پایان سال ۱۴۰۴ در عرصه های مختلف از جمله تولید حرف اول را در منطقه بزند، منتها دولت در سردرگمی عجیبی به ویژه در حوزه اقتصادی به سر می برد.

دولت ها همواره در چهار ساله های اول نخست وقت گذرانی کردند تا به چهار سال دوم برسند و در آن دوره برنامه های اقتصادی را به اجرا درآورند. البته این اعلامی است که از حوزه اقتصاد در نظر می گیریم، حال آنکه فقط حوزه اقتصادی این طور نیست. بلاتکلیفی را در حوزه های دیگر از جمله فرهنگی و اجتماعی هم می بینیم اما حوزه اقتصادی به لحاظ اینکه با نان و درآمد مردم مرتبط است، بیشتر آثار خود را نشان می دهد و حکایت از آن مطلب

برعهده گرفته یک انحراف جدی دارد. البته کارشناسان اقتصادی این تذکرات را در قالب مصاحبه و مقاله بارها به دولت دادند اما گوش شنوایی در کار نبود تا یکباره این زخم دهن باز کرد و تیم اقتصادی دولت برای اینکه این مساله را پوشش دهد با بودجه ۹۷ در قالب افزایش قیمت حامل های انرژی و حذف یارانه ۳۱ میلیون نفر روی این زخم نمک پاشید. این جهت گیری نیست که از یک بودجه نوین برخوردار باشد. بودجه نویسی ما بسیار قدیمی است تیمی هم که بودجه را می نویسد و می بندند سالیان سال است که مشغول این کار هستند. یعنی حرفه شان این است که بودجه را تدوین کنند و ببندند که تراز ظاهری اش قابل قبول باشد اما در عمل این بودجه نه در جهت سرمایه گذاری و نه در جهت تولید است. یارانه به هر حال یک کمکی برای دهک های پایین جامعه است. دهک های پایین جامعه را چطور باید مدیریت کرد؟ نمی شود آنها را رها کرد، رها کردن نتیجه اش این می شود که روزی صدایشان در می آید. هم اکنون فارغ التحصیلان دانشگاهی اعم از لیسانس، فوق لیسانس و دکترا بیکار هستند. این زمینه برای یک کشور با یک توانمندی ایران پایین است، انتظار بالاتر از این حرف هاست. اینها شعار نیست و تمام اینها راهکار دارد. دولت همت کند هزینه های جاری را کاهش دهد و تشریفات و سفرهای خارجی را به حداقل برساند. واقعا این حجم از سفرهای خارجی چه نتیجه ای داشته است؟ در چارچوب دایره خودش اگر نگاه شود حداقل می توان این نوید را داد به عنوان دولت پیشقدم شود و هزینه های صرفه جویی شده را به اعتبارات عمرانی اضافه کند. درباره ساماندهی یارانه های نقدی نیز قرار بر این بود که یارانه های دهک های پایین درآمدی افزایش پیدا کند. ۴۵ هزار تومانی که ماهانه ۷ سال پیش پرداخت می شد، ارزش آن امروز بر اثر تورم به کمتر از یک سوم رسیده است. درواقع عددی تعیین کننده نیست که حالا بگویند رقم زیادی است.

این دولت که در مباحث انتخاباتی اش مطرح می کرد دولت قبل اشتباه کرد یارانه را به همه داد و حرف درستی است، من هم می گفتم باید فقط یارانه نقدی را به سه دهک پایین درآمدی پرداخت و مابه التفاوتش را در حوزه درمان، آموزش و حمل و نقل هزینه کرد تا بعد از ۳ سال ۵ یا ۶ سال دولت بگوید مشکل درمان مردم برطرف شد یا جاده ها ایمن شدند و آمار تلفات کاهش چشمگیری پیدا کرد. اما دولت هیچ کدام را انجام نداد و امروز بر مردم منت بگذارد که موعد پرداخت یارانه ها عزا می گیرد. اقتصاد کشور ما از بیماری های زیادی رنج می برد. محدودیت های فضای کسب و کار را که توضیح دادم. نظام بانکی ما در اختیار یک عده افراد خاص است یعنی واقعا یکسری افراد از بانک های مختلف دارند تسهیلات می گیرند، در موقع سررسید پول را از این بانک می گیرند، به بانک دیگر می دهند و یک اعتباری برای خود کسب می کنند، دوباره از آن بانک بعد از مدتی تسهیلات می گیرند و پول ها را به بانک ثالث منتقل می کنند و این دور همچنان ادامه پیدا می کند یعنی اگر لیست تسهیلات گیرندگان بانک ها را نگاه کنیم نفرت مشترک زیادی در آن فهرست ها مشاهده خواهیم کرد.

معتقدم بانک های کشور برای خدمات دهی به دهک های پایین جامعه تجهیز نشدند که آن اقشار از طریق تسهیلاتی که می گیرند ارتقایی به لحاظ مسکن و امور رفاهی پیدا کنند. به عبارت دیگر نظام بانکی به هر حال از مسیر خودش به مرور به انحراف رفته است. در نظام بانکی کشور نه تنها زمینه یک بانکداری بدون ربا وجود ندارد، بلکه در ارتباط با مسئولیت های اجتماعی هم کم رنگ ترین اثر را در بدن خودش دارد.

برای جمع بندی آیا در سه سال و نیم آینده دولت

بانک ها قرار گرفتند که قابل احصا نیستند. هم اکنون بانک های خصوصی و دولتی با انباشتی از دارایی های فیزیکی مواجه هستند. ۱۴۰۰ هزار میلیارد تومان میزان سپرده های بانکی است که ۵۰ درصد این سپرده ها قفل است و جزء دارایی های سمی محسوب می شود. دارایی های سمی یعنی وجوهی که باید به گردش درآید تا از محل آنها بانک ها بتوانند به تولید کنندگان برای ایجاد اشتغال تسهیلات بدهند اما این کار انجام نمی شود. درواقع تولید کنندگان تسهیلات می گیرند تا از این ستون به آن ستون بروند. به عبارت دیگر تولید کنندگان فقط سود دوران را به بانک ها می دهند و اصل وام را تمدید می کنند. بانک مرکزی اعلام می کند در سال گذشته ۴۷۵ میلیارد تومان سیستم بانکی تسهیلات داده است اما ۸۰ درصد این رقم برای تسهیلات ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ سال قبل است که دائم تمدید شده است. این نشان می دهد که اقتصاد بسته است. آمار سفته ها و چک های واخواست شده افزایش پیدا کرده است اینها نشان می دهد اقتصاد در رکود است. آیا در رکود اقتصادی باید مالیات بیشتری از فعالان اقتصادی و تولید کنندگان گرفت؟ یعنی برگرده مردم باید فشار بیشتری آورد؟ خیر.

پس دولت باید چه کار کند؟

دولت باید به شدت هزینه های جاری اش را کم کند. این دولت هزینه های جاری اش را از زمانی که آمده بیش از سه برابر کرده است. در هیچ دوره ای از دولت ها نبوده که یک دولت بودجه جاری اش را به این میزان افزایش دهد. اگر بگویم دولت همان شرایطی که بوده را بخواهد حفظ کند، هزینه جاری به علاوه تورم دوره قبل بشود، باید رقم هزینه جاری برای سال باشد اما هزینه های جاری بیش از ۳۰۰ درصد افزایش پیدا کرده و در عوض از حجم هزینه های عمرانی کاسته شده است؛ هزینه های عمرانی ای که می تواند اشتغال زایی و بستر سازی برای سرمایه گذاری جدید کند. دولت حداقل برای اینکه خارجی ها برای سرمایه گذاری در ایران حضور پیدا کنند این کار را انجام دهد. وقتی بودجه های عمرانی افزایش پیدا می کند تولید کنندگان میزان رضایتمندی شان بالا می رود چون می دانند مرجعه کننده خواهند داشت. یعنی پروژه های عمرانی کانون برای شرکت های داخلی ما مصرف می شود، از شن و ماسه و فولاد، قیر و آسفالت همه اینها پروژه های عمرانی را دربر می گیرد. حداقل ۵۰۰ محصول در این پروژه ها مصرف می شوند. استفاده ۵۰۰ محصول یعنی چرخ تولید حداقل ۵۰۰ کارخانه به گردش در می آید. حسن پروژه های عمرانی و ساختمان سازی این است که کانون مصرف تولیدات داخلی می شوند. وقتی پروژه های عمرانی متوقف شوند، با کاهش مصرف محصولات داخلی مواجه می شویم و غلامتش این می شود که فاینانس و قرض کنیم تا تعهد برای کشور به وجود آوریم، از چین و کره جنوبی و بتوانیم تسهیلات و وام بگیریم برای اجرای پروژه های بعدی یا نرخ بین المللی زیاد و با تعهدات ارزی.

در این صورت کشور زیر دین خارجی ها می رود. اینهاست که می گویم راهبری که تیم اقتصادی دولت را

اگر دولت ورشکسته نیست پس چرا لایحه بودجه ۹۷ را این طور تدوین کرد که قریب به اتفاق اقتصاددان ها به آن انتقاد می کنند؟

بودجه سال ۹۷ عجیب و غریب است چون در ساختار بودجه های ما دیده نشده و وجود نداشته که دولت یک هجمه یکباره و فشار همه جانبه ای را به گرده مردم بگذارد. بودجه ۹۷ این علامت را می دهد، افزایش قیمت حامل های انرژی اعم از آب، برق، گاز و سایر خدمات و حذف یارانه ۳۱ میلیون نفر چه مفهومی دارد؟ در شرایطی که اقتصاد ما در رکود است، در شرایطی که بیکاری بیاد می کند، در هر خانوار تعداد بیکاران بالاست، تعداد گرایش تحصیل کرده های برای خروج از کشور روز به روز افزایش پیدا می کند در حالی که قیمت تمام شده دانش آنها را خانواده ایرانی و کشور ما پرداخته است اما با قیمت تمام شده صفر در اختیار کشورهای دیگر قرار می گیرند چرا در دولت هیچ گرایشی برای توجه به این مسائل وجود ندارد؟ دولت برای رفع محدودیت های فضای کسب و کار چه اقدامی انجام داد؟ آقای طیب نیا، وزیر اقتصاد و دارایی دولت یازدهم عنوان می کرد این وزارتخانه ۶۰۰ متغیر محدود کننده برای فضای کسب و کار را شناسایی کرد، سوال دولت کدام یک از این ۶۰۰ متغیر محدود کننده را حذف کرد. امروز در حوزه بخش خصوصی مردم به ویژه جوان های فارغ التحصیل اگر بخواهند کوچک ترین قدمی برای اشتغال بردارند، با فضای محدود کسب و کار اعم از عوارض شهرداری و مالیات تا پروسه اخذ مجوز و ثبت شرکت مواجه می شوند. در همه کشورها حتی گرجستان ثبت شرکت در کمتر از یک ساعت انجام می شود. چرا باید ثبت شرکت در کشور ما معضل باشد؟ در حالی که باید قوه قضائیه و قوه مجریه از ثبت شرکت استقبال کنند چون ثبت شرکت هویت و آدرس و شناسایی به کار می آورد که برای حوزه مالیاتی، بیمه تأمین اجتماعی، شهرداری ها و قوه قضائیه چنین اتفاقی مفید است. چرا این زمینه را فراهم نمی کنیم و فعالیت های شفاف و روشنی صورت نمی گیرند؟ این دقیقا به فضای کسب و کار بر می گردد. اقتصاد ما در وهله اول با محدودیت های جدی فضای کسب و کار مواجه است. جوان ما راغب نیست کار و فعالیتی را انجام دهد. در زمینه تولید چه کردیم؟ یک زمانی نرخ سود بانکی پایین تر از نرخ تورم بود، از بعد انقلاب این حالت تا اوایل دولت یازدهم وجود داشت. در دولت دوازدهم نسبت نرخ سود بانکی و تورم وارونه شد، در واقع الان نرخ سود بانکی به سپرده ۱۵ درصد نرخ سود اعطای تسهیلات در ظاهر ۱۸ درصد و در واقع ۲۳ درصد است در حالی که نرخ تورم حدود ۱۰ درصد است. در کجای دنیا چنین قاعده ای جاری و ساری است؟ در جایی که مسئولان اقتصادی ارتباط تنگاتنگی با دنیای غرب دارند و تحصیل کرده آنجا هستند، چرا این قاعده را رعایت نمی کنند این یعنی تولید در کشور انجام نشود یعنی سرمایه گذاری در کشور انجام نشود.

بنابراین دلیل در چهار سال و نیم گذشته کمترین میزان سرمایه گذاری را در طول تاریخ سرمایه گذاری ها در اقتصاد ملی شاهد هستیم. مگر یکی از وظایف اصلی دولت این نیست که زمینه سرمایه گذاری در کشور را فراهم کند. وقتی نرخ سود بانکی بالاتر از تورم باشد، کسی به سراغ سرمایه گذاری نمی رود، بلکه پول ها در بانک جمع می شود. بانک ها نیز بخشی از این پول را به دولت وام دادند و بخشی را نیز برای خود هزینه کردند. اقتصاد هم که در رکود به سر می برد و چرخ فعالیت اقتصادی سودآور نیست که بتواند دولت بدهی خود را به بانک ها بدهد بنابراین اقتصاد کشور با بحران شدید مواجه شده است چون یکسری دارایی های فیزیکی در اختیار

دولت باید به شدت هزینه های جاری اش را کم کند. این دولت هزینه های جاری اش را از زمانی که آمده بیش از سه برابر کرده است. در هیچ دوره ای از دولت ها نبوده که یک دولت بودجه جاری اش را به این میزان افزایش دهد

آقای روحانی می تواند وضعیت اقتصادی کشور را به سمت مطلوب شدن سوق دهد؟

▲ با این تیم اقتصادی به هیچ عنوان، چون باور این تیم اقتصادی و چارچوب نظری پذیرفته شده و مدل هایی که برایش راهکار ارائه می دهند در قالب نیازهای اقتصادی کشور نیست. دولت روحانی اگر به این نتیجه رسیده که یک انحراف جدی در حوزه اقتصادی شکل گرفته که نشانه های هش هم آشکار شده باید تیم اقتصادی اش را تغییر دهد. من تیم اقتصادی فعلی را باور ندارم. چون همان تیمی است که در ۱۹ آذر لایحه بودجه ۹۷ را به مجلس داد. یعنی نگاه به جامعه و حضور در بطن جامعه با این نوع بودجه ریزی احساس نمی شود. اصلا اعضای تیم اقتصادی دولت متوجه نیستند چه اتفاقاتی دارد در جامعه پیش می آید، در اتوبوس، کوچه، بازار و خیابان عبور و مرور نداشتند. فشار بر گرده صنوف آوردن به لحاظ مالیات نتیجه اش این می شود که طرف درب مغازه را می بندد و کالاهایش را تلفنی خرید و فروش می کند. دولت در این شرایط سختگیری اش را نسبت به مالیات بالا برده است. در بازار سرمایه هم چنین وضعیتی را مشاهده می کنیم. بازار سرمایه نیز سودی را که از یک شرکت می تواند برای دوره بعد پیشنهاد دهد و اطلاع رسانی کند آن را حذف کرده است.

خیلی جالب است بورس های کشورهای توسعه یافته دنیا این کار را نمی کنند، چطور دولت آقای روحانی بخشنامه کرده هر کسی می خواهد بود باید بود دوره ببیند و تحلیلگری یاد بگیرد که کدام سهم را خرید و فروش کند. این نوع برخورد در کجای دنیا وجود دارد، من سال ها رئیس هیات مدیره بورس بودم قانون بورس را اما کمک کردیم و من در مجلس دفاع کردم تا به تصویب رسید آیا قرار بود چنین اتفاقی پیش آید؟ شرکت ها باید پیش بینی برای دوره بعد را بدهند و کارشناسان بورس صحت این پیش بینی ها را بررسی و بعد اعلام عمومی کنند اما برای آنکه دولت مسئولیت پاسخگویی خود را از روی دوش خود حذف کند چنین بخشنامه ای را داد. مگر در بورس های پیشرفته دنیا کسانی که سهام می خردند می روند تحلیلگری یاد می گیرند؟ اعتماد به حکومت در شاخه بازار سرمایه اش است. دولت روحانی دارد افراطی تر از حتی بورس های آمریکا و اروپا اقدام می کند. نکته ای را هم درباره موسسات مالی و اعتباری بگویم. این موسسات به خاطر شرایط رکود به این وضع افتادند و زمین خوردند. بانک مرکزی باید به آنها کمک می کرد، نه آنکه حق و حقوق سپرده گذاران را به آنها ندهد. بگوید شما رفتید قرارداد بستید چنین قراردادی پذیرفته نیست و مابه التفاوت را از اصل پول سپرده گذاران کم کردند. خوب معلوم است اعتراض می شود چون آن زمانی که موسسات مالی در بهترین اماکن خیابان های اصلی و میادین شعبه داشتند و در صدا و سیما و رسانه ها تبلیغات می کردند، بانک مرکزی کجا بود؟ پس اشکال یکی دو تا نیست.

اشکال در این است که حوزه اقتصاد یک فرماندهی قوی ندارد کسی که بتواند با قول و وعده و وعید حرف نزند. وقتی می گویند مشکل ۹۸ درصد سپرده گذاران موسسات مالی و اعتباری حل شده است پس این سپرده گذاران معترض در شهرهای مختلف که هر روز مقابل یک نهاد نظارتی تجمع می کنند، آن ۲ درصدی ها هستند؟ خیر این طور نیست. تیم اقتصادی دولت در حوزه اقتصاد ضعیف عمل کرد، به عنوان کسی که در تمامی حوزه های اقتصادی اعم از وزارت اقتصاد و دارایی، وزارت تعاون، بانک مرکزی، بازار بورس و اوراق بهادار و صنعت کار کرده ام می گویم این راه برگزیده دولت در حوزه اقتصادی ختم به خیر نخواهد شد. هنوز دیر نشده یکی از زمینه هایی که می شود جلوی آسیب را گرفت تغییر در تیم اقتصادی دولت است تا عقب ماندگی ها را جبران کند و برای مردم کاری راهبری انجام دهد. ►

دولت ورشکسته نیست

گفت و گو با اسدالله عسگراولادی

▲ اسدالله عسگراولادی معتقد است: «کاربرد تعبیر ورشکسته برای دولت درست نیست اما دولت برای اینکه وضعیت اقتصادی کشور را سامان بخشد چاره ای جز حراج ۳۰ تا ۴۰ درصد دارایی هایش ندارد.»

باتوجه به وضعی که در حوزه اقتصادی دولت مشاهده می شود، خیلی از تحلیلگران و صاحب نظران علم اقتصاد معتقدند دولت ورشکسته است، آنها مولفه های مختلفی اعم از بدهی کلان ۵۱۰ هزار میلیارد تومانی دولت به بانک مرکزی، بیمه ها و صندوق های بازتستسنگی، نیاز ۶۰ هزار میلیارد تومانی دولت برای تکمیل پروژه های نیمه تمام و عزم دولت در لایحه بودجه سال ۹۷ برای افزایش ۵۰ درصدی قیمت حامل های انرژی و افزایش اخذ مالیات از فعالان اقتصادی و تولیدکنندگان را کنار هم قرار می دهند و نتیجه می گیرند که دولت ورشکسته است، نظر شما چیست؟ آیا شما نیز چنین تحلیل و ارزیابی ای دارید؟

▲ تعبیر ورشکستگی برای توصیف وضعیت اقتصادی دولت را درست نمی دانم یا حداقل من چنین عقیده ای ندارم. مملکت امکاناتی دارد اما دولت نتوانست از امکانات درست استفاده کند. همان طور که اشاره شد لایحه بودجه سال ۹۷ کل کشور چند نقاط ضعف بزرگ دارد و این ضعف ها را نمی شود ندیده گرفت.

لایحه بودجه ۹۷ چه ضعف هایی دارد؟

▲ اولاً درآمدهای ذکر شده در لایحه بودجه به ویژه در حوزه مالیاتی حاصل نمی شود اما در عوض هزینه ها نسبت به سال گذشته درصدی نیز اضافه شدند. ضعف دیگر در نظر گرفتن مبلغ بالایی برای انتشار اوراق قرضه

است چون این کار برای دولت بعدی بدهی ایجاد می کند. به عبارت دیگر ۴-۵ سال دیگر موعد سرسید پول و سود اوراق می شود، آن زمان دولت بعدی فرق نمی کند دست چه کسی باشد، در ابتدای کار بدهی سنگینی از دولت دوازدهم به گردنش خواهد بود. سومین ضعف این لایحه کسری بودجه است چون وقتی درآمدها حاصل نمی شود و هزینه ها سر جایشان هستند و کم نشدند، دلار نیز بر پایه ۳۵۰۰ تومان محاسبه شده که این عدد مطلوبی برای دلار محسوب نمی شود، رقمی هم که برای فروش نفت در سال آینده پیش بینی کردند و وصول نخواهد شد بنابراین اتفاقی که می افتد کسری بودجه است.

حال به نظر شما با این اوصاف باید چه کار کرد؟

▲ دولت باید مدیریت کند. دولت باید خود را کوچک کند. تا زمانی که دولت به این حجم و وسعت است وضعیت اقتصادی اش به سامان نمی شود. راهی ندارد جز آنکه ۳۰ تا ۴۰ درصد از اموال و دارایی های خود را حراج و رها کند و گرنه تا زمانی که این قدر بزرگ و وسیع است و هر روز هم به ابعاد آن افزوده می شود اقتصاد کشور سامان پیدا نخواهد کرد. کشورهای توسعه یافته وقتی کسری بودجه می آوردند همین اقدام را انجام می دهند یعنی اموال شان را می فروشند بنابراین دولت راهی ندارد جز آنکه کارخانه هایش را حراج کند. از طرفی دولت معافیت های مالیاتی را باید کم کند. اقتصاد کشور دست چه کسانی است؟ دست برخی نهادها و بنیادهایی است که همه معاف از مالیات هستند، دولت اخذ مالیات از اینها را باید با قدرت و جسارت دنبال کند.

در مجموع معتقدم لایحه بودجه ۹۷ یک جراحی لازم دارد، مجلس شورای اسلامی نیز تا به حال سابقه نداشته که دست به چنین کاری بزند هر گاه دولت لایحه بودجه را تقدیم مجلس کرده، نهایتاً بودجه با ۵ درصد اختلاف تصویب شده است بنابراین مجلس نیز جسارت لازم برای جراحی بودجه را ندارد. ►





دولت روحانی اشتباه‌های دولت‌های قبل را تکرار می‌کند

گفت‌وگوی مثلث با محمدقلی یوسفی

در بازار یا عدم افزایش مزد و حقوق کارکنان دولتی به کاهش تورم رسیده است. اصولاً یک دولت باید به کار اصلی خود یعنی برقراری نظم و قانون و امنیت فردی و اجتماعی مشغول باشد چون نمی‌تواند به متغیرهای اقتصادی دستور دهد که مثلاً رشد اقتصادی بالا رود یا قیمت‌ها پایین بیاید، بلکه فعالیت‌های بخش خصوصی و عرضه و تقاضای بازار تعیین کننده است. اگر دولتی بتواند نرخ رشد اقتصادی را ۶ درصد افزایش دهد چرا به ۱۵ درصد افزایش ندهد یا اگر تورم را می‌تواند به ۱۰ درصد کاهش دهد چرا به ۲ درصد نرساند. این نشان می‌دهد که واقعاً آن‌طور نیست که دولت‌ها چنین توانی داشته باشند. تنها کاری که دولت‌ها می‌توانند انجام دهند آن است که از اختلال در نظام بازار جلوگیری کنند، هزینه‌های خود را کاهش دهند تا متغیرهای اقتصادی سریع بتوانند علامت‌های لازم را به فعالان اقتصادی بدهند و آنها راغب به ورود در حوزه سرمایه‌گذاری شوند.

تیم اقتصادی دولت خیلی بر اجرای اقتصاد رقابتی تأکید دارد، اما آیا به مولفه‌های این مدل اقتصادی پایبند است؟

▲ متأسفانه این برداشت غلطی است که در سال‌های بعد از جنگ سیاست‌هایی در ظاهر اقتصاد رقابتی دنبال شد اما کسانی که دست‌اندر کار سیاست‌گذاری برای دولت بودند می‌خواستند نه اقتصاد آزاد را پیاده شود و نه در ایده آنها بود. معتقدم اصولاً تمام کسانی که بخواهند اقتصاد را مهندسی کنند سوسیالیست و نئوکرانیک هستند. اما اقتصاد مهندسی‌پذیر نیست. اقتصاد آزاد به معنای حاکمیت قانون، امنیت فردی و اجتماعی و فقدان فریب، قاچاق و بی‌اعتمادی در جامعه است. اقتصاد آزاد به معنای آزادی در مبادله است یعنی افراد آزادانه به مبادله بپردازند، بدون آنکه قصدشان فریب یا اعمال جبر بر همدیگر داشته باشد. دولت باید چنان قانون را جدی به اجرا درآورد که همه مجبور شوند راه درست را بروند بنابراین وقتی دولت کار اصلی خود را رها می‌کند و به فعالیت‌های بنگاه‌داری، کارخانه‌داری و شرکت‌داری می‌چسبد، نه تنها به وظیفه خود عمل نمی‌کند، بلکه بخش‌های دیگر را هم خراب می‌کند.

در مجموع دولت آقای روحانی ظرف سه سال و نیم آینده می‌تواند وضعیت اقتصادی کشور را مطلوب کند؟

▲ خبر به هیچ عنوان. آقای روحانی ظرف ۵ سال گذشته نشان داد که در اصلاح سیاست‌های اقتصادی ناتوان بود و اتفاقاً سیاست‌هایی را دنبال کرد که همانند دولت‌های گذشته نامطلوب بود بنابراین بسیار بدعمل کرده است. در این زمینه تفاوت زیادی بین این دولت با دولت‌های قبلی دیده نمی‌شود. معتقدم به جای آنکه دولت بیاورد سیاست‌هایی را دنبال کند که منابع به سمت بخش‌های مولد سوق پیدا کند برعکس منابع از بخش‌های مولد گرفته شدند و به سمت بخش‌های غیرمولد رفتند. متأسفانه هدف‌گذاری‌های دولت نادرست بود و نسبت به ایجاد اشتغال و کاهش فقر ضعیف عمل کرد و نسبت به حمایت و تقویت بخش‌های تولیدی ناتوان ظاهر شد. معتقدم در تدوین یک استراتژی بلندمدت دولت خیلی بد عمل کرده است بنابراین به رغم اینکه متخصصان بارها به مسئولان گوشزد کردند که استراتژی‌ها را بلندمدت ترسیم و در همان قالب حرکت کنند اما متأسفانه همواره به صورت کوتاه‌مدت و برنامه‌های موقتی منابع را اختصاص دادند و در خیلی موارد سیاست‌هایی که دنبال کردند در جهت ایجاد اشتغال یا توسعه پایدار، حفظ محیط زیست یا رفع فقر نبوده است و اتفاقاً تشدیدکننده همه این مشکلات بود، در نتیجه سیاست‌هایی که دولت دنبال کرده متأسفانه غیرقابل قبول بود، اگر این وضعیت ادامه پیدا کند به نظر می‌رسد بحران‌های اجتماعی بازهم افزایش پیدا کنند. ►

▲ محمدقلی یوسفی معتقد است: «دولت روحانی ظرف سه سال و نیم آینده نمی‌تواند وضعیت اقتصادی کشور را مطلوب کند چون ظرف ۵ سال گذشته نشان داد که در اصلاح سیاست‌های اقتصادی ناتوان بود و اتفاقاً سیاست‌هایی را دنبال کرد که همانند دولت‌های گذشته نامطلوب بود.»

این کارشناس مسائل اقتصادی تأکید کرد: «اصولاً یک دولت باید به کار اصلی خود یعنی برقراری نظم و قانون و امنیت فردی و اجتماعی مشغول باشد چون نمی‌تواند به متغیرهای اقتصادی دستور دهد که مثلاً رشد اقتصادی بالا برود یا قیمت‌ها پایین بیاید، در این حوزه فعالیت‌های بخش خصوصی و عرضه و تقاضای بازار نقش تعیین‌کننده را ایفا می‌کند.»

کند اما به نظر می‌رسد همان مسیری که دولت‌های قبلی رفتند این دولت دارد می‌رود، یعنی همان اشتباهات در حال تکرار شدن است. دولت به جای آنکه مشکل وضعیت رکود تورمی را حل کند مشکلات را در تورم خلاصه کرد و بعد راه حل تورم را در افزایش نرخ سود بانکی دید که این‌ها همه یعنی انتقال منابع از بخش‌های مولد به بخش‌های غی‌رمولد و در نتیجه باعث مشکلات عدیده‌ای برای صنعت و کشاورزی و به تبع آن افزایش بیکاری در جامعه شد. حقیقت این است که سیاست‌های این دولت تقریباً از ۵ سال پیش که در مسائل اقتصادی دنبال شد، نشان می‌دهد که این دولت مثل دولت‌های گذشته ریشه مشکلات را به درستی شناسایی نکرده است. ما فقط مشکل تورم نداریم مشکل کشور ما وضعیت رکود تورمی است که اتفاقاً رکود مهم‌تر از تورم است. یعنی دولت باید منابع را از سیستم بانکی می‌گرفت و به بخش صنعت و کشاورزی منتقل می‌کرد اما به دلیل پایین بودن بازدهی در حوزه صنعت و کشاورزی و بازدهی بالا در واردات و فعالیت‌های تجاری، عملاً تجارت پول نقش عمده‌ای را در انتقال منابع از بخش‌های مولد به غیرمولد ایفا کرده است. اشتباه دیگر دولت هم تلاشش برای نشان دادن رشد اقتصادی است. در حالی که رشد اقتصادی هیچ چیز را نشان نمی‌دهد، فقط یک عدد است. هر دولتی که ادعا می‌کند تورم را کنترل کرده است باید چگونگی این کار را بگوید آیا از طریق افزایش تولید باعث افزایش عرضه و کاهش قیمت‌ها شده است یا از طریق سرکوب قیمت‌ها همچون افزایش واردات و عدم اجازه به افزایش قیمت‌ها

به نظر شما آیا دولت آقای روحانی ورشکسته است؟

▲ تعبیر ورشکستگی برای دولت یا یک کشور به کار نمی‌رود. البته بودجه کسری دارد اما این مساله فقط مربوط به دولت نمی‌شود چون بودجه تمام قوا، نهادهای سازمان‌ها در قانون بودجه می‌آید. از طرفی بررسی اعتبارات جاری و عمرانی دولت نشان می‌دهد که بدنه دولت سال به سال بزرگ و بزرگ‌تر شده است، به جای آنکه کوچک‌تر و چابک‌تر شود و هزینه‌های جاری‌اش کاهش پیدا کند. وقتی بدنه دولت بزرگ‌تر می‌شود چون درآمد مالیاتی به اندازه کافی نیست، دولت مجبور است نفت بیشتر صادر کند تا هزینه‌های جاری خود را از محل فروش نفت تأمین کند. در زمانی که درآمد نفتی کافی نباشد، دولت از سایر منابع همچون افزایش نرخ ارز، نرخ عوارض خدمات دولتی و مالیات‌ها سعی می‌کند هزینه‌های خود را پوشش دهد. الان چون دولت با هزینه‌های فزاینده‌ای مواجه است اما درآمد نامعین دارد، در بودجه سال ۹۷ سعی کرده بخش عمده درآمدش را از طریق فروش اوراق مشارکت، افزایش مالیات‌ها، فروش ارز به قیمت بالاتر و صادرات نفت بیشتر به دست آورد بنابراین در یک چنین شرایطی متأسفانه فشار اصلی بر ملت وارد می‌شود.

به دلیل اینکه به هر حال هر چقدر دولت بیشتر هزینه کند، نرخ تورم بالا می‌رود و دولت برای اینکه بتواند هزینه‌های جاری خود را تأمین کند هزینه‌های عمرانی را به حداقل می‌رساند، پس شانس برای افزایش اشتغال و تولید در جامعه وجود ندارد و این تصور که ما بتوانیم در آینده شاهد افزایش تولید باشیم یا زیرساخت‌ها طوری ارتقا یابد که اشتغال ایجاد کند، نخواهد بود. در نتیجه این بودجه یک تصویری از وضعیت اقتصاد ایران را نشان می‌دهد که همچنان با مشکل وابستگی به نفت از یک طرف، فشار به اقشار مختلف جامعه از طرف دیگر و استقرار از مردم و بدعکار کردن مردم مواجه است. برای اینکه این مشکل برطرف شود باید هزینه‌های غیرمولد کاهش پیدا کند تا منابع به بخش‌های مولد صنعت و کشاورزی سوق یابد. متأسفانه در طول ۴۰ سال گذشته اشتباهات زیادی در نظام تصمیم‌گیری اقتصادی وجود داشت و مشکلات انباشته شد، به طوری که امروز به هر بهانه‌ای خود را نشان می‌دهد. البته دولت اشتباهاتی کرده است، متأسفانه منظور این نیست که دولت‌های قبل مسیر درستی را رفتند و این دولت انحراف می‌رود. ما انتظار داشتیم این دولت اشتباهات دولت‌های قبل را اصلاح

جبران مافات آمریکا

همزمان با مراحل پایانی مبارزه با داعش در سوریه، واشنگتن سخن از افزایش نیروهای غیرنظامی اش در این کشور به میان آورده است. در حالی که آمریکا بازسازی سوریه و تضمین برای عدم بازگشت شبه نظامیان داعش به این کشور را بهانه حضور در آنجا عنوان کرده اما تحلیلگران معتقدند که ایالات متحده به دلیل آنکه در این جبهه از ائتلاف ایران و روسیه عقب افتاده است می خواهد جبران مافات کند و همزمان نفوذ ایران را در این منطقه را نیز کاهش دهد. البته بدون شک حضور آمریکا در سوریه با واکنش هایی از سوی روسیه مواجه خواهد شد.

بین الملل

کنش تهاجمی

استراتژی آمریکادر سوریه
پسาดاعش چگونه است؟

تیتریک



تقابل دیپلماتیک

تل آویو به واشنگتن برای حضور در سوریه فشار می آورد



رویای برادر فتنه

سیاست چماق و هویج بین سلمان اعراب را از ریاض دور کرده است



انزوای ریاض

عربستان سعودی توانایی بازگیری ندارد



ابراهیم منتفی

استاد دانشگاه تهران

راهبرد امنیتی دونالد ترامپ در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۷ منتشر شده است. دونالد ترامپ در این مجموعه تلاش دارد تا محورهای اصلی سیاست امنیتی و الگوی کنش راهبردی ایالات متحده در ارتباط با موضوعات مختلف سیاسی، اقتصادی، امنیتی و راهبردی را تبیین کند. ترامپ تلاش کرده تا واقعیت‌های نظام سیاسی را منعکس سازد که در آن قدرت و ثروت به طور فزاینده‌ای در «وضعیت عدم تمرکز» قرار گرفته است. علت عدم تمرکز را می‌توان در وضعیتی دانست که دنیا و نظام جهانی در حال تغییر مرحله‌ای و بنیادین است.

ظهور و سقوط داعش در عراق و سوریه، نمادی از فرآیندهای تحول امنیت منطقه‌ای در دورانی است که هیچ گونه ثبات و ساختار پایدار در آن مشاهده نمی‌شود. در چنین شرایطی است که می‌توان رویکرد «جیمز متیس»، وزیر دفاع آمریکا را مکمل استراتژی امنیت ملی دونالد ترامپ دانست. ترامپ تلاش دارد تا نظم جدید جهانی را بر اساس الگوی قدرت و محوریت ایالات متحده شکل دهد. چنین نشانه‌هایی را باید واقعیت عصر جدیدی دانست که نیروی نظامی به موازات سازوکارهای کنش امنیتی آمریکا با یکدیگر پیوند می‌یابد.

آمریکا از قابلیت نظامی خود برای نقش‌یابی در سوریه بهره گرفت. کارویژه اصلی نیروهای نظامی آمریکا در سوریه را باید حمایت اقتصادی، تسلیحاتی و راهبردی از بازیگرانی دانست که از قابلیت لازم برای کاهش قدرت منطقه ایران و دولت مستقر سوریه برخوردار باشد

۱. راهبرد امنیت منطقه‌ای دونالد ترامپ و بحران سوریه

راهبرد امنیت ملی دونالد ترامپ بیانگر این واقعیت است که مشارکت آمریکا در بحران‌های منطقه‌ای همانند سوریه و عراق افزایش خواهد یافت. هدف اصلی دونالد ترامپ را باید شکل‌گیری امنیت بر اساس معادله قدرت دانست. در چنین شرایطی، نظم آمریکایی را می‌توان محور اصلی سیاست جهانی دانست که تحت نظارت نیروهای ثبات‌دهنده اقتصادی، نظامی و راهبردی آمریکا قرار داشته است. در نگرش دونالد ترامپ و تیم محافظه کار سیاست خارجی آمریکا، واقعیت‌های روابط بین‌الملل در عصر بعد از جنگ سرد مبتنی بر نشانه‌هایی است که هژمونی آمریکایی را منعکس می‌سازد.

در دوران بعد از جنگ سرد سیاست جهانی به میزان قابل توجهی تغییر پیدا کرده است. رئیس‌جمهور آمریکا نقش محدودتری پیدا کرده و در بسیاری از موضوعات نظام جهانی از انگیزه چندانی برای ایفای نقش رهبری برخوردار نیست. کارگزاران سیاست خارجی نیز عمدتاً بحث‌های مربوط به روابط بین‌الملل در مورد اینکه آیا این وضعیت

مطلوب و پایدار است یا خیر را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند. این گونه نظریه پردازان تلاش دارند تا نشان دهند که ایالات متحده از چه میزان قدرت برای اداره امور جهانی برخوردار است و قدرت خود را تا چه زمانی حفظ خواهد کرد. در چنین شرایطی، دونالد ترامپ تلاش دارد تا از نیروهای مسلح آمریکا برای نقش‌یابی در حوزه‌های بحرانی همانند سوریه و عراق استفاده نماید.

۲. تحول نقش راهبردی آمریکا در سوریه

باراک اوباما رئیس‌جمهور ایالات متحده در دوران شکل‌گیری و گسترش بهار عربی، تلاش داشت تا معادله جدید قدرت و امنیت کشورهای خاورمیانه را بر اساس انقلاب‌های سیاسی تکامل‌یافته، تبیین و تعریف نماید. در این ارتباط، زمینه برای گسترش بحران در کشورهایی به وجود آمد که دارای ساختار سیاسی اقتدارگرا می‌باشند. در چنین فرآیندی، آمریکا هیچ گونه حمایتی از روند جنبش انقلابی مردم بحرین و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس به عمل نیاورد. بحران در مصر، تونس و سوریه، دارای ابعاد بیشتری از تنش سیاسی بوده است.

باراک اوباما ضرورت‌های راهبردی آمریکا را محور اصلی تحولات منطقه‌ای غرب آسیا و خاورمیانه عربی قرار داد. در چنین فرآیندی بود که زمینه برای نقش‌یابی گروه‌های رادیکال در سوریه فراهم آمد. گروه‌های معترض به ساختار سیاسی حکومت بشار اسد، طیف گسترده‌ای از نیروهای اجتماعی را تشکیل می‌دادند که گروه‌های اسلام‌گرا به ویژه مجموعه‌های وابسته به اخوان المسلمین، محور اصلی آن را تشکیل می‌داد. باراک اوباما در صدد برآمد تا از سازوکارهای حمایت غیرمستقیم نیروهای معترض برای مقابله با ساختار سیاسی بشار اسد استفاده نماید.

تحرك عملیاتی گروه‌های سیاسی رقیب در سوریه، منجر به تغییر در معادله قدرت شد. گروه‌های تکفیری و نیروهای سیاسی رادیکال جدیدی همانند: «داعش»، «جبهه النصره» و «جیش الاسلام» به وجود آمد. هریک از نیروهای یاد شده برای بقای سیاسی و امنیتی خود، نیازمند قدرت و قابلیت‌های اجرایی بودند. عربستان محور اصلی انتقال پول و تجهیزات برای گروه‌های تکفیری همانند داعش در سوریه بوده است. نتیجه چنین فرآیندی را باید در گسترش بحران و درگیری‌های نظامی گروه‌های رقیب سوریه دانست.

نتیجه چنین فرآیندی را باید شکل‌گیری و گسترش جنگ داخلی سوریه دانست. در این فرآیند، می‌توان نشانه‌هایی از نقش حمایتی آمریکا از گروه‌های شورشی سوریه در اجلاس‌های ژنو، پاریس و ریاض را مشاهده کرد. نقش‌یابی روسیه در روند تحولات سوریه، معادله قدرت را تغییر داد. روسیه در صدد برآمد تا موقعیت منطقه‌ای خود را در شرق مدیترانه تثبیت نماید. برای تحقق چنین اهدافی، روسیه از یگان‌های هوایی گسترده‌ای برای انجام عملیات نظامی علیه داعش بهره گرفت.

۳. موازنه‌گرایی و حضور نظامی آمریکا در سوریه

محور اصلی نقش نظامی و امنیتی آمریکا در سوریه را موازنه‌گرایی منطقه‌ای تشکیل می‌دهد. برای تحقق چنین اهدافی، ایالات متحده آمریکا بخشی از نیروهای نظامی خود را برای موازنه قدرت در سوریه به کار گرفت.

تعداد نیروهای نظامی آمریکا در سوریه، بین ۲۵۰ تا ۶۰۰ نفر در نوسان بوده است. بخش قابل توجهی از این نیروها، نقش حمایتی از گروه‌های شورشی را عهده‌دار بوده است. نیروهای نظامی آمریکا توانستند به صورت تدریجی، زمینه ایجاد موازنه و تعادل در فضای عملیاتی سوریه را به وجود آورند. از اوایل سال ۲۰۱۶، سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا بر ضرورت همکاری با جبهه النصره تاکید داشتند.

در چنین شرایطی بود که جبهه النصره، تاکتیک عملیاتی و الگوی کنش راهبردی خود را تغییر داده تا به عنوان نیروی موثر و سازمان‌یافته مورد حمایت آمریکا، ایفای نقش کند. نقش نیروهای نظامی آمریکا در تابستان و پاییز ۲۰۱۷ به گونه تدریجی در سوریه افزایش یافت. مقام‌های آمریکایی در صدد برآمدند تا موازنه قدرت بازیگران منطقه‌ای همانند ایران، عربستان، سوریه و ترکیه را حفظ نمایند. طبیعی است که تحرک عملیاتی ایران و روسیه، موقعیت ایالات متحده در سوریه را به گونه مشهودی کاهش داد.

آمریکا از قابلیت نظامی خود برای نقش‌یابی در سوریه بهره گرفت. کارویژه اصلی نیروهای نظامی آمریکا در سوریه را باید حمایت اقتصادی، تسلیحاتی و راهبردی از بازیگرانی دانست که از قابلیت لازم برای کاهش قدرت منطقه ایران و دولت مستقر سوریه برخوردار باشد. به همین دلیل است که در روند مقابله با داعش، نظامیان آمریکایی از سازوکارهای کنش اغواگرانه بهره گرفتند. واقعیت آن است که نیروهای مسلح ایالات متحده تنها کشوری است که قادر به انجام عملیات پیچیده در حوزه‌های مختلف نظام جهانی است. این شبکه جهانی دارای نزدیک به ۷۰۰ پایگاه و سایر امکانات مرتبط با نیروهای مسلح دارد که از استقرار بیش از ۲۰۰ هزار پرسنل نظامی در خارج از کشور پشتیبانی می‌کند.

۴. الگوی کنش نظامی آمریکا در سوریه پس‌داعش

تحرك نیروهای نظامی آمریکا در سوریه به گونه تدریجی در سال ۲۰۱۷ افزایش یافت. علت آن را باید در روند شکست مرحله‌ای داعش دانست. شکست داعش، موازنه قدرت منطقه‌ای را می‌توانست تحت تأثیر قرار دهد. به همین دلیل است که آمریکایی‌ها از گروه جبهه النصره حمایت به عمل آورده و در صدد برآمدند تا



ترامپ تلاش دارد تا نظم جدید جهانی را بر اساس الگوی قدرت و محوریت ایالات متحده آمریکا شکل دهد

قابلیت‌های نظامی خود را بر اساس تداوم الگوی موازنه منطقه‌ای، سازماندهی کنند. روندی که در دوران باراک اوباما شروع شده بود، در زمان ریاست جمهوری دونالد ترامپ افزایش یافت.

موریس دانفور، رئیس ستاد مشترک ارتش ایالات متحده به موازات جیمز، متیس وزیر دفاع ایالات متحده، در صدد برآمدن تا زمینه‌های لازم برای استقرار یگان‌های بیشتر نیروهای نظامی آمریکا در سوریه را به وجود آورند. ساختار دفاعی آمریکا بر اساس الگوی فرماندهی و کنترل هدایت می‌شود. فرماندهی و کنترل این نیروها توسط چندین سیستم ارتباطی، اطلاعاتی و نظارتی محافظت شده ارائه شده است. فرماندهان نظامی آمریکا بر اساس چنین قابلیت‌هایی، تلاش دارند تا موقعیت خود را برای مقابله احتمالی با سایر بازیگران حاضر در سوریه ارتقا دهند. در شرایط پساداعش، آمریکا تلاش دارد تا موقعیت خود را نه تنها در سوریه، بلکه در عراق نیز به گونه مشهودی افزایش دهد.

ساختار دفاعی آمریکا، ایفای چنین نقشی را برای نیروهای نظامی ایالات متحده فراهم می‌سازد. فرماندهان آمریکایی بر این موضوع تاکید دارند که اگرچه بخش قابل توجهی از نیروهای نظامی آمریکا در حوزه‌های مختلف جغرافیایی پراکنده هستند، اما هنوز هیچ نیرویی از قابلیت و آمادگی لازم برای رویارویی با یگان‌های نظامی آمریکا برخوردار نیست. آمریکا در دوران بعد از جنگ سرد توانست قابلیت‌های خود را به گونه‌ای ارتقا دهد که برای نقش‌یابی در تمامی حوزه‌های جغرافیایی از آمادگی لازم برخوردار باشد.

نتیجه

محور اصلی سیاست منطقه‌ای آمریکا آن است که ایران نقش همون منطقه‌ای ایفا نکند. به همین دلیل است که محور اصلی رویارویی و مقابله با نقش ایران در سوریه پساداعش خواهد بود. نیروهای نظامی آمریکا به این دلیل در سوریه باقی مانده‌اند که آنان چالش‌های امنیتی جدیدی را در روابط کشورهای منطقه‌ای اجتناب‌ناپذیر می‌دانند. آمریکایی‌ها به این موضوع اشاره دارند که هم‌اکنون شاهد چالش‌های ایدئولوژیک، هویتی و راهبردی ایران، اسرائیل و عربستان در سوریه هستند. هر یک از بازیگران یاد شده هدف متفاوتی را پیگیری می‌کنند.

روند موجود رقابت‌های منطقه‌ای در سوریه نشان می‌دهد که ائتلاف‌های راهبردی سرنوشت بسیاری از تحولات سیاسی و بین‌المللی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هر ائتلاف راهبردی بر اساس نشانه‌ای از قدرت و تهدید شکل می‌گیرد. ائتلاف‌های راهبردی سوریه نیز تابعی از مولفه قدرت، تهدید و چندجانبه‌گرایی خواهد بود. الگوهای رفتاری بازیگرانی همانند ایران، عربستان، اسرائیل، ترکیه، روسیه و آمریکا زمینه‌های شکل‌گیری ائتلاف‌های مرحله‌ای را به وجود آورده است. واقعیت آن است که بحران امنیتی سوریه ترکیبی از نشانه‌های ساختاری و هویتی است. بنابراین ائتلاف‌های مربوط به سوریه نیز ماهیت ساختاری و هویتی دارد.

دونالد ترامپ در گذشته از کنش عملیاتی علیه قابلیت‌های راهبردی سوریه بهره گرفته است. چنین روندی را باید بخشی از سازوکارهای مربوط به کنترل بحران و موازنه در آینده سیاسی سوریه دانست. الگوی رفتاری ترامپ در برخورد با حوزه‌های بحرانی با سنت‌های مبتنی بر نظامی‌گری آمریکا هیچ گونه تمایزی نداشته و نشانه‌هایی از اقدام تهاجمی در چارچوب عملیات پیشگیرانه را منعکس می‌سازد. طبیعی است که در چنین شرایطی، ایالات متحده از سازوکارهای کنش تهاجمی بهره خواهد گرفت. حمایت از جبهه النصره، محور اصلی سیاست‌های چالش‌ساز آمریکا در برابر ایران و در فضای پساداعش در سوریه خواهد بود. ▶

پراگماتیسم ترامپ

آمریکا از معارضین سوری استفاده ابزاری می‌کند

مهدی مطهرنیا

کارشناس مسائل بین‌الملل و دکترای آینده پژوهی



تصمیم جدید ایالات متحده آمریکا مبنی بر افزایش حضور نیروهای دیپلمات و غیرنظامی‌اش در سوریه از چند بعد قابل بررسی است؛ نخست آنکه این تصمیم آمریکا در جهت ایجاد یک فضای معنادار برای عبور از هارتلند نو به نوازلند است. ملزومات اولیه ابزاری در این ارتباط ایجاب می‌کند تا آنها بتوانند در سوریه و محیط‌های پیرامونی سوریه تا نوازلند، یعنی منطقه فلات ایران و به‌ویژه در ناحیه جنوبی عراق، یعنی منطقه شیعه‌نشین متصل به خلیج فارس، یک اطمینان عملیاتی پیدا کنند. سپس در جهت ایجاد فضای معنادار و هدفمند برخورد با تهران وارد عمل شوند.

ایالات متحده آمریکا بعد از گذار از خاورمیانه عربی یا نوازلند، هارتلند نو را هدف قرار خواهد داد. بنابراین زمینه‌های ایجاد یک نوع برخورد با تهران در جهت مدیریت ایران در سال ۲۰۱۸ به بعد، این معنا را پیش خواهد آورد که آمریکا بتواند در منطقه خاورمیانه عربی به نوعی یک امنیت پیچیده لغزان را ایجاد کند که به طور نسبی موجب اصطکاک میان قدرت‌های بزرگ در این منطقه شود و به همان اندازه زمینه‌های حضور ایران در منطقه خاورمیانه عربی را کاهش دهد. ضمن اینکه با ایجاد یک نوع همگرایی منطقه‌ای و هماهنگی با وجه بین‌المللی، بتواند محاصره منطقه‌ای نوازلند را با اطمینان بیشتری در هارتلند نو دنبال کند. از این جهت است که آمریکا تلاش خواهد کرد که با جهت‌گیری‌های دیپلماتیک در منطقه وارد عمل شود و با ایجاد هماهنگی میان قدرت‌های بزرگ در منطقه خاورمیانه عربی از یک سو و از سوی دیگر بین کشورهای عربی با اسرائیل، در جهت تنظیم یک حرکت معنادار علیه تهران اقدام کند. بنابراین تغییر و تحولات موجود در این منطقه باید کاملاً مورد توجه باشد.

از طرف دیگر در بحران سوریه، سیاست‌های آمریکا و متحدانش در مقابل مواضع روسیه و همپیمانانش بود و در نهایت این روسیه بود که دست برتر را داشت و دارد. حال که آمریکا از افزایش شمار غیرنظامیان آمریکایی در سوریه سخن می‌گوید این سوال به ذهن متبادر می‌شود که آیا روسیه این موضوع را برمی‌تابد؛ باید گفت که مبارزه برای شکل دادن به آینده قدرت در منطقه در بعد وارد فاز سیاسی شده است. ایالات متحده آمریکا در بعد نظامی در سوریه و در کل منطقه در یک وضعیت توازن با روسیه و دیگر قدرت‌های بین‌المللی به سر می‌برده است؛ اما اکنون جوامع هدف کلاسیکی مانند سوریه و عراق که قبلاً تحت نفوذ کامل روس‌ها قرار داشت، با حضور آمریکا در دو دهه گذشته همراه شده است. اکنون آمریکایی‌ها می‌خواهند از هزینه‌هایی که از منظر نظامی خود و متحدانشان در دو دهه گذشته انجام داده‌اند، در بعد سیاسی بهره‌برداری کنند.

در این راستا باید دید که کاخ سفید چه برنامه‌هایی را برای سوریه پساداعش در نظر دارد. درواقع به نظر می‌رسد سوریه پساداعش یک سوریه چندتکه به صورت کلونی‌های متفاوتی خواهد بود که در یک

وضعیت سیال از منظر حکومتی قرار خواهد گرفت. هم‌اکنون سوریه یک تل‌خاکستر از مسائل و بحران‌های پساجنگ را داراست که تا حدود زیادی می‌تواند زمینه‌ساز و زمینه‌پرور یک دوران گذاری باشد که در منطق وجودی خود بحران‌زا و بحرانی است. ایالات متحده آمریکایی می‌تواند با پیش‌بینی این وضعیت از این بحران‌ها و هدایت دیپلماتیک بحران‌ها برای ایجاد تنش هدایت شده میان دیگر کنشگران، برای ائتلاف انرژی آنها بهره‌برد. بنابراین ورود دستگاه دیپلماسی آمریکا در جهت ایجاد چنین فضایی می‌تواند کارگر باشد. لازم به ذکر است که آمریکایی‌ها تلاش دارند با همه گروه‌ها حتی گروه‌های مخالف خود ارتباط پیدا کنند. آمریکایی‌ها پراگماتیست هستند و در حوزه عمل‌گرایی حتی مخالفان، به عنوان یک فرصت محسوب می‌شوند. اما آنچه بیشتر برای آمریکاییان مطرح است، معارضین سوری هستند که مدعی ایجاد یک دموکراسی پرهیئت در سوریه، در جهت تغییر و تحولات مناسب و متناسب با دکترین گسترش دموکراسی ارشادی آمریکا در منطقه عمل می‌کنند. بنابراین باید گروه‌های معارضی را در نظر گرفت که ایالات متحده آمریکا از منظر لیبرال دموکراسی می‌تواند روی آنها سرمایه‌گذاری کرده و این لیبرال دموکراسی را در چارچوب دموکراسی ارشادی در بخشی از سوریه مورد حمایت خود قرار دهد. ایالات متحده بدین ترتیب جهت‌گیری‌های استراتژیک خود برای حضور در منطقه را، در چارچوب دفاع از یک دموکراسی پیشرو در منطقه خاورمیانه، مورد حمایت و توجیه برای افکار عمومی در سطوح مختلف نخبگان و توده‌های مردم قرار می‌دهد.

بنابراین در این کشاکش قدرت که هر یک از قدرت‌ها سعی در تثبیت موقعیت خود دارند، شاید لزوم برگزاری مذاکرات برای رسیدن به اجماع در این خصوص پررنگ‌تر باشد. اما باید گفت مذاکرات همواره بوده، هست و خواهد بود. اما اینکه در این مذاکرات چگونه بر سر قدرت کنار آیند و وزن هر کدام چه میزان امتیاز برای آنها فراهم بیآورد، مهم است. اینکه ما در ایران تصور می‌کنیم روس‌ها و ایالات متحده آمریکا در چارچوب جنگ سرد با یکدیگر برخورد می‌کنند و به عنوان دو قطب قدرت برابر در مذاکره وارد می‌شوند، نوعی نگاه تقلیل‌گرایانه به جایگاه آمریکا در منطقه و نگاهی آرزومندانه به جایگاه روسیه در جهان است که در ایران وجود دارد. بنابراین باید بر این نکته تاکید کنیم که احتمال دارد روس‌ها از برگ ایران و سوریه برای گرفتن امتیاز بیشتر در آینده نظام بین‌الملل برای خود استفاده کنند.

در انتها نیز باید به نقش گروهک‌های شورشی و گروه‌هایی چون جبهه النصره و شاخه‌هایش در صحنه داخلی سوریه اشاره کرد. این گروه‌ها بیشتر به صورت کاتالیزور و شدت‌بخش جریان حرکت در سوریه عمل می‌کنند. آنها گروه‌هایی هستند که در معادلات سوریه اگرچه از جنبه ملی اهمیت پیدا می‌کنند، ولی از جنبه منطقه‌ای و بین‌المللی تحت تأثیر قرار می‌گیرند. امروزه مهندسی معکوس و سناریوهای بدیل در ارتباط با این احزاب استفاده شده و آنها را در چارچوب کاتالیزورها و شدت‌بخش‌های جریانی مورد توجه قرار می‌دهند که از یک طرف می‌تواند موجب شروع فاز سیاسی و گفت‌وگوهای دیپلماتیک و از طرف دیگر موجب ایجاد برخورد‌های نظامی داخلی گردد. ▶

استکبار کاخ سفید

تضاد منافع آمریکا و روسیه در سوریه بیشتر شده است

علی خرم

کارشناس مسائل بین‌الملل



۳ این روزها با وجودی که سوریه از شر عصری به نام داعش لاقلاً به صورت متمرکز و سازمان‌یافته، رهایی یافته است اما این کشور همچنان با مشکلات عدیده‌ای دست و پنجه نرم می‌کند؛ نخست گروهک‌های تروریستی و نیروهای باقیمانده از داعش و آینده آنها و دیگری نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای در این کشور. در این میان آمریکا نیز صحبت از باقی ماندن نیروهایش البته به صورت غیرنظامی در سوریه را مطرح کرده است.

ایالات متحده آمریکا احساس می‌کند در سوریه از روسیه، ایران و حزب الله لبنان عقب مانده است. در واقع واشنگتن در زمان باراک اوباما، رئیس جمهوری پیشین آمریکا استراتژی‌ای مبنی بر اینکه در سوریه از نظر نظامی فعال باشد، در دستور کار نداشت. با وجودی که در دور نخست ریاست جمهوری اوباما او را تشویق کردند که به بهانه به کار بردن سلاح شیمیایی به سوریه حمله کند اما او از این کار امتناع کرد. باراک اوباما با زیرکی این توپ را به زمین کنگره انداخت و کنگره آمریکا به جهت مخالفت با اوباما با حمله به سوریه مخالفت کرد. در نتیجه حمله‌ای به سوریه صورت نگرفت و اوباما این مساله را در کارنامه سیاست خارجی خود ثبت نکرد. اما همان جمهوریخواهان تندرویی که اوباما را مورد اتهام قرار می‌دادند که در سوریه مثبت، به موقع و فعال عمل نکرده، در دوره دونالد ترامپ مدعی شدند که آمریکا از روسیه عقب افتاده و به نوعی باید این عقب ماندن را جبران کند.

امروز استراتژی آمریکای دوره ترامپ بر این منباست که گذشته را جبران کند. به این معنا که هر جا آمریکا بتواند در سوریه جای پیش را محکم کند در آنجا ورود پیدا کند. در حال حاضر جنگ علیه داعش در این کشور پایان یافته و تنها نیرویی که آمریکا می‌تواند روی زمین به آنها استناد کند، کردهای سوریه هستند. اما کردهای سوریه دو دشمن دارند؛ دشمن نخست‌شان دولت سوریه و نیروهای هستند که از آنها حمایت می‌کنند و دشمن دیگرشان ترکیه است. ترکیه به طور کلی نمی‌خواهد که نیروهای کرد در

سوریه یا عراق به جایی برسند که ادعایی داشته باشند و بتوانند دست به دست‌پ. ک. ک. در داخل ترکیه بدهند. آمریکا از این بابت محذور شده و به همین دلیل در حال نجوا و زمزمه کردن است که می‌خواهد بعد از داعش نیز در سوریه حضور داشته باشد. اگر قرار باشد این حضور نظامی باشد درگیری به وجود خواهد آمد و اگر غیرنظامی باشد آمریکا با لاجبار باید نیروهای غیرنظامی‌اش را با نیروهای نظامی جابه‌جا کند. یعنی اگر کردهای سوریه نتوانند برای آمریکا کاری انجام دهند، این کشور مجدداً به سمت راهکار ورود نیروی نظامی به سوریه حرکت خواهد کرد. در این صورت آمریکا با روسیه دچار تقابل خواهد شد. روابط مسکو و واشنگتن نیز در دوره ریاست جمهوری ترامپ در آن حدی که روسای جمهوری دو کشور تصور می‌کردند به سمت بهبودی پیش نرفت. در نتیجه از یک سو تقابل میان دو کشور در صحنه سوریه محتمل است و از سوی دیگر آمریکا با هدف آنکه توازن قوایی صورت بگیرد می‌خواهد در سوریه حضور داشته باشد، آن هم از نوع نظامی. بنابراین این کشور اکنون صحبت از حضور غیرنظامی و مستشاری کرده‌ولی به مرور مجبور خواهد شد نیروهای نظامی‌اش را نیز به این کشور بازگرداند. در این بین آمریکا بدون شک نقشه‌هایی را برای حضور بلندمدت در سوریه در سری پرورواند اما این حضور مانند حضور در افغانستان، نخواهد بود. اگر بخواهیم سوریه را با مورد افغانستان مقایسه کنیم باید گفت که در افغانستان روسیه حضور نداشت و این کشور مایل نبود که خطرات دوران اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان تجدید شود اما در سوریه، روسیه دست برتر را دارد و آمریکا نیروی دوم محسوب می‌شود. همچنین آمریکا در سوریه نیروی قابل استنادی ندارد. این در حالی است که روسیه به استناد نیروی زمینی ارتش سوریه، حزب الله و کمک‌های ایران است که می‌تواند از نظر هوایی در این کشور نقش داشته باشد، و پایگاه‌های خود را حفظ می‌کند. پس آمریکا در سوریه نمی‌تواند همان نقشی که در افغانستان داشت را ایفا کند. از سوی دیگر از آنجایی که میان آمریکا و روسیه در سوریه توازن قوا وجود ندارد احتمال مذاکرات میان دو طرف یا رسیدن به یک راه‌حل مشترک خیلی قابل تصور نیست. زیرا همچنان که اشاره شد روسیه دست برتر را در سوریه دارد و به همین دلیل آمریکا نمی‌تواند با روسیه

پشت یک میز بنشیند تا دو طرف به یک توافق قابل قبول و برد-برد دست پیدا کنند. ممکن است آمریکا در نقاطی از سوریه به کمک کردهای آن کشور، نقشی داشته باشد ولی می‌دانیم که ترکیه بحد درصدد خنثی کردن این نقش واشنگتن است تا کردها نتوانند قدرت بگیرند.

بنابراین اکنون اگر دولت دونالد ترامپ سخن از حضور در سوریه را مطرح می‌کند به این دلیل است که فقط می‌خواهند در برابر کشورهایی چون روسیه و ایران عقب‌نشینی نکنند و قلدری‌های درآورند. البته واشنگتن منافعی هم در سوریه به خصوص در رابطه با اسرائیل یا محدود کردن حزب الله و ایران دارد. اما فعلاً باتوجه به شرایط موجود قادر نیست تا چند سال آینده این منافع را پیاده کند. همچنین آمریکا در سوریه ضمن آنکه ظاهراً با نیروهای چون جبهه النصره یا نیروهای تروریستی پراکنده در این کشور مقابله می‌کند اما به نوعی آنها را در آب‌نمک نگه می‌دارد تا اگر زمانی اوضاع خیلی برایش وخیم شد بتواند از این نیروها علیه دولت سوریه و روسیه استفاده کند. ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه در کنفرانس مطبوعاتی اخیرش در مسکو از نقش مخرب آمریکا در سوریه انتقاد کرد و گفت با وجودی که مسکو اطلاعاتی را در مورد جبهه النصره و سایر گروه‌های تروریستی به آمریکا می‌دهد اما واشنگتن نه تنها از اقدامی جدی علیه آنها خودداری می‌کند بلکه آنها را آموزش می‌دهد تا بتواند در زمان مناسب از آنها استفاده کند. در عین حال پوتین به این مساله اشاره کرد که این گونه اقدامات حتماً در آینده برای آمریکا مشکل ساز خواهد شد. در نهایت باید توجه داشت که روی کار آمدن ترامپ به طور کلی جهان را با نوعی سردرگمی و ناهماهنگی مواجه کرده است. در واقع جهان تا سال ۲۰۱۶ غیر از موضوع داعش و تروریسم، در حال حرکت به سمت نوعی همگرایی و همکاری بود؛ اروپا با آمریکای اوباما هم‌نظر بود و روسیه و چین هم با نقد مثبت، آمریکای اوباما را همراهی می‌کردند. اما با ظهور دونالد ترامپ بی‌ثباتی در همه ابعاد به صلح جهان سرایت کرد زیرا ترامپ شخصی نیست که بتواند رهبری جهان را به عهده گیرد و این دنیای پیچیده را با مسائل متنوع گردهم آورد. در دوره اوباما، اروپایی‌ها رهبری آمریکا را پذیرفته بودند و آن را ترویج می‌کردند. تجلی این سیاست‌های اوباما را در حل و فصل مساله هسته‌ای ایران و کره شمالی می‌توان مشاهده کرد. اما در دوره دونالد ترامپ این سیاست برعکس شد و آمریکا دوباره چهره استکباری و تکبر به خود گرفته و همین عامل باعث شد نظم در درون آمریکا و در جهان به هم بریزد و حاصل آن تشنج و آشوب در جهان و به‌ویژه در خاورمیانه خواهد بود. ►





سد نفوذ

واشنگتن میدان را در سوریه برای تهران و مسکو خالی نمی‌کند

دیاکو حسینی

عضو ارشد مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

۴ جیمز متیس، وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا اخیراً پیش‌بینی کرده که با نزدیک شدن به پایان داعش، شمار غیرنظامیان آمریکایی از جمله مقاطعه کارها و دیپلمات‌ها در سوریه بیشتر شود. درواقع این انتظار نمی‌رود ایالات متحده آمریکا که در جنگ سوریه به صورت گسترده‌ای سرمایه‌گذاری کرده بود، در این مرحله که تا اندازه‌ای پایان داعش مسجل شده است، عقب‌نشیند و فضا را برای ایران و روسیه باز بگذارد. نگرانی آمریکا در مقطع فعلی این است که روسیه و خصوصاً ایران موفق شوند خلا حاصل از نابودی داعش را پر و به نوعی جنگ سوریه را به نفع خودشان تمام کنند. بنابراین این حرکت آمریکا برای تقویت حضورش در سوریه به منظور مقابله با ایران و روسیه کاملاً قابل درک است. اما این به این معنا نیست که آمریکا قصد دارد ساریوی افغانستان و عراق را تکرار کند و حضورش را در سوریه استمرار بخشد. از نظر واشنگتن جنگی که امروز در سوریه با داعش تمام شده است در کلیت خود همچنان ادامه دارد؛ زیرا موازنه قدرت را در منطقه هنوز تثبیت نکرده است. درواقع سوریه می‌تواند یک کشور کلیدی باشد برای کشورهایی که در این جنگ حضور داشتند و موازنه‌های منطقه‌ای را از این طریق تغییر دهد. بنابراین اگرچه ادامه حضور نظامی آمریکا در سوریه موضوعی غافلگیرکننده نیست، اما حضور نظامی کمتر خواهد بود. به این معنا که تأکید بر حضور دیپلماتیک و اطلاعاتی آمریکا در سوریه در مقایسه با احتمال حضور

چه حد می‌توانند در یک توافق به رضایت برسند و اوضاع را تثبیت کنند. به عقیده من توافق روسیه و آمریکا بسیار گسترده‌تر و فراتر از موضوع سوریه است؛ توافقی که بین روسیه و آمریکا می‌تواند شکل بگیرد باید همه جنبه‌ها در ارتباط با آینده نقش روسیه در اروپای شرقی، به‌ویژه در اوکراین و کریمه را در نظر بگیرد. همچنین باید روابط کلی‌تر و استراتژیک بین دو کشور را در ارتباط با موضوعات مختلفی که امکان همکاری بین آنها وجود دارد از جمله در ارتباط با کره شمالی را نیز در نظر بگیرد. اما در حال حاضر هیچ توافق کلی‌ای بین مسکو و واشنگتن در مورد موضوعات متنوعی که دو کشور می‌توانند با هم همکاری کنند، وجود ندارد. این دو کشور اکنون در وضعیت رقابت هستند و طبعاً مورد سوریه هم به تنهایی نمی‌تواند وسیله‌ای برای توافق بین این دو کشور قرار بگیرد. قاعدتاً آمریکا و روسیه موضوعات ساده‌تری دارند که می‌توانند روی آن توافق بکنند، اما با توجه به سندی که به عنوان استراتژی امنیت ملی آمریکا منتشر شد، به نظر می‌رسد که نوع لحن دونالد ترامپ در ارتباط با روسیه، سازش‌ناپذیرتر از آن چیزی است که منجر به یک توافق کلی استراتژیک بین دو کشور شود. این چشم‌انداز که روسیه و آمریکا بتوانند در این مقطع زمانی در ارتباط با سوریه به یک توافق پایدار برسند، بسیار بعید است. از سوی دیگر طبق آنچه واشنگتن اعلام کرده است به چند دلیل هیچ برنامه مشخصی در ارتباط با آینده سوریه وجود ندارد؛ اولاً آمریکا توانایی مطلق در ارتباط با سوریه ندارد و باید آینده سوریه را از طریق مذاکره با ایران و روسیه و همین‌طور لحاظ کردن دیدگاه کشورهای متحد آمریکا مثل عربستان و ترکیه دنبال کند. این در حالی است که همه این کشورها نه تنها با آمریکا اختلاف دارند، بلکه با همدیگر هم اختلاف دارند. در نتیجه سوریه در وضعیتی کاملاً مبهم قرار دارد و به نظر نمی‌رسد که در آینده نزدیک بتواند به یک روشنایی برسد و استراتژی آمریکا در سوریه را مشخص کند. دوماً مهم‌ترین نگرانی واشنگتن در دمشق وضعیت اسرائیل است که از نگاه آمریکایی می‌تواند از طریق حضور نظامی ایران در شمال سوریه و در مرزهای مشترک اسرائیل و سوریه تهدید شود. بنابراین هدف و تمرکز اصلی ایالات متحده ممانعت از استقرار ایران در سوریه است که به عقیده من این هدف، امروز جایگزین برکنار کردن بشار اسد و شکست داعش شده است. از طرف دیگر این موضوع را هم باید در نظر داشته باشیم که گروه‌های شورشی کوچک و همچنین جبهه النصره و شاخه‌های آن و به معنای دقیق‌تر موازنه‌های کوچک در صحنه سوریه تابعی از موازنه‌های بزرگ‌تر است که باید بین کشورهای اصلی برقرار شود. درواقع قبل از اینکه توافقی بین کشورهای اصلی و گروه‌های قدرتمند وجود داشته باشد، هیچ توافقی نمی‌تواند بین گروه‌هایی که توسط این کشورها تجهیز و حمایت می‌شوند، صورت بگیرد. این گروه‌های شورشی کوچک و جبهه النصره زمانی در آینده سوریه تأثیرگذار خواهند بود که بخشی از پروژه سیاسی باشند. به این معنا که در یک توافق کلی‌تر که می‌تواند در آینده در ژنو با حضور ایران و روسیه صورت بگیرد، این گروه‌ها به یک جریان سیاسی و قانونی در درون نظام سیاسی سوریه تبدیل شوند. اما اکنون به نظر نمی‌رسد که چنین توافقی کلی‌ای صورت گرفته باشد و نحوه ادغام این گروه‌ها که بعضاً تروریستی هم هستند را توضیح دهد. بنابراین تازمانی که چنین اجماعی در این کشورها ایجاد نشود، در رابطه با آینده این گروه‌ها هم نمی‌توان صحبت کرد. اگرچه عربستان سعودی و ترکیه اعتقاد دارند برخی از گروه‌هایی که اتفاقاً ایران و روسیه هم نظر مطلوبی نسبت به آنها ندارند، باید در آینده سوریه نقش داشته باشند؛ اما در گفت‌وگوهای گذشته توافقی در این موضوع به دست نیامده است. ▶

نظامی به‌طور جدی‌تری مطرح است. از طرف دیگر انتظار نمی‌رود روسیه و متحدانش که در جبهه مقابل ایالات متحده و نیروهای ائتلاف قرار داشتند، حضور آمریکا در سوریه را بپذیرند و طبیعتاً مخالفت می‌کنند. اما مخالفت روسیه و سایر کشورها هیچ تأثیری در اراده آمریکا بر ادامه حضور سیاسی، اطلاعاتی و نظامی در سوریه ندارد. سوریه یک عرصه رقابت برای واشنگتن و مسکو بوده و هست و در آینده نزدیک هم تارسیدن به یک توافق کامل درباره آینده سوریه به گونه‌ای که همه طرف‌ها را راضی کند، ادامه خواهد داشت. بنابراین از نظر آمریکا مخالفت روسیه با حضور چندجانبه آنها اهمیتی ندارد.

به این خاطر که صحنه سوریه بسیار پیچیده و متغیر شده است، گروه‌ها مرتباً تغییر آرایش می‌دهند و طرف‌های مقابل آنها که با هم در تعاملند، تغییر می‌کنند. بنابراین با جزئیات نمی‌توان گفت که آمریکا با کدام گروه‌ها و کدام شاخه‌ها در ارتباط است. اما به‌طور قاطع می‌توان گفت هدف ایالات متحده در سوریه ممانعت از سلطه کامل روسیه در آینده سیاسی سوریه و ممانعت از تشکیل کریدور ایران از سوریه به مدیترانه و بخش‌هایی از بلندی‌های جولان که اسرائیل در آن حضور دارد، است. این دو هدف اصلی واشنگتن برای حضور در سوریه است. هدف فرعی کاخ سفید نیز جلوگیری از استمرار حکومت بشار اسد و بازگشت به شرایط قبل از سال ۲۰۱۱ است و تازمان تعیین تکلیف ابهامات، وضعیت در سوریه به همین شکل باقی خواهد ماند.

به نظر می‌رسد که مقامات روسیه و آمریکا به خصوص به گفت‌وگو بنشینند، اگرچه این مذاکرات امروز هم جریان دارد. اما مسأله مهم اینجا است که این مذاکرات چقدر می‌تواند نتیجه‌بخش باشد و طرفین تا

تقابل دیپلماتیک

تل‌آویو به واشنگتن برای حضور در سوریه فشار می‌آورد



سعید شکوهی

کارشناس مسائل آمریکا



در پی سخنان اخیر وزیر دفاع ایالات متحده مبنی بر افزایش حضور دیپلمات‌های آمریکایی در دوران پساداعش در سوریه، این پرسش مطرح شده است که استراتژی واشنگتن در سوریه در سال ۲۰۱۸ به چه صورت خواهد بود. تصمیم کاخ سفید مبنی بر افزایش نیروهای غیرنظامی اش در سوریه در راستای سیاست‌های دونالد ترامپ است که پیش از اینکه رئیس‌جمهور آمریکا شود، در کمپین انتخاباتی اش وعده داده بود که از مداخله آمریکا در کمپین‌های نظامی و سیاسی در مناطق دوردستی که منافع زیادی را برای آمریکا به همراه ندارد و هزینه‌هایی را بر این کشور تحمیل می‌کند، پرهیز کند. از طرف دیگر تحولات میدانی در سوریه به گونه‌ای پیش رفت که آمریکا در صحنه نظامی و دیپلماتیک، به بازیگر درجه دو تبدیل شد، ایران، روسیه و ترکیه ابتکار عمل را به دست گرفتند و توانستند سیاست‌هایی را پیش ببرند که سوریه به ثبات نسبی دست پیدا کند و داعش را در این منطقه شکست دهند. بنابراین نفوذ ایران و روسیه در سوریه به شدت گسترش پیدا کرد که این امر موجب نگرانی محافل سیاسی در آمریکا شد و فشار برای حضور بیشتر در سوریه را به دنبال داشت. البته آمریکا برای حضور نظامی در سوریه با قوانین حقوق بین‌الملل مشکل داشت و هیچ توجیه حقوقی برای حضور در این کشور نداشت؛ زیرا کنگره آمریکا و شورای امنیت سازمان ملل این موضوع را تصویب نکرده بودند. اما به دنبال از بین رفتن داعش در سوریه، زمینه‌ای فراهم شد که آمریکا به بهانه بازسازی سوریه و آموزش نیروهای نظامی، حضور غیرنظامیان و دیپلمات‌هایش را در این کشور افزایش دهد. به عقیده من این برنامه میان مدت و نه کوتاه مدت آمریکا برای جلوگیری از بحث نفوذ ایران و روسیه در سوریه است. بنابراین این حضورشان در سوریه تداوم خواهد داشت.

با این حال روسیه و ایران مخالف حضور آمریکا، خصوصاً دیپلمات‌ها و ژنرال‌های بازنشسته و کهنه کارشان در سوریه هستند. زیرا به خوبی با هدف ایالات متحده آشنا هستند و بر این مساله واقفند که این اقدام آمریکا برای جلوگیری از نفوذ ایران است. کاخ سفید در صدد است از این طریق بر آینده نظام سیاسی سوریه تأثیر بگذارد. در این راستا اگر انتخاباتی در سوریه برگزار شود، واشنگتن تمام تلاشش را خواهد کرد که حکومتی روی کار آید که مانند بشار اسد طرفدار ایران و روسیه نباشد و به متحدان عرب آنها گرایش داشته باشد. از این رو اگرچه تحمل حضور دیپلماتیک آمریکا در سوریه سخت است، اما نمی‌توان جلوی حضور آن را گرفت، مخصوصاً که واشنگتن حضورش را با برنامه‌های اقتصادی و بازسازی کشور توجیه می‌کند تا وجاهت قانونی و حقوق بین‌المللی را هم در دست داشته باشد. بنابراین روسیه، ایران و متحدانشان در مقابل عمل انجام شده قرار خواهند گرفت؛ پس پیش از آن باید با طرح‌ها و ابتکارات دیپلماتیک، جلوی مانور و قدرت هیات دیپلماتیک آمریکایی را بگیرند.

از طرف دیگر باید گفت که آمریکا صحنه دیپلماسی

و نظامی را در سوریه به رقبا باخته است پس باید در آینده از این فرصت استفاده کرد. ایالات متحده تا قبل از اینکه داعش از بین برود، در قالب مبارزه با داعش به گروه‌های معارض و معاند سوری و کردی که با دولت مرکزی مبارزه می‌کردند، کمک نظامی و مالی حتی مستشاری و اطلاعاتی ارائه می‌داد. اما در این راه موفق نبود و روسیه و ایران در این وضعیت دست برتر را داشتند و دارند. بنابراین آمریکا تلاش می‌کند تا از این به بعد حضور خودش را در سوریه پررنگ کند؛ آنها در فرصت پیش آمده و با تجربه فروپاشی صدام در عراق، در تلاشند حکومت مرکزی را تضعیف و تبعید کرده و حکومتی متمایل به آمریکا

شده‌اند ایران از این طریق می‌تواند به اسرائیل دسترسی داشته باشد و حتی به شکل نظامی به آن رژیم ضربه بزند. به همین خاطر آمریکا را تحت فشار قرار داده‌اند که در سوریه حضور داشته باشد و مانع از حضور ایران شود. از طرف دیگر با از بین رفتن نسبی داعش در سوریه، آمریکا از گروه‌های معارض دولت مرکزی و گروه‌های معارض کردی که با دولت مرکزی در تعارض هستند، حمایت لجستیکی و مالی می‌کند، تا قدرت و نفوذشان را در مناطق تحت کنترل بیشتر کنند و از نفوذ دولت مرکزی بکاهند. همچنین گزارش‌هایی وجود دارد که آمریکا از گروه‌های افراطی دیگری که در سوریه هستند حمایت می‌کند، اما



و متحدین عربشان به وجود آورند. در واقع هدف کاخ سفید این است که از این هیات غیرنظامی برای آینده سیاسی سوریه استفاده کند و بتواند به خیال خود نظام سیاسی آن کشور را تغییر دهد؛ زیرا بر این موضوع تأکید کردند که هر چند آنها با نیروهای سوری مبارزه نمی‌کنند، اما می‌خواهند حکومت بشار اسد از قدرت کناره‌گیری کند. بنابراین حضور هیات غیرنظامی آمریکا در شرایط پساداعش در سوریه، اولاً برای جلوگیری از نفوذ روزافزون ایران و روسیه، ثانیاً تأثیرگذاری بر آینده سیاسی سوریه و ثالثاً بهره‌برداری‌های اقتصادی در مراحل بازسازی سوریه است. نکته مهم دیگر این است که اسرائیل به شدت از حضور ایران در سوریه بیمناک است و هشدار هم داده که ایران در صدد حضور دائمی در این کشور است. مقامات رژیم اسرائیل مدعی

روسیه و ایران مخالف حضور آمریکا، خصوصاً دیپلمات‌ها و ژنرال‌های بازنشسته و کهنه کارشان در سوریه هستند. زیرا به خوبی با هدف ایالات متحده آشنا هستند و بر این مساله واقفند که این اقدام آمریکا برای جلوگیری از نفوذ ایران است

این مساله نمود بارزی ندارد. مهم‌ترین گروه‌هایی که در حال حاضر از حمایت‌های آمریکا بهره‌مند می‌شوند کردها، جبهه النصره و القاعده هستند که در حال حاضر نام‌شان را در سوریه تغییر داده‌اند. البته این حمایت‌ها علنی و آشکار نیست.

اگرچه ممکن است در کوتاه مدت آتش‌بس و شرایط صلح‌آمیز برقرار باشد، اما بازهم این مساله سر باز خواهد کرد. بنابراین برای حل این بحران احتمال مذاکره روسیه و آمریکا زیاد است. احتمال می‌رود روسیه، آمریکا را وارد تعاملات دیپلماتیک برای پایان دادن به حل بحران سوریه کند. در نهایت باید گفت یکی از سناریوها در مورد آینده سوریه این است که با از بین رفتن داعش، صلح و ثبات به این کشور بازمی‌گردد و این کشور طی سال‌های آینده فرآیند بازسازی را شروع کند. ما نیز امیدوار هستیم که این روند در سوریه در پیش گرفته شود اما متأسفانه با تداوم روند موجود به نظر می‌رسد که همچنان اختلافات داخلی پابرجا بماند. همچنین ممکن است طی سال‌های آینده انتخاباتی در این کشور برگزار شود و اگر بشار اسد امکان حضور در انتخابات را داشته باشد، بازهم رئیس‌جمهور کشور شود. اما اختلافات فرقه‌ای، مذهبی و سیاسی با جنگ در میدان نبرد پایان نمی‌یابد و برای حل این مشکل گروه‌های سوری باید با همدیگر مذاکره کنند و به یک فرآیند آشتی ملی برسند. ▶

ریاض در باتلاق خود ساخته

عربستان سعودی در باتلاق سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه و افراطی‌اش گرفتار شده است. بسیاری از تحلیل‌های عربی نشان از گسست میان ائتلاف‌های عربستان به ویژه ائتلاف ضدیمنی با دیگر کشورهای عربی دارد. همچنین برخی از سیاست‌های آل سعود باعث شده کشورهایمانند امارات یا کویت در حال فاصله گرفتن از این کشور باشند. به عنوان مثال رویکرد ادیکالی عربستان سعودی در قبال قطر منجر به هراس سایر کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی شده و یا طولانی شدن جنگ یمن برخی کشورها چون امارات را از همراهی کردن ریاض منصرف کرده است. اکنون این پرسش مطرح است که این گسست میان اعراب چقدر جدی است و چه تبعاتی برای ریاض به دنبال خواهد داشت؟

بین‌الملل

تیتریک



ماموریت ناکام

انصارالله معادلات را
در یمن تغییر داد



نشانه‌های شکست ائتلاف حمله به یمن را می‌توان در تحرکات سیاسی ریاض و ابوظبی مشاهده کرد. عربستان و امارات برای ائتلاف‌سازی با دشمنان یکدیگر تلاش می‌کنند؛ این موضوعی است که نشان‌دهنده گرفتاری آنها در باتلاق یمن است

راه‌هم به خطر انداخته است. تغییر معادلات میدانی بحران یمن علیه عربستان سعودی، احتمال از سرگیری مذاکرات صلح کویت و تقویت اراده سعودی‌ها برای حل و فصل مسالمت‌آمیز بحران یمن را افزایش داده است.

ضلع دیگر این ائتلاف یعنی امارات متحده نیز ظاهراً از شرایط پیش آمده راضی نیست. دلیل نارضایتی امارات از جنگ یمن آمار بالای تلفات این کشور است؛ جنگی که تاکنون به کشته شدن بیش از ۱۲ هزار یمنی منجر شده است. برخی منابع در کشورهای عرب خلیج فارس اعلام کرده‌اند که این روزها روابط عربستان و امارات دچار نوعی گسست شده است و این احتمال وجود دارد که این روابط در آینده به رودررویی منجر شود. در نگاهی کلان‌تر باید گفت اختلافات بین عربستان و امارات در خصوص چند پرونده از جمله جنگ یمن، روابط با گروه اخوان المسلمین و نزدیکی رو به افزایش و قابل ملاحظه روابط عربستان با ترکیه است. امارات از نزدیکی پرشتاب روابط عربستان و ترکیه احساس نگرانی می‌کند. سفر بن علی یلدریم، نخست‌وزیر ترکیه به عربستان بیانگر این نزدیکی پرشتاب روابط بین ریاض و آنکارا است.

نکته قابل توجه این است که نزدیکی روابط ترکیه و عربستان زمانی صورت می‌گیرد که روابط ترکیه و امارات در اوج تنش قرار دارد. تنش در روابط دو کشور بعد از حمله شدید رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه به عبدالله بن زاید، وزیر خارجه امارات به خاطر مطلب توییتی وی، به اوج رسید. اردوغان دو پیام به عربستان و امارات در جریان سفر دوره‌ای خود به چند کشور نظیر سودان، چاد و تونس ارسال کرد. اردوغان در این سفر توافقنامه‌های نظامی، امنیتی و اقتصادی امضا کرد که بارزترین آنها، توافقنامه با سودان برای ایجاد یک پایگاه نظامی در جزیره سواکن در مقابل سواحل یمن و عربستان در دریای سرخ بود. این امر خشم مسئولان مصری را به همراه داشت. پیام اردوغان به عربستان در حمله شدید او به بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه بود. این پیام همزمان با آغاز سفر یلدریم به ریاض

با وجود سپری شدن هزار روز از آغاز عملیات «توفان قاطعیت» علیه یمن به بهانه بازگشت مشروعیت، اکنون به نظر می‌رسد نیروهای ارتش و کمیته‌های مردمی یمن از هر زمانی قدرتمندتر هستند و گزینه‌های بیشتری در اختیار دارند. این موضوعی است که سبب خواهد شد رهبران ائتلاف به بازنگری در مأموریت ائتلاف حمله به یمن بپردازند. آنان سرگرم ارزیابی این موضوع هستند که آیا گزینه‌های نظامی این ائتلاف پس از این سودمند خواهد بود؟ چرا که ائتلاف حمله به یمن پس از قدرت‌یابی موشکی یمن، نقش آفرینی گروه مردمی انصارالله در عرصه‌های مختلف یمن را در کانون توجه قرار دادند.

از سویی شاخص‌ها نشان می‌دهد که ائتلاف ضدیمنی به سردمداری عربستان، طی سه سال گذشته نتوانسته به کمترین اهداف خود دست یابد. در عرصه نظامی این ائتلاف تنها توانست یمن را ویران و مردم این کشور را با خاک و خون یکسان و با گسترش محاصره و بیماری، مردم یمن را با درد و رنج روبه‌رو سازد. در عرصه سیاسی نیز ائتلاف حمله به یمن نتوانست در این کشور پایگاه سیاسی به دست آورد و در عرصه سیاسی آن تغییری ایجاد کند. همچنین منافع احزاب یمنی که از ائتلاف حمله به یمن حمایت می‌کنند، اکنون با یکدیگر در تعارض است. به طور کلی نشانه‌های شکست ائتلاف حمله به یمن را می‌توان در تحرکات سیاسی ریاض و ابوظبی مشاهده کرد. عربستان و امارات برای ائتلاف‌سازی با دشمنان یکدیگر تلاش می‌کنند؛ این موضوعی است که نشان‌دهنده گرفتاری آنها در باتلاق یمن است.

همچنین بازی ائتلاف حمله به یمن با برگ حزب الاصلاح نیز نشان می‌دهد ادامه راهبرد امارات و عربستان برای شرط‌بندی روی هواداران علی عبدالله صالح در حزب کنگره مردمی با شکست روبه‌رو شده است. ضمن اینکه نقطه عطف تازه‌ای در روند جنگ یمن به وجود آمده است، به صورتی که اگر صنعا توسط ائتلاف مورد حمله قرار گیرد نیروهای یمن، ریاض و ابوظبی را هدف قرار خواهند داد. این معادله‌ای است که «عبدالملک الحوثی» رهبر گروه مردمی انصارالله آن را بیان کرده است. این معادله یمن نشان می‌دهد گزینه‌های عربستان در یمن اندک است و ادامه جنگ بیهوده است و هیچ نتیجه راهبردی به دنبال نخواهد داشت. عربستان که گمان کرده بود این جنگ امنیت ملی این کشور را حفظ خواهد کرد اکنون با شلیک موشک‌های یمن در یافته است که امنیت ملی این کشور بیش از هر زمان دیگری با خطر روبه‌رو شده است.

برخی تحلیلگران حمله‌های موشکی انصارالله به ابوظبی و ریاض، کشته شدن صالح و افزایش فشارهای بین‌المللی را موجب تضعیف و تعدیل موضع عربستان در مذاکرات احتمالی در کویت می‌دانند. از دید تحلیلگران، تحولات میدانی یمن، جنگ عربستان در یمن را فاساد می‌کند. ریاض در شرایط کنونی و پس از کشته شدن علی عبدالله صالح با بحران واقعی روبه‌رو است. این کشور دیگر برگ برنده‌ای برای بازی ندارد. همه برگ برنده‌های آن در جنگ طولانی علیه یمن از بین رفته است. ضمن اینکه عربستان پس از نزدیک به سه سال تجاوز نظامی، نه تنها به اهداف از پیش تعیین شده خود در یمن دست نیافته، بلکه رویارویی با نیروهای انصارالله به خاک سعودی هم کشیده شده است. این مساله امنیت شهرهای عربستان

ریاض در شرایط کنونی و پس از کشته شدن علی عبدالله صالح دیگر برگ برنده‌ای برای بازی در یمن ندارد



رویای بر باد رفته

سیاست چماق و هویج بن سلمان، اعراب را از ریاض دور کرده است

داود احمدزاده

کارشناس مسائل خاور میانه



۲ عربستان سعودی و اجدی یک رژیم اقتدارگراست که این مساله در دوره محمد بن سلمان تجلی بیشتری یافته است. سیاست‌هایی که ولیعهد سعودی در داخل و خارج از کشور دنبال می‌کند، مبتنی بر سیاست چماق و هویج است و او از این طریق توانسته سلطه خود را تاحدودی ایفا و تحکیم کند. اگر اشاره‌ای به سیاست‌های کلی عربستان و استمرار آن در وضعیت موجود داشته باشیم، می‌توان گفت که محور اجرای سیاست خارجی این کشور و اولویت آن بیشتر شبیه جزیره، سپس جهان عرب، جهان اسلام و نظام بین‌الملل را در بر می‌گیرد. در هر صورت عربستان دارای چارچوب مشخصی است که این چارچوب دارای اولویت‌های محدود در منطقه است. دود هدف اصلی حاکمان آل سعود در شرایط موجود نخست امنیت داخلی و سپس امنیت خارجی است. به نظر می‌رسد پیگیری هدف دوم از نظر محمد بن سلمان تاحدودی توسط هدف نخست تعیین می‌شود. به بیان دیگر او در پی ایجاد یک رژیم اقتدارگرا و فردمحور است که دیگر اعضای خاندان آل سعود نیز تابع سیاست‌ها و مطیع اوامر وی باشند.

همچنین چهار هدف مشخص را برای سیاست خارجی عربستان در دوره جدید به این صورت می‌توان بیان کرد: ۱- توسعه و رشد اقتصادی و حفظ تمامیت ارضی ۲- تقویت و تحکیم همبستگی عربی-اسلامی با محوریت عربستان سعودی و حمایت سیاسی و اقتصادی از اقلیت‌های همسو با ایدئولوژی این کشور مانند بحرین، کویت و دیگر کشورهای همسو ۳- همکاری با قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای برای تثبیت قدرت این کشور و پیشبرد فرآیند صلح در منطقه خاورمیانه حتی به قیمت خیانت به آرمان فلسطین ۴- حفظ جایگاه برتر عربستان در بازارهای جهانی نفت. باید توجه داشت ریاض برای حفظ این برتری حاضر شده با شرکت‌های چندملیتی در رابطه با کاهش شدید قیمت نفت توافق کند تا بتواند ایران را در منطقه از نظر اقتصادی با مشکلات بیشتری مواجه سازد.

از بدو شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس در منطقه، عربستان به عنوان رهبر یا لیدر این کشورهای همسو تلاش کرده که از ظرفیت‌های این شورا برای پیشبرد اهداف خویش در منطقه استفاده کند و همواره در صف‌بندی‌های منطقه‌ای به نوعی در رقابت با رقبای خویش به ویژه ایران به نحوی از این کارت استفاده شده است. به طوری که در جنگ ۸ ساله ایران و عراق، عربستان سعودی با جهت‌دهی سیاست‌های دیگر کشورهای عضو، تلاش کرد که با تداوم جنگ به نوعی پیروزی عراق را میسر سازد. بعد از وقوع بهار عربی نیز ما شاهد بودیم که عربستان در محور ضدکشورهای تغییر، سعی کرد که از ابزار رشوه و سرکوب در پیگیری از اعتراضات گسترده در بحرین و کویت به موازات اعتراضات داخلی خود استفاده کند. در هر صورت سقوط برخی از هم‌پیمانان استراتژیک این کشور مانند زین العابدین بن علی در تونس و حسنی مبارک در مصر روند تحولات منطقه را به ضرر عربستان پیش برد.

بنابراین بعد از تثبیت نسبی موقعیت عربستان در منطقه، این کشور دخالت در اوضاع داخلی سوریه را همزمان با اعزام نیرو به بحرین برای بازیافت قدرت

منطقه‌ای خویش به کار گرفته است. ولی گذشت زمان و روند تحولات اخیر به‌ویژه پیروزی‌های حادث شده در عراق، سوریه و مقاومت حوثی‌ها در یمن، خطرانی را مجدداً متوجه زمامداران جدید عربستان کرده است. بنابراین مشاهده می‌کنیم که بن سلمان در دوره اخیر برای حفظ هژمونی منطقه‌ای خود در جهان عرب، دیگر کشورهای عربی را به همسویی و اشتراک بیشتر در بحث سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی در منطقه وادار و درواقع سیاست‌هایش را به آنها به نوعی دیکته کرده است. حاصل سیاست یک‌تازی عربستان، اختلاف شدید میان دوحه و ریاض و دور شدن این کشور از شورای همکاری خلیج فارس بوده است. به موازات آن، ناکامی در یمن برای بازگرداندن قدرت به منصور هادی و افزایش توانمندی انصارالله در هدف قرار دادن برخی از شهرهای امارات و عربستان، رعب و وحشتی را در میان اعضای شورای همکاری خلیج فارس در قالب ائتلاف عربی به راه انداخته است. بنابراین زمینه‌هایی مبنی بر خروج کویت و اختلاف نظر میان امارات و عربستان در پیگیری سیاست‌های نظامی و راهبردی در یمن شنیده می‌شود. از این رو، ما در هفته‌های اخیر بحث‌هایی مبنی بر ارتباط و هماهنگی بیشتر بین عربستان و رژیم صهیونیستی را در منطقه برای جلوگیری از افزایش نفوذ ایران در منطقه شاهد بودیم و این روابط پنهانی که قبلاً از سوی برخی رسانه‌ها شنیده می‌شد، در وضعیت موجود آشکارتر شده است.

باید توجه داشت که استراتژی نوین سعودی بر پایه معرفی ایران به عنوان یک تهدید است که از سه ضلع تشکیل شده است: نخست بحث تهدیدنمایی هسته‌ای ایران بعد از برجام به عنوان یک خطر آتی برای منطقه، دیگری بحث ائتلاف‌سازی مجدد برای مقابله با سیاست‌های ایران و سومین مورد کمک‌های مالی و اقتصادی به کشورهای

همسو با عربستان برای تفرقه بیشتر در منطقه. این کمک‌ها برای ایجاد هماهنگی بیشتر با عربستان و با هدف اتخاذ تصمیمات ضدایرانی در کنار سرکوب اعتراضات مدنی به ویژه اقلیت شیعه ظهور و بروز یافته است.

این سیاست‌های عربستان به خصوص در مساله بیت المقدس می‌تواند نقطه آغازی بر تشدید اختلافات با برخی از کشورهای همسو و هم‌پیمان قدیم مثل اردن و کویت نیز قلمداد شود. چرا که بعد از اعلان سیاست ترامپ مبنی بر انتقال سفارت آمریکا از تل آویو به قدس شریف، عربستان به نوعی تلاش کرده است گروه‌های فلسطینی را نسبت به این تصمیم مجاب سازد و خطر اصلی تهدیدکننده جهان عرب را نه رژیم صهیونیستی بلکه ایران جلوه دهد. نمونه بارز این اقدامات را می‌توان در نشست استانبول مشاهده کرد که در این نشست، مقامات عالی‌رتبه سعودی مشارکت نداشتند و حتی تلاش کردند که مانع حضور مقامات عالی‌رتبه اردن و کویت شوند.

بعد از اتخاذ این تصمیمات، اردن به دلیل مسائل امنیتی و احساس خطر از تهدیدات رژیم صهیونیستی مخالفت خویش را با سیاست‌های منطقه‌ای عربستان به‌ویژه در مورد قدس اعلام کرد و در پی آن عربستان نیز این کشور را تهدید به قطع کمک‌های مالی و مشوق‌های اقتصادی و حتی انزوا در منطقه کرده است. همه علائم موجود نشان می‌دهد که اتحاد و ائتلاف ساختگی عربستان که تأییدی بر نقش رهبری این کشور در منطقه باشد، به نوعی بر باد رفته است و در وضعیت موجود این کشور توانمندی دیکته کردن سیاست‌های خویش را حتی به متحدان نزدیک خود نیز پیدا نخواهد کرد. استراتژی نوظهور عربستان در ارتباط بیشتر با ایالات متحده آمریکا و همسویی آشکار در اتخاذ سیاست‌های ضدایرانی با رژیم صهیونیستی در منطقه تجلی یافته است. ▶



یک‌جانبه‌گرایی ریاض

آیا ائتلاف عربی در یمن دچار گسست می‌شود؟

نصرت‌الله تاجیک

سفیر پیشین ایران در اردن



پس از ولیعهدی محمدبن سلمان در عربستان شاهد تشدید یک‌جانبه‌گرایی این کشور هستیم که این مساله منجر به فاصله گرفتن کشورهای عربی از ریاض شده است و این موضوع می‌تواند برای آینده منطقه خطرناک باشد. چرا که وقتی کشورها نتوانند با هم همکاری داشته باشند به تدریج این عدم همکاری تبدیل به تنش و در مرحله بعد تبدیل به رویارویی می‌شود.

در حال حاضر نیز منطقه مستعد یک جرقه است؛ بنابراین اگر کشورها با هم همکاری داشته باشند، در راستای حل مشکلات برمی‌آیند اما اگر مقابل هم قرار بگیرند، باعث پیچیده‌تر شدن اوضاع منطقه خواهد شد.

در این میان یکی از مسائلی که خیلی برای ریاض دردسرساز شده، طولانی شدن جنگ در یمن است. به دنبال طول کشیدن ماجرای یمن، خیلی از کشورها به این موضوع پی بردند که تحلیل و اقدامات عربستان از این جنگ صحیح نبوده است. ریاض گمان می‌کرد در کوتاه‌مدت می‌تواند ماجرای یمن را تمام کند اما مجموعه اقدامات عربستان در قالب ائتلاف و فشار افکار عمومی به دلیل اقدامات ناپسندیده و بمباران مناطق مسکونی و غیرنظامی یمن باعث شد که برخی کشورهای عربی حساب‌شان را از عربستان جدا کنند که قطر نمونه بارز آن بود، امارات نیز اخیراً نارضایتی خود را اعلام کرده است. برخی اخبار نیز حاکی از آن است که کویت و اردن نیز در حال بررسی خروج از ائتلاف هستند.



البته با خروج این کشورها از ائتلاف ضدیمنی شاید خیلی خیلی در روند عربستان ایجاد نشود. زیرا از ابتدا ریاض همه‌کاره این ائتلاف بود و باقی کشورها فعالیت چندانی نداشتند. در حال حاضر نیز مهم‌تر از قضیه جدایی کشورها از ائتلاف، مساله فشار افکار عمومی نسبت به اقدامات عربستان و ائتلاف ضدیمنی علیه غیرنظامیان و مردم بی‌دفاع این کشور است. در واقع دیگر کشورهای عربی نمی‌خواهند تبعات اقدامات عربستان را بر دوش بکشند. زیرا در هر صورت امروز به دنبال نحوه برخورد انصاری با عربستان ممکن است تبعات این قضیه به آن کشورها نیز برسد. بنابراین آنها ترجیح می‌دهند که در این معادله قرار نگیرند.

از دیگر سوشواری همکاری خلیج فارس نیز چشم‌انداز خیلی روشنی ندارد و با این وضعیت قطر، شورای همکاری هم خیلی فعال نیست. در این راستا حتی اقدامات کویت نیز نتوانست کمکی به این وضعیت بکند.

باید توجه داشت که امروزه بیش از دیگر کشورهای عربی مساله امارات و اختلافاتش با عربستان مطرح است. البته سابقه اختلافات عربستان و امارات پیش از بهار عربی و سال ۲۰۱۱ بیشتر بر سر مباحث سرزمینی و مباحث سیاسی و مذهبی بود. در رابطه با اختلافات مرزی، امارات معتقد بود که عربستان به بخشی از سرزمین‌های مرزی آنها تجاوز کرده است؛ بنابراین در آن مقطع این اختلافات بعضاً سر باز می‌کرد و به جنگ‌های محدود مرزی ختم می‌شد.

مساله دیگر به مسائل سیاسی و مذهبی میان دو کشور بازمی‌گردد چرا که در عربستان سیستم وهابی حاکم است اما در امارات وهابیت وجود ندارد. بحث دیگر عدم توازن دو کشور است که اختلافات را تشدید کرده است؛ در عربستان یک سیستم حکومتی متمرکز با قدرت مالی و سیاسی وسیع وجود دارد ولی امارات متشکل از ۷ امیرنشین و با منابع محدود است.

این گونه اختلاف‌نظرها به پیش از سال ۲۰۱۱ بازمی‌گردد ولی بعد از آن تحولات خاورمیانه، مسائل سوریه و یمن به نوعی عربستان و امارات را به هم نزدیک کرد و اختلافات کنار گذاشته شد. در عین حال در برخورد با مسائل ناشی از بهار عربی دو کشور اختلاف نظرهایی داشتند اما موضع‌شان در قبال ایران واحد بود. یعنی اگر چه عربستان و امارات متحده عربی برای همکاری سیاسی، اقتصادی و نظامی و کاهش نفوذ ایران و انزوای قطر اتحادی برقرار کردند اما اولاً «بین دیدگاه‌ها و اهداف این دو کشور اختلاف و شکاف وجود دارد.» و ثانیاً این اتحاد چیزی بیش از همکاری دو کشور در شورای همکاری خلیج فارس نبوده است. نه تنها لطمه‌ای به نفوذ ایران در منطقه نزده بلکه در پرتو این اتحاد قدرت چانه‌زنی آنها در مقابل ایران را زیاده‌تر هم نکرده است و برعکس باعث تضعیف شورای همکاری شده که عاملی برای دست برتر ایران نیز شده است.

در واقع بین این دو کشور درخصوص روابط دو‌جانبه اختلاف خاص دیگری وجود ندارد و بیشتر اختلافات به طرف سوم بازمی‌گردد. در حال حاضر عربستان و امارات راجع به مسائل ثالث از جمله یمن، ترکیه و سوریه دارای اختلاف نظرهایی هستند که این

اختلافات ممکن است باعث شود اختلافات دو‌جانبه نیز تشدید شود. به‌طور مثال در یمن، سعودی‌ها علاقه‌مند به کار با اخوانی‌ها بودند ولی امارات مخالف بود. به‌طور کلی عربستان سعی داشت با حزب‌الاصلاح یمن که اخوانی است و به آن نزدیک است، همکاری کند ولی امارات مخالف بود و بیشتر با لائیک‌هایی از جمله علی عبدالله صالح همکاری داشت و به او کمک تسلیحاتی می‌کرد.

پس یکی از مسائلی که ممکن است اختلافات امارات و عربستان را تشدید کند، مساله یمن است؛ زیرا سعودی‌ها این گونه برآورد کرده بودند که مساله یمن بین سه تا شش ماه حل خواهد شد و با همین فرمول نیز امارات را سمت خود کشاندند. ولی به دلیل طولانی شدن این جنگ شاهد هستیم که در جبهه عربستان علیه یمن اختلافاتی بروز کرده است و براساس اخباری از داخل امارات، جناحی در داخل حکومت امارات به سمت تضعیف ائتلاف با عربستان فشار می‌آورد و به دنبال راهی برای برون رفت از جنگ یمن و تقویت محور امارات و مصر در مقابله با نزدیکی عربستان و ترکیه است. حتی گفته می‌شود اردن نیز در حال بررسی برای خروج از این ائتلاف است. بنابراین مساله طولانی شدن جنگ یمن ممکن است به دیگر اختلافات میان ریاض و ابوظبی نیز دامن زده و آنها را نیز تشدید کند.

در مورد سوریه از آنجایی که امارات مانند قطر خیلی نقش فعالی از جهت تامین مالی و تسلیحاتی بعضی از گروه‌های جهادی و جنگجویان نیابتی در این کشور نداشته ولی باز با عربستان اختلافاتی دارد. یعنی امارات و عربستان درباره روش برقراری صلح در سوریه اختلاف نظر دارند. عربستان در این کشور با مخالفین سنی شورشی که مخالف برقراری روند دیپلماتیک و سیاسی برای حل مساله سوریه هستند، ارتباط دارد و آنها را تحت حمایت خود گرفته است، در حالی که امارات هم از مخالفین سوریه حمایت مالی کرد و هم از سال ۲۰۱۲ به‌صورت پنهانی با رژیم بشار اسد ارتباط برقرار و گفت‌وگو کرد و در این راستا برای توقف درگیری‌ها در سوریه با روسیه ارتباط برقرار و همکاری کرده است.

بنابراین وزن احتمالی اختلافات امارات و عربستان در یمن از مسائل سایر کشورها بیشتر است. به بیان دیگر به نتیجه نرسیدن مساله یمن و فشار افکار عمومی دنیا روی عربستان و ائتلاف ضد یمنی می‌تواند به سایر اختلافات دامن بزند.

هزینه و سرمایه‌گذاری‌های ائتلافی که عربستان علیه یمن تشکیل داد و بیشتر جنبه تبلیغی و رسانه‌ای داشت توسط عربستان تامین می‌شود اما امارات نیز از جهت نظامی و سیاسی اقدامات زیادی در یمن انجام داده است، حتی این اواخر که علی عبدالله صالح می‌خواست فرار کند ظاهراً قرار بود به شهر مارب برود که بیشتر نیروهای اماراتی در آنجا متمرکز هستند.

در نهایت اینکه بعد از جدایی قطر از عربستان شاید جدایی امارات یا تشدید اختلافات ابوظبی-ریاض، موقعیت آل سعود را تضعیف کند و حتی منجر به گسست ائتلاف‌هایی با محوریت عربستان شود. ▶

انزوای ریاض

عربستان سعودی توانایی یارگیری ندارد

جعفر قنادباشی

کارشناس مسائل خاورمیانه

چشم‌داشت به پول سعودی‌ها

پایان ماه عسل اعراب
نزدیک است

عارف بیژن

پژوهشگر مسائل بین‌الملل

با توجه به تحولات اخیر در خاورمیانه و سیاست‌های تهاجمی عربستان سعودی که در قبال بسیاری از مسائل اتخاذ کرده است، لازم و ضروری به نظر می‌رسد که به اختلافات بین عربستان و کشورهای حوزه خلیج فارس پرداخته شود تا بتوان تحلیلی از وضعیت آینده ائتلاف عربستان با دیگر کشورهای خلیج فارس ارائه داد. در این خصوص باید نقش مخرب عربستان سعودی را در گسست بین کشورهای مورد توجه قرار دهیم. بنابراین به دنبال پاسخ به این سوالات هستیم که اختلاف‌های عربستان با کشورهای همسایه خود بر سر چه موضوعاتی است و آینده ائتلاف‌های عربی که عربستان سردمدار آن بوده است به چه سمتی خواهد رفت. آخرین تنش عربستان با کشورهای منطقه را می‌توان مربوط به لبنان دانست که ریاض در آنجا اعلام کرد دولت لبنان به عنوان دولتی به شمار می‌رود که اعلام جنگ کرده است و به همین دلیل از شهروندان خود خواست تا لبنان را ترک کنند. سوالی که مهم است اینکه این تنش چقدر جدی است و تاجه حد بر سیاست خارجی منطقه‌ای عربستان تأثیر می‌گذارد. در ادامه به برخی دیگر از تنش‌های عربستان با کشورهای منطقه پرداخته خواهد شد.

ایران: در واقع، بزرگترین نگرانی عربستان سعودی در منطقه افزایش و گسترش نفوذ ایران است. هرآنچه عربستان در خارج از مرزهای خود انجام می‌دهد مانند اقدامات نظامی عربستان در یمن و برخی از آنچه در داخل مرزهای خود انجام می‌دهد در مورد ایران است. عربستان ادعاهایی در مورد ایران مطرح کرده و با همان توهّمات برخی سیاست‌ها را در منطقه دنبال می‌کند. نگرانی عربستان از نقش منطقه‌ای ایران است که بعد از برجام نیز این نقش بسیار پررنگ‌تر شده است.

لبنان: به اعتقاد عربستان سعودی، لبنان سیاست خارجی واحدی ندارد چون دولت واحدی ندارد. در حالی که سعد حریری، نخست‌وزیر لبنان متحد نزدیک عربستان بود. وقتی حریری استعفا داد، این بدان معنا بود که عربستان سعودی موقعیت قدرت را در لبنان از دست داده است. به زعم سعودی‌ها، ایران در لبنان از طریق حزب الله جای پای محکمی دارد. به همین دلیل برای مدت طولانی عربستان با هدف تعادل ایران در لبنان از طریق حمایت از حریری تلاش‌هایی را انجام داد. دلیل این مهم آن است که طی چند سال گذشته، سعودی‌ها به نوعی در لبنان عقب‌نشینی کرده، اساساً لبنان را بدون دولت به مدت دو سال ترک و حریری را رسماً رها کردند. پس از آن بود که حریری با حزب الله موافقت کرد که به قدرت بازگردد و در نهایت عربستان سعودی از او خواست استعفا بدهد و با این کار خواستند حریری را از دولت بیرون بکشند تا بتوانند بگویند این دولت توسط حزب الله کنترل می‌شود. اکنون آنها می‌خواهند مبارزه کنند اما هیچ اهرمی ندارند.

یمن: در خصوص یمن در ابتدا باید توجه داشت که یمن کانون توجه نظامی آمریکا به عنوان پایگاهی برای عملیات علیه القاعده در شبه جزیره عربستان یا AQAP، بوده است. در اوایل سال جاری، ویلیام رایان اونز از نیروی دریایی آمریکا طی عملیاتی در یمن کشته شد که یکی از اولین حملات در طول

صالح و منصور هادی سرچشمه می‌گیرد. این علاوه بر اختلافاتی است که عربستان و امارات در خصوص مرزهای میان دو کشور و حوزه‌های گازی و نفتی از گذشته‌های دور با یکدیگر داشتند و همزمان با اوج گیری اختلاف نظرهای سیاسی، دامنه آن نیز گسترش می‌یابد. این دقیقاً در زمانی است که وجود شدیدترین اختلافات با قطر، پیوندهای موجود بین شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس را سست کرده و فاصله موجود بین کویت و عربستان را هم افزایش داده است؛ چنان که اینک نوعی بی‌اعتمادی بر روابط کویت و عربستان سایه افکنده و موضوعاتی همانند روابط کویت با ایران و ترکیه و برخی دیگر از موضع گیری‌های کویت در خصوص مسائل منطقه‌ای، بر آن سایه انداخته است. این درحالی است که مقامات ریاض انتظار آن را داشتند تا نظامیان حاکم بر مصر، به گسترش روابط با این کشور مبادرت کنند و لااقل در جنگ یمن، همکاری گسترده‌ای را در عرصه‌های جنگی و عملیاتی با عربستان داشته باشند؛ به خصوص که نظامیان حاکم بر مصر در ماجرای کودتا علیه اخوان المسلمین و خلخ محمد مرسى از قدرت، از انواع پشتیبانی‌های عربستان برخوردار بوده و در مسیر اداره امور مصر، کمک‌های مالی هنگفتی را دریافت کرده‌اند؛ اما مقامات سعودی غافل از آن بودند که، افکار عمومی مردم مصر به علت تنفر شدید از عربستان و انزجار زیاد نسبت به جریان‌های وهابی این کشور، به نظامیان مصر اجازه همکاری نظامی در نبرد یمن را نمی‌دهند، به‌ویژه آنکه تجارب تلخ شکست نظامیان مصر در یمن، به‌رغم گذشت هادها سال، همچنان در خاطره مردم مصر باقی مانده است. در این بنبوه دو عامل دیگری که موجب گسست در ائتلاف عربی و انزوای بیش از پیش عربستان شده به مشکلات فراوان اقتصادی این کشور و همچنین به رقابت‌های فشرده و ناپایداری قدرت‌های بزرگ بر سر بازارهای منطقه برمی‌گردد. پیداست که هرچه بحران اقتصادی در عربستان دامنه بیشتری پیدا کند توانایی یارگیری عربستان که سیاست خارجی اش بر دیپلماسی دلار (دسته چک) استوار است نیز کاهش می‌یابد. این درحالی است که انعقاد بزرگترین قرارداد خرید تسلیحات با آمریکا، دیگر قدرت‌های فروشنده سلاح را واداشته است تا با به کارگیری اهرم‌های مختلف از جمله دامن زدن به اختلافات درون عربی، مقامات ریاض را در موقعیت دشواری قرار دهند؛ موضوعی که همزمان با نزدیکی روابط ریاض و تل‌آویو، ریاض را در حفظ پیوندهایش با متحدین عرب منطقه دچار مشکلات بیشتری کرده است. طبیعی است که برقراری روابط با رژیم صهیونیستی و همسویی با این رژیم اشغالگر، مساله‌ای است که نزد افکار عمومی کشورهای عربی یک تابو محسوب می‌شود و از این لحاظ ملت‌های عربی به دولت‌های شان این اجازه را نمی‌دهند تا در برقراری رابطه با دیگر کشورهای عربی، بدون توجه به موضوع روابط با اسرائیل و همسویی با تل‌آویو عمل کنند.

بالاخره باید به موضوع روابط میان ریاض و آنکارا اشاره کرد که در پی شکست داعش در منطقه و ناکامی‌های عربستان در پیشبرد سیاست‌های جنگ افروزان خود در عراق و سوریه، سستی‌ها و گسست‌های بیشتری را تجربه کرده و نوعی از بی‌اعتمادی را بر روابط بین آنکارا و ریاض حکمفرما ساخته است. ▶

۴ با وجود تلاش‌های گسترده مقامات ریاض برای جلوگیری از پیدایش شکاف‌های بیشتر در صفوف کشورهای عربی و به‌رغم اقدامات تبلیغاتی رژیم سعودی جهت متحد نشان دادن کشورهای عربی در برخورد با مسائل منطقه، به‌ویژه مساله یمن، هر روز که می‌گذرد، نشانه‌های تازه‌ای مبنی بر پیدایش گسست در روابط عربستان و دیگر کشورهای منطقه آشکار می‌شود؛ گسستی که نه تنها به معنی انزوای بیشتر حکومت ریاض، بلکه بیانگر استمرار شکست‌ها و ناکامی‌های این رژیم در سطوح داخلی و خارجی است. پیداست چنانچه یک رژیم سیاسی در معرض شکست و ناکامی قرار گیرد و از لحاظ سیاسی، اقتصادی و نظامی، سیری قهقریایی داشته باشد، متحدین خود را یکی بعد از دیگری از دست می‌دهد و انگیزه‌های ادامه و گسترش روابط با این رژیم، یکی بعد از دیگری از میان می‌رود. بنابراین نخستین علت گسست پیوندهای موجود در ائتلاف عربی را باید در ضعف‌ها و شکست‌های عربستان در عرصه‌های یادشده، جست‌وجو کرد و این درحالی است که علل متعدد دیگری نیز سبب شده تا کوشش‌های مقامات ریاض برای صیانت از پیوندهایشان با جهان عرب و به‌خصوص تلاش‌هایی که جهت حفظ ائتلاف عربی علیه یمن به کار برده و می‌برند، نتیجه روشنی را در پی نداشته باشد. چنان که از جمله این علل که موجب کاهش انگیزه‌ها برای حفظ پیوندهای سیاسی با عربستان شده، وجود هرج و مرج در روند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در مرکزی‌ترین مراکز قدرت در این کشور است؛ هرج و مرجی که ناشی از شخصیت نامتعادل محمد بن سلمان و شیوه‌های نابخردانه و شتابزده وی در اتخاذ مواضع سیاسی است و با این میان بردن اعتبار ریاض، اعتماد لازم را برای همکاری و همسویی با رژیم سعودی به صفر رسانده است. با این حال از این موضوع که بگذریم، هر یک از دولت‌های عربی در حفظ رابطه و تداوم مناسبات سیاسی با رژیم سعودی، با مشکلات و مسائلی مواجه هستند که شانس ریاض را برای برخورداری از همراهی دیگر کشورها به حداقل می‌رساند. در این خصوص نگاهی به سرنوشت ائتلاف علیه یمن که حدود سه سال پیش با فراخوان ریاض تشکیل شد، می‌تواند مصادیق روشنی مبنی بر وجود این مشکلات و همچنین نمونه‌هایی از بی‌اعتباری عربستان بین دیگر کشورهای عربی را ارائه کند. چنان که شاهد بودیم، این ائتلاف که با ۹ کشور تشکیل شده بود، در همان ماه‌های نخست، جای خود را به ائتلافی با عضویت کویت، امارات و عربستان (تنها ۳ کشور) داد و در پی شکست‌های نظامی بیشتر در نبرد با یمن، کویت نیز از آن کناره گرفت.

حال با گذشت بیش از دو سال و ۹ ماه از این جنگ بی‌ثمر و در عین حال جنایتکارانه، با بروز اختلافات میان مقامات ریاض و دوحه، پیوندهای بین قطر و عربستان نیز به سست‌ترین پیوندها تبدیل شده است؛ اختلافاتی که بخشی از آن مربوط به تمایزات موجود بین چگونگی تقسیمات ارضی در یمن است و بخش دیگر آن، از موضوعاتی همانند چگونگی موضع‌گیری در خصوص اخوان المسلمین در یمن و جایگاه طرفداران علی عبدالله

امارات در یمن تثبیت شود و خود را به عنوان هم یک بازیگر سیاسی و هم بازیگر نظامی در جنوب یمن و دریای سرخ نشان دهد. در واقع امارات شروع به ساخت یک باند فرودگاه در جزیره پریم (PERIM) کرده که جزیره‌ای آتشفشانی در یمن است و در یک آبراه بین اریتره و جیبوتی در منطقه استراتژیک باب‌المنندب قرار دارد. همچنین منابع یمنی گزارش می‌دهند که ابوظبی در تلاش است تا نفوذ خود را از شرق به سمت ساحل دریای سرخ گسترش دهد. هدف نهایی، تضمین امتیازات اقتصادی در بنادر یمن از طریق ایجاد یک فرآیند گسترده دولتی در جنوب یمن است. ناظران معتقدند که رهبران امارات تلاش‌های خود را در مورد اهداف خود در یمن جنوبی متمرکز کرده‌اند زیرا آنها هیچ چشم‌انداز روشنی برای پایان دادن به تجاوز سه ساله علیه یمن نمی‌بینند. این امر نه تنها مانع سود گرفتن عربستان از منطقه استراتژیک شمال شد بلکه جنوب را نیز از نفوذ سیاسی و مالی خود خارج کرد.

نکته قابل توجه در مورد باب‌المنندب اینکه این منطقه برای منافع ملی و امنیتی امارات بسیار مهم است و یکی از نقاط تنش با عربستان محسوب می‌شود. امارات و دیگر کشورهای خلیج فارس به باب‌المنندب به عنوان یکی از شلوغ‌ترین خطوط کشتی‌رانی نفت و گاز جهان برای تجارت با اروپا و آمریکای شمالی وابسته هستند. حفاظت از جریان‌های محموله‌های نفت و گاز در کانال سوئز که به مسیرهای دریایی باز در دریای سرخ بستگی دارد، یکی از منافع مهم امارات است. با این حال امارات حضور نظامی خود را در زمین یمن افزایش داد و عربستان و دیگر کشورهای عرب سنی همچنان ادعای کنند که درگیری ادامه‌دار با حوثی‌ها یک نبرد مهم در مبارزه علیه نقش ایران در جهان عرب است.

نتیجه‌گیری

در واقع رژیم‌های سنی که به ائتلاف ریاض پیوستند، سعی داشتند بخشی از ملی‌گرایی را در کشورهای خود ایجاد کنند. بدین معنا که حاکمان این کشورها به دنبال حواس‌پرتی مردم‌شان از مسائل متعدد داخلی، مثل عدم وجود دموکراسی، فساد و نابرابری هستند. علاوه بر این، اعضای ائتلاف مانند مصر، اردن، مراکش و سودان در درجه اول برای جریان کمک دلاری سعودی‌ها در جنگ شرکت کردند. باید توجه داشت که این کشورهای نسبتاً فقیر در حال تجربه بحران اقتصادی جدی هستند که باعث تقویت جنبش‌های سیاسی مخالف در مرزهای شان می‌شود. بنابراین پول، نقش محوری در استراتژی بقا در این رژیم‌ها ایفا می‌کند. در این زمینه، کمپین ائتلاف در نهایت در مورد حفاظت از وضعیت موجود سیاسی، اقتصادی، تجاری، سرمایه‌گذاری، طبقه‌بندی و نظم اجتماعی و رهبری مورد استفاده است و جلوگیری از دست‌یابی به نفوذ ایران در یمن تنها یک جنبه از دستورکار این ائتلاف است.

نکته پایانی اینکه، امارات متحده عربی به دنبال اثبات این است که نیروی نظامی قدرتمند امارات قادر به تأثیرگذاری بر نتیجه‌گیری‌های خاورمیانه است و انگیزه اصلی خود را وارد شدن به جنگ یمن را حفظ و وضعیت فعلی این منطقه همانند حفظ ثبات سیاسی خود و رونق اقتصادی‌اش در نظر می‌گیرد. از سوی دیگر، اگر حضور دائمی امارات در یمن به روابط ابوظبی با عربستان سعودی وابسته باشد، کاملاً وابسته به چتر آمریکا است. آمریکا به نوبه خود، نیروهای مسلح امارات را به عنوان یک نهاد نظامی موثرتر تلقی می‌کند و ابوظبی را برای مبارزه با تروریسم در جنوب یمن نسبت به عربستان که تمایل به متحد شدن با گروه‌های افراطی علیه حوثی‌ها و صالح دارد، برتر می‌بیند. همچنان که وزیر امور خارجه امارات اظهار داشت که ماموریت نظامی شورش در یمن تقریباً به پایان رسیده و اکنون وظیفه آنها حمایت از مشروعیت در مناطق آزاد شده است. این نشان می‌دهد ائتلاف عربی در حال اضمحلال است و به نوعی می‌توان گفت ماه عسل ائتلاف‌های عربی نزدیک شده است. ►

سنى شكل گرفت و عمليات توفان در ماه مارس ۲۰۱۵ آغاز شد. در اوایل ماه اوت امارات متحده عربی نقش خود را در ائتلاف افزایش داد و یک تیپ نظامی همراه با تانک و سایر وسایل نقلیه زرهی، ۳۰ جنگنده در مقابل ۱۰۰ جنگنده عربستان سعودی به عدن فرستاد. امارات با استقرار نیروهای زمینی در یمن، تمایل بیشتری برای تبدیل شدن به قدرت نظامی عرب نشان داد. این در حالی است که امارات چهارمین وارد کننده بزرگ تسلیحات جهان (پس از عربستان، هند و چین) است که به شدت در حوزه تسلیحات سرمایه‌گذاری کرده تا سیاست خارجی مقابله با جنبش‌های دموکراتیک و اسلامی در سراسر منطقه را ترویج کند.

اما گزارش‌ها حاکی از آن است که شکافی بین دو کشور در رابطه با موقعیت‌شان در بحران یمن ایجاد شده است. همان‌طور که اهداف و طرح‌های امارات برای شهر جنوبی عدن روشن است، شکاف بین ابوظبی و ریاض با همان سرعت افزایش می‌یابد. اگرچه تنش بین عربستان و امارات در یمن چیز جدیدی نیست اما این دو تلاش کرده‌اند طی سه سال جنگ یمن آنها را مخفی نگه دارند. اکنون به نظر می‌رسد که اختلافات آنها علنی تر شده است. چون به‌طور عمده مبارزه علیه جنبش انصارالله به بن‌بست رسیده است. اولین مسأله‌ای که باعث تنش شده این است که عبدربه منصور هادی، رئیس‌جمهور فراری یمن، فرماندار شهر عدن و یک وزیر کلیدی کابینه را برکنار کرد که هر دوی این مقامات مورد حمایت امارات متحده عربی هستند. دوزخ پس از این حرکت منصور هادی که توسط مقامات اماراتی مورد انتقاد قرار گرفت، ملک سلمان، پادشاه عربستان سعودی از منصور هادی در جده استقبال کرد. اگرچه اعلام شده بود که عربستان سعودی، منصور هادی، دو پسرش، وزرا و پرسنل نظامی‌اش را از بازگشت به عدن ممنوع کرده است. ممنوعیت عربستان به دلیل «دشمنی تلخ میان‌های و امارات»، که بخشی از ائتلاف یمن است، قرار گرفته است. با این حال، در ماه‌های اخیر، امارات از شورای انتقالی جنوبی در تلاش برای تقسیم یمن به دو کشور، شمال و جنوب، برخلاف اهداف ائتلاف حمایت کرده است. در همین راستا، دحانی خلفان، معاون سابق پلیس دبی بیان داشت که جنوب یمن را به عنوان یک دولت مستقل به رسمیت می‌شناسد. در همین ارتباط، محمد بن زاید، ولیعهد امارات بیان می‌کند که منصور هادی یک شخص نالایق است که در مقر ریاض باقی مانده است و سعودی‌ها با تمام ناامیدی به او متعهد هستند. ولیعهد امارات معتقد است اختلافات روبه‌شدو با حوثی‌ها، می‌تواند به نقض دائمی ائتلاف تبدیل شود. امارات پسر علی عبدالله صالح که فرماندهی گارد حزب جمهوریخواه را بر عهده دارد و در ابوظبی زندگی می‌کند را مورد نظر قرار داده است. در واقع ابوظبی بر این باور است که تنها خانواده صالح شانس برای گریز هم آوردن جناح‌های مختلف سیاسی و قبیله‌ای دارند و سعودی‌ها هنوز یک جایگزین واقعی پیدا نکرده‌اند و با منصور هادی هم صرفاً بازی می‌کنند. اختلاف اخیر بین امارات و رئیس‌جمهوری فراری یمن یعنی منصور هادی، پس از اینکه مقامات ابوظبی کنفرانسی را در حضرموت (Hadhrumout) استانی در جنوب یمن در ۲۲ نوامبر برگزار کردند، موجب افزایش تنش‌ها شد. این کنفرانس توسط فرماندار استان، احمد سعید بن بریک که روابط نزدیکی با امارات دارد، هدایت شد. این کنفرانس با بیانیه‌ای که به منصور هادی اعلام شد منطقه جنوب را خودمختار اعلام کند به پایان رسید. این بیانیه اعلام کرد که اگر مردم نتیجه بگیرند که اتحادیه با شمال نمی‌تواند به منافع آنها خدمت کند، حق تعیین سرنوشت دارند. در طرف دیگر، چهره‌های سیاسی و رهبران قبایل نزدیک به عربستان رسماً اعلام کردند که این کنفرانس در استان جنوبی یمن تحریم شده است. در پی این گردهمایی بود که منصور هادی مستقر در ریاض، فرماندار عدن را برکنار کرد؛ اقدامی که با واکنش قوی مقامات اماراتی مواجه شد. از سوی دیگر، عربستان نگران این است که نفوذ

ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ بود. نکته دوم اینکه عربستان نیز در یمن فعال است و ائتلافی از کشورها را به امید تأثیرگذاری بر نتیجه جنگ داخلی تشکیل داده است. امری که با حملات هوایی و زمینی با صدها تلفات برای طرف‌های درگیر تاکنون تداوم داشته است. در کنار آن، صرف هزینه‌های هنگفت از خزانه که به میلیاردها دلار می‌رسد باعث اعتراض بسیاری از محافل داخلی عربستان شده است. همچنین پس از شلیک موشک انصارالله به سمت فرودگاه ریاض، این کشور محاصره بنادر یمن را تشدید کرد. به نظر می‌رسد هدف عربستان در یمن نیز مقابله با ایران است. زیرا آنها مدعی هستند که ایران به حوثی‌های یمن کمک نظامی می‌کند و به همین دلیل نیز نمی‌خواهند در این میدان عقب‌نشینی کنند. امروز هم که به دنبال طولانی شدن جنگ در یمن آنها در این باتلاق گرفتار شده‌اند.

قطر: در اوایل سال جاری تنش بین عربستان سعودی و قطر پس از نقل قولی از رسانه قطری که به امیر دوم، شیخ تمیم بن خلیفه آل ثانی نسبت داده شده بود، به اوج خود رسید. در این نقل قول از حماس تمجید کرده و ایران را «قدرت اسلامی» خواندند. اما بر اساس اطلاعات آمریکا، برخی گزارش‌ها بعد از نشان داد که این نقل قول‌ها ساختگی بوده توسط هکرها از امارات متحده عربی در رسانه‌های قطری قرار داده شد. به‌رغم این افشاگری، عربستان و متحدانش از جمله امارات، مصر، بحرین و... در تحریم قطر شرکت کردند. البته در این مورد باید گفت که بحث خانوادگی طولانی مدت در کشورهای عربی وجود دارد که در آن اساساً قطر در یک طرف و سعودی‌ها در طرف دیگر قرار دارند. البته باید مدنظر داشت که قطر در میان کشورهای خلیج فارس رابطه نسبتاً باتری با ایران دارد. اما در مورد اختلافات اخیر، مسأله اصلی ایران نیست. مسأله اصلی: اول تلاش توسط سعودی‌ها برای «تحمیل نظم» روی تمیم و دوم، سرخوردگی از حمایت قطر از اخوان المسلمین است که عربستان سعودی و اماراتی‌ها آن را به عنوان تهدید علیه قدرت‌شان می‌بینند. به‌رغم سعودی‌ها، قطری‌ها در کنار جنبش‌های نوظهوری هستند که در قیام‌های مردمی و انقلاب‌ها نقش داشته‌اند و عربستان و امارات در سمت ضدانقلاب قرار دارند که این اختلاف بزرگی است.

مصر: یکی از دلایلی که عربستان در این اواخر فعال بوده، این است که مصر در این منطقه وزنه تعادلی برجسته‌ای برای ایران بوده است. مصری‌ها بیشتر سنی هستند و یک پنجم اعراب مصری هستند. این در حالی است که ناآرامی‌ها در این کشور، نقش مصر را در منطقه محدود کرده و تحولات سیاسی در آنجا، عربستان سعودی را به حاشیه کشانده است. از سوی دیگر، سعودی‌ها از سقوط حسنی مبارک طی بهار عربی بسیار ناراحت بودند و از پیروزی اخوان المسلمین در اولین انتخابات آزاد در مصر برای ریاست‌جمهوری وحشت داشتند. در واقع آنها حامی کودتایی بودند که مرسی را سرنگون کرده و عبدالفتاح السیسی را به قدرت رساند.

سوریه: در ارتباط با نقش عربستان سعودی در سوریه باید گفت که ریاض حضور ایران را در کنار روسیه و ترکیه در این کشور تاب نمی‌آورد و به دنبال راهی برای سد نفوذ ایران است. برای این مسأله هم، عربستان سعودی پول زیادی به شبه‌نظامیان سنی مخالف که با اس‌دی می‌جنگند داده است. در نهایت اینکه جنگ در سوریه، همزمان با تنش در بحرین رخ داد و عربستان را به برجسته کردن شکاف سنی-شیعی در درگیری سوریه ترغیب کرد.

امارات متحده عربی: اما آنچه بیشتر مورد توجه این متن است، اختلافات اخیر بین عربستان سعودی و امارات است که می‌توان آن را از چند زاویه مورد بررسی قرار داد که مهم‌ترین آن محور یمن است. اگرچه باید گفت که تمام این اتفاقات در تنش بین عربستان و کشورهای حوزه خلیج فارس از سیاست تهاجمی محمد بن سلمان در منطقه ناشی شده است. هنگامی که ائتلافی به رهبری عربستان از کشورهای

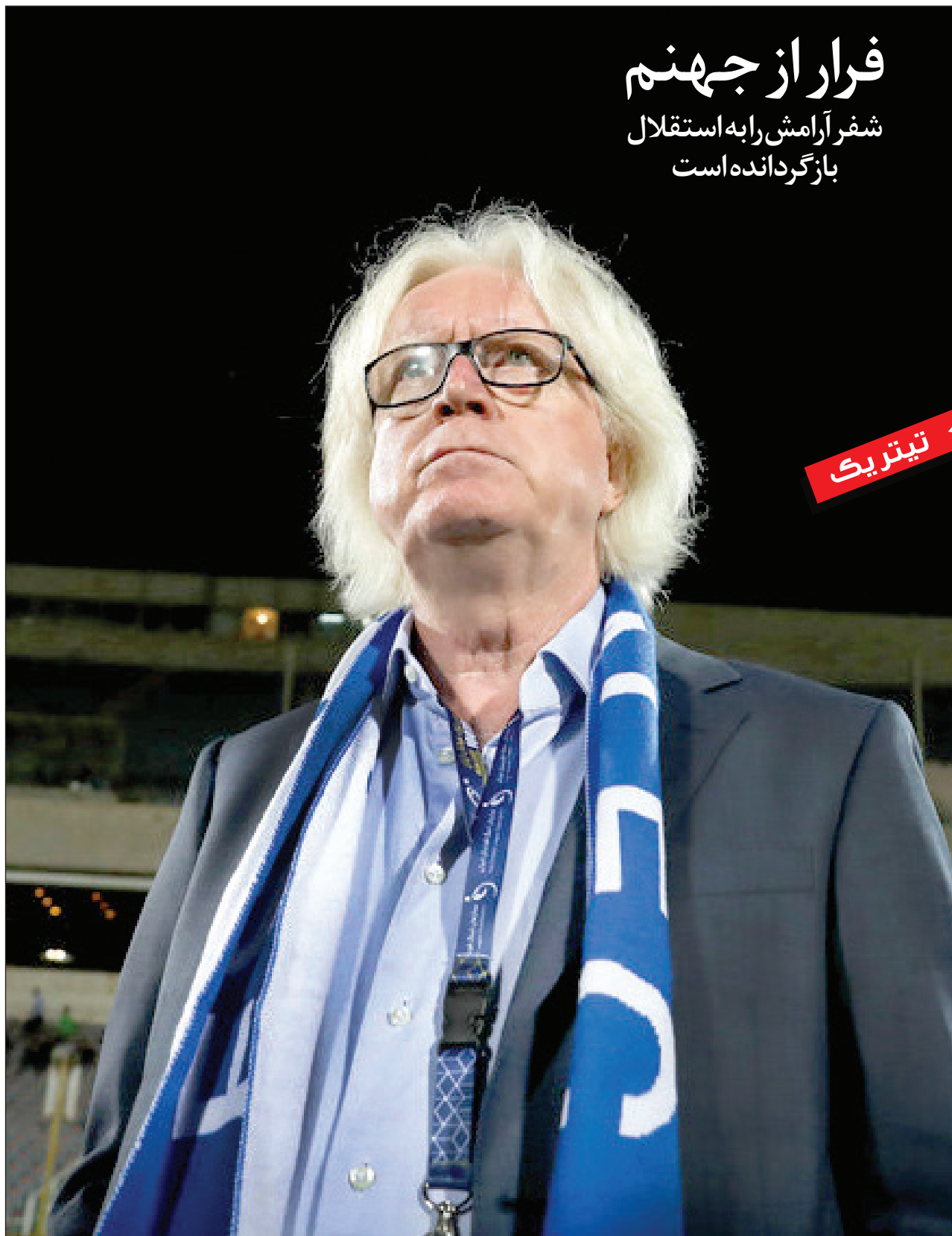
استقلال شفر

استقلال و شفر به درک مشترکی از یکدیگر رسیده‌اند. استقلال قرار است انگیزه‌های شفر برای بازگشت به روزهایی که یک مربی برنده بود را در او زنده کند و البته شفر نیز قرار است تیم ویران شده ابتدای فصل را قامت یک مدعی ببخشد. کاری که رفته‌رفته در صدد انجام آن است و به نظر می‌رسد در این راه دور و دراز باشگاه و هواداران نیز این مربی آلمانی را همراهی خواهند کرد.

ورزش

فرار از جهنم شفر آرامش را به استقلال بازگردانده است

تیتریک



**استقلال در دفاع و حمله
تغییر کرده است
باشگاه‌های فوتبال ایران
پر از تنش هستند**



**کشتی به گل نشست
حال روی آب است
سر مربی استقلال
مدیریت خودش را ثابت کند**



**انتقاد شدید برانکو
از سازمان لیگ
اتهام تبعیض**

می‌کنند تا توانمندی خود را نشان دهند. شفر به تیم روحیه داده و به خوبی توانسته حس رقابت را به بازیکنان منتقل کند تا همه برای تیم بجنگند. همه بازیکنان در تمرین تلاش می‌کنند تا خود را به ترکیب برسانند. به طور مشخص کارشناسان درباره ۴ بازیکن استقلال سخن می‌گویند و معتقدند شفر دوباره آنها را احیا کرده است؛ تغییر پست و گلزنی چشمی در دیدار قبل نشان داد که این بازیکن توانایی بالایی دارد و در هر پستی که قرار بگیرد، با تمام توان برای تیم می‌جنگد. وریا غفوری این روزها عملکرد بسیار خوبی دارد و قربانی نیز خود را در خط حمله پیدا کرده است. همچنین نورافکن نیز به خوبی روند پیشرفت خود را ادامه می‌دهد.

شاید به دلیل همین تغییرات است که عضو هیات مدیره استقلال درباره حمایت هواداران از تیم با اطمینان خاصی سخن می‌گوید. قربان خاطر نشان می‌کند: «مطمئن باشید در بازی‌های تهران استقبال به مراتب بیشتری انجام می‌شود. هواداران فوتبال زیبا و پر گل نگاه می‌کنند که در گذشته‌های دور شاهد آن بودیم اما در سال‌های گذشته نتوانستیم نظر هواداران را جلب کنیم. شفر توانسته با جمع کردن تیم کاری کند که همه خوب بازی کنند. تصمیمات شفر مرا به یاد رفتارهای رایکوف می‌اندازد که یک انقلاب در استقلال ایجاد کرده است.»

◀ جمله‌های یک روانشناس

خیلی‌ها اعتقاد دارند شفر قبل از اینکه یک مربی باشد یک روانشناس با تجربه است. استقلال با شفر بعد از روزهای سخت پاییز، روزهای آرامی را در اولین روزهای زمستان پشت سر می‌گذراند. تیم انتهای جدولی آبی‌ها در میانه نیم فصل اول که در گلزنی مشکل داشت، بازیکنان مصدوم زیادی داشتند و هواداران را از خود ناامید کرده بود با حضور شفر و کادرفنی جدید تبدیل به تیمی مطمئن برای هواداران شده است که خود را به میانه‌های بالایی جدول رسانده و مدعی اصلی قهرمانی جام حذفی به شمار می‌رود. شرایط خوب در داخل زمین مسابقه و شرایط مناسب مالی باشگاه و انجام تعهدات برای بازیکنان و مربیان باعث شده تا آبی‌ها امروز نشاط زیادی داشته باشند و همین موضوع جذاب‌ترین نکته در تمرینات روزهای اخیر استقلال است.



**استقلال در ۸ بازی که شفر
هدایت آن را در لیگ برتر
برعهده گرفته است، در کارهای
دفاعی نمایش موفق تری نسبت
به پرسپولیس رقیب دیرینه خود
داشته است**

آن را نپذیرفت. او سپس سرمربیگری در تیم‌هایی چون اشتوتگارت، تنیس بوروسیا برلین و تیم ملی کامرون را نیز تجربه کرد. شفر با کامرون به قهرمانی جام ملت‌های آفریقا در سال ۲۰۰۲ رسید و به جام جهانی ۲۰۰۲ صعود کرد و در جام جهانی با یک برد، یک مساوی و یک شکست در رتبه سوم گروه خود قرار گرفت. همچنین کامرون تحت مربیگری او در جام کنفدراسیون‌ها ۲۰۰۳، موفق به شکست برزیل در مرحله گروهی شد و در نهایت به نایب قهرمانی رسید. وی پس از آن هدایت تیم‌های الاهلی امارات، العین امارات، باکو، تیم ملی تایلند و تیم ملی جامائیکا را برعهده داشت. وی در سال ۲۰۱۷ پس از استعفای علیرضا منصوریان سرمربیگری تیم استقلال تهران را برعهده گرفت. شفر در ۹ بازی ابتدایی خود در استقلال توانسته گوی سبقت را از مربیان سابق این تیم برپاید.

سایت نود چندی پیش با اشاره به این موضوع در گزارشی آورد: «پیش‌بینی می‌شد که استقلال از روزهای بحران خیلی زود فاصله بگیرد. پیش‌بینی می‌شد که کیفیت بازی استقلال با شفر تغییر کند و مسیر بهبود را طی کند. همه اینها پیش‌بینی می‌شد اما شاید عملکرد شفر در این ۹ هفته حتی بهتر و بالاتر از تمام پیش‌بینی‌ها بوده باشد. اینکه شفر در ۹ هفته بتواند در صدر مربیان استقلالی قرار بگیرد از آن موضوعاتی است که پیش‌بینی نمی‌شد. سرمربیان استقلال در ۹ هفته ابتدایی حضور خود در این تیم چه عملکردی داشته‌اند؟ آمار شفر هم در ۹ هفته ابتدایی حضورش کسب ۱۸ امتیاز بوده است. او با این ۱۸ امتیاز در صدر جدول و در کنار مرفاوی قرار می‌گیرد. یعنی شفر و مرفاوی بهترین شروع را در استقلال داشته‌اند. اگر بخواهیم به سراغ تعداد بردهای این دو مربی برویم باز هم شرایط یکسان است.

هر دو مربی ۵ برد در ۹ بازی ابتدایی خود داشتند. تیم شفر ۱۳ گل زده و تیم صمد مرفاوی ۱۱ گل زده است. بحث در گل‌های خورده اما کاملاً یکطرفه به نفع تیم شفر است. دریافت یک گل در ۹ بازی آماري شگفت‌انگيز از شفر است که هیچ مربی دیگری موفق به ثبت آن نشده است. استقلال صمد مرفاوی هم با ۷ گل خورده در رتبه دوم قرار دارد. اگرچه تعداد امتیاز و تعداد برد شفر و مرفاوی برابر است اما اگر تعداد گل زده و گل خورده را ملاک قرار دهیم، شفر بالاتر از صمد مرفاوی در رده اول جدول ۹ بازی ابتدایی قرار می‌گیرد که دستاوردی ارزشمند برای این مربی آلمانی است.»

◀ آرامش در استقلال

شرایط استقلال در حال حاضر به شکلی است که این تیم در آرامش کامل به سر می‌برد. مدیران باشگاه از کادرفنی و بازیکنان این تیم حمایت کامل دارند تا بازیکنان و مربیان به خوبی وظایف‌شان را انجام دهند. خیلی‌ها اعتقاد دارند که نتایج استقلال در این مدت نشان می‌دهد که این مجموعه درست کارش را انجام می‌دهد و موفقیت استقلال به دلیل موفقیت در کار گروهی میان تمام ارکان این تیم است.

در این بین خیلی‌ها اعتقاد دارند که نقش شفر بسیار ویژه و تعیین‌کننده بوده. شفر یک مربی آلمانی است و نظم آلمانی‌ها را بازتاب داده است. شفر به شکلی برنامه‌ریزی کرده که همه برای بازی کردن می‌جنگند و تلاش

وقتی شفر در شروع کارش با استقلال برابر برانکو ایوانکوویچ شکست خورد، خیلی‌ها شکست در دربی را مقدمه تشدید بحران تیمش خواندند و تاکید کردند این مربی آلمانی نیز به‌زودی از استقلال جدا خواهد شد. اما شفر مانند و احتمالاً برف تهران را هم خواهد دید. او آن قدر با استقلال خوب نتیجه گرفته که هواداران این تیم دوستش داشته باشند و نامش را در استادیوم آزادی فریاد بزنند. شروعی دوباره برای آبی‌ها که نزدیک شدن به تیم‌های بالای جدول دیگر برای‌شان تنها یک رویا نیست.

◀ وینفرد شفر کیست؟

شفر فوتبال حرفه‌ای خود را با تیم شهر خود به نام توس ماین شروع کرد و تا ۱۸ سالگی در این تیم بود. سپس در سال ۱۹۶۸ به تیم مونسن گلاباخ پیوست و به همراه این تیم قهرمانی در بوندس لیگا و جام یوفا را به‌دست آورد. وی در بوندس لیگا ۴۰۳ بازی کرده و ۴۶ گل به ثمر رسانده است. او در سال ۱۹۷۰ به تیم کیکرز اوفنباخ پیوست و در این سال توانست به همراه این تیم در جام حذفی آلمان نیز قهرمان شود.

**شرایط استقلال در حال حاضر به شکلی است
که این تیم در آرامش کامل به سر می‌برد.
مدیران باشگاه از کادرفنی و بازیکنان این تیم
حمایت کامل دارند تا بازیکنان و مربیان به خوبی
وظایف‌شان را انجام دهند**

وینفرد شفر پس از حضور در تیم‌های بوروسیا مونسن گلاباخ و کیکرز اوفنباخ، به تیم کارلسروهه پیوست و تا سال ۱۹۷۷ بازیکن این تیم بود. او در سال ۱۹۷۷ مجدداً به بوروسیا مونسن گلاباخ پیوست و تا سال ۱۹۸۵ عضو این تیم بود و سپس از فوتبال به عنوان بازیکن خداحافظی کرد. شفر در آلمان به عنوان یک مربی کاشف استعداد و پرورش دهنده آن شناخته شده است. او بازیکنانی مانند «اولیور کان»، «ینس نووتنی»، «مهمت شول» و «اولیور کرویتسر» را به فوتبال آلمان معرفی کرد. شفر در دوره کاری‌اش فراز و نشیب بسیار داشته و تیم‌های تحت هدایت او گاه بسیار موفق و گاه بسیار ضعیف ظاهر شده‌اند. وی در حالی که بازیکن بوروسیا مونسن گلاباخ بود، سرمربی‌گری را در سال ۱۹۸۲ از تیم دوم بوروسیا مونسن گلاباخ آغاز کرد. او بین سال‌های ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۸ سرمربی کارلسروهه بود. وی در اولین فصل حضور خود در این تیم، آن را از بوندس لیگا ۲ به بوندس لیگا آورد و این تیم را به اوج خود رساند و محبوبیت زیادی نیز به دست آورد.

شفر به همراه این تیم در سال ۱۹۹۶ نایب قهرمان جام حذفی آلمان و جام ایترتوتو شد و در فصل ۹۴-۱۹۹۳ تا نیمه‌نهایی جام یوفا پیش رفت و تنها به دلیل قانون گل زده در خانه حریف، از رسیدن به فینال این مسابقات بازماند. از نتایج درخشان او در این دوره، برتری ۷-۰ در مقابل والنسیا بود. شفر چند سال بعد در مصاحبه با روزنامه بیلد اعلام کرد که در سال ۱۹۹۴ با پیشنهاد سرمربیگری بایرن مونیخ مواجه شده بود اما

پشت سر گذاشتند، در تمرین به دنبال لذت بردن از فوتبال هستند و در جریان تمرین دستورات جالبی برای بازیکنان در نظر می گیرند.

«با فوتبال عشق کنید» یا «از تمرین لذت ببرید» کلیدواژه‌ای است که این روزها کادرفنی استقلال بارها در تمرین آن را تکرار می کنند و از آبی ها می خواهند تا حالا با پشت سر گذاشتن روزهای پرفشار و سخت از حضور در مسابقات و تمرینات لذت ببرند و همین موضوع باعث شده تا آبی ها با نشاط بیشتری برای ادامه مسابقات آماده شوند. روحیه بالایی تیمی در جریان مسابقات و تمرینات که با پشتیبانی مناسب مدیرعامل باشگاه همراه شده آبی ها را امیدوار کرده تا بعد از پنج سال بتوانند به کسب حداقل یک جام امیدوار شوند. استقلالی ها از زمانی که شفر هدایت آنها را برعهده گرفته است هم خوب گل می زنند، هم خوب بازی می کنند و هم در نتیجه گیری موفق هستند و کاملاً چهره یک تیم مدعی را به خود گرفته اند. هر چند مقایسه آمار استقلال و پرسپولیس در هشت هفته گذشته خبر از برتری سرخ ها می دهد اما آنچه مسلم است آبی ها در این مدت پیشرفت زیادی کرده اند و موفق شده اند هواداران خود را راضی کنند.

شفر موفق تر از برانکو در فاز دفاعی!

هفته گذشته سایت ورزش سه در گزارشی کوتاه نوشت: «استقلال در ۸ بازی که شفر هدایت آن را در لیگ برتر برعهده گرفته است، در کارهای دفاعی نمایش موفق تری نسبت به پرسپولیس رقیب دیرینه خود داشته است. استقلال از بازی با فولاد در هفته نهم لیگ برتر تا بازی با صنعت نفت تنها یک گل دریافت کرده است که این آمار فوق العاده‌ای محسوب می شود. اما پرسپولیس در این مدت دو گل دریافت کرده است که برابر استقلال خوزستان و فولاد بوده است. این دو آمار نشان می دهد که شفر و برانکو هر دو ساختار دفاعی تیم شان را به خوبی درست کرده اند و استقلال فقط کمی در فاز دفاعی بهتر عمل کرده است.»

اما از نظر برنامه بازی ها و حریفان وینفرد شفر سرمربی استقلال نسبت به برانکو سرمربی پرسپولیس شرایط سخت تری در اسفند ماه خواهد داشت. این تیم در اولین روز اسفند ماه احتمالاً در زمین بیطرف باید به مصاف الهلال عربستان برود. بعد از انجام این بازی سخت، استقلال باید از کشور احتمالاً بیطرف به اهواز رفته و در فاصله چهار روز و در روز شنبه ۵ اسفند ماه با فولاد خوزستان مسابقه بدهد. شفر بعد از این بازی دشوار در اهواز باید تیمش را برای درسی پایتخت آماده کند که روز دهم اسفند برگزار می شود و بعد از دربی باید در زمین حریف به مصاف احتمالاً العین امارات برود. این بازی ۱۵ اسفند برگزار می شود. استقلال روز سه شنبه ۲۱ اسفند بازی برگشت همین مسابقه را در تهران برگزار می کند. دشواری کار شفر علاوه بر زمان کم بین بازی ها، سفرهای نسبتاً زیادی است که تیمش باید انجام بدهد. این تیم از زمین بیطرف که یک کشور عربی است به اهواز می رود، سپس به تهران می آید و از آنجا به امارات می رود و در آخر به تهران بازی می گردد و این سفرها در فاصله بیست روز انجام خواهد شد.

با همه اینها به نظر می رسد استقلال و شفر به درک مشترکی از یکدیگر رسیده اند. استقلال قرار است انگیزه های شفر برای بازگشت به روزهایی که یک مربی برنده بود را در او زنده کند و البته شفر نیز قرار است تیم ویران شده ابتدای اقامت یک مدعی ببخشد. کاری که رفته رفته در صدد انجام آن است و به نظر می رسد در این راه دور و دراز باشگاه و هواداران نیز این مربی آلمانی را همراهی خواهند کرد. ▶

استقلال در دفاع و حمله تغییر کرده است

باشگاه های فوتبال ایران
پراز تنش هستند



مسعود آقبالی

مربی فوتبال

وقتی می خواهیم راجع به یک مربی صحبت کنیم باید به این مساله توجه داشته باشیم که اولاً دانش آن مربی در چه سطحی است و در ثانی مربی که می خواهیم درباره اش صحبت کنیم چه تجربه ای دارد و این تجربه را چگونه به دست آورده است. وقتی به کارنامه شفر مراجعه می کنیم متوجه می شویم که او هر دورا دارد. هم دانش مربیگری دارد و اتفاقاً فوتبال را خیلی خوب می فهمد و هم اینکه از تجربه لازم برای هدایت تیمی مثل استقلال برخوردار است. او در آلمان و دیگر کشورهای آسیایی و آفریقایی تجربه مربیگری دارد و از این حیث قطعاً مربی باتجربه ای است. در حال حاضر هم یکی از مدرسان خوب فوتبال است. البته شفر یکی دو سال بود که مربیگری نمی کرد اما حالا وارد فوتبال ایران شده. فوتبالی که همه ما می دانیم از لحاظ امکانات سخت افزاری در چه وضعیت بدی قرار دارد. او در چند هفته اخیر نتایج بسیار خوبی را با استقلال به دست آورده است. این نتایج حالا به محبوبیت او نزد هواداران استقلال منجر شده است. می بینیم که استقلال در شرایط نسبتاً خوبی قرار گرفته و آنها تا چه حد با بازی های قبلی خودشان متفاوت هستند. این موضوع نشان می دهد که مربی تا چه حد می تواند بر عملکرد فنی یک تیم تاثیر بگذارد. مربی ای که بسیار کارکنده است و به مسائل فنی آگاهی دارد و البته مربی ای که به هیچ وجه از تجربه مربیگری در تیم های بزرگ برخوردار نیست و نمی تواند در مواقع بحرانی تیمش را نجات بدهد. ما فکر می کنیم مربیگری کار ساده ای است، در صورتی که شما راه سختی در پیش دارید تا به یک مربی استاندارد تبدیل شوید. شما باید تا سال ها بعد از دوران بازیگری تان و کسب مدرک مربیگری در تیم های پایه کار کنید. تیم هایی که به شما تجربه لازم را ببخشند و شما در جریان موقعیت های مختلف مربیگری بیاموزید که چگونه باید رفتار کنید و تیم تان را هدایت کنید. شفر این مراحل را گذرانده است. اما در فوتبال ما متأسفانه مدیران باشگاه ها که اکثراً با فوتبال غریبه هستند، این بازیکنان مطرح و محبوب که در جامعه از شهرت کافی برخوردارند را در تیم های لیگ برتری به عنوان سرمربی معرفی می کنند. بدون اینکه به این موضوع توجه کنند که این افراد که در جامعه فوتبالی اتفاقاً برنده های قابل توجهی هستند، از تجربه کافی برخوردار نیستند. نتیجه این می شود که بعد از مدتی این مربیان جوان بی تجربه که صرفاً اسم و رسمی در جامعه فوتبال دارند نمی توانند بازدهی لازم را برای این باشگاه ها داشته باشند و باید خیلی زود از نیمکت مربیگری خدا حافظی

کنند. اما این پایان کار نیست. در نتیجه این رویه باعث می شود که این افراد خیلی زود از بین بروند و دیگر نتوانند در چرخه مربیگری فوتبال ایران بدرخشند.

اما برگردیم به شفر. مربی که به نظر من خیلی زود به شناخت کافی از بازیکنانش رسید. متوجه شد که هر بازیکنی چه توانمندی هایی دارد و در جایی از این بازیکنان استفاده کرد که بتوانند بهترین بازدهی را داشته باشند. بنابراین نتیجه این طرز تفکر این می شود که استقلال به تیمی هجومی تبدیل می شود. تیمی که اصلاً نمی توانست دروازه حریف را باز کند، حالا در هر بازی دو یا سه گل می زند و البته در فاز دفاعی هم عملکرد بسیار خوبی از خود نشان می دهد. ضمن اینکه بازی زیبایی هم از استقلال شفر می بینیم. این فاکتور مهمی است که تیم شما صرفاً برنده نباشد بلکه تیمی باشد که فوتبال زیبایی هم ارائه می کند. این مورد برای هواداران استقلال بسیار اهمیت دارد. آنها دوست دارند تیم شان زیبا بازی کند و برنده بازی هم باشد. این اتفاق در استقلال شفر رخ داده و از این حیث می توان به این مربی نمره قبولی داد. اینها نشان دهنده این است که استقلال این ظرفیت ها را قبل از حضور شفر هم داشته است اما کادرفنی استقلال ابداً نتوانسته از این ظرفیت ها استفاده کند.

فراموش نکنیم که وقتی همین آقای شفر دربی را به برانکو و گذار کرد خیلی ها گفتند شمارش معکوس برای خدا حافظی این مربی آلمانی هم آغاز شده اما این اتفاق رخ نداد چون این مربی به خوبی توانست بعد از بحران شکست در دربی، تیمش را جمع و جور کند و هواداران را با بازی منطقی استقلال آرام کند. هواداران در بازی های بعدی استقلال تغییر در سبک بازی را می دیدند و همین



که بارسلونا قهرمان می‌شود. چون در این مدل لیگ‌ها تیم‌ها بسیار سخت امتیاز از دست می‌دهند و بعید است که ناگهان همه چیزشان را از دست بدهند اما در فوتبال ایران اتفاق این امر بعیدی نیست. در فوتبال ایران اتفاقات بسیار اهمیت دارند. اتفاقات است که بارها باعث شده قهرمان لیگ عوض شود. اتفاقات است که باعث شده در هفته‌های پایانی همه چیز تغییر کند و گاهی تیم‌هایی به قهرمانی رسیده‌اند که اصلاً فکرش را نمی‌کردند در آن فصل بتوانند به‌عنوان قهرمانی برسند. بنابراین در فوتبال غیر حرفه‌ای ایران آقای شفر به راحتی می‌تواند ادعا کند که استقلال هم می‌تواند قهرمان شود. در همین فوتبال شما می‌بینید که فولاد خوزستان در دو هفته دو تیم کاملاً متفاوت است. یک هفته خیلی خوب بازی می‌کند و یک هفته اصلاً باورتان نمی‌شود که این همان فولاد هفته گذشته است. چرا؟ چون در باشگاه‌های ما تش به تمام معنا وجود دارد. خیلی چیزها سر جای خودش قرار ندارد و این موضوعات باعث می‌شود که بازیکنان از لحاظ روحی درگیر باشند، مربیان هم همین‌طور. شفر هم این شرایط را به خوبی درک کرده و می‌داند که در این فوتبال هر چیزی امکان دارد حتی قهرمانی استقلال در لیگی که هیچ‌کس امیدی به قهرمانی این تیم ندارد. امروز باشگاه‌های ما به شدت مشکل مالی دارند. اگر مساله مالی باشگاه‌های ما حل شود چه ایرادی دارد که قرارداد مربیانی همچون شفر را تمدید کنیم و به آنها فرصت بدهیم که در تیم‌های بزرگ ما به راحتی کارشان و افکارشان را پیاده کنند. به نظرم استقلال هم باید چنین کاری انجام دهد و قرارداد شفر را تمدید کند اما به شرطی که به این مربی فرصت کافی بدهند. ►

می‌کنند. این یعنی فوتبال حرفه‌ای. اما در فوتبال ما به وجود آوردن این شرایط کار بسیار سختی است و باز به همین دلیل است که می‌گوییم شفر بعد از باخت در دربی کار بزرگی کرد که توانست تیمش را از لحاظ روحی جمع و جور کند. اما نکته دیگری که می‌خواهم بگویم این است که خود شفر هم شخصیت بسیار سختکوشی دارد. آن قدر سختکوش و با انگیزه که در مصاحبه‌اش می‌گوید چرا که نه، می‌توانیم به پرسپولیس برسیم. این جمله عجیبی نیست. لااقل شنیدن این جمله از زبان چنین مربی اصلاً نباید تعجب برانگیز باشد. فراموش نکنیم که در مقطعی استقلال تیم یازدهم جدول بود اما همان سال به نایب قهرمانی لیگ برتر رسید. در صورتی که وقتی به بازی‌های لیگ برتر امسال نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم که این لیگ می‌تواند آبستن حوادث بسیاری باشد و حتی امکان دارد که پرسپولیس هم از صدر جدول بیفتد. البته در فوتبال ایران ماجرا این‌طور است و اگر نه شما در لیگ‌های معتبر خارجی نمی‌توانید به راحتی درباره فاصله ۱۰ امتیازی تیم‌تان تا صدرنشین ادعای قهرمانی را مطرح کنید. مثلاً در لالیگا تقریباً همه اطمینان دارند

مساله باعث می‌شد که امیدوارانه‌تر به بازی‌های آینده نگاه کنند و از مربی‌شان حمایت کنند. این حاصل تجربه است. تجربه‌ای که شفر دارد و کادر فنی قبلی نداشت و اگر نه باخت در دربی در همه جای دنیا غیر قابل هضم است و تبعات روحی خودش را دارد. یک مربی برای اینکه بازیکن تیمش را به مرز آمادگی روحی برساند باید روانشناسی ورزشی بداند. بحث تغییر سبک بازی یک تیم نیازمند یک برنامه‌ریزی خاص است. همین‌طور بی‌پرده و بی دلیل نیست که یک تیم سبک و سیاق بازی‌اش متفاوت می‌شود. بازیکن برای بهتر دویدن و بهتر تصمیم گرفتن در درون زمین باید از لحاظ روحی و روانی شرایط خوبی پیدا کند. شفر این کار را به خوبی انجام داده است. یعنی بازیکنان را آماده کرده که در درون زمین راحت‌تر حرکت کنند و بهتر تصمیم بگیرند. به همین دلیل است که در مصاحبه‌اش خطاب به بازیکنانش می‌گوید از فوتبال بازی کردن لذت ببرید. او می‌داند که بازیکنان استقلال در شرایط فعلی تا چه حد به آرامش و ذهن آرام نیاز دارند تا بتوانند عملکرد بهتری از خودشان نشان دهند. باور کنید در بزرگترین باشگاه‌های دنیا مربیان از روانشناسان خبره‌ای بهره می‌برند که بتوانند در مواقع بحرانی به کمک مربی بیایند. به همین دلیل است که در بزرگ‌ترین تیم‌های دنیا وقتی بازیکنان سوت پایان بازی را می‌شنوند، خیلی خونسرد با حریف خودشان و تیم داور دست می‌دهند و خسته نباشید می‌گویند. آنها می‌دانند که از لحظه‌ای که داور سوت پایان بازی را به صدا درآورده باید به بازی بعدی فکر کنند و دیگر نباید به آنچه در طول آن بازی بر آنها گذشته است فکر کنند. برد، باخت یا مساوی دیگر برای‌شان تمام می‌شود، بنابراین به بازی بعدی فکر

فراموش نکنیم که وقتی همین آقای شفر دربی را به برانکو واگذار کرد خیلی‌ها گفتند شمارش معکوس برای خدا حافظی این مربی آلمانی هم آغاز شده اما این اتفاق رخ نداد چون این مربی به خوبی توانست بعد از بحران شکست در دربی، تیمش را جمع و جور کند



کشتی به گل نشسته حالا روی آب است

سرمربی استقلال مدیریت خودش را ثابت کند

گرفته که هیچ نشانه مثبتی برایش باقی نمانده است. درست مثل یک کشتی به گل نشسته که به نظم تاریخی عرشه هم در گل نشسته بود و هیچ کس تصور نمی کرد این تیم بتواند از آن شرایط بحرانی نجات پیدا کند اما شفر و بازیکنانش با آمادگی روحی که از خودشان نشان دادند و البته هواداران استقلال با صبر و حوصله ای که از خود نشان دادند باعث شدند استقلال یعنی آن کشتی به گل نشسته به روی آب بیاید و حالا روزهای بهتری را تجربه کند. بنابراین شفر وقتی وارد فوتبال ایران شد از کمترین شناخت نسبت به تیمش برخوردار بود اما حالا می بینیم که شرایط تیمش را از خیلی های دیگر بهتر می داند. برای این حرفم دلیل دارم. شما می بینید که شفر برخلاف کادرفنی قبلی استقلال که اساسا تاکتیکی برای تیم نداشت نه تنها صاحب استراتژی است، بلکه در ترکیب هایی که برای بازیکنان می چیند کمترین تغییر را لحاظ می کند.

این طور نیست که در هر بازی مانبوهی از تغییرات را در ترکیب استقلال ببینیم. او رفته رفته ترکیب اصلی تیمش را شناخته و بازیکنانش انگیزه لازم را برای پیروزی داده است. به همین دلیل است که معتقدم او به طور کلی عملکرد خوبی داشته است. این موهای بلند و سفید شفر به نظرم نشان می دهد که او این موها را بیهوده سفید نکرده و تجربه لازم را برای هدایت تیم های بزرگی مثل استقلال دارد. او برای تبدیل شدن به یک مربی با کیفیت زحمت کشیده است. اما این روزها موضوع تمدید قرارداد این مربی هم به طور مرتب در رسانه ها مطرح می شود. من علاقه ای ندارم به این سوال پاسخ بدهم. چون این امر کاملا در حیطه اختیارات مدیران باشگاه استقلال است نه من. ما از استقلال دوریم و شرایط این باشگاه را نمی دانیم اما به نظرم برای تمدید قرارداد یک مربی نباید عجول و شتابزده رفتار کنیم. حتی شاید لازم است که کسب یک جام قهرمانی را برای تمدید قرارداد با این مربی شرط کنیم اما این نظر شخصی من است و باز هم می گویم که در مورد تمدید قرارداد با شفر باشگاه استقلال باید تصمیم بگیرد نه امثال من. با همه اینها امیدوارم استقلال روز به روز شرایط بهتری پیدا کند. هواداران این تیم نشان داده اند که تا چه حد هوای تیم محبوب شان را دارند و جایی که باید بصور باشند این کار را به خاطر استقلال انجام می دهند. ►

از مربیان خارجی دیگر به خطرات می پیوند. اما در مورد شفر و اینکه بتواند محبوبیت خودش نزد هواداران استقلال را دوچندان کند گمانه دیگری هم وجود دارد. اینکه او بتواند با یک جام به خیلی از منتقدانش پاسخ بدهد. هر چند فکر نمی کنم او منتقدان زیادی در استقلال داشته باشد. امسال فرصتی است که او می تواند یک جام را برای استقلال به ارمغان بیاورد. اما این کار سختی است. نکته مهم دیگری که می توانم راجع به شفر بگویم این است که او باید این روزها مدیریت خودش در استقلال را نشان دهد. چون این روزها موضوع ترانسفر بعضی بازیکنان استقلال مطرح شده است. بازیکنانی که به نظرم شفر نباید اجازه بدهد استقلال آنها را از دست بدهد. در همین حال او می تواند با حفظ این بازیکنان در تیمش نشان دهد که تا چه حد مدیر خوبی هم هست. البته من عملکرد شفر را می توانم به سه بخش کلی تقسیم کنم؛ در بحث روانشناسی به او رای مثبت می دهم. او در این بخش نمره کاملی می گیرد و می توانیم بگویم که او استاد مسائل روانی است. در بخش فنی اما فکر می کنم حدود ۶۰ درصد موفق بوده و البته در بخش مدیریتی که لازمه کار مربیگری است یک علامت سوال بزرگ وجود دارد. اگر او بتواند تیمش را حفظ کند و باشگاه را متقاعد کند که بازیکنان بهتری را هم برای استقلال جذب کنند، می توان در این بخش هم به او نمره قبولی داد و در غیر این صورت نمی توان او را مدیر خوبی قلمداد کرد.

وقتی شفر به استقلال آمد در ابتدای کار با پرسپولیس مواجه شد. هیچ کس از او توقع نداشت که پرسپولیس را شکست دهد اما باید این را هم بدانیم که شکست در دربی تا چه حد می تواند تیم شما را از لحاظ روحی و روانی به هم بریزد اما با این حال شفر موفق شد تیمش را جمع کند. از این گذشته بعضی ها اعتقاد داشتند هواداران تحمل باخت را ندارند و شرایط برای ادامه کار شفر بسیار سخت خواهد شد اما این طور نشد. من دلیلش را به شما می گویم. هواداران فوتبال ایران خیلی بهتر از جاهای دیگر آسیا فوتبال را می فهمند. آنها از این مربی آلمانی که تازه به تیم شان آمده بود انتظار نداشتند که در همان بازی های نخست دست به مجرزه بزند.

بنابراین به این مربی فرصت دادند و از او حمایت کردند. آنها می دانستند این مربی آلمانی تیمی را به خدمت

میرشاد ماجدی

کارشناس فوتبال

معمولا در مورد مربیان خارجی که وارد فوتبال ایران می شوند دو جور قضاوت کلی وجود دارد. دیدگاهی که به طور معمول با آن روبه رو هستیم این است که به طور کلی این مربیان را رد می کنند و می گویند این مربیان به درد فوتبال ما نمی خورند و البته دیدگاه دیگری هم وجود دارد که بعضی ها به شدت تحت تاثیر مربیان خارجی قرار می گیرند. به نظرم برای قضاوت درست و حرفه ای داشتن باید حد وسط ماجرا را در نظر گرفت. باید با انصاف و با توجه به اصول حرفه ای درباره عملکرد مربیان خارجی در فوتبال مان دست به قضاوت بزنیم. وقتی حد وسط را رعایت کردیم آن وقت می توانیم بگویم که تحلیل ما تحلیلی به درد بخور است و می تواند مورد استفاده قرار بگیرد.

باید ببینیم که استقلال تا اینجای کار چگونه کار کرده و در ادامه چه دورنمایی برای تیم آقای شفر می توانیم تصور کنیم. استقلال شفر نشان داده که به خوبی می تواند در ادامه راه کارهای بزرگتری هم انجام دهد. آمار نشان می دهد که عملکرد این مربی از زمانی که استقلال را در اختیار گرفته تا حالا که ما درباره اش به قضاوت نشستیم عملکرد خوبی بوده است. حتی من یک آساری را دیدم که نشان می داد شفر در ۱۰ بازی اولی که روی نیمکت استقلال نشسته است از خیلی از مربیان قبلی استقلال هم آمار بهتری از خود به جای گذاشته است. با همه اینها باید تاکید کنم که نباید عجول باشیم. باید ببینیم تیم آقای شفر در برابر تیم های بزرگ فوتبال ایران چه عملکردی از خود نشان خواهد داد. من درباره شفر نظر مثبتی دارم و فکر می کنم او با اندیشه خاص و هدف مشخصی استقلال را هدایت می کند اما با این حال معتقدم نظر هواداران استقلال و کارشناسانی که رویه این مربی را رصد می کنند وقتی مثبت تر خواهد شد که او بتواند تیمش را حفظ کند. یعنی اولاً اجازه ندهد بازیکنی از تیمش جدا شود و در ثانی بتواند باشگاه را مجاب کند که چند بازیکن با کیفیت هم به خدمت بگیرد. در غیر این صورت معتقدم استقلال روزهای بدی در پیش خواهد داشت و شفر هم مثل خیلی

انتقاد شدید برانکو از سازمان لیگ

اتهام تبعیض

- استقلال در جام حذفی زده و اعتراضی کرده است، صد درصد محق بوده و حرف حق را مطرح کرده است.» مدیر ورزشی تیم فوتبال پرسپولیس گفت: «در هفته‌هایی که گذشت ما چهار روز یک بار بازی می‌کردیم و این موضوع فشار زیادی به تیم ما وارد کرد. از طرفی برای سازمان لیگ احتمالا مهم نیست که بازی‌ها پنجشنبه یا جمعه برگزار شود و به نظر می‌رسد شما با این صحبت‌ها به دنبال پاسخگویی درباره تغییر زمان این بازی بوده‌اید. این را هم اضافه کنم که اگر خطا یا خلائی هم انجام شده باشد، شما و بقیه ارکان فدراسیون فوتبال به جز کمیته انضباطی حق اظهار نظر درباره آن را ندارید.» پیروانی در واکنش به اینکه فتاحی گفته است: «من وظیفه دارم رای را به باشگاه‌ها ابلاغ کنم»، اظهار داشت: «شما مصاحبه‌ای انجام داده و مدعی شده‌اید که رای را ابلاغ می‌کنید. برادر عزیز من! حرف من چیز دیگری است. ما روز گذشته که دوشنبه بود به کمیته انضباطی رفتیم و شما نهایتاً دیشب یا امروز می‌توانستید این رای را ابلاغ کنید، اما چرا ساعت ۸:۴۵ صبح شنبه در گفت‌وگو با رادیو حرف از محرومیت پرسپولیس زدید؟! موضوع مورد بحث من با حرف‌های شما تفاوت دارد. شما می‌گویید وظیفه ابلاغ رای را دارید، اما چرا صبح روز بعد از بازی که نه جلسه‌ای برگزار شده و نه حکمی صادر شده بود، از محرومیت ما حرف زدید؟! شما صبح شنبه چه رایی داشتید که به ما ابلاغ کردید؟! وی در خصوص اینکه مسئول برگزاری بازی‌های لیگ برتر عنوان کرده برای بازی با نفت آبادان در جام حذفی با محمود خورددین هماهنگ کردیم و آن زمان پیروانی در پرسپولیس نبود هم گفت: «حرف من چیز دیگری است. من اصلاً بحثی درباره بودن خودم یا نبودنم مطرح نکردم. حرف من فوتبالی است و اهالی فوتبال حرف من را خیلی خوب متوجه می‌شوند. کجای دنیا ساعت ۱۱ روز بازی، حکم به انجام دیدار در سه ساعت بعد می‌دهند؟! بازیکنان ما مبهوت و دو هوایی بودند و نمی‌دانستند بازی انجام می‌شود یا نه. حتی دیدید که هواداران ما هم نمی‌دانستند که بازی برگزار می‌شود و استقبال کمی از این بازی شد. من ایرادات کار را می‌گوئیم و همه حرف‌های من فوتبالی است.» تعویق دیدار استقلال و نفت آبادان در چارچوب رقابت‌های جام حذفی حالا فدراسیون فوتبال را با اتهام تبعیض مواجه کرده است. اتهامی که فتاحی خیلی تند نسبت به آن واکنش نشان داده است اما آیا اعتراض‌ها نسبت به تصمیمات عجیب کمیته برگزاری مسابقات به همین جا ختم می‌شود؟ ▶

قرار دهیم که من گفتم تمام این مسائل را به خاطر منافع ملی می‌پذیریم. این درخواست‌ها را می‌پذیریم تا تیم ملی بتواند نتایج خوبی کسب کند و همه ما امیدوار هستیم که تیم ملی بتواند به مرحله حذفی جام جهانی صعود کند.» اما انتقادات شدید برانکو ایوانکوویچ از سازمان لیگ با واکنش نسبتاً تند و کم سابقه سعید فتاحی، رئیس کمیته مسابقات سازمان لیگ مواجه شد. سعید فتاحی در واکنشی کمتر دیده شده، پاسخ تندی به برانکو و البته افشین پیروانی داد: «پرسپولیس زمان دیگری برای برگزاری بازی خود در جام حذفی مقابل صنعت نفت آبادان نداشت و این را خودشان هم می‌دانستند. ما پیش از این دو بار با پرسپولیس همکاری کامل را داشتیم و دیدارهای هفته‌های پنجم و هشتم این تیم را در لیگ به تعویق انداختیم تا در شرایط بهتری بازی‌های خود در لیگ قهرمانان آسیا را برگزار کنند. همان موقع که بازی این تیم در هفته هشتم را لغو کردیم، خودشان می‌دانستند که بازی‌های شان در ادامه لیگ فشرده خواهد شد. همکاری ما با پرسپولیس روشن و واضح است و الان هم قرار نیست که اگر بخواهیم برنامه لیگ را تغییر دهیم از برانکو و پیروانی اجازه بگیریم.» اما این پایان ماجرا نبود. افشین پیروانی، مدیر ورزشی تیم فوتبال پرسپولیس در واکنش به صحبت‌های سعید فتاحی گفت: «من هیچ‌گاه در خصوص برنامه بازی‌ها صحبت نکردم. جالب است که شما مدعی شده‌اید گفته‌اید چوب خط پرسپولیس پر شده و این در حالی است که من نمی‌دانستم شما چنین حرفی زده‌اید و اسمی هم از شما نیآورده بودم، اما خود شما گفتید که این حرف‌ها را زده‌اید و اقرار به گفتن این حرف کرده‌اید.» او ادامه داد: «دوست عزیز! شما گفته‌اید که باید به وظایف خودمان عمل کنیم و من هم می‌گویم که وظیفه شما برگزاری بازی‌های لیگ برتر است اما شما با این صحبت‌ها درباره پر شدن چوب خط هواداران پرسپولیس، عملاً در کار کمیته انضباطی دخالت کرده‌اید. ما هم به این موضوع واقف هستیم که هر کسی باید در حیطه وظایف خودش کار و عمل کند. البته این را هم باید بگویم که اگر باشگاه پرسپولیس و سرمربی محترم آن حرفی هم درباره تغییر زمان بازی نفت آبادان

جنجال از زمانی شروع شد که سازمان لیگ با درخواست دو باشگاه استقلال و صنعت نفت آبادان برای تعویق زمان بازی مرحله نیمه‌نهایی جام حذفی موافقت کرد و قرار شد این دو تیم یازدهم دی ماه به مصاف یکدیگر نروند. رئیس کمیته مسابقات سازمان لیگ با اعلام این خبر گفت: «با توجه به اینکه بازی صنعت نفت آبادان و سایپا در هفته هفدهم به جمعه موکول شد، قطعاً بازی یازدهم دی ماه جام حذفی به تعویق می‌افتد. ما این بازی را به بهمن ماه موکول کرده‌ایم و در حال بررسی تاریخ نه‌ام یازدهم دی ماه برای برگزاری این بازی هستیم.» همین اظهار نظر و البته به دنبال آن محرومیت هواداران پرسپولیس از حضور در یک بازی خانگی باعث شد تا سرمربی پرسپولیس به شدت عصبانی شود: «انتظار دارید از این حکم عصبانی نباشم؟ عصبانی هستم. فوتبال به خاطر هواداران انجام می‌شود اما با محروم کردن آنها بزرگترین سرمایه را از تیم دور می‌کنند.» برانکو در کنایه‌ای تند به مسئولان برگزاری مسابقات در خصوص تعویق دیدار دو تیم استقلال و نفت آبادان در مرحله نیمه‌نهایی گفت: «اما یک سوال از شما دارم. من ساعت ۱۴ روز گذشته به خانه رسیدم و تلویزیون را روشن کردم. سه الی پنج ساعت منتظر بودم که شاهد مسابقه فوتبال باشم اما خبری نشد. بازی نیمه‌نهایی جام حذفی برگزار نشد و هیچ کسی نمی‌دانست چرا این اتفاق صورت نگرفت. حتی افشین پیروانی، مدیر تیم نیز از این قضیه بی‌اطلاع بود. اینکه بازی دو تیم صنعت نفت و استقلال را به تعویق انداختند تنها ربط به این دو باشگاه ندارد، بلکه به تیم‌هایی که در هفته بعد با آنها روبه‌رو می‌شوند نیز مربوط است. سرمربی پرسپولیس گفت: «آیا خستگی باعث شد بازی استقلال و صنعت نفت به تعویق بیفتد؟ آیا این خستگی شامل پرسپولیس نمی‌شد که مدام برایش بازی می‌گذاشتند و اعلام می‌کردند تقویم جای خالی ندارد؟ چه ربطی دارد که دو باشگاه این را درخواست کرده باشند؟ طبیعتاً این تعویق به‌طور مستقیم در نتیجه لیگ تأثیرگذار خواهد بود. تازه استقلال یک روز هم بیشتر از تراکتورسازی استراحت خواهد کرد. اگر گل محمدی اخراج شود چه کسی پاسخگو خواهد بود؟» برانکو اما در عجیب‌ترین اظهار نظر خود به مسائلی که این روزها در خصوص تعویق بازی‌ها به خاطر برطرف شدن مصدومیت و محرومیت ارتباط داده می‌شود اشاره کرد و گفت: «اگر قرار به دلخواه بودن تیم‌ها باشد، باید آن قدر صبر کنند تا تمام مصدومان خوب شده و تمام محرومیت‌ها بخشیده شود. باید آن قدر صبر کنند تا تمام کارت‌های زرد و قرمز، آبی و زرد پاک شوند تا تیم‌ها بتوانند بازی کنند. ما را به این دلیل جریمه کردند که چرا ۷۰-۸۰ هزار تماشاگرمان مقابل تراکتورسازی به ورزشگاه آمدند.» سرمربی پرسپولیس در پاسخ به این سوال که آیا شما تصور این را دارید که عزمی علیه این تیم در سازمان لیگ برای عدم کسب نتیجه وجود دارد، گفت: «نمی‌دانم چنین عزمی وجود دارد یا نه. نمی‌دانم شاید ناراحت این مساله بودند که تماشاگران زیادی به ورزشگاه آمده بودند. من نمی‌خواهم وارد جزئیات شوم؛ اما اینها واقعیت‌هایی است که می‌بینم و آنها را بر زبان می‌آورم. یک مساله دیگر را باید به شما بگویم. افشین پیروانی به من گفت که از فدراسیون فوتبال نامه‌ای برای باشگاه آمده است که بعد از هر دیدار، بازیکنان ملی‌پوش را در اختیار تیم ملی



جنجال از زمانی شروع شد که سازمان لیگ با درخواست دو باشگاه استقلال و صنعت نفت آبادان برای تعویق زمان بازی مرحله نیمه‌نهایی جام حذفی موافقت کرد و قرار شد این دو تیم یازدهم دی ماه به مصاف یکدیگر نروند



هشتمین فانوس

گزارشی از افتتاحیه جشنواره عمار

حالا هشت سال از نهم دی ماه سال ۸۹ می گذرد، زمانی که جشنواره فیلم عمار فقط با حدود ۲۰ اثر متولد شد اما شکل و شمایل غیرمتعارف اولین دوره جشنواره عمار و اکران های مردمی اش باعث شد تا مورد توجه قرار گیرد تا به امروز که دوباره فانوس ها دوباره روشن شدند تا شهرها از آن نور بگیرند. نورها شهر به شهر می روند تا مردمی ترین جشنواره جهان، جلوه ای دیگر از هنر را بخش کند؛ هنر متعهد انقلابی را. فانوس های روشنائی بخش جشنواره مردمی عمار برای هشتمین سال متوالی روشن شدند. مراسم افتتاحیه هشتمین دوره جشنواره فیلم مردمی عمار با حضور سلیم غفوری، مدیر شبکه مستند، نادر طالب زاده، وحید جلیلی، خانواده معظم شهدا و علاقه مندان در فرهنگسرای بهمن برگزار شد. مراسم با قرائت قرآن مجید و پخش سرود جمهوری اسلامی ایران آغاز و آیاتی از قرآن مجید توسط زینب سزعلی زاده، دختر شهید سزعلی زاده، شهید حمله تروریستی به حرم امام راحل قرائت شد. این جشنواره کارش را در حالی آغاز کرد که بر خلاف بسیاری از این دست آیین ها که میهمانانی از میان مسئولان، وزرا و... دارند در این دوره خانواده شهدای ترور مجلس در تالار شهید آوینی فرهنگسرای بهمن میهمانان ویژه و اصلی بودند که مورد تجلیل هم قرار گرفتند.

تکثیر شهید آوینی

صدری نیا اجرای مراسم را عهده دار شد و نادر طالب زاده، دبیر جشنواره عمار را به جایگاه دعوت کرد. طالب زاده با تبریک سالروز میلاد امام حسن عسکری (ع) گفت: «جشنواره فیلم مردمی عمار شبیه به تکثیر نیت و همت شهید آوینی است و علاوه بر آن به صورت توأمان آموزش دارد. این جشنواره در بخش مستند توانسته است جایگاه والای خود را پیدا کند و البته در چند سال اخیر شاهد ظهور کارهای دقیق علمی فیلمسازی در بخش داستانی هستیم. متأسفانه خیلی از دانشگاه ها در ایران اصول درست کارگردانی یعنی تقطیع را به درستی آموزش نمی دهند در حالی که بچه های عمار چندسالی است که به صورت تخصصی وارد این آموزش ها شده اند. به نظر من یکی از برکات روزگار ما همین جشنواره عمار است. از شبکه افق با بنده تماس گرفتند و گفتند که آثار داستانی خوب را به آنها معرفی کنیم و من تعدادی از این آثار خوب را برای نمایش به آنها معرفی خواهم کرد. به نظر من در مورد انقلاب، انقلابی ها باید حرف بزنند و باید کار را از دست بسازند و بفروشند و در عرصه داستانی و چه انقلاب بدهیم. این موضوع چه در عرصه داستانی و چه در عرصه مستند وجود دارد. معتقدم که جشنواره عمار شبیه جهاد سازندگی در اوایل انقلاب است که متأسفانه بعد از فوت امام آن را منحل کردند و روح جهادی گری را از جامعه گرفتند. به نظر من در این کار عمدی وجود داشت. جشنواره عمار احیای حال جهادی در بخش رسانه ای



این پیام با اشاره به وضعیت غزه، در فراخوانی از مردم ایران خواست تا به کمک مردم غزه بشتابند.

خدیجه انقلاب

مراسم با اهدای جوایزی در بخش های مختلف برگزار شد، به عنوان مثال هیات داوران فانوس بخش مستند رادیویی را به مستند رادیویی «خدیجه انقلاب» به تهیه کنندگی «محدثه رئیس عبدالحی» اهدا کرد. محدثه رئیس عبدالحی بعد از دریافت فانوس گفت: «بسیار خوشحال هستم در خدمت عزیزانی هستم که دغدغه فرهنگ و ارزش های اسلامی را دارند. من از شهر شهیدپرور قم به دستبوسی خانواده شهدا آمدم. بسیار خوشحال هستم که به خاطر اثر «خدیجه انقلاب» این جایزه را می گیرم. این فیلم درباره بانوی فرانسوی است که به واسطه امام با تشیع آشنا می شود و زندگی خود را وقف انقلاب می کند. امیدوارم با کار کوچکم ادای دینی به مادران شهدا که بر گردن ما حق دارند کرده باشم.»

رئیس عبدالحی با ابراز خوشحالی از سلامتی نادر طالب زاده گفت: «ایشان برای ما حکم سردار سلیمانی را دارند. همان طور که برای سردار سلیمانی آرزوی سلامتی در میدان جنگ داریم، برای آقای طالب زاده هم در زمینه جنگ نرم و دفاع از انقلاب اسلامی آرزوی سلامتی می کنیم.»

پایان بخش افتتاحیه هشتمین جشنواره مردمی فیلم عمار، نمایش مستند «زمستان یورت» به کارگردانی میلاد میرزاییاری بود. این فیلم که تولید آن به مدت ۹ ماه به طول انجامید با تهیه کنندگی علی دهقان و کارگردانی میلاد میرزاییاری ساخته شد و در جشنواره فیلم عمار شرکت کرد که با نظر مثبت داوران به بخش اصلی جشنواره راه یافت. این فیلم روایت اتفاقاتی علیه کارگران معدن زمستان یورت آذربایجان است که قبل از حادثه انفجار معدن در اردیبهشت ماه امسال رخ داد و ۴۳ نفر از کارگران این معدن جان خود را از دست دادند. میلاد میرزاییاری، کارگردان این مستند درباره آن گفته است: «کارگران طی سال های متمادی به نبود ایمنی در معدن، وضعیت نابسامان بیمه، نگرانی حقوق و... اعتراض می کردند اما کسی نبود که به این وضعیت رسیدگی کند و به این افراد اهمیت دهد تا اینکه این حادثه به وقوع پیوست. اگر روزی که این کارگران مشکلاتشان را فریاد می زدند کسی بود که به مشکلاتشان رسیدگی و از آنها حمایت کند تا صدای این افراد به گوش مردم و مسئولان برسد، این حادثه رخ نمی داد و آن ۴۳ نفر جان خود را از دست نمی دادند. وقتی می بینیم در جایی کارگری اعتراض دارد باید در رسانه ها و فضای مجازی به آن اشاره کنیم و برای مستضعفین و کارگران تربیونی باز کنیم و این تربیون می تواند تربیون امام جمعه یا تشکل های مختلف مردمی و دانشجویی باشد.»

جایزه ننه عصمت

یکی از جایزه های ویژه جشنواره عمار، دستکش ننه عصمت است. ننه عصمت در سال های جنگ به پشتیبانی از جبهه ها اقدام به بافت دستکش و لباس گرم برای رزمندگان می کرد که پس از جنگ نیز برای سربازان کشور این دستکش ها بافته می شد تا سال های اخیر که با شکل گیری جبهه مقاومت ننه عصمت همچون سال های دفاع مقدس به پشتیبانی از رزمندگان جبهه مقاومت دستکش و کلاه بافت. این دستکش که به صورت سالانه به یکی از چهره های فرهنگی کشور اهدا می شود، امسال به دستان مهدی نقویان رسید؛ کارگردانی که این روزها با ساخت مستند «خارج از دید»، فیلم خود را بر آنتن شبکه سه سیما و شبکه مستندی بیند. او جایزه خود را از دست خانواده شهید کارگر گرفت. نقویان بعد از دریافت این جایزه گفت: «از این دستکش صلح و صفا و صمیمیت می بارد و از دستکش های مخملی شرارت و خون می بارد. مرگ بر آمریکا. لطف بچه های عمار باعث دلگرمی من است. اندک پیشرفت من در این سال ها به دلیل حمایت های جشنواره عمار از من بود. قبل از پدیدار شدن این جشنواره اکثر کارهای من در آرشو می ماند و دیده نمی شد اما اکنون فضایی باز شده است که آثار من در این جشنواره دیده شود.»

هدیه رهبری

در ادامه مراسم، از حجت الاسلام والمسلمین سیدعسی طباطبایی از یاران امام خمینی (رحمه الله علیه) و موسس بسیاری از نهادهای انقلابی در ایران و لبنان تقدیر شد. خانواده های شهیدان نادر طالب زاده و شیبانی روی صحنه حاضر شدند و فرزند ایشان سیدمحمد طباطبایی برای تقدیر از پدرشان به جایگاه آمد و گفت: «همه مجاهد فی سبیل الله هستند. من نائل به دیدن علامه نشدم اما اثر ایشان و شبکه تلویزیونی ایشان را می شناسم این شبکه اسرائیل را می ترساند و مرکز اصلی جنگ روانی اسرائیل است که خداوند موسسان این شبکه را سلامت بدارد. در این مراسم تقدیر فرزند حجت الاسلام والمسلمین طباطبایی به نیابت از ایشان، هدیه ارزشمند رهبر انقلاب را که یک جلد قرآن کریم منقش به دست خط مقام معظم رهبری بود دریافت کرد. متن دست نویس ابتدای این قرآن اهدایی رهبر انقلاب، چنین بود: «خداوند وجود شریف جناب حجت الاسلام والمسلمین سیدعلی طباطبایی را محفوظ دارد و خدمت بالارزش ایشان را قبول فرماید.»

پس از مراسم تقدیر، پیام سیدعسی طباطبایی که موفق نشد در این مراسم حاضر شود پخش شد. وی در

از گندم تا گندمزار

از کتاب خاطرات سردار فتح‌الله جعفری رونمایی شد

انقلاب اسلامی، مرتضی سرهنگی مدیر دفتر ادبیات پایداری حوزه هنری، گلعلی بابایی، نویسنده و پژوهشگر دفاع مقدس، سردار علی ناظری معاون ادبیات سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس بسیج و سپاه، جمعی از همزمان سردار جعفری و فرماندهان آن دوران و علاقه‌مندان به حوزه دفاع مقدس در این آیین رونمایی حضور داشتند تا از این اثر ارزشمند رونمایی کنند.

مرتضی سرهنگی، مدیر دفتر ادبیات پایداری حوزه هنری به عنوان اولین سخنران این مراسم بود، سرهنگی

«حضرت امام اردیبهشت ۱۳۵۹ به محله جماران نقل مکان کردند. اقامت ۱۱ ماهه حضرت امام در قم، وقایع ۳۹ روز بستری شدن در بیمارستان قلب و سکونت ۷۷ روزه ایشان در منزل در بنداز ایامی است که ناگفته یا کمتر گفته شده است. این زمانی است که فتح‌الله جعفری مسئولیت حفاظت بیت امام را به عهده داشته است. خاطرات شفاهی او به مدد یادآوری و اشارات یادداشت‌های روزانه‌اش از آن روزگار، ناگفته‌های بسیاری را تحویل خوانندگان مشتاق می‌دهد. حوادث سال ۱۳۵۹ در کردستان برهه دیگری از تاریخ پرفراز و نشیب ابتدای انقلاب است که کمتر به آن پرداخته شده. محاصره چهل روزه ستونی از نیروهای ارتش و سپاه در جاده بانه-سردشت در شهریور و مهرماه ۱۳۵۹ در زمان خود حادثه مهمی به‌شمار می‌رفت. در آن ستون فرماندهی نیروی ارتش با شهید صیادشیرازی و مسئولیت نیروهای سپاه به عهده فتح‌الله جعفری بود.» این بخشی از مقدمه کتابی است که می‌تواند روشنگر مقطع خاصی از تاریخ ایران باشد، کتابی که در هفته‌ای که گذشت رونمایی شد. مراسم رونمایی از کتاب «دارساوین» شامل خاطرات و روزنوشت‌های سردار فتح‌الله جعفری که به کوشش سعید علامیان گردآوری و در انتشارات سوره مهر منتشر شده است در تالار سوره حوزه هنری برگزار شد. این کتاب حاوی یادداشت‌های سردار فتح‌الله جعفری از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۹ همراه با حدود ۵۰ ساعت گفت‌وگو با وی است که از فروردین سال ۱۳۸۶ تا فروردین ۱۳۹۲، با وقفه‌های کوتاه و گاه طولانی به انجام رسیده است. کتاب براساس توالی تاریخ نگارش روزنوشت‌ها تدوین شده و خاطرات شفاهی برای توضیح آنها نیز از این توالی پیروی می‌کند. سعید علامیان نویسنده کتاب گفته است امیدوارم تلفیق خاطرات مکتوب و شفاهی بتواند شیوه تازه‌ای را به عرصه خاطره‌نگاری معرفی کند و رضایت و اعتماد خوانندگان گرامی را نسبت به صفحات پیش‌رو به‌دست آورد.

سردار فتح‌الله جعفری متولد ۱۳۳۷ اصفهان و دارای مدرک کارشناسی ارشد مدیریت از دانشگاه جنگ است. از نخستین روزهای آغاز جنگ و حماسه هشت سال ایثار و مقاومت، پای در میداين نبرد غرب و جنوب گذاشت و لحظه‌های جنگ را با تمام وجود درک و لمس کرد. جعفری در عرصه‌ها و ورسته‌های گوناگون نظامی و فرهنگی انرژی و توان و مدیریت خود را آزمود و در بسیاری از عرصه‌ها سربلند و رورسفيد بيرون آمد. سردار فتح‌الله جعفری از جمله اولین فرماندهان گردان مکانیزه سپاه بود که بعدها به تیپ و لشکر زرهی تبدیل شد و خود مسئولیت آنها را در قرارگاه‌های کربلا و سپس خاتم‌الانبياء تا پایان جنگ بر عهده داشت. یکی از خصوصیات بارز سردار فتح‌الله جعفری نگارش لحظات وقایع و اتفاقات روزمره در قالب یادداشت‌های روزانه در دفتر خاطراتش است و در این فرایند از هیچ نکته‌ای فروگذاری نمی‌کند.

چراغی بالای سر

کتاب خاطرات سردار فتح‌الله جعفری سر تيم حفاظت از بیت امام خمینی (ره) در دوران پیروزی انقلاب اسلامی و بنیان‌گذار و فرمانده یگان زرهی سپاه در دوران دفاع مقدس با عنوان «دارساوین» در تالار سوره حوزه هنری رونمایی شد. علاوه بر سردار فتح‌الله جعفری راوی و سعید علامیان نویسنده این کتاب، سردار احمد حق طلب، رئیس سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس بسیج و سپاه، محسن مومنی شریف، رئیس حوزه هنری

علامیان برای افزودن به کتاب از من می‌پرسید برایش بیان می‌کردم و برخی را که به یاد نمی‌آوردم، نمی‌گفتم و برخی خاطرات دیگر را نیز سانسور کردم و نگفتم. مثلاً زمستان سال ۵۸ تعدادی از جوان‌ها اعم از زن و مرد پیاده به دیدار امام آمده بودند، گرد و خاکی و تازّه از راه رسیده بودند. از ملایر آمده بودند و قصد دیدار با امام را داشتند، من هم بلافاصله سراغ آقای توسلی رفتم اما او را نیافتم، سراغ حاج‌احمد آقا رفتم نبودند، مستقیم سراغ حضرت امام رفتم، وقتی وارد شدم امام با لباس منزل بودند، سلام کردم و بلافاصله گفتم «بسم الله الرحمن الرحيم»، این جمله بنده امام را به خنده واداشت. گفتم آقا ملاقات دارید، فرمودند ملاقات می‌کنم. لب‌سکوی منزل ایستادند و ملاقات به خوبی انجام شد. سردار جعفری به جوانان توصیه کرد مراقب مال حرام باشند: «زمانیکه در



محاصره بودیم در نزدیکی ما باغ انگوری بود که به راحتی به آن دسترسی داشتیم اما چیه‌ها دانه‌ای از آن انگور را نخوردند، چرا که مال حرام همه چیز را خراب می‌کند به جوانان توصیه می‌کنم مراقب باشند. بنده به لحاظ نیاز مالی به سپاه نیامدم، عشق به انقلاب مرا به سپاه راهی کرد.» سعید علامیان، نویسنده «دارساوین» هم در این مراسم ابراز داشت: «کتاب دارساوین در برگزیده مطالب متنوعی است که شاید در این مستندی که پخش شد با آن آشنا شده باشید. او بچه‌روستا، اهل زراعت و دامداری است، ممکن است کودکان در این فضاها با تیر و کمان گنجشکی را شکار کنند و من این سوال را از سردار جعفری پرسیدم، ولی ایشان گفت هرگز این کار را نکرده است؛ اما چنین فردی چطور می‌تواند فرمانده لشکر زرهی سپاه باشد! آنچه سپاه را ماندگار و محبوب کرد تیر و تفنگ و موضوع نظامی نبود، بلکه مناسبات انسانی بود، همراهی مردم با آنها بود، سپاه وقتی وارد سردشت شد مثل امدادگر عمل کرد و به ارازا و نیازهای گرمایشی مردم می‌پردازد اینهاست که سپاه را محبوب کرد.» سعید علامیان نویسنده «دارساوین» هم در این مراسم ابراز داشت: کتاب دارساوین در برگزیده مطالب متنوعی است که شاید در این مستندی که پخش شد با آن آشنا شده باشید. نویسنده این کتاب خاطر نشان کرد: «نیمی از کتاب به موضوع کردستان پرداخته است، این موضوع مهم است چرا که غالباً کردستان می‌توانست به یک فاجعه بزرگ انسانی مبدل شود اما ببینید چه اتفاقی افتاد؟» وی در پایان بیان کرد: «آنچه سپاه را ماندگار و محبوب کرد تیر و تفنگ و موضوع نظامی نبود، بلکه مناسبات انسانی بود، همراهی مردم با آنها بود، سپاه وقتی وارد سردشت شد مثل امدادگر عمل کرد و به ارازا و نیازهای گرمایشی مردم پرداخت اینهاست که سپاه را محبوب کرد.»

خاطرات جنگ را دستورالعملی برای رفتار اجتماعی امروز جامعه ما دانست: «جنگ‌ها در روز و ساعتی شروع و در روز و ساعتی دیگر تمام می‌شوند اما دامنه مطالعاتی آنها تا قرن‌ها باقی می‌ماند و دنیا این فرصت را پیدای می‌کند تا آنچه در آنها رخ داده است، رصد کند و بفهمند که ادبیات جنگ امری است گرانبها که به قیمت خون جوانان یک کشور، ویرانی‌ها، مفقود شدن و... حاصل می‌شود. به دلیل آنکه ادبیات جنگ چنین بهایی دارد سرشار است از انرژی و قرن‌ها جهان به آن نیاز خواهد داشت. کتاب «دارساوین» در این میان به‌مانش می‌دهد که قرار گرفتن یک نظامی در کنار یک نویسنده و برعکس چگونه می‌تواند منجر به یک اثر سالم و دقیق در این ادبیات برای ما شود. این کتاب و سایر آثاری که به موضوع جنگ در دنیا نوشته می‌شوند قیمت تمام‌شدن جنگ را برای ملت‌ها محاسبه می‌کنند تا مردم بدانند چراغی که بعد از جنگ بالای سرشان روشن می‌شود چه قیمتی دارد و بعد از جنگ باید با جامعه و کشورشان چگونه رفتار کنند؟ خاطرات جنگ مقدمه شناخت آن است و نزدیک‌ترین روایت‌ها را برای ما بازنمایی می‌کند. به‌باور من این خاطرات مانند دانه گندم است. وقتی نوشته شد مبدل به گندم‌زاری می‌شود و وقتی خوانده می‌شود حکم قرص نان را پیدا می‌کند که به جامعه جان می‌دهد.»

عشق به انقلاب

پس از پخش نماهنگی از سخنان راوی و نویسنده کتاب، سردار فتح‌الله جعفری با پایي که بر اثر یک حادثه شکسته بود، پشت‌تريبون حاضر شد و در ابتدای سخنانش ضمن تشکر از آقای علامیان بابت آنکه دفترچه فرسوده خاطراتش را از سال ۸۶ تا کنون به کتابی ارزشمند و خوب تبدیل کرده، گفت: «در این کتاب آن مطالبی را که آقای



آقای رکورد

هری کین بالاتر از مسی و رونالدو



همه آمده بودند، از همسرش تا پدر و مادرش، طرفداران با بنرهای در دست امید داده بودند تا او بتواند گلزنی کند، عبور از قصه بزرگان کند، آلن شیرر همان ماشین گلزنی و افسانه‌ای بریتانیا هم آمده بود؛ هری ردنپ هم حضور داشت، تونی آدامز هم بود؛ آری تونی آدامز همان کسی بود که برای اولین بار پایش را به هابیوری باز کرده بود، همان کودکان خردسالی که ابتدای هر بازی در کنار بازیکنان وارد بازی می‌شوند و هری هم یکی از آنها بود که دست به دست کاپیتان آدامز وارد هابیوری شده بود. همه آمده بودند تا شاهد یک اتفاق بزرگ باشند، شاید برد تاتنهام و از آن بالاتر کلی رکوردشکنی... در جریان پیروزی ۲ بر ۵ تاتنهام مقابل ساوتهمپتون، موفق به ثبت هت‌تریک دیگری شد تا تعداد هت‌تریک‌هایش در رقابت‌های لیگ برتر در سال ۲۰۱۷ را به عدد ۶ برساند. بدین ترتیب او رکورد جدیدی در زمینه هت‌تریک در یک سال میلادی در تاریخ لیگ برتر انگلیس به ثبت رسانید. با احتساب دو هت‌تریک وی در لیگ قهرمانان اروپا و جام حذفی انگلیس تعداد هت‌تریک‌های وی در سال ۲۰۱۷ به عدد ۸ می‌رسد. نکته جالب توجه اینکه سایر بازیکنان لیگ برتر مجموعاً ۶ هت‌تریک در سال ۲۰۱۷ به ثبت رسانیدند. سرخیو آگوئرو، جاش کینگ، روملو لوكاکو، آوارو موراتا، وین رونی و کالم ویلسون هر کدام یک هت‌تریک ثبت کردند. نه صحبت از مسی و رونالدو نیست، صحبت از بازیکنی است که در سال گذشته میلادی بیشتر از هر دوی آنها گل زد، بازیکنی که دارد تبدیل به یک فوق‌ستاره غیر قابل انکار می‌شود، بازیکنی که هواداران تیم رئال مادرید حتی بیشتر از نیمار دوست دارند که او را داشته باشند، او هری کین است، یکی از بهترین‌های سال ۲۰۱۷ بدون هیچ تردیدی...

سالی که در آن بر بود از رکوردشکنی؛ با سه گلی که هری کین وارد دروازه ساوتهمپتون کرد، با ۳۹ گل زده در رقابت‌های لیگ برتر در سال ۲۰۱۷، رکورد گلزنی در لیگ برتر انگلیس در یک سال میلادی را شکست. او با این آمار رکورد آلن شیرر را شکست و با ۳۹ گل زده در سال ۲۰۱۷ میلادی از رکورد ۳۶ گل زده آلن شیرر در سال ۱۹۹۵ میلادی عبور کرد. رکوردشکنی‌های هری کین تنها به این حد هم محدود نماند و این هت‌تریک مقابل ساوتهمپتون باعث شد که او یک رکوردشکنی فوق‌العاده را رقم بزند. کین با این سه گل، تعداد گل‌های باشگاهی و ملی خود را در مجموع به عدد ۵۶ یعنی دو گل بیشتر از رکورد

ثبت‌شده توسط لیونل مسی برساند. مهاجم ۲۴ ساله تاتنهام همچنین بالاتر از رابرت لواندوفسکی، ستاره بایرن مونیخ و تیم ملی لهستان، کریستیانو رونالدو، فوق‌ستاره رئال مادرید و تیم ملی پرتغال و نیز ادینسون کاوانی مهاجم گلزن پاری سن ژرمن و تیم ملی اروگوئه قرار دارد که هر یک در مجموع دیدارهای باشگاهی و ملی ۵۲ بار توپ را به دروازه حریفان دوخته‌اند. هری کین با کسب عنوان بهترین گلزن سال جهان به سنت هفت سال گذشته این عنوان که همواره به نام دو ستاره فوتبال جهان یعنی لیونل مسی و کریستیانو رونالدو گره خورده بود، پایان داد. لیونل مسی سال ۲۰۱۶ با به ثمر رساندن ۵۹ گل این عنوان را از آن خود کرده بود.

این سوال از همین حالا مطرح است که آینده هری کین در سال‌های بعد چه خواهد بود، خیلی‌ها معتقدند که او به یکی از دو تیم رئال مادرید یا بارسلونا خواهد پیوست. در این میان صحبت رئال مادرید بیشتر به گوش می‌رسد. مشکلات شدید رئال مادرید در خط حمله باعث شد آنها به شدت به دنبال جذب یک مهاجم باشند و اخباری در مورد احتمال ارائه پیشنهادی ۲۰۰ میلیون یورویی از سوی پرنس برای جذب هری کین شنیده می‌شود. قرارداد فعلی ستاره گلزن تاتنهام با این تیم تا سال ۲۰۲۲ اعتبار دارد و دستمزد او سالانه ۵٫۵ میلیون پورو است اما جالب اینجاست که هری کین در بین ۳۵ بازیکن اول لیگ برتر از لحاظ دریافت دستمزد جایی ندارد و همین موضوع احتمال انتقال او به رئال مادرید را بیشتر می‌کند. هرچند پوچتینو، سرمربی تاتنهام اعتقاد دارد که این ستاره قیمت ندارد؛ «می‌خواهیم هری کین در تاتنهام بماند بنابراین هیچ رقم مشخصی وجود ندارد. ما می‌توانیم در مورد بسیاری از چیزها صحبت کنیم، اما غیرممکن است که قیمت هری کین را مشخص کنیم. هری کین از روز اول نیز به عنوان یک سوپر استار راهی تاتنهام شد و حالا نیز چیزی تغییر نکرده است. ما از روز اول پتانسیل هری کین را دیدیم و به او اعتماد داشتیم و او به خاطر دستاوردش لایق این تعاریف است.

فارغ از مساله قیمت این مساله مطرح‌شده که آیا هری کین می‌تواند در لالیگای اسپانیا بدرخشد؟ پیش از این بازیکنان انگلیسی مثل استیو مک منمن و مایکل اوون با پیراهن رئال مادرید به هیچ‌وجه موفق نبودند، حتی استیو مک منمن از پرنس می‌خواهد دست از سر کین بردارد، در مقابل آلن شیرر افسانه‌ای که امسال رکوردش توسط هری

کین شکسته شد اعتقاد دارد که این بازیکن در هر تیمی موفق می‌شود؛ «نه تنها که کین رکورد گلزنی من در طول سال را شکست، بلکه با هت‌تریک آخرش توانست از رونالدو و مسی هم رکورد بهتری در سال ۲۰۱۷ به ثبت برساند. باور کنید که اگر او در رئال مادرید و بارسلونا هم بازی می‌کرد، همین رکورد را به ثبت می‌رساند. باشگاه بدون ستاره‌های بزرگش راهی استادیوم جدید نخواهد شد؛ هرچند آنها در چمپیونزلیگ عالی بودند ولی عدم قهرمانی در لیگ برتر ممکن است مشکلاتی برای آنها ایجاد کند.»

این روزها هری کین را بهترین مهاجم جهان می‌دانند و مدام با مسی و رونالدو مقایسه می‌شود، هرچند پوچتینو ترجیح می‌دهد او را یکی از بهترین‌های جهان بداند؛ «برای من او در کلاس جهانی است. به نظرم او امروز مهاجم شماره یک دنیاست، البته در پست تخصصی خودش، چه کسی را بهتر از او سراغ دارید؟ به نظرم او یکی از بهترین‌هاست؛ سخت بتوان گفت که او بهترین است اما امروز نشان داد که یکی از بهترین‌هاست. زمانی که در چنین سطحی هستید، باید با تمام اراده خود مبارزه کنید تا در این سطح بمانید. برای این کار باید سخت تلاش کنید، حتی بیش از پیش، باید حرفه‌ای‌تر و متمرکزتر باشید. اگر به دستاوردی برسید و بگوئید نیاز دارم ۱۰ متر بدوم ولی فقط ۹ متر می‌دوم، خودتان را گول زده‌اید و این مشکل بزرگی است. مهم‌ترین چیز این است که ذهنیت خود را حفظ کنید. رمز کار این است که هر روز سخت تلاش کنید. شما نمی‌توانید یک روز بگویید نه. این راز بازیکنان بزرگی مانند هری، کریستیانو رونالدو، مسی و دیگران است. شما نمی‌توانید دست از کار هر روز بردارید.»

خود هری کین از اینکه با مسی و رونالدو مقایسه می‌شود بسیار خوشحال است؛ «برای رسیدن به اهدافم خیلی تلاش کردم. البته اگر تلاش هم‌تیمی‌هایم نبود، هرگز تا این اندازه گل نمی‌زد. می‌خواهم از پوچتینو، سرمربی تیم تشکر کنم که به اندازه کافی فرصت رشد و بازی به من داد. قرار گرفتن بالای سر اعجوبه‌هایی مانند مسی و رونالدو افتخار بزرگی بود. مسی و رونالدو سال‌هاست بر فوتبال سلطه دارند و آنها دو بازیکن بسیار بزرگ هستند و مقایسه شدن با آنها برای من افتخار بزرگی است. سعی می‌کنم به تلاش کردن ادامه دهم و بهتر و بهتر شوم. مربی و کادرفنی من را رو به جلو حرکت می‌دهند، از این بابت نگران نباشید.»

پهلوان گرم‌دشت

سرگذشت نامه شهید حسین قجه‌ای

«پهلوان گود گرم‌دشت» کتابی است که به زندگی شهید «حسین قجه‌ای» می‌پردازد. در این اثر که به قلم «گلعلی بابایی» تدوین شده است، بخشی مهم از تاریخ دفاع مقدس با محوریت زندگی حسین قجه‌ای، فرمانده گردان سلمان روایت شده است. «پهلوان گود گرم‌دشت» هشتمین جلد از مجموعه «بیست و هفت در ۲۷» است. این مجموعه اختصاص به ۲۷ تن از فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) دارد. حسین قجه‌ای در سال ۱۳۳۷ متولد و در سال ۱۳۵۳ وارد فعالیت‌های سیاسی شد. با پیروزی انقلاب به استخدام کمیته مردم‌وپس از مدتی سپاه پاسداران زرین شهر را تأسیس کرد. مدتی نیز مسئولیت توپخانه سپاه مروان و دزلی را پذیرفت. وی ماه‌ها با گروهک‌های ضدانقلابی جنگید و در عملیات محمد رسول الله (ص) با سمت فرمانده عملیات حاضر شد. قجه‌ای بعد از شرکت در عملیات فتح‌المبین با سمت فرمانده گردان سلمان فارسی در عملیات بیت‌المقدس شرکت کرد و سرانجام در سن ۲۴ سالگی به شهادت رسید. پایداری حسین قجه‌ای و نیروهایش، گل سرسید مقاومت نیروهای قراگاه نصر ۲ محسوب می‌شد؛ «غروب روز دوم عملیات، رفته سمت محل استقرار بچه‌های حسین؛ آنجا، یک خاکریز، عمود بر جاده آسفالت اهواز- خرمشهر وجود داشت که عراقی‌ها، کماندوهای تیپ ۲۳ نیرو مخصوص خودشان را تا پشت آن، جلومی کشیدند و به شکل تن به تن، با نیروهای گردان حسین می‌جنگیدند. نیروهای گردان سلمان، همگی بسیجی‌های اعزامی از سپاه شهرستان کرج بودند و عمدتاً بچه محصل کم سن و سال و خیلی ریز نقش بودند.» «شهید قجه‌ای» قهرمان کشتی کشور در وزن ۴۸ کیلوگرم بود. گرم‌دشت آخرین جایی بود که شهید قجه‌ای با حریفانش به زورآزمایی پرداخت. ولی این بار حریفش رژیم بعث عراق بود که در این مبارزه هم ایشان به پیروزی رسید و به مقام رفیع شهادت نائل آمد. ایشان فرمانده گردان سلمان در عملیات بیت‌المقدس بود.

خط مرزی

داستان‌هایی با موضوع دفاع مقدس

مجموعه داستان «خط مرزی»، به قلم سیدحسین موسوی‌نیا، در انتشارات شهرستان ادب منتشر شد. هفت داستان این مجموعه به جنگ و خانواده‌های درگیر با آن، چه در دوران دفاع مقدس و چه پس از آن، می‌پردازند. «خط مرزی» با قصه «دیدگاه» آغاز می‌شود که ماجرای رادر جبهه عراق روایت می‌کند. «روزی روزگاری پدر» قصه زندگی خانواده یکی از جانبازان اعصاب و روان است و «کنسروهای خونی»، «گل‌ریخ»، «دست‌های سرگردان» و «قنات» به دیگر رخدادها می‌پردازد. «خط مرزی» به جنگ تحمیلی از جمله فتح خرمشهر و شهدای غواص و خط‌شکنان عملیات کربلای چهار می‌پردازد. بلوغ و انتخاب از بن‌مایه‌های اصلی «خط مرزی» است. موسوی‌نیا شخصیت‌هایی را آفریده است که در بزنگاه‌هایی سرنوشت‌ساز، باید دست به انتخاب بزنند. نویسنده کوشیده است از نگاه کلیشه‌ای به دفاع مقدس دور بماند و فضاهایی متفاوت را واکاود تا نگاهی نو به این واقعه مهم تاریخ معاصر کشور بیندازد. در بخشی از داستان «قنات» چنین می‌خوانیم: «خیابان‌ها از طرفی که می‌رسند به بهارستان، بسته جمعیت‌اند. او، پالرزان، روی پل چوبی که می‌رسد دست به کمر می‌گیرد و دو طرف را نگاه می‌کند. با خودش می‌گوید انگار آدم‌ها وقتی روی یک بلندی می‌ایستند اولین فکری که به ذهن‌شان می‌رسد پریدن است. روی پل کمی به جلو خم می‌شود...» همچنین در پشت جلد کتاب آمده است: «امروز غروب می‌آیند داوطلب‌ها را ببرند خط. نگفته بودند عملیات، اما این طور پیچیده است. پتورا کنار می‌زنم. احساس گنگی دارم، احساس مار وقتی بخواد پوست بیندازد...» سیدحسین موسوی‌نیا، متولد ۱۳۶۵ در شهرری، فارغ‌التحصیل مهندسی برق است و تحصیلات خود را تا مقطع کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی ادامه داده است. او نوشتن را از سال ۱۳۸۳ آغاز کرده است و موفق شده است در جشنواره‌های مختلف جوایزی را کسب کند. «خط مرزی» نخستین کتاب مستقل او است. البته پیش از این چند داستان از موسوی‌نیا در کتاب‌هایی منتشر شده بود.

سرو زیر آب

یک فیلم دفاع مقدسی در جشنواره فجر

«راز جهان‌بخش کرامت فاش می‌شود؟ این راز خواب چیست، ماهرو، گودرز، بهرام، جهانگیر و سرگرد پوشیاس را آشفته خواهد کرد. جهان‌بخش برای اثبات بی‌گناهی‌اش و بازگشت آرامش سفر بلندی را آغاز می‌کند؛ سفری که پایانش زندگی بسیاری از آنها را تغییر می‌دهد...» این خلاصه فیلم «سرو زیر آب» ششمین ساخته محمدعلی باشه‌آهنگر است که پیش از این او را با فیلم‌هایی نظیر «بیداری رویاها»، «فرزند خاک»، «نبات داغ» و «نیمه گمشده» دیده بودیم اما شاید ماندگارترین اثر او فیلم «ملکه» باشد که در جشنواره فیلم فجر، دفاع مقدس و جشن خانه سینما موفق به دریافت جوایز مختلفی شد. «سرو زیر آب» برای اولین بار در سی‌وششمین جشنواره ملی فیلم فجر نمایش داده می‌شود و این روزها آخرین مراحل فنی را پشت‌سر می‌گذارد. همچنین حسین علیزاده، مشغول ساخت موسیقی این فیلم است. این دومین همکاری علیزاده با باشه‌آهنگر پس از فیلم «ملکه» خواهد بود. صداگذاری «سرو زیر آب» هم توسط امیرحسین قاسمی انجام می‌شود. در فیلم «سرو



زیر آب» که فیلمنامه آن توسط محمدعلی باشه‌آهنگر و حامد باشه‌آهنگر نوشته شده، بابک حمیدیان، مسعود رایگان، رضا بهبودی، مینا ساداتی، همایون ارشادی، مهتاب نصیرپور، هومن برق‌نورد، ستاره اسکندری، شهرام حقیقت‌دوست، فرخ نعمتی، هادی قمیشی، سیاوش چراغی‌پور، حسن تجاریان، حسین فلاح و امیر دلفانی نقش‌آفرینی می‌کنند. این فیلم که در تهران، میبد، روستای مزرعه کلانتر، یزد، روستای سپیددشت لرستان و دزفول فیلمبرداری شده،

در مورد شهدای گمنام و اتفاقاتی است که در معراج شهدا و نوردلوله اهواز افتاده...

باشه‌آهنگر، کارگردان فیلم پیش از این در مصاحبه‌ای گفته بود: «ساخت «سرو زیر آب» از همه فیلم‌های دیگرم سخت‌تر بود، به شدت با کار پیچیده و مشکلی روبه‌رو بودیم. این فیلم متفاوت از دیگر آثارم است ولی مانند سایر فیلم‌هایم فضای جدیدی از جنگ را مطرح کرده‌ام. البته در مقایسه با فیلم ملکه از جهت محتوا و فضا سازی با کاری سنگین‌تر روبه‌رو هستیم. سرو زیر آب میانه تا پایان جنگ را مورد بررسی قرار می‌دهد و سعی کردم در این اثر سینمایی تنها روایتگر جنگ نباشم بلکه آسیب‌های پیرامون این پدیده را در مقطعی که فیلم روایت می‌کند نیز مورد بررسی قرار دهم.»

علیرضا زرین‌دست، مدیر فیلم‌برداری این فیلم هم اعتقاد دارد که «سرو زیر آب» یکی از آثار برجسته جشنواره امسال است: «فیلم «سرو زیر آب» فیلمنامه بسیار سختی داشت که آقای آهنگر و فرزندشان حامد برای نگارش آن بسیار زحمت کشیدند؛ این فیلم جزئیات ارزشمندی را جمع به شهدا دارد که فوق‌العاده است. به نظرم این فیلم سینمایی یکی از بهترین آثار است که محمدعلی باشه‌آهنگر در کارنامه خود به ثبت خواهد رساند. حدسم این است که در سال ۱۳۹۶ یکی از آثار برجسته سینمایی ایران باشد.»

پیشخوان جهانی



جنگ‌آل‌های تازه آمریکا به روایت نیوزویک



نیازهای تازه از نگاه اسپیکل



انتظار فرانسوی‌ها از ماکرون

مجاهدی، معاون بانکداری بانک انصار:

افزایش سقف تسهیلات حاتم به ۱۵۰ میلیون ریال



در راستای اجرایی شدن فرمایش مقام معظم رهبری درباره حمایت از تولید داخلی، مبلغی بالغ بر ۳۰ هزار میلیارد ریال به تقویت شرکت‌های تولیدی ایرانی اختصاص داده است تا در راستای استحکام زیرساخت‌های تولیدی کالاهای اساسی هزینه کنند. در اجرای طرح حاتم نیز مبلغ ۱۰ هزار میلیارد ریال به امر فروش کالاهای ایرانی اختصاص داده شده است. به واسطه این طرح، تسهیلات به متقاضیان خرید کالا داده می‌شود تا ضمن رفع نیازهای مردم، کالاهای تولید داخل هم به فروش برود و شرکت‌ها به سرمایه و سود خود دست می‌یابند. در این طرح شرط شده است که گیرنده تسهیلات تنها باید کالاهای ساخت ایران را خریداری کند و وجه خرید مستقیماً به حساب شرکت تولیدکننده واریز می‌شود. در این طرح امکان خرید کالاهای خارجی به هیچ وجه وجود ندارد.

زیرساخت‌های اجرای این طرح چگونه فراهم شد؟

▲ اجرای این طرح مبتنی بر سیستم کارت اعتباری است تا از طریق پایانه‌های فروش (POS) و اتصال حساب تولیدکننده به دستگاه‌های POS واریز مستقیم وجه فروش کالا به حساب فروشندگان میسر و برای جلوگیری از خرید کالاهای مشابه خارجی، محدودیت شهرهای کشور ایجاد شود. تاکنون با ۱۷ شرکت تولیدکننده کالاهای اساسی، لوازم منزل و فرش و مبلمان قرارداد امضا

این موضوع و به منظور شفاف‌سازی اهداف، نحوه اجرا و چگونگی بهره‌مندی متقاضیان از این طرح، گفت‌وگویی با مجاهدی، معاون اعتبارات بانک انصار انجام داده‌ایم که در آن به سوالات مرتبط پاسخ داده شده است.

لطفاً دلایل اجرایی شدن طرح حاتم را تشریح کنید.

▲ اقتصاد مقاومتی، نیازمند استحکام زیرساخت‌های تولید داخلی با سرمایه‌های ایرانی است. بنابراین، هر اقدامی که باعث تقویت بنبه‌های تولیدی و زمینه‌ساز فروش کالاهای ساخت داخل باشد، به تحقق این اقتصاد کمک کرده است. طرح «حاتم» از حروف اول چهار کلمه «حمایت از تولید ملی» تشکیل شده است. این طرح در اواخر سال ۱۳۹۴ طراحی و از اوایل سال ۱۳۹۵ به منظور انجام فعالیت‌هایی در راستای حمایت از تولیدکنندگان داخلی، تسهیل و تسریع در فروش کالاهای اساسی ساخت داخل، لوازم خانگی تولید داخلی و تقویت سمت تقاضا به اجرا درآمد. این طرح، علاوه بر اقتصاد مقاومتی، تحقق شعار سال ۱۳۹۱ مبنی بر «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» را نیز مدنظر قرار داده است. برای اجرای این طرح که در پی ارائه الگوی ریل‌گذاری بانک‌ها برای ایفای نقش در اقتصاد مقاومتی به تصویب رسید، با ریاست بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نیز هماهنگی به عمل آمد. بانک انصار از سال ۱۳۹۱ و به ویژه ۹۲ و ۹۳

بانک انصار در راستای تحقق فرمایش مقام معظم رهبری در حمایت از تولید ملی، با سرمایه‌های ایرانی نسبت به اعطای تسهیلات به زوج‌های جوان و عموم مردم برای تهیه جهیزیه و وسایل زندگی در قالب عقد مراحبه اقدام کرده است. این طرح در سال گذشته با اختصاص ۱۰ هزار میلیارد ریال به مرحله اجرا در آمده و تداوم یافته است. طرح حاتم و اعطای تسهیلات خرید کالای ایرانی توسط بانک انصار، به عنوان نخستین طرح عملیاتی در حمایت از تولید داخلی و تحقق اقتصاد مقاومتی به شمار می‌آید. بانک انصار پرچمدار تحقق اقتصاد مقاومتی در شبکه بانکی است و اجرای طرح حاتم را می‌توان یک حرکت پیشگامانه تلقی کرد که برای موفقیت در سطح کلان، نیازمند عزم عمومی شبکه بانکی است تا با اجرای طرح‌های تکمیلی موجبات تقویت نظام تولید داخلی را فراهم آورند و به توسعه ظرفیت‌های بومی و رونق بخشی به بازار فروش کالاهای ایرانی مساعدت کنند. عملیاتی کردن پیشنهادی ده گانه مقام معظم رهبری در خصوص اقتصاد مقاومتی نیازمند طرح‌هایی نظیر طرح حاتم است تا در راستای تقویت تولید داخلی و سمت تقاضا در عرصه اقتصادی اقدامات گسترده صورت گیرد و مردم به خرید کالاهای ساخت داخل تشویق شوند. البته بانک انصار اصرار دارد که کیفیت کالاهای ایرانی باید در سطح استانداردهای بین‌المللی رعایت شود. باتوجه به اهمیت

خانواده وجود ندارد. مهمترین شرط استفاده از این طرح، احراز صلاحیت دریافت و توانایی بازپرداخت اقساط و عمل به تعهدات و به عنوان مثال درآمد معین ماهانه است. متقاضیان می‌توانند به منظور آسان شدن دریافت تسهیلات، در صورتی که از یارانه دولتی استفاده می‌کنند و مبلغ یارانه به حسابشان واریز می‌شود، با انتقال یارانه خود به بانک انصار موافقت کنند و به بانک برای وصول اقساط خود اجازه برداشت بدهند.

وضعیت خدمات پس از فروش این کالاها چگونه است؟

▲ خدمات پس از فروش کالاهاى خریدارى شده و ساير موارد ديگر مانند ضمانت نامه، گواهى كيفيت و تعيين قيمت کالا به عهده شركت توليدكننده است و بانك در قبال آن هيچ مسئوليتى ندارد.

چه کسانی برای دریافت این تسهیلات اولویت دارند؟

▲ امکان استفاده از تسهیلات این طرح برای همگان وجود دارد و با عنایت به اینکه ۱۰ هزار میلیارد ریال به این طرح اختصاص یافته است، تعیین اولویت ضرورتی ندارد و بانک انصار در نظر دارد که در صورت استقبال از طرح و انجام تعهدات استفاده کنندگان، اعتبار طرح را باز هم افزایش دهد. با این وجود، در صورت وجود محدودیت اعتباری، مزودجین جوان در اولویت قرار دارند.

میزان استقبال از طرح چگونه است؟

▲ این طرح از اوایل سال ۱۳۹۵ به مرحله اجرا درآمد و تاکنون حدود ۴۰ هزار نفر از ۳۰۰۰ میلیارد ریال تسهیلات آن استفاده کرده‌اند.

آیا با توجه به افزایش نرخ تورم سقف تسهیلات دریافتی افزایش نیافته است؟

▲ به منظور ارائه خدمات بهتر و استفاده بهینه متقاضیان طرح حاتم، سقف تسهیلات از مبلغ ۱۰ میلیون ریال به ۱۵۰ میلیون ریال و مدت بازپرداخت اقساط نیز از ۳۰ ماه به ۳۶ ماه افزایش یافته است. ▶

حد اکثر ۱۵۰ میلیون ریال با نرخ سود ۱۵ درصد و مدت بازپرداخت آن حداکثر ۳۶ ماهه و مهلت استفاده از اعتبار موجود در کارت، حداکثر یک ماه است و پس از آن کارت باطل خواهد شد، چراکه اعتبار تخصیص یافته یکبار مصرف است. دارنده کارت طی یک ماه مهلت تعیین شده می تواند در چند مرحله و از چندین فروشگاه مختلف کالای مورد نیاز خود را خریداری کند.

برای توسعه طرح، چه برنامه‌هایی دارید؟

▲ به منظور توسعه طرح و امکان فروش هرگونه کالای مورد نیاز متقاضیان، با سایر شرکت‌های تولیدکننده داخلی (اعم از لوازم خانگی و غیره) مذاکره کرده‌ایم و آنها را به مرور زمان تحت پوشش طرح قرار می‌دهیم و همچنین تعداد نمایندگی‌های فروش کالاها را افزایش داده‌ایم. افزون بر این، به گونه‌ای برنامه‌ریزی کرده‌ایم که امکان فروش کالاها به صورت تمام الکترونیک فراهم شود و زحمت مراجعه به نمایندگی‌های فروش کم شود. البته این برنامه را هم داریم که بر اجرای طرح با دقت نظارت کنیم و کاستی‌های آن را برطرف کنیم تا حداکثر رضایت مشتریان و متقاضیان را تأمین کنیم.

برای دریافت این تسهیلات، چه مدارکی مورد نیاز است و چه مراحل باید طی شود؟

▲ نوع مدارک در سایت طرح حاتم مشخص شده و متقاضیان پس از ثبت نام در سایت طرح حاتم و دریافت کد رهگیری، باید در مهلت تعیین شده به شعبه مورد نظر مراجعه کنند و مدارک لازم را برای طی مراحل دریافت تسهیلات که کمترین فرآیند اداری را داراست، ارائه دهند و سپس ضامن معتبری را معرفی کرده و ضمن احراز صلاحیت برخورداری از مزایای طرح حاتم، تشکیل پرونده داده و نسبت به اخذ کارت اعتباری حاتم اقدام کنند.

در هر خانواده چند نفر می توانند از این تسهیلات استفاده کنند؟

▲ برای هر فرد واجد شرایط، امکان استفاده از تسهیلات فراهم شده و محدودیت، برای اعضای یک

کرده ایم. در اقصی نقاط کشور، بیش از هزار نمایندگی شرکت های طرف قرارداد آماده فروش کالاهای خود هستند. سایت ویژه طرح حاتم با آدرس <http://hatam.ansarbank.com> راه اندازی شده است و هم اکنون به عنوان یک لینک با عنوان «حاتم» به وب سایت رسمی بانک انصار <https://www.ansarbank.com> متصل شده است تا متقاضیان گرامی این تسهیلات بتوانند از جزئیات طرح و نحوه برخورداری از مزایای آن و شرکت های طرف قرارداد و نیز آدرس نمایندگی های فروش کالا و آدرس شعب بانک آگاه شوند.

مشمولان این طرح چه نوع کالاهایی را می‌توانند تهیه کنند؟

▲ دریافت کنندگان این تسهیلات می توانند لوازم آشپزخانه، صوتی و تصویری، تجهیزات سرمایشی و گرمایشی، لوازم خانگی و مبلمان و سرویس خواب، یخچال، فریزر، لباسشویی و اجاق گاز خود را در فروشگاه‌های طرف قرارداد تهیه کنند که تمامی این لوازم در پورتال طرح حاتم درج شده است. ضمانت‌درا حل گسترش دامنه فروش به اقلام و کالاهای دیگر ایرانی هستیم که به محض حصول نتیجه به اطلاع عموم خواهد رسید.

نحوه استفاده متقاضیان از طرح مذکور چگونه است؟

▲ متقاضیان استفاده از کالاهای داخلی می توانند با مراجعه به سایت طرح حاتم و اطلاع از شرایط و مقررات خرید کالاهای مورد نیاز و موجود، با مشاهده لوازم و نوع قیمت آنها پس از ثبت نام در طرح و اخذ کد رهگیری برای دریافت تسهیلات به شعبه تعیین شده مراجعه کنند و با ارائه مدارک لازم به تشکیل پرونده بپردازند و مراحل لازم برای دریافت تسهیلات را طی کنند و با مراجعه به هریک از نمایندگی های فروش در سراسر کشور که آدرس آنها در سایت مربوط آمده است، نسبت به خرید کالای مورد نظر اقدام نمایند.

مبلغ تسهیلات در نظر گرفته شده برای هر متقاضی،

کوثر ۷؛ جدیدترین طرح تسهیلاتی موسسه اعتباری کوثر

چابک سازی حوزه مرکزی موسسه در راستای این نگاه انجام شده است. «حسین کرمی، سرپرست معاونت اعتبارات و بازاریابی موسسه اعتباری کوثر هم با اشاره به طرح های جدید تسهیلاتی گفت: «از آنجا که تامین نیاز و جلب رضایت مشتریان همواره در اولویت برنامه های موسسه است، طرح کوثر ۷ به عنوان جدیدترین طرح تسهیلاتی و همزمان با هفتمین سال تأسیس کوثر جهت ارائه به عموم مردم در ۳۵۲ شعبه موسسه ارائه می گردد.» سرپرست معاونت اعتبارات و بازاریابی موسسه اعتباری کوثر با اشاره به سقف تسهیلات ارائه شده در این طرح افزود: «در طرح تسهیلاتی کوثر ۷ مشتریان عزیز می توانند تسهیلات تا سقف ۵ میلیارد ریال با نرخ ۱۸ درصد و رعایت ضوابط موسسه دریافت نمایند.» وی بیان داشت: «تمامی مشتریان حقیقی، حقوقی و دارندگان دستگاه های پایانه فروشگاهی متصل به حساب روز شمار شتابی کوثر ۷ در صورت تمایل می توانند نسبت به افتتاح حساب اقدام و از مزایای این حساب برخوردار شوند.»

کرمی تصریح کرد: «حداکثر مدت بازپرداخت تسهیلات تا سقف یک میلیارد ریال، ۴۸ ماه و مبالغ بیش از یک میلیارد ریال حداکثر ۶۰ ماهه است که به ازای هر یک ماه ماندگاری بیشتر از ۲ ماه موجودی، شش ماهه دوره بازپرداخت اولیه تسهیلات افزوده خواهد شد.»

وی عنوان داشت: «ذائقه مشتریان در حال تغییر است و صنعت بانکداری کشور طی سال های گذشته با عبور از فراز و فرودهای مختلف و گذر از شیوه های متفاوت مدتی است در حال عبور از شیوه ای سنتی به نوین است. ما در موسسه اعتباری کوثر باید برنامه هایمان را متناسب با این ذائقه و نیاز مشتریان محترم به روز کنیم.»

در پایان جلسه جزئیات طرح کوثر ۷، تسهیلات تشویقی جامعه هدف، ابلاغیات اخیر اعتبارات و بازاریابی توسط مدیران و کارشناسان اعتبارات و بازاریابی تشریح و جلسه با پرسش و پاسخ شرکت کنندگان خاتمه یافت. ▶



باید تهدیدها را به فرصت تبدیل کنیم و با به خدمت گرفتن علم و تکنولوژی به روند توسعه ای کوثر شتاب دهیم.»

فهمی پور با بیان زحماتی که در به دست آوردن جایگاه فعلی کوثر در نظام بانکی مصروف شده است، افزود: «موسسه کوثر با گذر از شرایط دشوار، روز به روز پله های ارتقاء نظام بانکی را طی می نماید و هم اکنون طبق قوانین و مقررات بانک مرکزی به سمت اهداف پیش بینی شده گام برمی دارد.»

وی بیان داشت: «در شرایط فعلی باید با دقت، نگاه علمی و آمادگی کامل بر توسعه فعالیت ها اتمام داشت. خوشبختانه موسسه اعتباری کوثر در برنامه ریزی های خود همواره نگاه علمی و پژوهشی بر فعالیت هایش داشته و

جلسه توجیهی کارشناسان اعتبارات موسسه اعتباری کوثر با محوریت طرح های تسهیلاتی جدید برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی موسسه اعتباری کوثر؛ جلسه توجیهی کارشناسان اعتبارات موسسه با حضور جواد فهمی پور قائم مقام مدیرعامل، حسین کرمی سرپرست معاونت اعتبارات و بازاریابی، قاسم شیرکوند مدیر شعب استان تهران و مدیران اعتبارات و بازاریابی و جمعی از کارشناسان اعتبارات و روسای شعب استان تهران در سالن همایش ساختمان حوزه مرکزی برگزار شد.

جواد فهمی پور قائم مقام مدیرعامل موسسه اعتباری کوثر با تشریح شرایط سخت پیش روی نظام بانکی گفت: «در شرایطی که نظام بانکی سال های سختی را می گذراند

تقدیر از بانک دی در سومین کنفرانس ملی کارآفرینی

ناهنجاری های جامعه از جایگاه ویژه ای برخوردار است. «میرمحمد صادقی گفت: «کارآفرینی و توسعه پایدار، اقتصاد و سرمایه گذاری، کارآفرینی و فناوری های نوین، کارآفرینی و کسب و کارهای کوچک، کارآفرینی و دولت و قانون، کارآفرینی و آموزش و توانمندسازی و تجارب موفق در کارآفرینی مهم ترین اهداف برگزاری سومین کنفرانس ملی کارآفرینی بود.»

الهام امین زاده، دستیار پیشین رئیس جمهوری در امور شهروندی نیز در این کنفرانس گفت: «در حال تغییر قانونی در معاونت حقوقی رئیس جمهوری هستیم تا سرمایه گذار خارجی بتواند بعد از اینکه تعهدات مالی و حقوقی خود را انجام داد؛ اصل و سود سرمایه خود را به کشور خود برگرداند.» وی اضافه کرد: «یکی از قوانینی که دغدغه سرمایه گذار بوده بحث ممنوع الخروجی به خاطر بدهی مالیاتی است که براساس آن از خروج فردی که سرمایه فراوانی در کشور دارد به خاطر بدهی مالیاتی خیلی جزئی جلوگیری می شود.»

حسین سلاجورزی، نایب رئیس اتاق بازرگانی ایران نیز در این مراسم گفت: «بخش خصوصی به لحاظ مالی، توان رقابت با بنگاه های دولتی و شبه دولتی را ندارد.»

در سومین کنفرانس ملی کارآفرینی که با حضور صاحبان بنگاه های اقتصادی، مقامات دولتی، بخش خصوصی و صدها کارآفرین با محوریت استقامت ملی و توسعه پایدار برگزار شد از بانک دی تقدیر شد.

به گزارش اداره روابط عمومی بانک دی، در سومین همایش ملی کارآفرینی که از سوی موسسه آموزشی و پژوهشی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و با مشارکت گروه ایده برگزار شد، ضمن بررسی مسائل و مشکلات بنگاه های اقتصادی و کارآفرینان کشور، روش ها و راهکارهای ایجاد و توسعه اشتغال پایدار بررسی شد.

تقدیر از کارآفرینان برتر کشور و تشکیل نشست هایی با موضوع بررسی عواقب ناشی از بیکاری، جوانان و کار پایدار، مسئولان و اشتغال و نقش بخش خصوصی در اشتغال پایدار از دیگر برنامه های سومین کنفرانس ملی کارآفرینی بود که در آن علاوه بر کارآفرینان و فعالان اقتصادی، استادان دانشگاه های حضور موثر داشتند. میرمحمد صادقی دبیر این همایش ایجاد اشتغال برای جوانان را از مسائل اصلی کشور دانست و افزود: «امروز توسعه کارآفرینی به عنوان راهبرد ملی برای دستیابی به موفقیت اقتصادی و رفاه اجتماعی و همچنین کاهش



گفتنی است سومین کنفرانس ملی کارآفرینی در چارچوب منویات مقام معظم رهبری و ضرورت رویکرد مدیریت اجتماعی در سال اقتصاد مقاومتی (تولید و اشتغال) و پس از برگزاری دو دوره کنفرانس کارآفرینی در سال های گذشته برگزار شد.

در پایان سومین کنفرانس ملی کارآفرینی در بخش تقدیر از کارآفرینان برتر کشور از محمدرضا قربانی مدیرعامل بانک دی با اهدای لوح، تقدیر به عمل آمد. ▶